A-P
77-938031
LIBRARY OF CONGRESS
6
MAR 2 7 1980
COPY
ORDER DIVISION

Ketabton.com

(c) kayhan.com: The Digital Library

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی‌حزب‌دموکراتیک خلق افغانستان‌رییس شورای‌انقلابی‌وصدراعظم هنگـــامیکـــه هیات سازمان عفو بین‌المللی‌را برای‌ملا قات درمقرشورای انقلابی‌پذیرفتند

اختصار وقایع مهم

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلـــق‌افغانستان رییـــس شورای انقلابی‌وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت سه‌ونیم بعد از ظهر ۲۵دلو هیات سازمان عفو بین المللی را در مقـــر شورای انقلابی پذیرفتند .

در جریان این ملاقات با اعضای هیأت که شامل ممتاز سوسل وایران تیرلینیون می باشند این اطمینان بوجود آمد که اساسات حقوق بشر در افغانستان پس از مرحله نوین انقلاب ثور بکلی احیا گردیده است .

• • •

جلسه شورای وزیران تحت ریاست ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکرا تیـــک خلق افغانستان رییس‌شورای انقـلابی وصدراعظم جمهور ی دمو کراتیـک افغانستان روز ۲۷ دلو از ساعت پنج عصر تا هشت شب در مقر شورای انقلابی دایـــر گردید .

• • •

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب‌دموکـراتیـک خلق افـــغانستان ، رئیس شورای انقلابی‌وصدراعظم جمهوری‌دموکراتیک افغانستان ساعت چهار وچهل وپنج دقیقه‌عصر ۲۶ دلو هیات جبهه مردم برای آزادی‌فلسطین را در مقر شورای انقلابی بـــرای ملاقـــات پذیرفتند .

• • •

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد ببرک‌کارمل منشی‌عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی‌و صدراعظم‌جمهوری دموکراتیک افغانستان ضمن تشکر صمیمانه از پیام‌تبریک رفیق کیمال سونگ منشی عمومـــی کمیته مرکزی حزب کارگر کوریا ورئیس جمهور جمهوری دموکراتیک خلق کوریا به مناسبت انتخاب شان بحیث منشی عمومی کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیـــس شورای‌انقلابی وصدراعظم جمهوری‌دموکراتیک افغانستان طی پیام جوابیه یی مقابلتا ابـراز یقین نمودند که مناسبات دوستی وهمکاری بین خلقهای هردو کشور از طریق مبارزات شان بر ضد امپریالیزم وارتجاع بین المللی بیش از پیش انکشاف می‌یابد .

• • •

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد از طرف ببرک کارمل منشی عمومـــی کمیته مرکـــزی حزب دموکـــراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک‌افغانستان تلگرام‌تبریکیه به مناسبت انتخاب چلالتماب ادوارد گریـک بحیث منشی اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری پولند به وارسا مخابره گـردیـده است .

• • •

اسدالله سروری عضو بوروی سیاسی‌کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغـانستان ، معاون شورای انقلابی ومعاون صدراعظم شام ۲۵ دلو از مزار شریف به کابل بازگشت .

اسدالله سروری باتفاق شیرجان مزدوریار وزیر ترانسپورت وتوریزم‌وقومندان عمومی قوای هوایی ومدافعه هوایی برای بازدید از بنادر مربوط ولایت بلخ به تاریخ بیست دلو به مزار شریف رفته بود .

• • •

فا کو لته زورنالیزم وابسته به انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان طی محفلی بعدازظهراول حوت بابیانیه د ستگیـر پنجشیری عضـــو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وعضو شورای انقلابی جمهـو ر ی دموکراتیک افغانستان درانستیتوت پولی‌تخنیک افتتاح شد .

• • •

فیض محمد وزیر امور سرحدات ساعت ۱۱ قبل ازظهر اول حوت دردفتر کـــارش باتون کوانگ کوشارژ دافیر سفارت کبـرای جمهوریت سوسیالیستی ویتنام ملاقات تعارفی بعمل آورد .

وهکذا فضل الرحیم مومند وزیر زراعت واصلاحات ارضی بعداز ظهر اول حوت دردفتر کارش باتون کوانگ‌کو شارژدافیر سفارت کبرای جمهوریت سوسیالیستی ویتنام ملاقات تعارفی بعمل آورد .

• • •

پروتوکول همکاری در ساحـــه نشراتی طباعتی وفروش کتب شام سی دلو بین وزارت اطلاعات وکلتور وکمیته دولتی اتحاد شوروی در امور نشراتی، طباعتی وفروش کتب درکابل عقد شد .

• • •

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد از طرف شاه محمد دوست وزیر امور خارجه تلگرام تبریکیه به مناسبت تقـــرر چلالتماب نگوین کونیچ بحیث وزیر امـــور خارجه جمهوری سوسیالستی ویتنام به هانوی مخابره گردیده است .

مجید سربلند وایوان کاروفکین هنگام‌امضای‌پروتوکول همکاری درساحهٔ نشراتی وطباعتی وفروش کتب بین وزارت اطلاعات وکلتور وکمیته دوستی اتحادشوروی درامور نشراتی

(c) ketabton.com: The Digital Library

«کارگران ودهقانان زحمتکش !
کاسبان وتاجران افغانستان !
از شما واز هرفرد وطنپرست کشور دعوت‌می نمایم در هر جاییکه هستید سر بلند و باغرور ومطمئن، کار های تانرا انجام دهید،برای انتقال وعرضه اجناس ومواد لازمه که برادران وخواهران ، پدران ومادران واولادهای شما سخت ضرورت دارند صمیمانه و فداکارانه کمك ومساعدت کنید، به‌تبلیغات‌خاینانه ودروغ های دشمنان افغانستان گوش فرا ندهید وفریب نخورید . دولت مصونیت،امنیت وآزادیهای شمارا تامین وتضمین خواهد کرد » .
«ببرك کارمل»

شنبه٤ حوت ۱۳۵۸ ، ۲۳فبروری ۱۹۸۰

راه‌ما، راه‌حق و بمنزل رسیدنی‌است

هموطنان شریف وآزادی پسند ما وخلقهای سراسر جهان بخوبی میدانند که ارتجاع و امپریالیزم ، دشمنان آشتی نا پذیر وشناخته شده بشریت بوده وهمواره در تلاش اند تا راه های رفاه وترقی را بر مردم سد نمایند ، زیرا آنها در پیشرفت وارتقای خلق بسوی افق های‌درخشان زندگی ، نابودی حتمی خود را می بینند .

این دزدان بی مروت که بقای شانرا در ظلمات جستجو می کنند از نور وروشنایی در هراسند واین خفا شان خون آشام باانوار زرین خورشید انقلابات مردمی که گر مابخش زندگی خلقهای رنجدیده می باشد از اصل وریشه در تضادند بناء باآن سر مخاصمت را درپیش گرفته ولجوجانه در برابر آن قرار میگیرند .

از همینجاست‌که امپریالیزم جهانی به‌سر-دمداری امپریالیزم جنایتکار امریکا باشوئنیزم چینی درتبانی باارتجاع بین المللی وارتجاع سیاه داخلی در یك جبهه نامقدس بر ضد انقلاب شکوهمند ثور بالاخص در برابر مرحله نوین تکامل‌تاریخی شش جدی‌آن‌که نماینده راستین وچاکر گوش بفرمان شان امین خونخوار را سرنگون‌ساخت خشمناك گردیدند و باتلاشی های مذبوحانه ودیوانه وار باعمال خاینانه دست می زنند .

ارتجاع وامپریالیزم‌که متضمن بقای یکدیگر-اند ودر تاراج هستی خلقها دست شریك دارند از مدتهاست که بکار برد حیل ونیرنگهای گونا گون هست وبود مستعضفین جهان رادست بردمی زنند وباآنکه ارتجاع رادرین چپا ولپا چندان چیزی هم نمیرسد وباصطلاح از «گاو غدودی»رانصیب میگردد مگر با آنهم از خوشی خدمتی‌لذت می‌بردورضایت خبیثانه ولینعمتانش را غنیمت شمرده و با لا تر از هر چه میداند حتی از کرامت وشرف انسانی !

پس تصادفی نیست که امپریالیزم‌جهانخوار امریکا ، امپریالیزم محیل و مزور انگلیسی شئونیزم پکن ، فلاده ارتجاع منطقه خصوصا ارتجاع نظامی پاکستان و صهیونیزم اسرائیل رادردست گرفته،گاهی بجان خلق رنجکشیده افغانستان وزمانی هم‌بجان خلق‌آواره وبیگناه فلسطین میاندازند .

مردم ستمدیده ماکه پس از تحمل‌قرنها رنج وبد بختی ، با پیروزی انقلاب شکوهمند اورزنجیر های اسارت‌را شکستند وباامیدواری کامل بسوی فردا های شگوفان مینگریستند یکبار دیگر در پنجه بیداد امین خودکام گیر ماندند ، چه عذابهای که ندیدند و چه رنجهای که نکشیدند . ولی باپورشی بی‌امان ششم جدی که امین سفاك وباند بی باك آن به کیفر اعمال ضد انسانی شان رسیدند ، آقای کارتر ومجددینش به سوگ امین نشستند وبه عنوان اینکه حفیظالله، «امین» شان بود خود را مستحق مداخله در امور داخلی افغانستان میدانند !

چنانچه واقعه سوم حوت شهر کابل بار دیگر پرده جنایات شوم امپریالیزم امریکا ودستیارانش را ازهم درید و چهره شوم و شیطانی این‌جنایتکاران‌تاریخ را به همشهریان کابل وهمه هموطنان عنایت یده ما نمایان ساخت .

بیایید به بینیم که چه کسانی حادثه روز سوم حوت را در شهر کابل بپار آوردند وبرخی از ساختمانهای زیبای آنرا که باخون وگوشت مردم زحمتکش ، ساخته شده است باعملیات‌تخر یبکارا نه به آتش کشیدند، چه کسانی بوده اند که عراده ها ودوکانهای مردم را طعمه حریق نمودند ؟ وچه کسانی بوده که میخواستند مریضان رادر حالت بی دوایی ، اطفال را در حالت بی شیری و ساکنان شهر را در حالت گرسنگی بانتظار مرگ بنشانند ؟

پاسخ واضح است که اینها نه تنها دشمنان خلق افغانستان بلکه دشمنان بشریت اند واین قاتلان حرفه‌یی که از گوشت‌انسان تغذیه می‌کنند از جانب گردانندگان ماشین های جنگی امپریالیزم ، مامور قتل‌خلق‌بیگناه ماشده بودند . آنها با حساب غلط شان بر خورد انسانی جمهوری دموکراتیك افغانستان را دال بر ضعف آن نبود ، واعلامیه های مکرر دولت را مبنی بر رعایت آزادی های دموکراتیك مردم نادیده گرفتند اما سرانجام چنانکه باداران شان بارها دربرابر مردم ما بزانو در آمده اند ، این ریزه خوران آنها بار دیگر بر شکست ننگین توطئه گران وآشوبگران امپریالیستی‌وارتجاعی‌شان افزودند ولکه ننگ دیگر بر جبین دشمنان بشریت کوبیدند .

ما چنانچه بار ها حقانیت انقلاب خود رادر عمل ثابت نموده ایم‌با بانگ‌رسا اعلام‌میداریم که راه ما حق است ، مابدون هراس به پیش میرویم وبه این ایمان داریم که حق بر باطل پیروز شدنیست .

زنده باد افغانستان
مرگ بر دشمنان وطن

د نړیوال پیوستون په تینګښت کې دمسلمانانو ترمنځ دتماسونو اهمیت .

• • •

مرحلهٔ نوین تکامل انقلاب شکوهمند ثور.

• • •

بخاطر یك آینده بهتر برای تمام اطفال .

• • •

فعالیت های خرابکارانه و طرح نقشه های تهاجمی ایالات متحده، توازن قوا را درجهان برهم میزند .

• • •

باچ ـ پولند داستان .

• • •

نگاهی بر رباعیات خیام .

• • •

په آسیا او افریقا کې دیاداری نظامونه .

• • •

چگونه مبارزه با حوادث آدمیزاد ر ا مصونیت می بخشد .

• • •

نجات از چنگال دژخیمان طاعون .

• • •

رابوری از لیلام قره قل افغانی .

• • •

مشکل بحران انرژی در جهان .

• • •

روی جلد تیمهای قهرمان ورزشی تعلیم وتربیه که در مسابقات اخیر جامهای قهرمانی را حاصل نموده اند .

•••

پشتی اخیر یکی از شاگردان لیسه‌زرغونه رادر لباس مقبول صفحات مرکزی کشور می نمایاند .

•••

عکس متن دختر زیبای افغانی را مصروف گل دوزی نشان میدهد .
«عکاسی باختر آژانس»

دنړیوال پیو ستون پـــه ټینګښت کی :

د مسلمانانو ترمنځ د تماسونو اهمیت

. . .

په ۱۹۸۰ کال کی د شوروی اتحاد د مسلمانانو د مهمو پروګرامونو پس منظر

هادی اعظم الا کبر دشو روی سوسیالیستی جما هیرو د اتحـاد دمسلما نانو داسلا می ټو لنی‌دنړی‌والو اړ یکو درئیس مرستیال په‌دی ورو ستیو وختو نو کی دمسلمانانو تر منځ دمستقیمو تما سو نو او په یوزرو نېه سوه اتیا وم کـال کی‌د شو روی اتحاد دمسلما نا نو دمهمـو پرو ګرا مونو دپس منظر پـــه باب دنو وستی پر سس دآژا نس‌له استا زی سره یوه اختصا صی مر که ګړی چی دادی دلته یی وړاندی‌کوو:

پو ښتنه :

که‌لطفا دشو روی سو سیا لیستی جما هیروداتحاد دنړیوا لوتما سونو اود هغه نقش په باب چی ستا سو خانګه یی‌پکی لو بوی لږ څه‌معلومات راکړی !

ځواب :

دخا وری دېرا خوا لی اوجغـرا‌فیا یی مو قعیت له مخی دمسلما نانو ځلور بور دو نه‌په شو روی اتحـاد کی جوړ اوتا سیسس شوی دی.لو‌مړی بورد دمر کزی آسیا او قـزا‌قستان دبورد څخه عبا رت‌دی.

دو هم او دریم بو ردو نه دشما لی کاکا سو س‌دوترا نسکاو کا سیـا بوردو نه دی په داسی حال کی چی په ځلو رم بورد کی دسا ییریاسیمه شا مله ده .تر کو می اندا زی چـــی په مـذ هبی فعا لیتو نو پو ری اړه لری دغه ځلور وا ړه بوردو نه خپلی مـذ هبی چا ری په مستقل او ځـا‌نګړی تو ګه تر سره کوی.دشوروی اتحاد دمسلما نا نو دبین المللـی اړیکو ټولنه چی‌مشریی مفتی ضیا‌الدین خان ابن احسان بابا خـــان یکی او مستقیم تماسونه ټینګ او پیا وړی کړی . دغه ټولنه وظیفـــه لری چی دشو روی اتحاد مسلما نانو دپاره بهرنی سفرونه تنظیم کاندی ددغی مو سسی بله وظیفه داده چی شو روی اتحاد ته دبهر نیو هیوادود مسلما نا نو درا تګ په وخت نـــو کی دهغوی داوسیدو دپاره لازمـی آسا نتیا وی برا بری کړی . همدا رنګه په مر کزی آسیا او دشو روی اتحاد په نورو سیمو کی داسلا مـی مر کز ونو او تا ریخی آثارو دکتنی دپاره دآسا نتیا و برا بر ول ددغی موسسی یوه مهمه وظیفه تشکیلوی. ددغه اصل له مخی دشو روی‌اتحاد دبیـلا بیلو برخو مسلما نان کو لای شی چی دذکر شوی مو سسی پـــه مر سته او همکا ری دکال په بیـــلا بیلو موسمونو کی د اسلا مـــی

دشوروی اتحاد مسلمانان ددینی‌کتابونو او اسلامی آثارو دخپرلو په حال کی

مرکزو نوښخه کتنه وکړی‌او تاریخی آثار له نژدی څخه وګوری .

ددغه حقیقت دپه نظـر کی نیولو سره چی دشو روی اتحاد دمر کزی آسیا اود قزا قستان دپاره دمسلما‌نانو بورد دنړی دغه دپا سه او یـا هیوادو نو سره په تما س کی دی هر څوك دا اټکل کو لای شی چی‌د شوروی اتحاد ټولو ځلور ګو نـــو اســلا می بوردو نو نړیوال‌تماسونه څو مره اوپه څه ډول تنظیم او ارز‌یابی کیږی .

په‌پورتنیو ټکو علاوه باید وویـل شی دچی‌دشو روی اتحاد دمسلما‌نانو دنړیوا لو تما سو نو ټولنه هـر کال داســلا می تعلیما تو په بـــاب دمعلو ما تو دپرا خو لو دپاره دهغـه هیواد یوزیات زده کوونکی‌اومحصلین دلوړ وزده کړو په غرض بهر نیـــو هیوادو نو ته استوی .تر اوسه پور ددغی ار تبا طی مو سسی له لاری څخه یوزیات شمیر ځوان زده کوو‌نکی او محصلین المغرب ، سور یی، اردن ، لیبیااود ځینو نوروهیوادونو ته استول شو یدی .

دغه ځوان محصلین په بهرنیـــو اســلا می هیواد ونو کی دمعلو ماتو دپرا خوا لو او لوړو زده کړو لـــه پای ته رسیدلو څخه وروســـته بیرته شوروی اتحاد ته را ستنیږی اوپه بخا را ، تا شکند او نـــو رو اســلا می مد رسو او مر کز و نـــو کی په تد ریس بو ختیږی .

دشو روی سو سیا لیستی‌جما‌هیرو اتحاد مسلما نان په دوه اړ‌خیزو تما سو نو سر بیره دیو زیات شمیر نورو فعا لیتو نو سره هـم سر اوکار لری . په بخوا نیو کلونو کی دشو روی اتحاد دمسلما نانـــو دبورد ډله‌خوا یو زیات شمیر نړی‌وال کنفرا نسو نه تنظیم او پرانستل شو یدی او په هغو کی دآسیا، افر‌یقـا او منځنی ختیځ له هیواد و نو څخه یوزیات شمیر اسلا می مشرانو برخه اخستی ده .د۱۹۷۰ او ۱۹۷۳ کلو نو په اوږ دو کی دفلسطینـــی عر بی وګړو ددا یمی په ملا تـــړ د اســلا می هیواد ونو یوه نړ یوا له جرګه په شو روی اتحاد کی جوړه شوه . په دغه جر ګه کی دعر بـــی وګړوو دحقه حقو قو داعا دی اودغه راز دفلسطین ولسونو دخاوری او ملی حا کمیت دتضمین او بیر تـــه اعا ده کیدو سره نړیوال پیو ستون خرګند او داسرا ئیلی تیری کوونکو

(c) ketabton.com: The Digital Library

ددوشنبی دښار په یوه‌جومات‌کی‌داسلامی تبلیغاتو یوه څنډه

مقا ماتو څخه غوښتنه وشوه چې دعر بو دنیول شو و سیمو څخه دی خپلی قوا وی وبا سی .دغه راز په‌دغه‌جر گه‌کی دعر بی وګړو سره دهر ډول‌ما دی او معنوی مر ستو دور کو لو وعده وشوه .

په۱۹۷٤ کال کی د«ابو عبدالله محمد ابن اسمعیل البخاری ی» دزیږ یدو د۰۰ ۱۲ کا لیزی مراسم په‌لو ړه سو یه‌په شو روی اتحاد کی په‌ځای شول . په۱۹۷٦ کال کی دنړی دبیلا بیلو اسلا می هیوادو نو یو زیات شمیر مسلمانان دقزا قستان او مرکزی آسیا دپاره داسلامی بوردونو دجوړیدو دشلمی کا لیزی په مرا سمو کی دبر خی اخستلو په غر ض شو روی اتحاد ته‌را غلل .

همدا رنګه په هغه نړ یوا لې جرګه کی‌چی ددا یمی سو لی په تینګښت کی داسلا می هیواد ودمذ هبی مشرا نو دونډی اخستلو په باب په۱۹۷۷ کال کی په مسکو کی وشوه دنړی څه دپاسه ۱۰۷ هیوا دو نو څخه شپږ سوه پنځو سس تنو استا زو ګډون وکړ. په دغه ستره او تا ریخی غو نډه کی دنړی دخوار لسی اسلا می هیواد و نو څخه څه دپا سه‌سلو تنولوړرتبه عا لی‌او علمی شخصیتو نو داسلامی نړی دیووا لی په باب وینا وی‌وکړی او خپلی مقا لی ولو ستلی .

په دغه غونډه کی چی دشو روی سو سیا لیستی جما هیرو اتحاد د مسلمانانو دبورد دمشر مفتی ضیاء الد ینخان ابن احسان با با خان په‌وینا سره پرانستله شوه داسلامی هیوادو دحکو متو نو او مذ هبی مشرا نو په نا مه دوه خا نګړی‌پری کړه لیکو نه او ابلاغیی صا دری او تصو یبی شوی . د۱۹۷۷ کال په تا ریخی اسلا می کنفرا نس کی دټولو اسلا می هیواد و نو تر منځ دګډو مر ستواو ځو اړ خیزوهمکاریو دارزښت او اهمیت په باب ټینګار وشو اود نړی دټولو اسلا می‌هیوادونو څخه وغو ښتل شول چی دنړی دملتو نو او بیلا بیلو مذ هبو نو تر منځ دښه نیت او غوره تفا هم د اساساتو دپیا وړتیا اودغه راز دسولی او نړیوال امنیت دټینګښت دپاره سره یو مو ټی شی عمدارنګه‌د اسلا می هیواد و نو تر مینځ دزیاتو همکاریو دپیاوړتیا له پاره د۱۹۷۹ کال څخه تر او سه پورې په نو موړی هیوا دوکی دغه لاندی کارو نه تر سره شوی دی:

۱۹۷۹ کال داګست په میا شت کی‌دشوروی اتحا دپه ختیځو بر خو کی دمسلما نا نو دلو مړ نی اسلامی ژور نال دخپر یدو دلسمی کا لیزی دمرا سمو دنما ځلو په خاطر یوه ستره غو نډه وشوه او په هغی کی دنړی دیو زیات شمیر اسلا می هیواد ونما یند ګا نو او لوړ رتبه استازو برخه وا خیسته . ورو سته‌د همدی کال دسپتا مبر په میا شت کی دهجرت دخوار لسمی پیړی‌د شروع کیدو دنما ځلو په منا سبت ددو شنبی په ښار کی‌دنړی‌داسلامی هیوادو دعا لما نو په ګډون یو سمپوژ یم جوړ او ددغی ورځی په ار تباط دبرخی اخستو ونکی هیوادو داستا زو له خوا مقا لی ولو ستلی شوی او کنفرا نسو نه ور کړل شول .باید وویل شی چی په دغو ټولو کنفرا نسو نو ،سمپوزیمو نو اومیټنګونو کی دافغانستان عا لما نواولوړ رتبه استازو بر خه واخسته .همدا رنګه په دغو ټو لنو کی دافغا نستان ددمو کرا تیک جمهور یت په استا زو عالا وه‌د بنګله دیش ، لیبیا ،لبنان ،هند، پاکستان ، اندو نیز یا، ایران، تو نس ،المغرب ،ما لی او څینو نورو اسلا می هیواد وهیا تو نو ګډون کړی و.

پو ښتنه :

په ۱۹۸۰ کال کی دشو روی سو سیا لیستی جما هیرو داتحاد مسلما نانو پلا نو نه او پروګرا مونه په‌څه ډول دی ؟

ځواب :

په دوشنبه کی دتیر کال داسلامی سمپو زیم دجو ړیدو په تعقیب‌او دوام ټاکل شوی ده چی د۱۹۸۰کال دسپتا مبر په میا شت کی دتا شکند په ښار کی داسلا می هیوادو نو داستا زوپه‌ګډون‌یو نړ یوال‌کنفرانس جوړشی.همدا رنګه تجویز نیول‌شوی دی‌چی په روان کال کی هم دهجرت‌د مراسمو دنما ځلو په باب ستری غو نډی جوړ ی‌شی .

پو ښتنه :

آیا ستا سو په عقیده دالمپیک دبین المللی لو بو دانسجام کمیسیون به چی دروان کال دجولای په میاشت کی په شو روی اتحاد کی جوړی‌شی پاتی په ۵۰ مخ کی

دجومات خطیب په نړی کی دسولی او امنیت دټینګښت په‌باب لمونځ کوونکو ته دوینا کولو په حال کی

(c) ...on.com: The Digital Library

فوزیه امیری باعدهٔ از همکارانش در مورددست آوردهای مرحله نوین تکامل انقلاب‌ثور نظر میدهند

مرحله نوین تکامل انقلاب ثور

ونظرده‌ی مردم‌در مورد آن

ای هموطن وقتیکه این سطور رامیخوانی بدون شك ، به‌این گفته ها وسخنان که از دهن این‌هموطنان مابیرون میشود باور وایمان داری ، میدانی که این ها همه‌حقیقت است وهیچگونه‌مبالغه‌ی‌درآن‌دیده‌نمیشود ...

به‌چند نقطه شهر میروم با چند همشهری‌و هم وطن به صحبت میشوم از این هموطنان در مورد مرحله نوین تکامل انقلاب ثور مـی پرسم ، وجواب های میگیرم . جواب های که از قلب وضمیر آنان بر خاسته است و همه اش حقیقت است .

اولین مخاطبم زنی است بامو های‌جوگندمی که مو های سپیدش گذار عمر شرافتمندانه اش را نشان میدهد .

ازش می‌خواهم که خود را معرفی نماید، میگوید :

نامم آصفه اکبر است ومستحضردر شعبه تابلت سازی دیپوی نمبر یك میباشم .

ـزندگی امروزی تان رابادوماه قبل چگونـه مقایسه میکنید ؟

در گذشته مخصوصاً در دورهٔ حکمفرمایی امین وباند وی زندگی اکثر هموطنان ماشبیه به‌زندانیانی بودکه‌نه‌حق داشتند حرف بزنند ونه میتوانستند آزادانه صحبت کنند . باچنین شرایط بود که مردم ستمدیده ما روز های سخت را میگذشتاند ولی حالا ، مخصوصاً پس از روز تاریخی یعنی ششم جدی کـه پیکار حق بر ناحق وپیکار مظلوم با ظالـم بود و خوشبختانه با استقبال بی سابقه تمام مردم رنجیده وفهمیده ما قرار گرفت و بـه پیروزی رسید ، امروز همه بدون هیچگونه تبعیض وامتیازی میتوانند آزاد زندگی کنند، آزاد حرف بزنند وآزاد به مناسك مذ هبی خود بپردازند . این است معنی عـدالت و دموکراسی .

در زمان امین بسیاری از وطنداران مـا یابندی بودند ویا بشکل از اشکال مـورد آزار واذیت باندوی قرار میگرفتند، شمـا و خانوادهٔ شما در آن وقت چه حال‌داشتید ؟ بلی این درست است که هیچکس وهیچ خانوادهٔ نبود که از شر ظلم وشکنجه امیـن وباند وی درامان بوده باشد .

من هم مانند هزاران وملیون ها خـانوادهٔ دیگر بی داغ نماندم .

قصه از این قرار است :

روز هفتم ماه مبارك رمضان بود که دامادم رابردند ونمدانستم که کجا بردند و برای چه بردند . ولی یك چیز مسلم بود که او در زندان است . امااینکه چه شکنجه ودردی‌را تحمل میکند خدا میدانست .

هنوز شش ماه از ازدواج شان نگـذشته بود که روانه زندان مخوف پلچرخی شـده بود وشما وهمه هموطنان خوب میدانند کـه روز گاربندی در زندان پلچرخی ودیگـر زندان ها چطور بود وچه بروزگار آنهـا میگذشت .

این همه مظالم بی شمارکه از طرف امین وامینی ها برمردم بی چاره وبی پناه ماتحمیل میشد زندگی راآنقدر برآنان تنگ ساخـته بود که مرگ هزار بار بهتر بـود از آن زندگی که آنان داشتند .

ماهم دست کمی از زندانیان نداشتیم اگر چه ظاهرا آزاد بودیم ولی حقیقتش این بود که خود کشور مابه زندانی بزرگی مبـدل شده بود، زیرانه میتوانستیم حـرف حق را بزنیم ونه میتوانستیم خانه دوستی وآشنایی برویم بدین ترتیب زندگـانی که ماداشتیم چه ارزشی داشت آیا آنقدر تحقیر و خورد شدن را مستوجب بودیم ؟ چه گناهی داشتیم که نمیتوانستیم آزاد زندگی کنیم ؟ ولـی جواب این سوال خیلی ساده بود وآن‌اینکه امین وباندوی آزادی خودرادر بندگی‌دیگران میدانستند . آزادی مذهب کـه حق مسلم‌هر مومن ومسلمان است در زمان امین سخـت تحت تحدید قرار داشت ، چنانچه بسیاری از کسان ماکه برای ادای نماز به مسجـد می رفتند امیدی نداشتند که دو باره به‌خانه پس از ادای نماز برگردند .

اما امروز خوشبختانه هر فرد این خـاك حق‌داردکه‌مناسك مذهبی‌شان را آزاد وبـدون ترس اجرا بدارند.

• در طول این دوماه که ازمرحله نوین انقلاب ثور می گذرد، کدام یك ازکار های دولت از نظر تان چشمگیر است ؟

من بصفت یك زن وظیفه خود میدانم که بگویم محترم شمردن به حقوق زن یکی از کار های پرارزش دولت ما است که بعد از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور جامه عمل پوشیده است بنظرمن در طول این مدت‌کوتاه کار های بس بزرگی انجام شده ودر آینده نیز انجام خواهد شد ولی باید این نکته را روشن سازم که آزاد شدن زندانیان سیاسی یکی ازاقدام های‌برارج‌جمهوری دموکراتیك افغانستان است که ملیون هاخانواده را از سر گردانی وبلا تکلیفی نجات داده اند .

مسترد نمودن جایداد های مردم‌که ازطرف امین وباندوی به ناحق وبدون کـدام دلیل وبرعان ضبط گردیده بودیکی دیگر از کـار های مهم وپرارزش دولت ما است .

• • •

سالم جان راکه از ولسوالی تگاب مربوط ولایت پروان است دریکی ازشفاخانه هـا می بینیم، اوکه در زیر بغلش عکس هـا ی رادیوگرافی شدهٔ از شش وقلبش دارد، بخاطر تداوی خویش از زادگاهش به کابل آمـده تاتحت تداوی قرار گیرد .

ازش می پرسم که چند وقت است مریض هستی؟ میگوید :

من ازمدتها مریض هستم شایددوسه سال میشود ولی در طول این مدت هرگز تداوی نشدم، بارها به کابل آمدم ولی موفق‌نمیشدم که داکتر رابینم، اگر احیانا موفق میشدم که داکتر رابینم از دوا خبری نبود ، مـن آنقدر مریض نبودم که اکنون هستم و علـت آن اینستکه بعضی از داکتر ها به من‌میگفتند که امروز بیا، وسبا همین امروز وسبا باعث شدکه مریضی ام شدت یابد تا اینکه‌بکلی مرا از پا انداخت .

• علت این امروز وسبای دوکتوران چـه بود وچرا برایشان نگفتی که زیاد تکلیـف داری ؟

می خندد، خنده تلخ، لبان اورا ازهم باز میکند ومیگوید : برادر آیا جرئت داشتم‌که این حرف رابه‌آنها بزنم ، اگر کوچکتریـن حرفی می‌زدم شاید سرحدم به زندان پلچرخی میکشید ... وآن وقت است که خـدا بـه یاری ام می‌رسید دیگر امیدی نبود .

خوب حالا چه فکر میکنی ، آیا تـداوی شده‌یی ؟ به عکس های زیر بغلش و بـه کاغذ های‌که‌دردست داردنگاه‌میکندمیگوید: بلی، شما هم میتوانید این ها را مشاهده کنید ، مدت کوتاهی است که بکابل آمدم ، زیرا همه میگفتند که پس از مرحله نوین تکامل

(c) ketabton.com: The Digital Library

محمدانور یوسفی

انقلاب نور همه‌کارها به‌فوریت اجرا میگردد، وراستی که چنین بود ، یك هفته قبل ازوطنم به‌کابل آمدم در ظرف یك هفته تمام‌معاینات طبی ام تکمیل ومرضم تشخیص گردید و حالا می‌روم که دوای خود را بگیرم . خداوندودولت کنونی مارا حفظ کند ودر پنای خود داشته باشد .

• • •

جوانی که خود را محمدانور یوسفی‌معرفی میکند واز لیسه شیرشاه سوری فارغ شده‌در بارهٔ مرحله نوین تکامل انقلاب ثور چنین ابراز نظر میکند :

اگر چه حرف های زیادی است که باید گفته شود ولی من‌می‌خواهم ازدیدگاه یك محصل مرحله نوین تکامل انقلاب ثور را برایتان تشریح کنم :

مرحله نوین تکامل انقلاب ثور در وقتی به پیروزی رسید که جوانان ما مخصوصاً محصلین ومتعلمین دربدترین شرایط زندگی قرار داشته البته باید این نکته اضافه شود که دیگر اقشار وطبقات مردم کشور ما که چه حال داشتند وچگونه زندگی برا یشان سخت میگذشت موضوع جدا گانه است .

ومی خواهم تنها در مورد قشر جوان مملکت که بزرگترین سرمایه یك مملکت را تشکیل میدهد صحبت کنم : بلی جوانان مادر دورهٔ امین وباندوی درشرایطی قرارداشتند که یا بایست جوانان ما در زندان های مخوف وآن هم در زیر هزاران نوع شکنجه های روحی‌و جسمی قرار میگر فتند ومی مردند یابه پست ترین اعمال انسانی تن‌میدادند.

این بود وضع جوانان مادر زمان امین وباند جنایتکارش .

ولی حالا مخصوصاً پس از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور زندگی تازهٔ آغاز کرده‌اند، زندگی که‌واقعادرخور یك‌جوان است.

امروز در روشنی این تحول تازه است که جوانان ماحساس میکنند که آزادندوآزادی را بصورت واقعی آن می‌بینید ولمس میکنند. جذب شدن بی سابقه شاگردان معارف به پوهنتون ودیگر موسسات تعلیمی یکی ازکار های باارزش ودرخور ستایش دولت ما است. در گذشته تنها چانس کامیابی را کسانی داشتند که صاحب قدرت ونفوذ بودند ، پدر شان یا یکی از منسوبین شان صاحب‌مناصب بلند دولتی می‌بود وبورسس های تحصیلی هم یکی از امتیاز های بود که دولت به جوانان که‌واجدشرایط می‌بودند می‌داد اما این چانس به آنانی داده میشد که صاحب قدرت بودند ولی خوشبختانه امروز به چشم‌سر مشاهده میکنیم که هزاران جوان مابدون هیچگونه تفاوتی وبدون هیچگونه امتیاز وتبعیضی نظربه خواهش واستعداد شان به پوهنځی های مورد علاقه شان کامیاب شده وجذب گردیده اند . وآن عدهٔ دیگر که مستحق بورسس شناخته شده اند بدون نگرانی وناراحتی به تحصیل خویش‌می‌پردازند اینست معنی عدالت‌ومساوات وبرادری وبرابری پس از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور که در کشور خود مشاهده میکنیم .

فوزیه امیری آمر شعبه شربت سازی و نیتجر سازی در بارهٔ دست آورد های ششم جدی که مرحله تازهٔ در زندگی وحیات مردم ما وارد آورده است چنین نظر دارد :

وقتیکه گذشته رابا حال مقایسه میکنیم درمی یابیم که‌چقدر بیهبودی های در همین مدت کوتاه نصیب مردم وخلق زحمتکش ما شده است . در گذشته که جز حرف چیزی وجود نداشت وهمیشه تبلیغات بود و بس ولی حالا در همه ساحات‌زندگی عمل وجود دارد پس از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور ، چیزیکه به مردم گفته میشود وعده داده میشود به‌آن عمل میگردد واین خیلی مهم است برای کشور ما وبرای مردم ما که زیاد حرف شنیده اند ولی عملی ندیده اند .

مهمترین دست آورد های مرحله نوین تکامل انقلاب ثور آزادی است ، آزادی یا این پدیده که هر انسان به آن ضرورت‌دارد، همانطوریکه به غذا ، لباس وغیره احتیاج دارد به آزادی نیز ضرورت واحتیاج مبرم دارد .

آزادی حق فردی هر انسان است واگر هر کس خواسته باشد آنرا ازش سلب‌نماید در حقیقت پشت پا به حقوق فردی وبشری‌زده است که این کار ها واعمال از طرف امین وباند سیاه کارش جز برنامه های همیشگی اش بود .

امروز در پرتو مرحله نوین تکامل انقلاب ثور چه کارگر است چه دهقان ، چه مامور است چه کاسب همه وهمه یکسان بدون در نظر داشت رنگ ، قبیله وقومیت از آزدی یکسان بر خوردارند . این همه طبقات واقشار جامعه ما که در گذشته حتی حق حرف زدن را نداشتند چه به‌این که نظر بدهند یاانتقاد نمایند ، اما امروز به برکت همین عدالت واقعی واجتماعی است که مردم ما آزادانه نظر میدهند واین نظردهی آنهاار طرف دولت ما پذیر فته میشود . البته مردم ماواین انصاف را دارند که‌در خواست های شان چیزی را از دولت وحکومت مردمی شان توقع نمایند که اجرا وعمل آن در خور امکان وقدرت دولت باشد .

مردم ما نباید از دولت خویش معجزه توقع داشته باشند، این همه پسمانی راکه میراث شوم گذشته است نمیتوان در مدت کوتاهی از میان برداشت ، وقت وزمان می خواهد تا خواسته های مردم مابرآورده شود .

یك چیز باید ایمان داشته باشیم و آن اینکه هرچه ازطرف دولت وعده داده میشود به آن عمل میگردد .

هنوز مابرای ساختن یك افغانستان آباد ومعمور کار های زیادی در پیش رو داریم و باید در امر اعمار آن مردم با عشق وعلاقه فراوان کار نماید ، عرق ریزند وبا تلاش هر چه بیشتر باعث تسریع کارها درامر اعمار افغانستان نوین گردند .

• کارهای که در طول این مدت کوتاه صورت گرفته از نظر شما بیشتر کدام چشمگیر تر است ؟

بقیه درصفحه ۵۷

آصفه اکبر، اوبااحساس‌خاصی‌حرف‌می‌زند

سالم جان که ماه هابرای تداوی اش‌بکابل می‌آمد ولی تداوی نمیشد اما حالا ...

(c) Kabton.com: The Digital Library

اطفال در کودکستا تها کار های هنـــری می آموزند

بخاطر یک آینده بهتر برای تمام اطفال

سال ۱۹۷۹که توسط مجمع‌عمومی ملل متحدبنام سال طفل اعلام شده بود ، پایان یافت (نیکولای تخونوف)کاندیدبوروی سیاسی‌حزب‌کمونست اتحاد جماهیر شوروی و معاون اول رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی ،به حیثرئیس کمیسیون سال‌بین المللی‌طفل ، تعیین شده بود دریك مصاحبه‌اش باخبرنگار مجله(لیتراتور نایا) راجع به توجه زیاد کشور شورا هابه نسل آینده اشاره نموده بجواب سوالات‌او چنین پاسخ داد:

از منابع خارجی

ترجمه : پوهنمل دوکتورسیدحسام (مل)

اهداف سال بین‌المللی طفل از چه قـرار است؟

ـ هدف عمده از سال بین المللی طفل معطوف ساختن توجه مقامات دولتی و عموم جهانیان بمنظور بهبود وضع اطفال است. که یکی از پرابلمهای مهم اجتماعی بشمار میرود . مطابق راپور صندوق بین المللی طفل صدها میلون اطفال در جهان غیر سوسیالیستی در فقروـ گرسنگی حیات بسر می‌برند. ودر حدود (۲۵۰) میلون طفل در سراسر جهان از باعث سوتغذی وفقدان مواد غذایی مصاب امراض گوناگون میباشند .

قرار راپور صحی حیات‌اجرایه (پان امریکن) هفت ونیم میلون طفل در کشور های امریکای لاتین در دهۀ گذشته از کمی توجه طبی حیات شان را به شکلی از اشکال از دست داده‌اند.

در دنیای امروزه مجموعا (۳۰۰) میلون طفل که بسن هفت سالگی رسیده اند ، نسبت معاذیر اقتصادی نتوانستند شامل مکتب شوند، غربت‌وفقر اکثر والدین را واداشته که اطفال شان را بکارهای مزدوری‌بگمارند ، مطابق راپور سازمان بین المللی کار وکارگر در حدود (٥٤) ملیون طفل در قید حیات اند، که ازین جمله صدها هزار طفل بین‌سنین هشت وپانزده‌سالگی بمنظور بدست آوردن یك مزد ناچیز به انجام کار های شاقه که ساعت کار روزانه شان دهو یادوازده ساعت میباشد دست به گریبان اند.

بمنظور فراهم آوری فضای سالم زیست ضرور است که برای امر صلح وامنیت بین المللی مبارزه خستگی ناپذیرنمود . زیرا اطفال محتاج صلح وآرامش اند . وهمین صلح وآرامش است که‌برای اطفال خوشی وسعادت بارمـی آورد. فضای مذکور امکانات بهتر رابرای آموزش و پرورش تدارك می‌بیند .

سال بین المللی طفل نظریات عامه جهانیان رادر مبارزه به مقابل تسلیحات بسیج میسازد ودرزمینۀ همه نیروهای صلح دو ست خواهان تحدید تجهزات نظامی بوده ، مبلغ پولی راکه مصرف تجهزات نظامی می‌نمایند، بهتر خواهد بود که برای احتیاجات اجتماعی بشمول بهتر ساختن زمینه رشد اطفال‌بمصرف رسد . پیاده کردن این امریك پلاتفورم مشترك نیروهای همه خلقها راباوجود اختلافات سیاسی شان خواهان است .

ـ شما در مورد وضع اطفال در اتحاد شوروی چه میگویید ؟

ـ دولت شورا هاکلیه امکانات رابرای بهبود صحت و خوشی نسل آینده اماده ساخته است. ودر قانون اساسی اتحاد شوروی درمورد حمایه طفل ومادر بصراحت ماده ای جداگانه به‌تذکر رفته است .

درسال(۱۹۷۸) بوجهیکه برای اعمـار و ساختمانهای کودکستان ها، اطاقهای رهایش اطفال ، کمپ های جوانان ، سربازان، ودیگر مراکز بمصرف رسیده بالغ بـه پانـزده هـــزا ر ملیـــون ربـــل میگـــر دد که.٦ فیصد بودجه برای آموزش جمعی بمصرف میرسد . علاوتا در حدود (۱۸۰) میلون روبل همه ساله مصرف دانش آموزان دورۀ ثانـوی میگردد . بالاتراز (٥۰۰) روبل برای یك طفل شیر خوار وزیاد تر از (٤٥۰) روبل مصرف‌طفل در کودکستان هادر سال میباشد . که ۸۰فیصد این مصارف ازبودجه دولت تمویل‌میگردد.

مادر کشور خودبیش از(۱۲۰) هزارانستیتوت های قبل ازمکتب‌داریم که‌برای (۱۳) میلیون طفل محل ارایش دارد . دریـلان پنج ساله جاری از (۲٥۰۰) تا (۳۰۰۰) کودکستان وشیر خوار گاه در هر سال تحت ساختمان واعمار است .

درهر تابستان اطفال قبل از مکتب برای‌خوش گذرانی وتفریح ،خارج از شهر درین دهات‌و مکاتب خورد سالان ودر کمپ های جوانان سرـ باز زندگی می‌نمایند .

در کشور شورا ها برای باز پرسی صحی وخوش گذرانی اطفال مراکز عمده وجود دارد، که‌این مراکز زیاد تر از یك ونیم میلون طفل‌را اعم از خورد سالان ونو جوانان همه سالـــه می‌پذیرد وبرای شان وسایل راحتی وتفریحی را فراهم میسازد .

مسایل راحتی ومحل رهایش‌برای تمام اطفال ازطرف دولت شورا ها به‌صورت رایگان در دست تهیه است .

این مصارف فوق از صندوق امنیت جمعی پرداخته میشود . وهم برای آن اطفال که در حال سیاحت ومسافرت‌اند ، موسسه مذبور ٥۰ فیصد در وسایل ترانسپورتی شان تنزیل بوجود می‌آورد .

همه سناتوریم ها ، استراحت گاه هاو هوتل هادر روزهای رخصتی بروی‌اطفال‌ووالدین‌آنها باز بوده‌ودر مراکزمذکور لحظات‌خوش‌زندگی خودرامی‌گذرانند . قراراپورموثق‌درمراکزفوق همه‌ساله‌تا(٤۰۰)هزارطفل استراحت مینمایند.

سیاحت های فامیلی در اتحاد شوروی کاملا عام است. درسال ۱۹۷۹ تقریبا‌یك‌میلون‌طفل باوالدین شان‌سیاحت‌های توریستیك‌نموده‌اند.

در تربیه‌وآموزش‌وپرورش اطفال‌نمایشگاه های مختلف ازقبیل، سرکس‌ها، بالت خانه ها دوام ها ـ ودیگر وسایل تربیوی وجود دارد. که همگی این نمایشگاه هادر تربیه سالم اطفال نقش قاطع دارد .

وبه همین منظور است که‌دولت شورا هـا وسایل سرگرم کنندۀ رادر اکناف وگـو شـه های متعدد کشور تهیه‌می‌نماید.

همه ساله که در اتحاد شوروی هفته های‌بنام هفته جوانان ـکتاب ـموزیك ـسینماـ تیاتر برگزارمیگردد وملیونها طفل ملاقات‌های پیهم باتویسندگان ـ کمپوزرهاـ موسیقی دانان ، واکتورس ها می‌نمایند .

شورای اتحادیه های محلی ولیک کمونستی وسازمانهای سپورتی در جنوجهد اند، تایك تعداد زیاد اطفال را در فعالیت های فزیکی و سپورتی جذب وداخل این سازمانها میسازند. درسال ۱۹۷۸ در اتحادجماهیر شوروی تقریبا (۷ر٥) هزار اطفال شامل‌مکاتب سپورتی‌گردیدند که‌به این ترتیب تعداد ورزشکاران در اتحاد شوروی قریب به دو ملیون میرسد . علاوتا در نظر است که بین سالهای ۱۹۷۹ـ۱۹۸۰ تقریب (۲۷۰) مکاتب‌ورزش وسپورت جدیـــدا تاسیس شود .

بقیه در صفحه ٥۷

اطفال حین‌بازی وساعت‌تیری درکودکستان

(c) ketabton.com: The Digital Library

عین الدین درویش

فعالیت‌های خرابکارانه‌وطرح‌نقشه‌های تهاجمی ایالات‌متحده توازن‌قوارادرجهان برهم میزند

خلقهای سرا سر جهان خا طرات بسیار تلـخ وتا گوارجنگ جهانگیر دوم را ، فجایع آدم کشی، کوره‌های آدم سوزی ، گسیل داشتن اسرای جنگی به ار دو گاه های کار اجباری بمبارد ما نها وخرا بی های‌بیشماری که این جنگ خا نما نسوزبرخلقهای اروپا تحمیل کردومیلیو نها انسـان فدای هوا و هو س وخوا هشات شیطا نی امپر یا لیزم جها نـی‌و نیرو های جنگ طلب ودر را س آن فدای خوا هشات دو زخی‌وآرمانهای سیاه نا زیسم،آلمان‌وفا شیسم‌ایتالیا گرد ید ند. هنوز آن خا طرات نا‌گوار که دلهای آدمیان را بر قـت میا ورد ووجدان آدمی را تکان مـی دهد از خا طره ها فرا مو ش نشده است .بعد از جنگ جها نی دوم که قوای متفقین بر نیرو های اهریمنی متحد ین فایق‌آمدند .امپر یـا‌لیسم‌جهانی ودرراس‌آن امپریالیـزم ایالات متحده امر یکا در صدد آن‌شد تا منا بـع بیشتری بغر ض تحصیل منا فـع آزمندا نه جها نخوا ران امپر یالیستی فرا هم آورده وبیش از پیش کشور های جدا گا نه را یا به‌شکل مستقیم ویاغیر مستقیم در اسا رت خو یش نگهدا شتـه واین کشور ها را مبدل به منا طق تهیه مواد او لیه وتهیه وفرا هم‌آوری مواد خام‌برای خو یش مبدل سازد، همان شد که استعمار را بشکل نوو باظا هر آراسته وپیراسته دراین کشور ها گسیل دا شت وبا وجود اینکه با ایجاد حکو مات ضدملی وضد دمو کرا تیك بر ارا ده اکثریت خلقهای کشور های نا مبرده مسلـط گرد یده وبر سر نو شت آنها حا‌کمیت دارد ، باز هم خا ئنا نه وبـا دیده درا یی از عدل‌وتقوی ، ازایجاد حکو مات مر دمی ، از دمو کراسـی، از آزا دی (!) و... داد میز ند، این دیگر صاف وپاك فر یب خلـق است ، دستان نا پاك امپ ریا لستان دیگر بخون صدها هزار وملیـو ـ نها انسان شر یف آسیا ،افر یقـاو امر یکای لاتین آلوده است ، ما شین جنگی ایالات متحده امر یکا درویتنام قهر مان ، در شرق میا نه ، درانگولا مو ز نبیـق وسا یر کشورهای‌جهان کشتگان بیشما ری از خود بجـا گـذا شته است . خلقهای مبا رزو شجاع جهان این کشتار ها وآن قر با نی ها را هر گز فرا مو ش نمی نمایند ، حالا دیگر وقـت ان رسیده که خلقهای رزمنده جهان در مجموع به امپر یا لیزم وکلیه متحد ـ این ناپاك ومنحطش یورش برده‌وبا ضر بات کو بنده شا لوده امپر یا‌لیزم جهانی را در هم ریخته وبر‌ـ خرابه های استعمار رنگ وروغـن زده یعنی استعمار جد ید شا لوده واسا س زند گی نو ین ومتر قی، آزاد وشگو فان را بنا نهند .

در این ا وخرایالات متحده امریکا تصمیم گر فته است‌تا سیستم های جدید اسلحه ذروی را در کشورهای عضو نا تو تمر کز دهد ، ایـن تصمیم ایا لات متحده امر یکا بخودی خود علیه‌دیتا نت‌بوده‌وتوا زن‌قوارادر ارو پابر هم می زند. در حقیقت عا‌ـ ملین وگردا ننده گان ما شین آدمکشی امپر یا لیسم سخت در تلاشی بوده ودر این زمینه تـ لاشها وفعا لیت های تب آلودی را انجام میدهند ، با وجود چنین حا لتی که پـلا نهـاو نقشه ها ی نا توهمه وهمه متو جه تشد ید تسلیحات ذروی است، به شکل بیشر ما نه‌ودر عین حال‌بسیار ظریفانه موضو ع مذاکره بـا اتحاد شوروی و مساله تحدیـد سـلا حهای اتو می را به پیش می کشد . این دیگر وا ضـح وآشکار است که چنین نقشه های محیـلا نه وشیطا نی‌نه موردقبول خلقهای‌جهان قرار میگیرد ونه مورد قبول کشورها ییکه به استقـلال ملی ، حا کمیت‌ـ ملی، وتما میت ار ضی خو یش دلبسته وعلاقمند نـد . ایـالات متحده امر یکا بدون در نظـر داشت ارا ده رزمنده خلقها وخـلاف ادعای محا فل انقلا بی وکشور هـای متر قی به خصو ص‌خلاف اعتراضات پیهم خلقهای ارو پا در این اوا خـر مرمی های تهاجمی کروزو پرشنگ را در ارو پای غر بی‌جا بجا نمـوده است ، این عمل جنگ طلبانه‌وخلاف رو حیه مقر رات بین المللی وخـلاف قرار داد ها بین اتحاد شو روی‌و اضـلاع متحده امر یکا در مـورد تحد ید سـلاح تهاجمی است کـه واقعا چنین‌اعمال وچنین کوششهای شیطا نی بخو دی خود اصل دیتانت را مورد مخا طره جدی قرار مید هد این تصمیم اضـلاع متحده امر یکـا در کنار تصا میم دیگری که دراین زمینه اتخاذ گرد یده است بیش از پیش‌ما هیت جنگ طلبان وخصلت عمده فعا لیت های امپر یا لیزم ایا‌ـ لات متحده امر یکا رابر مـلا میسا زد

اکنون که امپر یا لیسم‌اضـلاع‌متحده امر یکا بر مرگ نیرو های هوادار جنگ وغار تگری خلقها اشك‌تمساح میر یزد متحد ین هم پیما نشس در جهان ، جبهه نا مقد سی را تشکیل داده وبا این اتحاد نا مقد س بـر ضد نیرو های ترقیخواه جهان وبه کمك همه جا نبه دستگاه مر کزی جا سو سی امر یکا ،سیاء نقشه‌های محیـلا نه وغار تگرا نه ای‌راسازمان بخشیده وسیلی از دلار امر یکا یی‌و یوند انگلیسی در این راه یعنی در راه تطبیق این نقشه ها به کشـور های مورد نظـر سرا زیر میشود .

نا تو چندی قبل تصمیم گر فت تا در خاك ها لند سـلاح جد یـد ومدرن خویش را جابجا نما یـد کشور ها لند در این مورد یعنی در مورد وا گـذا ری یك قسمت خاك خو یش به منظور جا بجا کردن سـلا حهای پیمان نا تو تا حال‌موا‌ـ فقه ننموده است ونیز اعضای دیگر پیمان اتلا نتیك شما لی بـ ه شکـل صر یـح وآشکا را از این اقـدام تجا وز کارانه ایالات متحده امر یکا وتصمیم نا تو در زمینه یاد شده‌جدا انتقاد کردند ، چنین حا لتی دربین اعضای پیمان اتلا نتیك شما لـی مو جب نا رضا یتی اعضای پیمـان گرد یده وآنها را به تلا شهای‌مذ‌ـ بوحانه ای متوسل کرده است .

از آنجا ئیکه سیا ست صلحدو ـ ستا نه کشور های متر قی همیشه ودر همه جا ودر کلیه ادوا رتاریخی بخصو ص در نیم قرن اخیر ما نـع بزر گی برای تطبیـق نقشه هـای اهر یمنا نه جنگ افرو زان امپـر‌ـ یالیستی بوده وهمیشه‌با فعالیت‌های دامنه دار وو سیـع وبزر گی کـه کشور های صلحدوست انجام مـی دهند . توا زن قوا را حفظ نموده‌وبر ضد نقشه های تجا وز کا را نه‌وعلیه فعا لیت های محیلانه ونقشه هـای تعرضی امپر یالیسم ودر راس آن بر ضد نقشه های تجا وز کارانه ایالات متحده ومحا فل ار تجا عـی در ارو پا کشور های‌نامبرده‌همیشه در صدد آن بوده تا در راه تحد ید سلاحهای اتومی تهاجمی و توریـد وتو لید سـلا حهای مر گبار مجا‌ـ هدا ت‌بیگیر نما یند .

ایالات متحده امر یکا وبخصو ص محا فل جنگ‌طلب اروپای‌غر بی‌سخت در تلاش اند تا بدوره جنگ سـرد دوباره عودت نموده ومقد مات پیدا‌ـ یش وایجاد برخوردهای گرم نظامی رافرا هم آورد ،در حا لیکه پرو‌ـ

بقیه در صفحه ٥٦

(c) Brighton.com: The Digital Library

تتبع ونگارش : احسان آذری

نگاهی به اوضاع شرق میانه

پالیسی صهیونیستی اسرائیل خطر بزرگی در راه تحقق صلح و دیتانت

یکی از طیارات اسرائیلی که همواره با بمباردمانهای خانمانسوزش خلق فلسطین را بخاك وخون می‌کشاند .

منطقه شرق میانه از دیر زمانیست که در صدر مناطق متشنج جهان قرار دارد. معضلات شرق میانه در ظرف سی سال چهار بار مبدل به‌صحنه های خونین نبرد ها وتراژیدی المناك جنگ هاگردید. ولی این تراژیدی بعد ازسفر سادات به‌بیت المقدس درسال (۱۹۷۷) منطقه شرق میانه رادر حالت انفجار قرار داد . که درهر لحظه‌امکان خطرجنگ‌دیگررا احیامی‌نماید دراثر اعمال، نفوذ وفشارصهیونیستان‌اسرائیل یك‌ونیم ملیون فلسطینی ازمناطق آبایی خود جبرا رانده شدند . وآنعده از خلق های عرب فلسطین که در مناطق‌اشغالی باقی ماندندهیچگاه خودرادر خانه های خود نمی بینند. بلکه خویشتن رادرزندان‌وشکنجه گاه‌رژیم فاشیستی اسرائیل ملاحظه می‌نمایند . سالانه بیش از چهل هزار فلسطینی در تحت محیط ارعاب و فشار درمناطق اشغالی مجبور به مهاجرت می‌شوند .

قوای تجاوز کار نظامی اسرائیل در مناطق اشغالی عربی بخصوص بعداز طرح دسیسه هاو پلان‌های مبنی براعطای (آزادی‌داخلی)وتلاش های مذبوحانه ارتجاع مصر وارتجاع حاکمه‌اسرائیل که آنرا تحت نام(مساعی برای صلح)میخوانند حالت تشنج وتضییق رابکلی حاد نموده‌است. سازش ها وپالیسی خائنانه‌رژیم سادات‌که‌بی شرمانه خودرا در آستان امپریالیزم بین المللی انداخت وبر ضد سیر تاریخ ونیات خلق های آزادی‌خواه مصر وخلقهای‌عرب‌اوضاع‌شرقمیانه‌را هنوزهم مختنق نموده است وامکان هر نوع حل‌عادلانه داعیه فلسطین وپرابلم های شرق میانه را فوق العاده دشوار ساخته است .

ولی خلقهای عرب فلسطین ازعمه‌دسیسه‌های ومقاصد ستر اتیژیك رژیم سادات ورژیم بگن اطلاع کافی دارند .و آنها در کوره مبارزات رهایی بخش ومسلحانه خوب آبدیده شده‌اند ودرین راه افتخار آمیز ده‌هاهزار قربانی داده اند. سازنس های که تحت‌نام(اعطای آزادی داخلی) به‌باشندگان مناطق سوا حل غربی دریای اردن ونوار غزه‌صورت گرفت به نفرت وکینه تمام نیروهای مترقی مصرو تمام جهان عرب‌مواجه گردید. ونیروهای‌انقلابی سراسر جهان از حل عادلانه داعیه فلسطین که هسته مرکزی تشنجات شرق‌میانه را تشکیل می‌دهد پشتیبانی نمودند .

رویدادها وحوادث جاری در شرق میانه بطور بارزی نشان می‌دهد که این تلاش های مصرو اسرائیل کماکان به‌ناکامی مواجه گردیده است. معاهده ننگین ونام نهاد کمپ‌دیویدکه درماه دسمبر سال گذشته به امضا رسید نیز زنجیرهای اسارت ووحشت صهیونیزم اسرائیل رادرمناطق اشغالی وبطور اعم در قصبات غربی رود اردن ونوارغزه محکمتروسفت‌ترساخت وهدف اساسی این معاهده ننگین قانونی ساختن اشغال‌خاکهای‌عربی‌وادامه‌نظارت‌وکنترول مستقیم مناطق مذکور در تحت حاکمیت اسرائیل بمانند بیت المقدس شرقی می‌باشد .

تجاوز کاران اسرائیلی در مناطق اشغالی‌از باشندگان عرب هر نوع آزادی فرهنگی،دینی‌را سلب نموده است .

کسانیکه علیه‌محیط رعب‌ووحشت‌اعتراض‌مینمایند بی رحمانه زندانی می‌شوند ویا بوسیله شیوه های فاشیستی مجازات و شکنجه می‌شوند. وضع مالیات های نوو کمرشکن ، اخراج اعراب از مناطق اشغالی ویران کردن خانه های آنها، ویا قتل عام هاوگلوله باری به اجتماعات خلق های اعراب‌باشنده مناطق اشغالی همچنان‌ادامه دارد .

ولی علی‌رغم‌این‌همه اعمال‌وحشتناك لحظه‌یی هم مبارزات دلیرانه خلق فلسطین‌خاموش‌نشده است. بلکه آن مشهورانه‌برای کسب حقوق ملی‌وطبیعی خود مبارزه نماید. وبرای احقاق حقوق خود یگانه شیوه‌مبارزه انقلابی ومسلحانه پذیرفته اند.

روز بیست وششم مارچ که‌روز امضای معاهده نام‌نهاد جداگانه ،(معاهده صلح)بین مصرو اسرائیل بود ،در مناطق اشغالی این روز منحیث روز عزا داری اعلام گردیدوتظاهرات واعتراضات دامنه داروسیعی درتمام جهان عرب بشمول مصر صورت گرفت به مناسبت اظهار اعتراض ونفرت علیه دسایس ارتجاع حاکمه اسرائیلی و امپریالیزم ورژیم سادات باشندگان مناطق اشغالی درنوار غزه بتا ریخ (۲۷) دسمبر کنفرانس را تشکیل دادند شرکت کنندگان این کنفرانس‌نامه رابه کمیته اجرائیوی سازمان آزادی بخش فلسطین فرستادندو درطی این نامه سازش های مصر واسرائیل بشدت تقبیح شده بود . همچنان اشتراك کنندگان‌این کنفرانس به وضاحت‌اعلام داشتندکه آنها ازهیچ گونه مساعی بخاطر طرد استیلای غارتگران امپریالیزم وصهیونیزم اسرائیل‌اعمال می گردد

همچنان سلسله چنین کنفرانس ها در بیت المقدس ، وشهر های نابلوس، الخلیل،رمالا وغیره ادامه یافت . در تمام این کنفرنس هاکه به اشتراك هزاران نماینده خلق های فلسطین انعقاد یافت از داعیه برحق خلق فلسطین پشتیبانی عمیق بعمل آمد . شاملین این کنفرانس ها همچنان دفاع بی‌دریغ خودرااز سازمان آزادی فلسطینی (پ.ل.او) ابراز داشتند.

درطی تظاهراتی‌که‌علیه سازش‌هاواعانت های که‌به خواست انسانی خلق فلسطین از طرف امپریالیزم وصهیونزم ! اسرائیل اعمال می‌گردد چندین نفر از مبارزین وطنپرست فلسطین‌در دراثرگلوله باری‌برتظاهر کنندگان شهیدشدند این گلوله باری براجتماعات تظاهر کنندگان بدون اخطار قبلی صورت گرفت .

مقامات اسرائیلی همچنان در مناطق‌اشغالی برای خفه ساختن جنبش فلسطین دست به یك‌سلسله‌اعمال‌قهروترورزدند. وازآنجمله‌شبکه های آب رسانی ، برق وتوزیع غذا وادویه راشدید آمنع قرار دادند .

قوای اسرائیل بحالت آماده باش در آمده درقصبات اشغالی اغلبا ازورود نمایندگان‌صلیب سرخ بین‌المللی ممانعت بعمل آمد . وحکومت اسرائیل‌به تعداد چهارهزار تن‌قوای‌امنیتی تجاوز کاری رادر مناطق سواحل غربی رودارد ونوار غزه منسجم نمود.

بانگ‌رسای خواست عادلانه خلق‌های‌عرب فلسطین در کنفرانس تساند و همبستگی باخلق فلسطین که از تاریخ چهارم‌الی هفتم‌ماه می‌سال (۱۹۷۹) درباسیل انعقاد یافت به نحوعالی انعکاس نمود .

در طی این کنفرانس سازمان آزادی بخش فلسطین یگانه نماینده واقعی وقانونی خلق های فلسطین خوانده شد واز همه کشور های اشتراك کننده این کنفرانس تقاضا به عمل آمد تا از مبارزات سازمان آزادی بخش فلسطین پشتیبانی نماید .

به همه جهانیان مسلم است که سازمان آزادی بخش فلسطین که متشکل از وطن - پرست ترین انقلابیون فلسطین می باشد . همواری بخاطر کسب حقوق انسانی خود بنا روحیه انقلابی مبارزه نموده اند . این‌سازمان پنجسال قبل در سال (۱۹۷۴) در کنفرانس رباط که به اشتراك سران همه کشور های عربی صورت گرفت یگانه نماینده واقعی و قانونی خلق فلسطین پنداشته شد . این سازمان ضرورت تحکیم مناسبات همه جانبه خودرا با کشور های سوسیالیستی، غیرمنسلك وکشور های مترقی اسلامی اعلام‌داشته است .

بقیه در صفحه ۲۱

اسرائیل جز از گلوله‌هاومرمی‌چیز دیگری نمی شناسد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

یو لنډ داستان

دشهسوار (سنګروال) لیکنه

بـــــاج

عجب ساده ژوند یی در لود. د ژوند دنیمګړ تیاو په نړی کی یی بیا هم په خپل ژوند شکرونه‌ایستل دصداقت په انګړ یعنی د طبیعت په لمن کی لوی شوی محمد عمـــــر دسپیځلی زړه خاوند وه . دده دښې نه داسی ښکاریده چی تا به ویـل خاص بزرګ دی .

محمد عمر کوچی دژمی پـــه موسم کی به یی دهسکو غرو نـــو دسرنه تو دو سیمو ته کډی کو لی دی به همیشه په خپله دود و هلی شړی کی داسی تا و وه چی دو ه سترګی به تری ښکارید لی لوړه‌ونه او رو ښانه قواره یی در لوده ،دمخ چوکاټ یی ډیر ښکلی وه . د طبیعت په لو یه غیږ کی داسی لوی شوی‌وه چی غټ او قوی اندامونه یی لکـــه دشتی پهلوان دورایه ښکاریده .

ده به همیشه خپلی توری کیږدی دژمی به موسم کی دناو کی غره په لمن کی پلنولی دمیړو بچیانو چـــی وری یی بو لی دکیږ دیو شاوخوا رمباړی وهلی . چی دی آوازو بـــه دلوړو غرو نو په زړو کی انګا ز ی جوړو لی . رنګین طبیعت په خپلـه ارته‌لمن‌کی دسخا لاپی وهلی دخـو ورخو میلمانه کو چنیان یی خو ـ شحاله ساتل .

دناو کی غره کی واښه ډیر ډ دده دما لو نو ګذاره پری کیده .ددی غره په بیخ کی یوه لویه چینه چـی (شوناو یی) ورته ویل هو جوده‌وه . ډیری خوږی او به یی در لودی .کله به چی محمد عمر کو چی خپله رمه دغر ه څخه راښکته کړه دلر ګیـو ګیډی به یی هم په شاوه چی دچینی خوا ته به‌راغی دخپلی ملا څخه‌به‌یی خپله روزی راخلاصه کړه او داو بو تر څنګه به کښیناست د جواری غټی مړی پسی به‌یی داو بوغـــړپ کاوه رمی به هم دغیـړی دونو پانی خړبو لی . او محمد عمر کو چی به‌له دی صحنی څخه زیات خونداخست.

ګلی . دمحمد عمر کوچی ښځه وه چی ددی‌ښکلی او سپین بدن به‌په شلید لو جا مو کی داسی ښکاریده چی تا به ویل سپوږ می خپلی شغلی دوریځی څخه را بیرون کړی ، دی به دکور کار کاوه و لی کله کله به ژوندی ته تله او دواړو بنی به یی په سر سپیره میره به خپلی توری کیږدی ته را ننو ته ، دی آرام نـه در لود ، سترګی ستومانه بدن یی په ډیرو کارو کی لکه مز یی داســـی کیدل چی پښی به تپا کی شوی وی دچاو دو نونه به یی وینی بهیدی،خو پدغه حال یی هم شکر کاوه .

یوه خبره چی دیا دونی ورډه هغه دا چی په ژوند کی تری ډیره بده خاطره در لوده هغه دباچ مسئله وه .

دا به ډیرو ته معلومه وی چی‌باچ کړی . که څه هم (دخان نو کـر) دعاطفی خاوند وه و لی مجبور وه‌چی دخان بیرحمه پیغام ورسوی نوکـر پداسی حال کی دکیږ دی خوا تـــه ورسید.چی ګلی توړی لاس ترزنی ناسته او دغره سر ته ګوری .اوپه زړه کی داسی ور تیریدل چی د دی خاوندبه په‌ازغو سو ر ی ســـوری ننډکوم

تیګی په څنګ کی تکیه وهلی و ی اودخپلی رمی خارنه به‌کوی . چی دشاه ولی خان مزدور ور ناری کړی وګلی توړی . ګلی توړی تاته وایـم ګلی توړی دغمونو دګر داب نه سر راپور ته کړ او په ډیره حیرانه‌ځیره یی ور ته وویل : څویه خیر ت دی.

دخان مزدور دپټکو داستنا ن ورته و غوړوه او دخان دقهر جنـو ستر ګو پښتی یی و کړی او دخا ن بیرحمه عادتو ته یی یو دبل پسی ورته وویل او په پای کی یی ور ته ښکاره کړه چی خان دباچ پیسی غواړی. پیسی غواړی وا در ویـــده که‌نه ؟

ګلی توړی-ډیری نا امیـــدی لیدلی وی . دی اولادنه در لود. بـی کسه وه د ژوند تو لی سترګ تیاوی پدی خوار کی تیریدی . ددی تـــن دډیرو محرو میتو د ګذار نښه وه. خو دباچ غم دبی کوری غم دځمکی دنه در لود لو غم ددی په زړه هغـه ګذار وه چی دا به یی کله کله پـــه خوب کی ویرو له . یو ځل بیا یی دباچ ترخه خاطره په زړه شوه او د خان نو کر ته یی په ډیری عاجز ی چی ساړه اوسیلی یی دخو لی نه غیری ارادی بور ته کیدل داځکه چی دا له اوسیلو سره عادت شو یـــوه وو یل :بچیه زما خاوند غرته‌زمـــه وړی ده دشپی که راغی زه به ور ته ووایم ، تادی خدای لوی کړی تـــه ډیر شبه هلك یی .

دخان نو کر نرم زړه در لودپه خواری ګلی تو ړی یی زړه وســـو دهغی نا امید یو یو ځل مزدور هـم خپل ترخه ژوند ته متو جی کړخپلی بد بختی یی دګلی توړی په‌بدبختیو کی ولټو لی ،خوبیا هم نوکر ورتـه وویل چی ګلی توړی محمد عمرماما ته زما له خوا عذر و کړه چی لماځخه خفه نه شی زه مجبور یم چی دخان دبیباکه پټکو نه هر چا ته کیسی وکړم .

نه څو یه . زه پدی پوهیږ م ته هم زمونږ غوندی‌خوار کی یی ستا په مخکی هم دبیر حموسپیړو تغمی دورایه معلو میږی .

ګلی توړی بیر ته خپلی‌غمجنی کیږ دی ته ننو ته او مزدور تـــری رخصت شو . خان پداسی حال کی چی ستر ګی یی بتی ختلی وی دلاری ښاری کاوه چی په‌مز دور یی‌سترګی ونښتی غږ یی پری وکړ. چی وهلکه څنګه شو . مزدور پداسی حال کی چی سایی سترګی کیده پـــه وارخطایی ور ته وویل چی محمد عمر کو چی غرته رمه بیو لی‌وه کو رکی نه وه .(خبره یی په خو له کـــی وچوی) خان هیڅکله چا په غصب وویل‌چی لیدلی بیا یی په ډیر غضب وویل‌چی هلکه نور هلکان هم درسره ملګر ی کړه نن ماز دیګر به حتمی رمی څخه خو سیر لی رابیلوی هو دا کار به حتمی کیږی . تا ته وایم وهلکه پوه شوی کنه ؟ ددی عمل به دا جزاوی محمد عمر کو چی دغره دلوړو څوکو څخه خپله رمه راکوزه کړه اودلرګیو ګیډی یی هم‌په شاوه دشوکارو لاسو او پښو نه یی غوتی غوتی و ینی په چاو دو کی ښکاریدی را روان و ه

ګوری چی دخوږ نه خو تنه در می خوا ته را روانی دی چی نژ دی شو ګوری چی دخان نا حقه کوټ والیانو دده په رمی باندی حمله وکړه. پـــه شمیر اوه خاروی یی درمی څخـــه را بیل کړ. محمد عمر کوچی‌چـــی څومره نار ی ووهلی او دخپلی ګناه دمعلو مو لو پو ښتنه یی ګو لـــه غوږونه پری کاټه شول . چو پی چو پتیا هیڅ خواب نه ورکاوه .

خو پس دیوه وخـــت نـــه‌ددی دمینځ نه داسی آواز راپو رته‌شـــو. (با چ– باچ او باچ) دا آواز ونه‌پورته کیدل درمی نه بیل شوو سیرلیو هم دجدایی رمباړی وهلی دشپی تیاری هم دمحمد عمر کو چی ستر ګی پتی کړی او په مات زړه کیږ دی خواته را روان شو .

څه به درته وایم هغه دغم شپه په محمد عمر کوچی او ګلی توړی دومره اوږده شوه چی تا به و یل کال دی .

خو لنډه دا چی ډیری دارنګه ناوړه پیښی په‌ټول ژوندکی پـــری راغلی وی . غم څپلو زړونو به‌ګاللی چاره نوه وایی چی د وخت غو ښتنی دمرګ غوښتنی دی خو دهر وخت غوښتنی دمرګ غوښتنی نـــه دی وختونه فرق لری . په څینی وختو کی د ژوند غو ښتنی هم پر تی وی رښتیا وختونه بد لیږی. غو ښتنی چاته انتظار نه باسی هو پدی ارمان

بقیه‌در صفحه ۵۰

(c) Kelbton.com: The Digital Library

نگاهی بر رباعیات خیام

خیام این دانشمند نا مور ، شا عرو حکیم دانای شرق ، یکی از آن چهره های ادبی است که همواره درباره اش هر نکته سنجی که سخن از حکمت ، ریاضیات، ادبیات و شعر بمیان آورده‌است اعتقا دات متفا و تی را ابراز داشته است. عده درموردش تعصب ورزیده اند وعده هم بنابر علل که خود میتر اشیده اند فهم ودرك خیام راکم یا جلوه داده ویا به باد انتقادش گرفته است.

در مورد رباعیات خیام نیز دید ها ی متفا وتی موجود است . یکی بنا بر عقیدت شخصی ویابه شکل کینه تو زا نه وی را از «فضلای سر گشته غافل و گم گشته عاطل دانسته است ».

دیگری منجمش شمرده وسو می او را فیلسو ف گفته است . جمعی هم در با ره خیام ظالمانه تر صحبت نموده وبه تخلف از سنت گرانی مذهبی منسو بش کرده انـد خلا صه هر کسی به اندازه بر داشت و توانائی فهمش در باره رباعیات خیام چیز ی گفته اند و چیزی نوشته .

اما آنچه راکه به یقین وبدون تعصب و کینه ومجزا ازهـرگونه کـج بحثی و کـج فهمی از رباعیات خیام بدر آورد آن خوا هد بود که روش خیام وطرز دید وی در بیان اندیشه وافکار، روش مردان بـزرگ وآزادهٔ گیتی است . اگر چه به این طرز دید در باره خیام از دیر بازبه این سو متعصبین به طعن و غضب دیده اند . بر مقام آزاد گی وآزاده اندیشی ، زیبـایی بیان و سلا مت وصراحت کـلا مش چشم پـو شی عمدی‌روا داشته وبران رشك برده اند. ورنه ربا عیات فارسی این گو ینده درد شنا س، ازگـو تر ین همه آنها ئی است که تا حال‌سروده شده است .

شکی نیست که‌قلب خیام از عشق پرورد گارش واحساس حسن جمال مظاهرکا ئنـات مملو نبوده باشد واین هم بروا ضح اسـت که خیام ادیبی است دارای کمالات صورت معنوی که ربا عیات زیبا و شهکا ر هـای ادبی بی نظیر او مو ید این مد عا اسـت اما آنچـه دریـن میان قابل وتامـل بیشتر مبیا شد آنست که آیا میتوان خیام راصرف یك شاعر متصوف ویك واعظ این دانست‌وهمه آنچه را که وی سروده است به‌نوعی ازانحاء متکی وپیوست بـه معنـو یـا ت آ ن برشمریم هر تجاهل عار فانه اگـر بـد یـن گونه در مورد وی انجام پذیرد چشم پـوشی خـواهـد بود به آنچـه کـه در خود چنین شخصیت است .

از رباعیات متعددی خیام چنین پـیدا ست که‌وی همزمان باآنچه که سا لـك تـصوفی ایـجـاب مینمایـد، دانشمند آزاده بـی- است که خود را دربند هیچگو نه او هـا م نمی اندازد .

و این مطلب از ربا عیات موصوف بـه وضوح پیدا است :

چـون عهده نمی شود کسی فـردا را
حالی خوشدار این دل پـر سودا را
می‌نوش به ماهتاب ای ماه که مـاه
بسیا ر بتا بـد و نیا بـد مـا را

• • •

اکنون که گل سعاد تت پر بار است
د ست تو زجا م می چرا بیکـاراست
می خور که زمانه دشمن غدار است
دریا فتن روز چنین دشوار اسـت

• • •

امروز ترا دستر س فر دا نیسـت
واندیشه فـردات بجـز سو دا نیست
ضا یع مکن ار دلت شیدا نیسـت
کا ین با قی عمر رایها بیدا نیسـت

• • •

خیام با آنکه عمری در تحقیق‌جهان مـا فوق تصور انسان سفری نمود ، در مـورد جهان هستی هم تا آنجا که فهمش اجـازه مید ادبی خبر نبود . و چنا نچه از تحقیقات دقیق در مورد آثار وی واضع میشود که‌نه تنها او ادیب متصو ف بلکه دانشمند ،حکیم و ریا ضی دان و مصلح بزرگ زما ن خود بود . وی در مورد اینکه وایا سر انجامش بکجـا خواهد رسید میگوید عاقـبت ا نسان پس از مرگ چه خواهد بود .

تا چند زنم بروی دریا ها خشت
بیـزار شدم زبت پـر ستان کشت
خیام که گفت دوزخی خواهدبود
که رفت بدوزخ وکه آمدزبهشت

• • •

چون نیست حقیقت‌ویقین‌اندردست
نتوان به امید شك‌همه‌عمرنشست
هان تانه نهیم‌جام می‌از کف دست
در بیخبری مردچه هشیار و چه مست

• • •

ای آمده از عالم رو حانی گفت
حیران شده درپنج‌وچهاروشش‌وهفت
می خور چو ندانی از کجا آمـدهٔ
خو ش باش ندا نی‌بکجاخواهی‌رفت

• • •

و در مورد اینکه آنچه در دست است با ید حساب نمود نه آنچه که وعده داده شده ربا عیات زیاد دارد که بطور نمو نـه بذکرش می پردازیم .

گو یند کسان بهشت با حور خوشست
من میگو یم آب انگور خو شست
این نقد بگیرو دست از آن نسیه بدار
که آواز دهل شنیدن از دور خو شست

• • •

من هیچ ندانم که مرا آنکه سرشت
ازاهل‌بهشـت کـردیا دوزخ زشـت
جا می و بتی‌برلبی برلب کشـت
این هر سه مرانقدوتـرانسیه بهشت

• • •

گو یند بهشت و حور و کوثر باشد
جوی‌می وشیرو شهد وشکر با شد
پرکن قدح باد هوبر دستم نـه
نقدی ذهزار نسیه خو شتر با شد

• • •

در دهرچو آواز گل تازه دهنـد
فر مای بتا که می به اندازه دهند
از حور و قصور و زبهشت ودوزخ
فارغ بنشین که‌آن هر آوازه دهنـد

• • •

آنا نکه تصوف را بر میگز نیند و به‌آن گرویده میگردند از مرگ‌هراسی بـدل را نمید هند نه تنها از مرگ هراسی‌ندارند بلکه مرگ را مایه خوشی میدا نند و به عقیدت اینکه به اصل خو یش و بخـدای خود و صلت حا صل مینما یند شا دان مبیا شند اما خیام در رباعیا تش از مرگ هراسی را بیان میکند و عمر دست دا شته را غنیمت میشمارد :

این قافلهٔ عمـر عجب میگذرد
در یابدمی کـه بـا طرب میگـذرد
ساقی غم فر دای حر یفان چه خوری
پیش آر پیاله راکه شب‌میگذ ر د

• • •

زان پیش که برصورت شبیخون‌آرند
فر مای که تا باده گلگون آرنـد
توازنه ئی ای غافل نا دان که ترا
در خاك نهند وباز بیرون آرنـد

• • •

روزی که گذشت هیچ‌ازو یـاد مکـن
فر داکه نیامده است فریاد مکـن
بـر نامده و گـذ شته بنیـاد مکـن
حالی خو ش باش وعمری بر بادمکن

• • •

ای کا ش که جای آرمیدن بو دی
یا این ره دور رارسیدن بـودی
کا ش ازپی صد هزار سا ل‌ازدل‌خاك
چون سبزه امید بر دمیدن بو دی

پسا از ربا عیات خیام موید این بیا ن اند که آنچه برای آدمی درید امکا ن است همین هستی است و تا حد امکا ن و توا ن از آن باید مستفید شد. واین بدان معنی خواهد بود که خیام را از معتقد یـن به جهان هستی میدانند . رفتگان ازین جهان را به مسا فران گم گشته ونا آمد نـی یکسان دانسته است .

افسوس کـه‌سرمایه زکف بیـرون شد
وزدست اجل بسی جگرهاخون شد
کس نامد از آن‌جهان که‌پرسیم از وی
که احوال مسا فر ان دنیا چو ن‌شد

• • •

از جمله رفتگان ایـن راه دراز
باز آمده کیست تابه ماگو ید راز
پس بر سراین دوراهه آزو نیا ز
تا هیچ نما نی که نمی آیی بـا ز

• • •

وهم چنا ن در جا ی دیگری غم فردا را نفی کرده و میگو ید :

ای دوست‌بیاتا غم فرد انخو ر یـم
وین یکدم عمر را غنیمت شمر یـم
فردا که ازین دیر فنا در گذ ریم
با هفت هزار سا لکان سر بسر بم

• • •

ای دل توبه اسرار معما نر سـی
در نکته زیر کان دانا نر سـی
اینجـا بـه مـی لـعل بهشتی میساز
کانجا که بهشت استرسی‌یانه‌رسی

• • •

باری هم واعظان وناصحان را که سخن فرا تر از حد توان خو یش میز نند چنیـن نکو هش مینما ید :

آنانکه محیط فضل وآداب شد نـد
در جمع کما ل شمع اصحاب شدند
ره زین شب تاریك نبردند بیر ون
گفتند فسا نه ودر خواب شد نـد

• • •

ودر رباعی میفر ما ید :

در فصل بهار اگر بتی حور سرشت
یك سا غر می دهدبر لب کشـت
هرچند به‌نزد عامه این‌با شد زشت
سنگ به زمن است اگربرم‌نام‌بهشت

• • •

اما آنگاه که‌خود هم نمیتوا ند را هـی به منزل بکشد فریاد میز ند که :

قومی متفکر ند اند ره دیـن
قو می بگمان فتاده در راه یقیـن
میتر سم از آنکه بانگ آید روزی
کای بیخبران راه نه آنست نه ایـن

• • •

وبه این ترتیب میر سیم بدان جائـی که صاحب نظران چه فرما یند وچه فتاوت کنند که خیام بکجا میخوا هد بر سد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

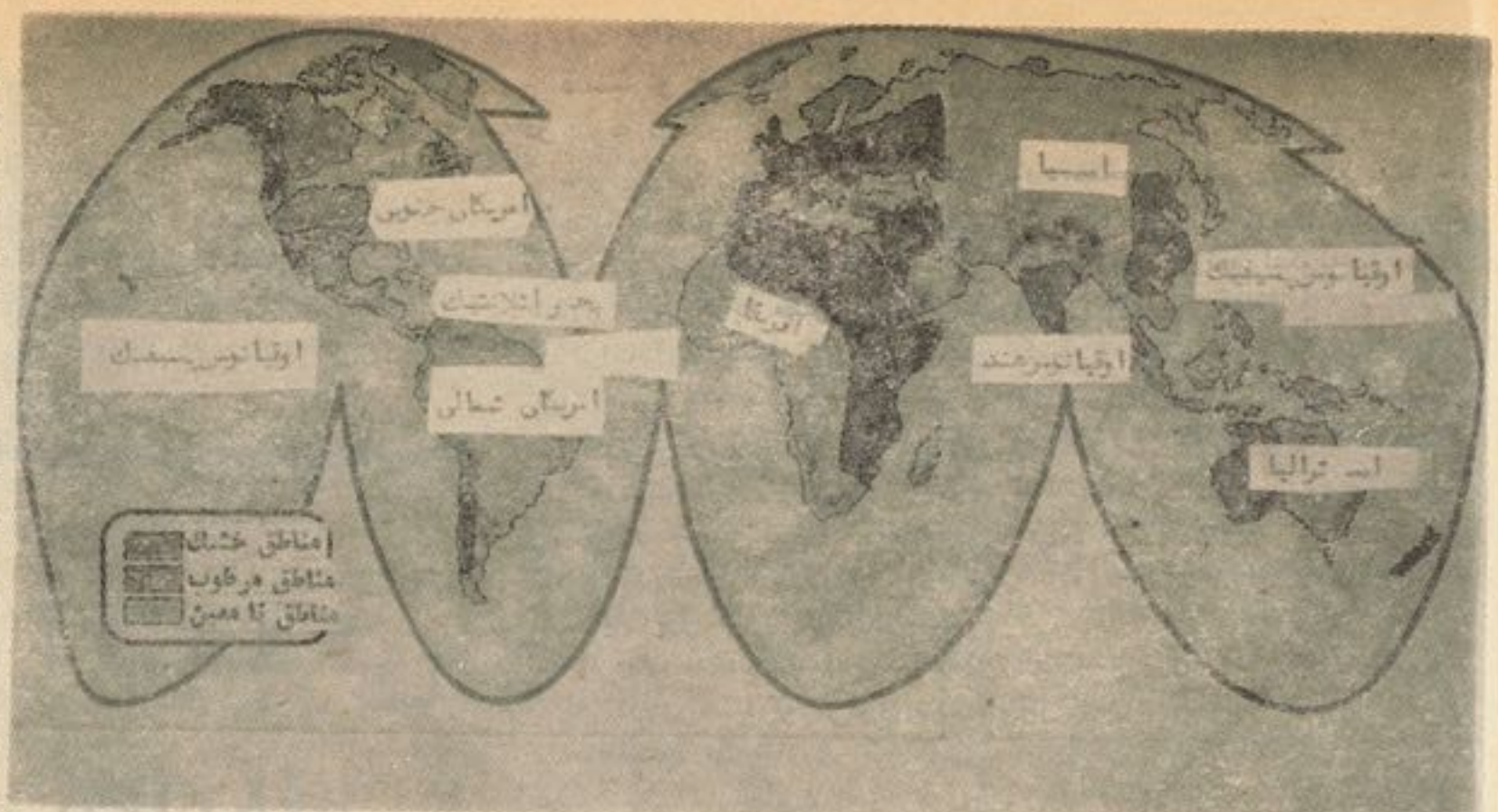

ترجمه زلمی ذاهب

پیشگوئی طویل المدت اوضاع جوی

گرم شدن هوای جهان چه اثراتی در بر خواهد داشت؟

برف باری ها و شدت سرمای سال ۱۹۷۷ در بعضی قسمت های امریکای شمالی این سوال را بمیان آورده است که آیا هوای کاینات روبه سردی میرود؟ متخصصین علم هواشناسی که نحوه تحول هوا را درطول چندین دهه ویا قرن تحت آزمایش قرار داده اند چنین نظر دارند که این تغییراقلیم خیلی ها ناچیز بوده و نمیتوان از آن نتیجه گیری نمود. این نوع حوادث ضمنی نشان دهنده تغییر دوره وی جهان است.

اینکه این تغییرات بکجاخواهد انجامید هنوز معلوم نیست . اما یکتعداد زیاد متخصصین علم هواشناسی به این مفکوره اند که اتمو سفیر گرمتر میگردد نه سرد تر ودلیل عمدهٔ آن ازدیاد روزافزون گاز بی رنگ وبی بوی کاربن دای اکساید میباشد . این گاز توسط نباتات جذب، از انسانها متصاعد وبه پیمانه وسیع ازاثر سوختن نفت وزغال به هوا پخش میگردد این گاز در اتمو سفیر مانند آئینه یک جانبه اجرای عمل مینماید بدین معنی که این گاز اشعه آفتاب را بطرف زمین اجازه ورود داده ولی مانع انتشار حرارت سطح زمین در فضای خارج اتمو سفیر آن میگردد چون مقدار کاربن دای اکساید اتموسفیر بصورت مداوم روبه افزایش میباشد بناء یکتعداد زیاد متخصصین مربوط فکر میکنند که این منبع تشخیص سبب گرم شدن هوای جهان میگردد . یکی از گزارشات مرکز تحقیقات ملی ایالات متحدهٔ امریکا حاکی از آن است که در سال ۲۰۵۰ درجه حرارت ۳درجه سانتیگراد معادل ٤ر٥ درجه فارنهایت نسبت به حالت فعلی ، در صورتیکه سوخت نفت و ذغال به عین تعداد دوام نماید ، بلند تر خواهد گردید . این ازدیاددرجه حرارت تاثیر جدی بالای مناطق زراعتی میگذارد . البته این پیش بینی ها تااندازهٔ زیادی به اساس حدسیات صورت گرفته زیرا پیش بینی های طویل المدت اقلیم امریست مشکل .

بدون شک پیشگوئی های قصیرالمدت اوضاع جوی تا اندازه زیادی قرین به واقعیت بوده و با استفاده از احصائیه های درجه حرارت ، شدت وزش باد و فشار هوا که با کمک اقمار مصنوعی ، شعبات هواشناسی ، وکمپیوتر بدست آمده صحت پیشگوئی اوضاع جوی برای دو روز ۸۵فیصد بوده ولی صحت این رقم برای سه ماه به ٦٥فیصد پائین میاید . اما پیشگوئی های طویل دلمدت مستلزم جزئیات دقیق نبوده بلکه هدف عمدهٔ آن تشخیص نحوه تحول اقلیم ونوسانات آن میباشد . طور مثال مقدار ریزش باران مربوط به مراحل مختلفه مهتاب بوده واز قرار معلوم چانس باریدن آن در اواخر و اوایل ماه نسبت به اواسط آن زیاد تر است .

اما مطالعات نشان میدهد که مهمترین منبع فعالیت های نوسانی آفتاب است. مدارک مصتبری در لابراتوار اپلتون انگلستان بدست آمده مبنی بر اینکه اختلالات در ریونو سفیر زمین که باعث برخورد با امواج رادیوئی میگردد مربوط به سایکل آفتاب است که درطول ۲۷ ونیم روز یکمرتبه بالای محور خود چرخیده وزمین بصورت پریودیکی در معرض اشعه آن قرار میگیرد این شعاعات باعث تولید اختلالات درایونو سفیر زمین و تغییرفشار دراتموسفیر گردیده ودر نتیجه باعث سفیر سمت وزش باد میگردد .

سایکل لکه های سطحی آفتاب :

مشهور ترین خاصیت پریودیک آفتاب سایکل تقریبا یازده ساله شمسی است که در طول این مدت تعداد و درخشش این لکه های سطح آفتاب به حداعظمی رسیده و دوباره ناپدید میگردند . نتایج مطالعات نشان دهندهٔ آنست که وقوع خشکسالی بعد از گذشت دو سال اززمان ناپدید شدن نقاط فوق الذکر در یکدور در میان سایکل شمسی رخ میدهد زیرا سمت ساحه مقناطیسی آفتاب ، که کنترولر این نقاط است، بعداز تکمیل دو سایکل معکوس گردیده و بنا سمت مشخص وشدت ساحه مقناطیسی بعد از سپری شدن تقریبا ۲۲ سال دوباره بحالت اولی باز گشت میکند اما علت اینکه چرا ساحه مقناطیسی آفتاب و خشکسالی با هم مربوط اند هنوز معلوم نیست . تحقیقات اخیر نشان میدهد که آفتاب این سایکل یازده ساله رابصورت

بقیه در صفحه ٥٦

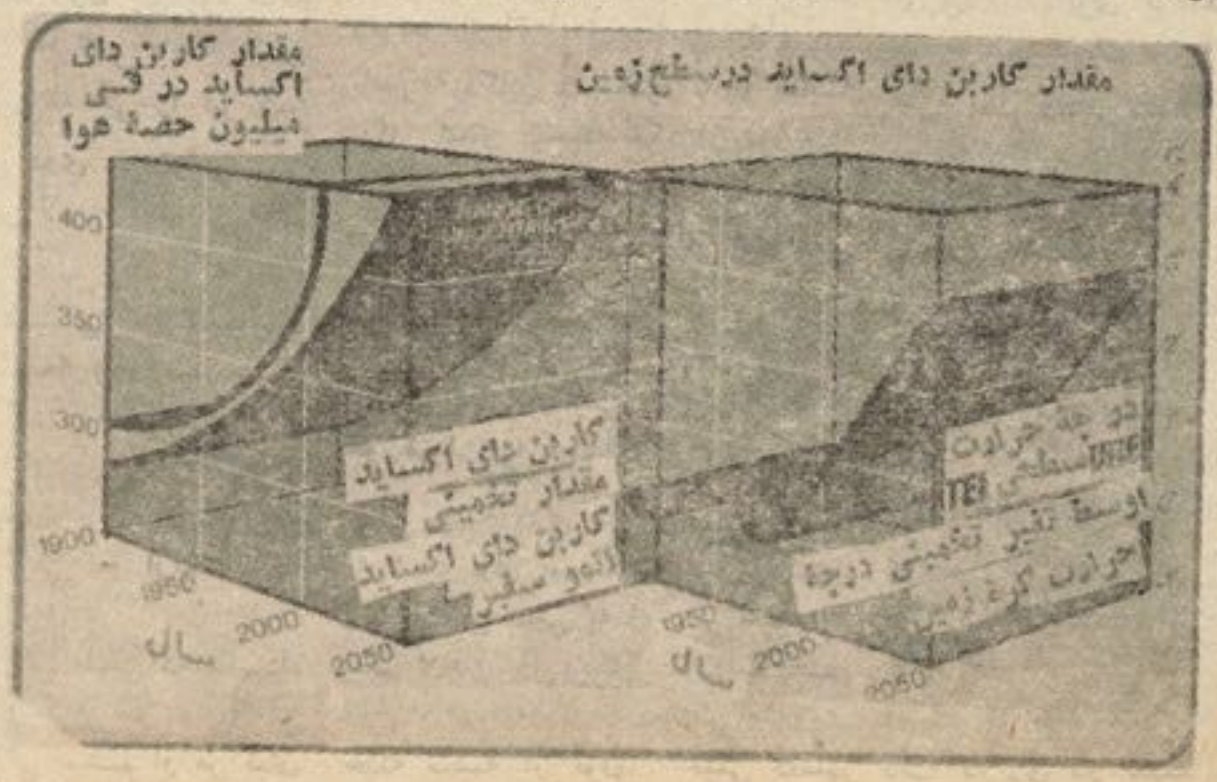

(c) Ketabton.com: The Digital Library

د(ان اوټ لین‌اف‌سو شل دیو لو پمنټ) نومی‌کتاب‌څخه

د امین الله محك ژباړه

په آسیا او افریقا کی دباداری نظامونه

دو همه بر خه

د تو لیدی وسایلو لرل ، دکار په ټولنیز ساز ما نو کی د یـوی طبقی رول د عایدا تو بر خه او د هغوی د ګټو منابع هغه مشخصات وه چی یوه طبقه په پیژندل کیدل .

سر بیره پر دی طبقه د خلکـو یوه لو یه ډله ده چی په اجتما عـی تو لید کی د خپلی پلیکاه یعنی پر تولیدی وسا یلوباندی دهغو ی‌دواك چی معمو لادقانون له خـوا پـه رسمیـت پیـژ نـدل شو ی وه) او همدا راز هغه رول چی یوه طبقه یی د کار په اجتما عی ساز مان کی لوبوی او له دی نه چی را تیر شو دهغه ګټی چی دوی یی‌دټولنیـز شتمنی څخه تر لاسه کوی له مخی سره بیلیږی .

طبقی داضا فـی محصـو ل درا پیدا کیدو څخه ورو ستـه منځ ته راغلی . دا هغه مهال و چی د تو لیدی قوا و وړاندی تګ و انسان ته دا امکان برا بر کړ چـی دخپل ژوند د لومړ نیو اړتیا وڅخه زیات تو لید وکړی .

د ولت دحکمرا نی طبقی دستګـاه وه . په استثمار ګرو نظا مو نو کی دو لـت دطبقا تی ستـم او مر ثیان کو لو دیوه پیژندل شوی دستګاه وه .

د بل خوړ ونکو دولتو نو تاریخی دو لو نه یو د بل سره تو پیرلری خو دټو لو ماهیت هما غه بر خوا- ریکښانو باندی د یوه مفت خوره اقلیت حکمرا نی وه .

قبیلوی اتحاد یی :

قبیلوی اتحاد یی د دولت هغـه دیر لو مړ نی شکل و او ډیروباداری (مریی والا) دو لتونو نوموړی مر- حله تیره کړیده .

ګڼ شمیرلرو نکی او پیا وړی قبیلی دټو مو ړی اتحا دی زنه جوړ ول .

باچا به دکلان د حکمرا نا نو څخـه تاکل کیدی (پخپله حکمران به‌زیاتره وخت‌دیوه جنګ افسر په حیـث انتخا بیدی) دباچا واك مورثـی و . دباچا د کلان ټول لوړ رتبـه رو حا نیو نو ته هغه مهم اوحساس یو سټو نه (وظیفی) ورسپارل‌کیدل څو قبیلی به د هغه موا فقی لـه مخی چی د دوی د مشرا نو له خوا به شوی وی یو ځای کیدی اوکمز- وری قبیلی به‌یی په زور تر خپلـی حکم لاندی را وستلی . داسـی دو لتو نو به داوزر دوجګړ وله‌لاری خپله سیمه ار ټول . ځینی داسی کو چنی قبیلی هم وی چی هیڅ ډول دولت ته یی غاړه نه ایښو دل .

دآسیا او افریقـا لو مړنی‌باداری دو لټونه :

دمړ یی لرو نکو دو لتـو نـو پیدا یښت د باداری نظام دټو لیدی شکل دیرباالیتوب نښه وه . لومړنی باداری دولتو نه‌په مصر ،د دجلـه او فرات (بین النهر ین) په وادی کی را خر ګند شول . نو مـوړی دو لتو نه دسو مری ، اکدی او بابلی امپرا طوری وی . دچین او هنـد باداری دو لتو نه د میلاد څخه‌مخکی د ځلو رو څخه تر درو زرو کلو نو کی اوپه اثور کی د دوهم‌زر پـه نیما یی کی منځ ته راغله . دا مهال و چی دوړی اسیا په مرکزی دښت کی د (هیتی) یوه پیاوړی امپراطوری جوړه شول . (مینایی) امپرا طوری چی یو لر غو نی عربی دولت و د میلاد څخه مخکی پنځلسمه پیـړی د اوسنی یمن پر سیمه یی بنسټ کښیښودل شو داو راتو (۲) باچهی دمیلاد دمخه په اول زرم او په‌ماورای قفقاز کی منځته را غله .دخوا رزم پیـا وړی پـا چهـی پـه منځنی آسیا کی دمیلاد دمخـه له اتمی څخه تر شپږ می پیـړی پوری څر ګنده شوه . اوپه وروسته کی یی خپل ځای د کو شان وامپرا- طوری ته خوشی کړ دمیلاد د مخه په اتمه پیړی کی ماوان اوورپسـی پاسان اودمیلاد د مخه شپږ مه‌پیړی کی دایران په‌لوید یزکی مځ تـه را غله . د لر غونی یونان د باداری دولت د میلاد څخه د مخه له اتمـی څخه تر شپږ می پیړی پوری او د لر غونی روم د میلاد د مخه په‌شپږمه پیړی کی منځ ته راغی . د مرکزی او جنو بی امر یکا باداری‌دولتو نه کابو د(۱۵۰) څخه تر (۲۰۰) کا لو پوری داسپانوی یرغلګرانو څخـه مخکی ظهور وکړ خودا کار (مایانو) سره سر نه‌خو ری ځکه دهغـوی دولت زښت پخوا نی دی .

دبا داری استبداد ی دولتـونه :

قبیلوی اتحاد یی پخپله دولت‌نه ګټل کیږی اوږوازی دهغه د پیـدا- یښت لومړی پړاو دی. د حمکـرا- نانو د تد ریجی واك د زیاتوالی اود دولتی دستګاه د پیاوړ توب پـه نتیجه کی قبیلوی اتحادیواستبدادی مریی لرو نکی دولت ته تکا مـل وکړ او په اسیا ، افریقا او امر- یکی کی دلر غو نو مریی لرو نکو دو لتو نو هغه معمول شوی شکل‌دی دبـا دا ری دو لتـو نـو شکل په تاریخی او اقتصادی شرا یطو همدا رازپه جغرافیایی‌محیط پوری‌اړه لـرل .

د استبدادی مرټیتوب صفتو نه او مشخصات د مر جوده اسنا دو څخه په لاس راغلی دی ، دمصریانو یا پیرو س اونور لیکونه پر تیګـو باندی د لر غو نو لیکوالا نو اونورو کسا نو خبرو نه چی پخپله ګواهی ورکوی ،دول‌دول حماسی، شعرو- نه او نور اسناد ټول د مطلب په رسو ښانه کو لو کی را سره مرسته کوی . دبابل باچا ، حمو رابـی د قوا نینو مجمو عه په مرټیتوب‌کی د ژوند کو لو دخیږنی دپاره زیات ارز ښت لری . دنومو ړو قوانینـو متن دمیلاد څخه د مخه په اتلسمه پیړی کی په پایتخت کی د یـوی توری ډبری پرستون کیندل‌شویدی نو موړی د قوا نینو. ډیره پخوانی مجمو عه ده چی موږ ته راپاتـی شوی ده . دمړیتوب نظـام د یوه انسان له خوا دبل ګټه خوړل یی ښه توضیح کړیدی د حمو را بـی د حکمرانی په وخت کی د بابـل امپرا طوری دیوه باداری استبدادی دولت نمونه وه او باچادمر کزی دولت یو. کر غیږنه حاکم و چی ټول اجرا یی قا نون نافذ ونکی ، قضا یی او مذهبی واك یی در لود . دظالمی باداری‌مسلطی ایدیالوژی دمشخصـا- تو څخه یوه هم دا و چی باچا یـی لوی حکمران اودخمکی خدای ګڼـه او د هغه فر مان نازل شوی وهـی (وحی) بللی . باچا د حکو مت کولو دپاره د یوی پیچلی بیور کرا ټیکی دستګاه څخه کار اخیستی . دمامو- رینو یوه بر خه دمر کزی دستګاه دبیلو بیلـو شعبو متصدی وه په داسی حال کی چی نور د با چا دنما ینده په توګه پرمختلفو ښارو او ناحیو باندی حکمرانی کول .

په‌مر یتوب کی‌تولیدی روابـط:

تو لیدی اړیکی دلته هم لکـه د تو لید پر وسا یلو باندی دخصو- صی مالکیت دتولید په نور جریـان کی ، دطبقو اساس او دمحصولاتو د توزیع‌شکلو نه په بر کی نیول.

مر ثیان او باداران -

د حمو رابی قوا ڼین نه یوازی د تو لیدی اړیکو مشخصات په بین- النهر ین بلکی په عمومی ډول پـه هر باداری دولت کی راته‌ښی .

دبا بلی دو لت‌حاکمه قد رت وړو او منځنیو باداراتو تشکیلات وه او د حمو رابی په‌قوانینو کی د دولت او قوا نینو یو طبقا تی شکل لـه وړا یه ځرګند شوی دی خپلی ګټـی یی زیاتې سا تلی . د قوا نینو یوه برخه دبادا رانو له ګټی څخـه

(c) ketabton.com: The Digital Library

په مستقیمه یاغیرمستقیمه تو کـه ملاتړ کاوه . د قوا نینو سره سم چاچی به دیوه بل چا مریی دبدن کوم ځای خوږ کړ دهماغه مجـازا- تو چی خارو دپاره په نظر کـی نیول شوی وه دجر یمی په تاد یه کو لو مکلف و. هغه وخت چـی به‌یی دبل‌چا مر یی ووژ نی نا چا ره و چی خا وند ته یی بل مر یی‌ورکړی دیوه مریی کو رنی په شمیر کی نه را تلل مرئیان یی په خپل واکسره پلورل یو او بل ته یی بخښل دنور مر ئیا نوسره بد لول اودمیـراث په شانی له یوه څخه بل ته پاتـی کیدل . کوم وخت چی چا دبادارا نو دشتمنی دساتلو دپاره دنافذ شوو قوا نینو څخه سر لغړاوه په سخته جزا سره محکومیدل . چاچی بـه مر یی غلا کړ او یابه یی تښتید لی مریی ته ځای ورکړ حکم یی دمرګ و . هر مر یی د خپل څښتن یوه خانګړی نښه پر خپل بدن در لودل که کوم آزادسړی‌هغه .نښه‌ورڅخه لیری کړی وای هغه ته هم سختـه جزا ورکول کیدل .مرئیان دتولیدی وسا یلو څخه لاڅه کوی دډیـرو لومړ نیو انسا نی حقو قو څخـه هـم بی بر خی وه .

په‌دی ډول ،بادارانو بـه‌دتـو- لید پر وسا یلو سر بیره زحمتکښان اومر ئیان هم‌پخپل شته کـی‌را- وستل چی‌دا دمریتوب‌نظام‌دتو لیدی روا بطو له خو یو نو څخه و .

بابلی ټولنی تجاوز کارا نه او بی پایه جګړی ،دمرئیا نو لاس‌تـه وروستلو دپاره سر ته رسیدی آزاد وګړی به یی دهمدی لاری مر ئیان کول . دمر یتوب په ډیرو ډولتو نو کی دبا دارا ټوحاکم قدرت دآزادو وګړو او کا سبا نو دوړی شتمنی څخه هم صرفه نکول .

په با بل کی هـم دغـی وضعـی په یو لړ تو پیر سره وجود در لود چی خپلوا کی وګړو په ډیر ژر خپله آزادی د لاسه ور کول اود مرئیا نو په لښکر به ګډ یدل .

دبا بل آزاد و وګړی پر دا سی ډلو چی د مدنی حقو قو څخه بـه پوره بر خور داره او داسی ډلـی چی دحقوقو څخه به یی لړ بر خـه لرل او مسکینو بلـل کیـده ویشل شوی وه . څه وخت چـی دلو مړی ډلی وغړ و ته‌به چـا تاوان ورساوه دیوه ګناه کارسړی په شانی به‌یی جزا لیدل. کـه چیری کوم مو سکینو ته به تا وان ور سیدی ، مقصر به یی یـوازی جر یمه کړ که کوم موسکینو غـلا کړی وای دلومړی ډلی د جر یمـه په پر تله به یی څو چنده جر یمـه تا دیه کول بیا چی‌کوم سـړی مریی غلا کړ (چی دټولنی د اساس پرضد یوجنا یت ګنهل کیدی) بیلـه دی څخه چی مقام یی په نظر کـی ونیسی حکم یی دمر ګ و. هغه چی دپوره حقو قو څخه بر خـه لرل ، پردو ډلو شتمنو او بی وزلو ویشل کیدل .بی وزلانډ دی دپاره چی خپل شتمن ژوند ته یاوښـت ور کړی او دومره څه پیدا کړی‌چی له مرګ په راوګر ځی مجبوره وه چی دشتمنو څخه پیسی وسایـل او نور شیان پور کړی چاچی بـه خپل پور نه ور کاوه په بدل کی به یی مالو نه ور څخه اخیستـل د کار طرز داسی و چی ډیوالـی (افلاس) شوی پوروړی (معمو لاد کورنی دغړو سره) به دیوه تا ګلی مودی دپاره مریی کاوه او په دی‌کار کی به د ژوند تر پایه پوری پاتـی و . پرمرئیا نو باندی دسو داګری نوی شکل منځ ته را غی او هغـه به داسی و چی چا به خپل ښار یان را نیول او هغوی به یی بیا هغـو بادا را نو ته چی دکار قوی ته بـه اړو په اجاره ور کول .

دمر ئیتوب په دو لت کی‌اشتراکی ټولنه :

ځلـه په لر غو نی با بل کی زیـات شمیر آزادو وګړو دمرئیا نو سره په‌ځنګ کی ژوند کاوه؟ دوی‌زیا تره دکـلا نو غړی وه چی لومړنـی اشترا کی نظام ته یی مخ اړ ولی‌و.

د دولت منځته راتلو څخه مخکی په هغو مځکو کی چی د کر نی‌وړوی او د سیندو نو دسیل له کبلـه خړو بی کیدی داو بو لګو لو یـو پیچلی اوسا زمان لرونکی‌سیستم منځ ته راغی . که چیری مځکی او اوبو لګو لو شبکی د با دا را نو تر منځ‌ویشل شوی وای په پـای کی داوبو لګولو سیستمونه‌ړنګیدل اودکر هنی درا ټیټیدو سبب کیدی ځکه مرئیا نو دخپل کار له نتیجی څخـه کو مه ګټه نه تر لاسـه کول . له دی امله دولت پوه شوی‌و چی د کلان خو ندی کول ور تـه ګټه لری . خودا نوره هغه پخوانی اشترا کی ټولنه نه وه چی هلتـه هیڅوک نه استثما ریدل او یـوه دټولو او ټولو دیوه په خاطـر کار کـاوه پـه دی ټـو رو شرا یطو کی با دا ری دو لـت کلان استثمار اود کـلان‌غړی لګو لو دویا لواوکاریزو نوڅارنه‌کول چـی دی کار ډلـه ایـز انسانـی کو ښښو نوته زیا ته اړه در لـود دپخوا په شان یی کر نه کول خـو اوس یی دمحصول زیاته بر خـه با چااو سپاهیانوله لاسه کښتل.د پاچانماینده‌ګانو سملاسی داوبوشبکی او د کلان د غړو دما لیو او جر یمو سم تادیه کولو نظارت کاوه تولیدـ ونکی یی په دی ډول دخپل کار د حاصل څخه بی برخی کول .

دلر غو نی مصر ، هند او چین او نورو هیوا دونو به ا ستبداد ی‌مر- ټیتوب کی هم د دا ډول شرا یطو وجود د با داری دولت علاقه چـی دکرنی داشترا کی ټو لنی په ساتلو کی یی لرل ورو ورو مخ پر کمزور تیا شول . باچا په‌خپله ډیری خمکی په واک کی لرلی او سمد لاسه بـه یی دټولنی په نور مځکو په غصبو - لو سره پر خپل مالکیت زیا توا لی را وستی . دسمی مځکو مرکز یـت مینډ لی‌و اوددولت‌یوازینی حکمران یعنی باچا اړه در لودل دجګړو دلاری به‌یی وړا ندی تګ کاوه .

دآسیا یی او افر یقا یی‌لر غو نـو دولتو نو تولیدی قوا وی :

داسیا او افریقا لرغونی دو لتونو په پیدا یښت کی د تو لید وړاندی تګ دوام در لود . په کرنه دتولیدی او زارونو څخه ګټه اخیستل په‌بابل کی رواج ومو ند کاسبا نو به‌هـم او زا رو نه جو ړول . دحمورا بی قوا نینو په‌مجموعه کی هغه وخـت په ډول ډول کسبو نه لکه بنایی ، او بدنه ، پښی ، ترکانی ، کښتی جوړ ونه ، ودانی جوړ ونی اونورو نوم اخیستل شو یدی .

په مصر کی هم کسبو نو وړاندی تګ وکړ او په ټول هیواد کی خلك داو بد لو سره بلد شول . داوبدلو افقی څر خو نو خپل ځای تسنبتـا بشپړ شوو عمودی څر خو نو تـه خوشی کړ دمسګرا نو په کرو کی دخر منی بنیو څخه اخستل پیـل شول . یوی بشپړه شول اوښمیښه جوړول یو ځانګړی شغل سو او له دی نه ورو سته به یی خښتی هم په کرو کی پخو لی .

سر بیره پردی کاسبان خپلواك وه خومرئیان هغو کارو نو ته چـی مهارت ته یی دو مره‌اړتیالرل‌اوکړاړ (سخت) به هم وه لکه ساختمانی کارو نه ، ګمارل کیدل . لومړنـی میخا نیکی کار خانی جوړی شوی دلو یوډبرو د پور ته کو لو دپاره چی د مصر په اهرام کی ور څخه کار اخیستل شویدی یوه ځانګړی میخا نیکی دستګاه اختراع شو .

داسیا او افر یقا په او بو لګو لو سیستمو نو کی دوندو نو او ډنـد شوو او بو څخه ګټه اخیستـل تر مر ئیتوب تر وخته د لومړنـی تکنا لوژی دوړاندی تګ نښه وه . داسوان بند چی د نیل پر سینـه باندی ودان شو خورا لو یه طرحه وه او دا ډول بند ونه او وندو نه چی دډبرو څخه جو ړیدل دهما غـه مهال د تکنا لوژی نښی وی .خومره چی سو دا ګری دسیند له لاری وړاندی تګ کاوه دبادی او پاروالا کښتیا نو ته اړتیا زیاتیده. لښکری صنعت وړاندی تګ وکړ اوپه‌جګړو کی‌یی دجنګی ارا بو او جنګی‌کـلا (ارګ) څخه ډیره ګټه اخیستـل کیدل . لښکری کښتی په وسلـو باندی مجهزی شوی .

دتجا ر تی مال (کالا) مبا دله :

په لومړنی اشترا کی نظام کـی د مبا دلی وړاندی تګ د ارزښت دیوه عمو می معیار په پیدا یښـت سره پای ته ورسید . په بیلو بیلو سیمو کی مختلف شیان لکه خاروی، پوټکی ، څرم او عاج د ارزښت دیوه ګډ معیار په ټو ګه ټاکل شوی وه د مریتوب په نظام کی فلزا تو پـه تدریج سره دارزش دمعیار رول په غاړه واخیست . په اول کی اوسپنه او مس دادنده په غاړه اخیسته وه. چی‌په ورسته کی بیا سره زراوبیـا سپین زر هم ور سره یوځای شول. پیسه دیوه بااړ زښت ګډ معیـار او مبادلی د وسیلی په تو ګه او یو ځانګړی مال چی د نورو ټولو مالونو په مبا دلو کی یی بر څه اخیستل، په کار ولویدل په‌اوکی پیسه دمیلی په ډول وه او ورو سته یـی دسیکی شکل غوره کړ .

دتجارت وړاندی تګ دسو داګرو درا پیدا کیدو سبب شو ، دوی‌هغه خلك وه چی دتو لید په سا حه‌کی یی ګډون نه در لود او یوازی به یی دما لو نو په مبادلی او سو داګری سره لاسونه اړوه اوځنی محصولات به‌یی تر لاسه کول سودا ګران له- یو ځای څخه وبل ځای ته‌تلل‌اوځنی وختو نه به یی هم لیری او اوږده واټنو نه وهل په دی ډول دټولنیز کار درېم ویش منځ ته راغی .

(نوربیا)

(c) Kayhan.com: The Digital Library

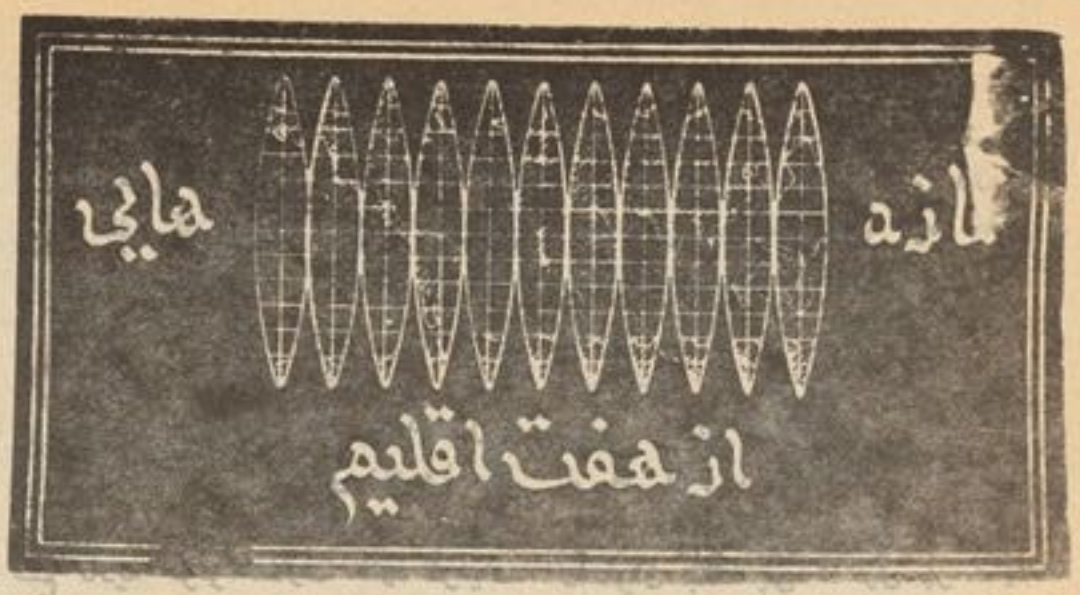

ترجمه وتنظیم از : میرحسام الدین برومند

با کیمیا وفزیك درجهت محو کامل سرطان

سرطان این مرض مدهش وجانکاه و تومور های سرطانی پروبلم های زیادی برای متخصصین امراض سرطانی ببار آورده است باری این مرض علاج ناپذیر ، وزمانی هم امیدواری هایی درزه ینه پیدا میشود . گاهی از طریق بکار گرفتن مواد کیمیاوی برای محواین مرض متوسل میگردند وزمانی هم به کمك فزیك میخواهند جلو پرور سرطان را از وجود انسانی بگیرند . درین او اخر دیده شده که ازفزیك درجهت از بین‌بردن امراض سرطانی بیشتر استفاده بعمل می‌آید. در پنجاه سال اخیر تحقیقات دامنه داری‌برای نابودی کامل امراض سرطانی وطرق درمان آن، صورتگرفته است . لاکن بدین تازگی ها گزارش گردید که عناصر را دیو اکتیف برای تنظیم امور مربوط به ارگان های داخلی انسانی بخصوص قلب ، مغز،جگرمو ثریتش را ثابت وحتی حیثیت وقایهٔ وجود را از امراض سرطانی میتواند داشته باشد . گرچه اتوم موارد استعمال زیاد دارد که در پهلوی استفاده از انرژی آن بعضا بحیث وسایل تخریب ازآن کار گرفته میشود . روی همین اصل با استفاده از فزیك اتومی، قوه های تخریبی اتومرا درارگان‌بطوری بکار می بندند که زخم ها وتومورهای سرطانی رابه‌محض رسانیدن بدان ، از پیشروی آن دروجودباز میدارد . بدین مفهوم که در پهلوی طرق تداوی از طریق جراحی ، میشود نظربه آزمایشات دقیق تومور ها وزخم و علایسم واثرات سرطانی را به کمك مواد اتومی از وجود دور ساخت وبطور حتم اشعهٔ گاما و اشعهٔ ایکس بکلی بی تاثیر نمیتوانند باشد که مریضان زیادی را ازین طریق تحت مطالعه بار بار گرفته اند . اما متخصصین امراض سرطانی مدعی اند که مقدار بکاربرد اشعهٔ لازم تاآن حدکم بوده که باآن مقدار میشود بطور قطع زخم وتومور های سرطانی را علاج کرد چه اگر مقدار اشعهٔ گاما یا هم ایکس زیاد گردد درینصورت مرگ زود به سراغ مریض مذکور می شتابد از پترو تمام مریضانی که با اشعهٔ ایکس واشعه گاما تداوی گردیده اند، موقتی بوده وفقط چند روز بعد مرض پیشرفت زیادی نموده است، پس چه باید کرد، باید مقدار اشعه هارا بالا برد ؟! در آنصورت با تخریب انساج‌سرطانی انساج سالم وجود نیز همزمان باآن تخریب میگردد . بهمانسان که پروتون ها وآیون ها قسمت های زخم را روشن میدارد عملیه های هستوی یعنی انرژی اتوم نیز بسوی انساج سرطانی شتافته وبرتومور هاحمله میکند و از بزرگی‌آنها لحظه به لحظه میکاهد.

در سال ۱۹۶۷ دریکی از انستیتوت ها ی طبی اروپا یك «اشعهٔ پروتونی» برای اهداف درمانی بکار گرفته شد . همزمان با آن یك اشعهٔ دیگر بنام اشعهٔ پروتونی دوم کشف گردید وسومین اشعهٔ پروتونی کـــه بنام «اشعهٔ درمانی» نیزیاد میگردد به کمك فزیك اتومی در سال ۱۹۷٤ از طـرف انستیتوت هستوی لیننگراد بدست آمد . یکنوع درمان دیگر امراض سرطانی تو سط اشعه ها ی مخصوصه ی‌که در تولید همچو اشعهٔ درمانی از کیمیا وفزیك علی السویه استفاده بعمل آمده، در جهت صحتیابی مبتلایان سر ط ا ن فعالیت میکند . گرچه از یکطرف کثـرت امراض متعدد سرطانی ،مایه ناراحتی بشر میگردد لاکن با آنهم امیدواری هـای زیـــاد کنونی از طرف اکادمی های امراض سرطانی برای کشف طرق تداوی آن ایجاد گردیده است . از طرفی میتود های جدیدی که، در اثر حرکت پروتون های سریع اتوم درجسم مریض عمل میکند، نیز تدارك دیده شده است . اشعه های جدید که در نتیجهٔ سه سال کار خستگی ناپذیر کشف گردیـده بعلاوه‌اینکه امیدواری برای تداوی‌مبتلایان‌امراض سرطان می بخشد ، در شناخت نوعیت زخم، موقعیت تومور ها وزخم های سرطانی دروجود تاریخ پیدایش، اندازهٔ پیشرفت ورشد مرض، خاصیت های فردی مریض را نیز برمـــلا میسازد، ازینرو با نـــظرداشت مطالبی‌که‌گفته آمد، اشعهٔ جد ید درمانی برای امـــراض سرطانی در مجموع در راس همه تدابیردیگر حمایوی مریض از مرگ که تاکنون صورت گرفته میتواند بحساب آید که این میتود در نوع خود از سایر میتود ها برتری تام دارد، البته این ادعائیست که متخصصین امراض سرطانی مینمایند اما یك مطلب را نبایـد فراموش کرد که اشعهٔ ایکس در تشخیص مرض سرطان و چگونگی نوعیت آن معجزه میکند وچه زود کار تشخیص مرض را آسان میسازد اما مساعی که در زمینه تولید چنین یك اشعه در مانی‌که درهریك‌از علم‌کمیاوفزیك تدارك دیده شده است . سرعت بخشیدن پروتون های اتومی در وجود ، محض ازطریق کمپیوتر های مخصوص برای ایـنکار عیـار شده میتواند وبس . این اشعه هاندرشفاخانه ها از طریق یك سیستم کانالی در اتاق هـا تقسیم وبوسیلهٔ کمپیوتر هر شاخه علیحده فعالیت نموده وبانظرداشت خصایل‌فزیولوژیکی مریض، به وجود مریض خاصتا در قسمت های که غـدوات سرطانی فعالیت دارنـد ، در برطرفی مرض وتقلیل در دوکاهش اثـرات آن از سایر حصص وجود، میکوشد . روی این اصل بزرگ یعنی خدمت به تهدید ـ شوندگان امراض سرطانی سیمیناری بسویهٔ بین المللی در سال ۱۹۷۷ دایر و در آن سیهگیر ندگان‌سیمینار پـــیرامون تـولید «بسته های پروتونی»،تصمیماتی بعمل آوردند.در سیمینار که در مورد استفاده از اتوم درداروی های کاملا مدرن ضد سرطانی بالشاری بعمل آمد اهل خبره ، فزیکدانان ، دکتـوران، متخصصین کیمیا وانجنیران متعدد از کشور های سوسیالیستی ،اضلاع متحده، سو یـدن وفرانسه درین سیمینار گرد آمده بودند . منظور ازین گردهم آیی وملاقات دانشمندان بایکدیگر، معرفت با فزیك اتومی، تخنیـك سرعت عمل در کیلنیك های عملیه های تازه مجادله علیه سرطان بوده است . تلاش های موثر متخصصین علوم کیمیا وفزیك وطبیبان بخاطر رهایی بشر از چنگ امراض جانکاه ومدهش امریست انسانی ودر خور ستایش،که اینك مبتلا یان سرطان امیدواری به آیـنده، آیندهٔ که مرض شان درمان خواهد یافت ، می اندیشند .

هم‌فزیکدان‌هم‌هنرپیشه

شام ها باگیتار خود روی سن ظاهرمیشود وهمراه آن باآن پنجه های ظریفش ماهرانه روی تارهای گیتار ته وبالا میدوند . آواز گیرایش شور و شعف خاصی به نوای گیتار او میدهد وچه مشکلست باور کردن این مطلب . مذکور صبح تاشام چه مشقـات و خستگی هایی راکه در مرکز علمی کـار خود متقبل نشده است منظور ما (زرگـی ـ نیگنین) یکتن از فزیکدانان وارد و چیره‌دست است، مردیکه روی مالیکول های سفید تخم مصروف گشته ومطالعاتی انجام داد و چند ساعت بعد آن بدون آمادگی قبلی در فلـم کمیدی (جهنم سر نوشت) آوازخوانـد کمین کرده بود . گرچه مسابقات تلویزیونی مزبور در ۱۹۶۲ انجام پذیرفت لاکن با وجود کار های علمی «زرگی نیگنین» کنون صد آهنگ خوب دارد که موضوعات و محتوی آهنگ ها وکمپوز های او رزمی، حماسی و دراماتیکی بوده است . اشعار وآهنگ ها ی وی بیشتر مورد توجه همگان قرار میگیرد وی

زرگی نیگنین باگیتارش درحال‌هنرنمایی

که‌کمپوزشعر آن از(میکائیل تاری فردی‌یف) بود. این فزیکدان‌که در کیمیا نیز وارداست در ساعات فراغت از کار های مربوطه بـه شعبه اختصاصی اش یعنی فزیـك ، کمپـوز مینماید . آواز خوان مذکور با گیتار خود وآواز خود در رادیو، تلویزیون وتالار هـا طنین می اندازد باآنهم پیروزی او تاآن حد است ، که از محصلان گرفتـه تاجیولوجست وکارگران معـدن ، آهنگـهایش را منحیث آهنگ روز زمزمه میدارند . وی خودش می گوید که قبل از آنکه آواز بخواند و در محافل هنری راهش را بـاز نماید، یـك فزیکدان بوده است که در مکتب، اودرفزیك بیشتر از هر چیز لیاقتش را توانسته بـود بشکل قابل توجهی تبارز دهد، گیتار را فقط در مکتب فرا گرفت وخود به تنهایی به‌کمپوز اشعار دست یازید . وی خودش را درین راه بیشتر مدیون شرایط بهتر گوارای کشورش میداند چه در پرتو همین شرایط مساعد بود که«زرگی» در مسابقات تلویـز یونی(هلو،ما ـ استعداد های شگوفان را سراغ وشگوفانتر میسازیم) یك پیروزی غیرمنتظره در برابر او

(c) ketabton.com: The Digital Library

عنر پیشه‌جوان دریکی از لابراتوارهـــای فزیك .

میخواهد هرکجایی رنجدیده وستمدیده‌ایست بایست به کمك او شتافت ، برای او شعر گفت، پس شعر او شعر زمانست، اوکه از طبیعت الهـــام میگیرد ، برخوردار از یك جهانبینی کـــامل بوده وبیشتر از اشعار یفگینی یفتکو ، میخا ئیـــل ز فتلـــوف ، زفتلوف، یونامورتیس، جوزف اوتکین وایلیتا ایرنبورگ خوشش می آید . و ی طرفدار آنست که ادراك واحساسات انسان میشـــود ازطریق «وسیقی وشعر خوب بسایرین انتقال یابد . اوبا این نظرش جوامعی راکه آنجا که طبقات وجود دارد تذویر نیز بصراحت بچشم میخورد . اوکه مرد مریض وشو خی

است زیاد دوست دارد اکثراوقا تش را با طرفداران هنرش باشد. گرچه خودش بدین عقیده است که صدای او زیاد دل انگیزنیست لاکن دیگران درین مورد کـــه او صدای نا هنجا ری دارد هـــمرایش هم عقـــیده نیستند . در همین تازگی ها این فزیکدان صاحب نام اشعار کمیدی سرود و آهنگهایش رادر قید نوت درآورد . کنسرت او سرو - صدایی در میان خواستاران صدای گیرایش ایجاد کرد. او میخواست به کمك علم فزیك احساسات علاقمندان هنرش را مـــرتعش گردانیده ، تحریك بدارد . ازنگاه او فزیـك وموزیك دو علمی اند که هردو به انســان وسایل خوشی می آفریند .

بموجب تحقیقات گسترده یی بیش ازهشتادهزارنوع سمارق وجود دارد

بموجب تحقیقات گسترده‌یـــی، بیش از هشتاد هزار نوع سمارق وجود دارد .

اینکه سمارق چگونه خوراکی است وچه مفاد ومضاری در خود نهفته دارد در زمینه ، یکی از آنانیکه بخوردن سمارق میل فراوان دارد باارتباط بموضوع فوق یکی ازجمع‌کننده هایی سمارق ها، خاطراتش را چنین خلاصـه میکند: هنگامیکه تعطیلات تابستانی ام راباید سپری میکردم بدهکدهٔ پدری رفتم، شفـق تازه دمیده بود ومن با سبدی راهی جنگل شدم تا سمارق جمع کرده باشیـــم ، تاجنگل دوکیلو متر راه بود ، راهی راکه من پیش گرفته بودم، راه یك مزرعه بود که به یك باطلاق کوچك منتهی میگشت واما در سمت دیگر ، گویـــی گلهاوسبـــزه های‌گوناگون فرش شده بودند که استشمام آن فرحـــت انگیز بود در حین جمـــع آوری سمارق در حالیکه بشکـــا رنیز مـــی انـــدیشیـــدم بیـــاد گـــفته هـــای ســـمارق‌سفابخش

دانشمندی افتیدم که‌دریکی از یادداشت‌هایش متـــذکر گردیده بود: یکی ازصدهادردی کـــه به جان بعضاً لانه میکند وچه درد جانکاهی است این درد ازنزدیکی وعطر ناخوشا یند سمارق ها ناشی میشود البته در اثر نزدیکی

سمارق شفابخش

بعضی از انواع آن . من که سمارق هـــای فراوان رابا انواع آن بلد بودم، کنجکـــاوی من تحریك گردید تا بدانم شمار انواع این خـــو راك بـــه چند میر سد. بمـــو جب آخرین تحقیقا تدر مورد چگونگی ، مزه ، مواد ومقدار نوع، سمارق را لازمست قبل از همه یاد آور شد که تا کنون دانشمندان بیش از (۸۰۰۰۰) نوع سمارق را شناختـــه اند که‌با تاسف باید متوجه گـــردیدکه فقـــط مقداری کمی ازینهمه انواع آن قابل استفاده وخوردنست، تقریباً دوصدنوع آن. درحالیکه از جمله این دوصد نوع محض (۱۵ـ۴۰)نوع خالص‌قابل‌استفاده بوده‌ومتباقی دارای‌موادیست که‌امکانات مسموم ساختن صرف‌کننده رادارامی باشد درتشخیص سمارق های‌مورد نیازازملاحظه کامل کارگرفت چه‌سمارق‌هادارای‌علایم خاص ومشخص میباشند . یکنوع سمارق که بنام «سمارق سنگی» موسوم است که نسبتاً قوی واز جمله انواع سمارق های طرف استفـــاده، بحساب می‌آید . بعلاوه بهترین نوع سمارق هاراکه بایستی چید بعلاوهٔ سمارق سنگی .

از نوع سمارق های بال دار

سمارق های‌نوع مجرك، سمارق سرخ وسمارق مسکه دار نیزدارای موادبهترین نسبت‌به‌سایر اقسام سمارق ها میباشد .

همچنان نـــوع دیگـــر از سمارق هـــا ، بنام «سمارق بالدار» نیز درقطار سمارق‌های مفید می‌آید . محقق مذکور میگوید : حین چیدن سمارق ، یکی از دوستانم که بقـــول خودش تمامی انواع سمارق هارا میتوانست ازهم تفکیك بدارد در آن محلیکه تاچشم کار میکرد سمارق بود بحدیکه چشمها از دیدنش خیرگی میکرد بمن مشوره داد که فقط چند دانه ومحدود سمارق ها را از جمله آنهمه سمارق ها بردارم وبس . دوستم در مورد شناخت سمارق ها برایم تشریحات‌داده گفت مثلا کدام نوع سمارق اگر دارای‌چگونه کلاهك باشد وچگونه روئیده باشد قابـــل استفاده است وکدامش برخلاف زهر آگین ومسموم کننده میباشد . من دراواخر نومبر در ریگستانی به یکنوع سمارق برخوردم که بسان سنگ سخت بود وباکوبیدن انگشت صدا میداد پی بردم که حتماً سمارق سنگی است که دفعتاً روئیده وسر میزند . این نوع سمارق که در ابتداء یعنی لحظهٔ سر زدن‌فقط دوگرام وزن داشت پس ازچند دقیقه دفعتاً صد برابر بزرگ وسنگین میگردد . بدین تازگی ها محققین وپژوهشگران نباتی یکنوع سمارقی را کشف ومطالعه کرده اند که هر کدام آن درحدود هفت کیلو گرام وزن‌و۵۸ سانتی متر ارتفاع داشت که قطر کلاه آن۴۶ سانتی متر محاسبه گردید وتنها ساقهٔ آن۲۲ سانتی متر اندازه شد. یك شاخهٔ دیگـر از نوع‌سمارق سنگی بنام سمارق ناکی شناخته شده است که زود رشد میکند . سمارق‌های ناکی فقط چهارونیم سانتی متر قد میداشتـه باشد که البته در نوع خود نظر بشکل‌ظاهری فرق فاحشی ازساختمان سایر سمارق هـــا

این هم ازجمله سمارق های‌شفابخش‌است

داشته وزیاد جالب میباشد ،سمارق هـــای مذکور دارای انرژی فوق‌العاده زیاد بوده‌واما زود فاسد شده ، در روز سوم وچهارم‌چیدن از خوردن می‌افتد . «سمارق شگوفه‌یی» که دارای کلاه سرخ میباشد از سایر انـواع سمارق ها بسادگی فرق میگردد اما اگـــر شخص آنرا از قسمت زیر کلاه آن قطع‌نماید، حصه قطع شده کبود مینماید . یکنوع دیگر که بانوع سمارق «شگوفه‌یی» شباهت نزدیك دارد، برگهای تازهٔ سبزبه‌کنارش می روید وبه اسرع وقت یعنی در ظرف یکدقیقه‌دفعتاً چنان نمو میکند که هردانهٔ آنرا بمشکـــل میتوان دریك سبد گنجانید . سمارق عجیبی که کلاه سرخ وقسمت پائین کلاه ویابعبارهٔ ساقهٔ آن دارای رنگ زرد یا پسته‌یی‌میباشد نظر به نظریهٔ محققین نوع مذکور گرچه‌زهر آگین نمیباشد، لاکن صرف‌کردن‌آن نیز مطلوب نیست . باری درنزدیك سراشیبی یك کـوه که بادرختان خوش ، کاج احاطه گردیده وکوه مذکور را همین درختان سبز باچنگل سمت دیگر مرتبط میساخت . گرچه گرگ، خرس وخوك جنگلی آنجا زیاد بود ، باوصف آن برای تماشا وملاحظه سمارق های متعدد وانواع آن‌بی‌حد وحصر ذوقزده شده بـــو دم در جنگل گرچه بادلهره به پیش گام‌میزدم بایکنوع سمارق دیگر برخوردم ، سمارقی‌که غیر از سمارق سنگی ، ناکی مسکه‌داروریگی که بیش از دوکیلو گرام وزن داشت ایـن نوع سمارق نظر به تحقیقاتی که نسبت بـه آن بعمل آمده ، میتوان آنرا سمارق شفـا بخش خواند بدین مفهوم که این سمارق در شفا بخشید ذبسیاری از امراض وگرداندن سلامتی مریضان بیقین معجزه میکند . سمارق

بقیه درصفحه ۴۸

(c) Habton.com: The Digital Library

فضا نوردان درلباس فضا نوری‌شان‌دیده میشوند

تر جمه از احمد شاه

ریکار دبو دوباش در فضای کیهانی

همه چیز ها ما نندهمیشه بـود مانند چند ین پرواز های کیهانـی گـذ شته ودر ضمن همه چیز هـا غیر عا دی بود . هنوز دو کیهان‌ـ نـورد اتحاد شـو ر و ی و لا ـ دیمیر لیا خوف ووالری ریو میـن در زمین‌بود ند اطـلاع یا فتند که‌به یك سفر دور ودرازبه فضای‌کیهانی میرو ند . قبل از این ها ریکا رد مدا ومت‌پر واز در فضای کیهانـی یکصدو چهل شبا نه روز بود .

در شام بیست‌و پنج فبـر وری سال جا ری سفینه فضا ی(سیوز‌ـ سی‌ودو) با دو کیهان‌نو ردان‌لیاخوف وریو مین به مدار بر آمد . هنـوز قبل از عز یمت به فضای کیها نی این نکته تثبیت گرد یده بود که در استیشن تحقیقا تی (سا لوت شش) یعنی در جا ئیکه دو کیهان نوردنیز به تحقیقات ادا مه می داد نـد یکعده نقا یص جدی مو جود است. سر نو شت کار های‌تحقیقا تی دو‌ـ کیهان نورد واستیشن «سا لوت ـ ششش» مر بوط به مو فقیت کیهان‌ـ نوردان متـذ کر «در قسمت اصلاح نقایص استیشن مذکور بود . ایـن دو کیهان نورد با ید یکی از مخـزن های محرو قا تی‌دستگاه مو تـور استیشن را متـو قـف مـی سا ختند وآنرا از ما یعات مضـره تصفیه می سا ختند .

لیا خوف وریو مین این وظیفـه را به بسیار مو فقا نه به پا یـان رسا نید ند . هفته اول ما نندپر واز های سا بـق کیهان نو ردان روز های سخت را سپری کرد نـد زیرازودترخسته میشدند واحساس درد های شد ید میکرد ند ضرور بود تا تحمل کنند اما در پهلوی مشکلات کار هابطور عجیبی پیش‌میر فـت. دا کتران در دستگاه رهبری زمیـن از ین نکته به تعجب شد ندوقتیکه در روز سوم پر واز لیا خوف وریو‌ـ مین پیشنهاد کرد ند تا در تقسیم او قات روز مره آنها ور زشـی گنجا نیده شود قبل از اینها ایـن نـوع پیشنها دات بعـد از روز پنجم به دستگاه رهبری مخا بره می شد . ماه اول پرواز را در تر میم استیشن سپری کرد ند . کیهان ـ نوردان سیستم اثر ژیکی استیشـن آلات را غر ض ار تباط را دیو یی‌و تلویز یونی ، لباس کیهانـی را غرض کار در خارج در استیشن

تجدید کرد ند حتی شـا ور را نیز سر از نو سا ختند . قبل از پرواز لیا خوف وریو مین استیشن (سالوت شش) یکنیم سال به کار

خود ادا مه داده بود ، شش دسته کیهان نوردان به آنجا سفر کرده بودند. بعداز پرواز لیاخوف و ر ـ

یومین استیشن «سا لوت ششش» در طول ششش ماه سه سفینه با ر بـر ویك سفینه بیدون پیلوت (سیوز‌ـ سی‌وچهار) رانیزپذیرفت ازپیاز و بادرنگ که درسفینه کاشته بودند استفاده میکرد نداگرچه‌درسفینه‌همه چیزها خوبتر نمی روئید مگربازهم در وقت صرف طعام تا اندا زه ازآن استفا ده میکرد ند . لیا خوف‌وریو‌ـ مین با دستگاه رهبری در زمین‌رابطه ثابت دا شتند و از سفینه اطلا عات

تلو یز یو نی ارا ئـه میکرد ند. در اوا خر ماه دوم سفر اطلا عات تلو‌ـ یز یو نی در زمین در تلو یز یـون ظاهر شد. درین دو ماه اطلا عـات

تلو یز ونی تنها به یك جهـت یعنی از حاشیه(عرشه) سفینه‌فضایی به‌زمین داده میشد وارتباط تلویز ـ یو نی دو طر فه نظـر به یك‌سلسله علل‌تخنیکی بر قرار نکرده بود ند.

از جانب دیگر این نکته بـرای آنها نیز مهم بود که نه تنها بااقارب خود ار تباط مخا بروی بگیر نـد بلکه باید آنها را ببینند . درین‌مدت دستگاه رهبری زمین توا نست که

یك سلسله اطـلا عات را به شکـل گرا فی واشکال به آنهابر سا نـد

این کار از اصراف وقت جلوگیـری نمود واز طرف دیگرارتباطمذا کروی را بین زمین وفضا آسا نترسا خت.

هنوز یکنیم ماه را در فضا سپـری نکرده بود ند که به استقبال‌مهمانان باید آما ده میشد ند . سفینه فضایی سیوز سی‌و سه به رهبری فضانورد اتحاد شوروی نیکـلای رو کـو‌ـ یشنیکوف وفضا نورد بلغا ریا یـی گیور گیا ایوا نوف نزدآنهافرستاده شد . متا سفا نه در فضا همیشـه تمام کار ها مو فقانه صورت نمی‌ـ گیرند زیرا نظر به عللی سیوزسی‌ـ وسه نتوانست به سا لو ت ششش ملحـق شود ودو با ره بزمین‌برگشت در نتیجه یکتعداد تجا ر بی را کـه سیوز سی‌و سه با ید انجام میداد بد و ش لیا خوف و ر یومین افتـاد تعداد تجا رب به حدی رسید که‌حتی محا سبه آنها مشکل است. ایـن دو کیهان نورد در طول مدت اقا مت خود در سفینه بطور منظـم از زمین عکس بر دا ری میکر د نـد زیرا امروز بدون نقشه بر دا ری کیها نی جیو لو جست ها، کار کنان زراعت، طرا حان سا ختما نهای بز رگـ هایدو تخنیکی کار های خودرا بطور مو فقا نه پیش برده نمیتوا نندو نقشه های که برای آنها ترتیب می شود چند سال بعد مجددا نقشـه برداری میشود . در طول مدت‌اقا‌ـ مت خود کیهان نو ردان به ما هـی گیران ، کشتی را نان کمك های‌همه جا نبه میکرد ند واطلا عات بسیار ارزنده را به آنها میدادند . بـرای تحقیقات اتمو سفیر زمین وعکس‌ـ بر داری ذخایر طبیعی زمین کیهان‌ـ نوردان از کمره عکاسی استفاده می کرد ند که قبـلا در استیشن سا‌ـ لوت ششش موجود بودوتو سطعلمای بلغار یا طرح‌ریزی شده‌بود.لیاخوف وریو مین در ین پرواز در عر شـه استیشن برای او لین مر تبه‌درجهان رادیو تلسکوب را نصب کردند کـه

بقیه‌درصفحه٤٦

فضا نوردان در حال صرف میوه‌جات دیده می شوند

(c) ketabton.com: The Digital Library

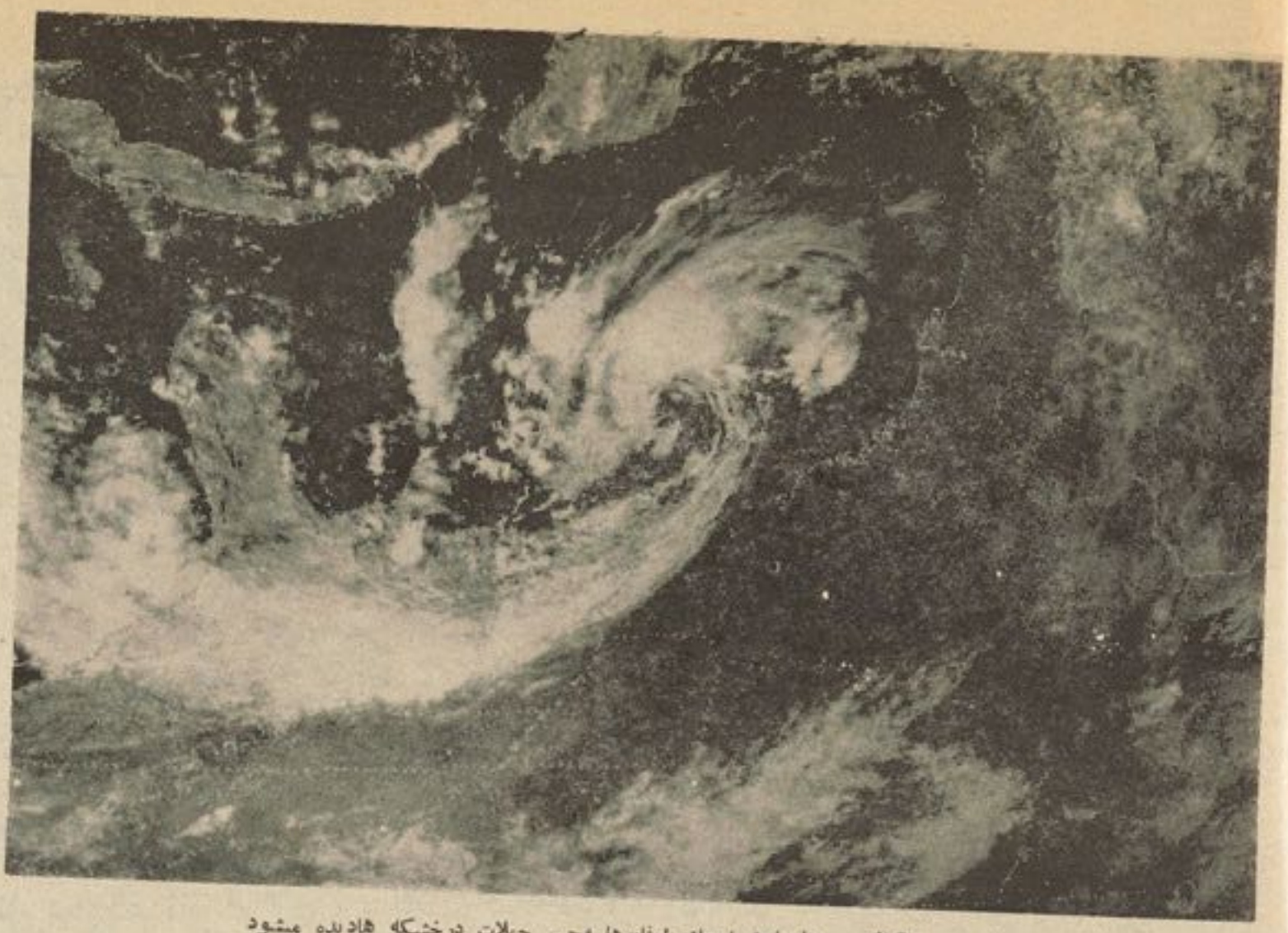

جذر ومد اوقیانوس ها باعث ایجاد طوفان‌ها وحین حملات درخشکه هادیده میشود

ترجمه ح . آهنگر

چگونه مبارزه باحوادث حیات آدمیزاد رامصونیت می بخشد

از زمانیکه آدمیزاد در روی زمین اساس زندگی را گذاشتند از همان آوان آنها دچار مشکلات وتکالیف زیاد بودند واین تکالیف زیاد تر از ناحیه طوفان ها ، سیلاب هـای مدهش وسایر آفات طبیعی وسماوی‌بود، در آن زمان که سطح زندگی نازل بوده وهمین محدودیت های محیطی وجغرافیای در تعین شعور وافکار اجتماعی نقش مهم داشته زیرا هرقدر زیر بنای زندگی مادی پهنا ووسعت داشته باشد به همان اندازه شعور وافکـار داشته باشد به همان اندازه شعور وافکـار اجتماعی نیزهمپای آن‌رشد وتکامل‌می‌نماید .

روی همین لحاظ بوده که در گذشته هـا با وجود محدودیت های زیر بنای مادی‌زندگی افکار آدمیزاد نیز رشد کافی نـه نموده و نمی توانستند علل وموجبات ایجاد وپیدایش طوفانها گرد بادها ، رعد وبرق وغیره را در یابند بنا برین از وجود آن ترس وهـراس داشتند وبرای جلو گیری از آن دست بـه تضرع ، توبه واستغفار می‌زدند تابه این‌طریق توانسته باشند نیرو های مدهش وخطر ناك را که به اساس قانونمندی های درونـی علی پدیده ها وقوع آن جبری وناگزیر بوده مطیع وآرام سازند همین نیرو های مـادی وترس از آنها بوده که بعد ها با گذشت سالیان اندیشه های عبادت از آنهـا را در ذهنیت انسانهای آن زمان ایجاد نمود .

اما هر قدر از زندگی آدمیـزاد در روی زمین میگذشت نیرو های مولده رشد وتکامل می‌نمود همپای رشد وتکامل نیرو های مولد شعور وافکار آدمیزاد نیز در پروسه رشـد وتکامل طی طریق نموده تابه تدریج انسانها توانستند وسایل جهت جلو گیری از ضربات کوبنده طوفانها ایجاد ومصونیت برای خـود واحضای شان ایجاد نمایند .

امروز دانشمندان ومتخصصین اقلیم‌شناسی توانسته اند وقوع چنین طوفانها سیلاب هـا وغیره را که امروز به اصطلاحات علمی بنام سایکلون ها ـ هریکن وغیره یـاد میشود پیش بینی نموده واز وقوع آن قبلا اطلاعات لازم‌را در اختیار جامعه بشری قرار بدهـد تابه اساس آن بتوانند قبلا در جـاهـای مصون بود وباشن اختیار نمایند و مواضع ومحل را که در آینده مورد حملاتو تهدید طوفانها قرار میگیرد به مردم معرفی نموده‌تا از اعمار منازل رهایشی در آنجا خود داری واجتناب بعمل آرند .

طوفانها یکی از خطر ناك ترین حـوادث است که خسارات مالی وجانی را به جامعه بشری بوجود میاورد سرعت طوفان وگردباد ها که تا کنون اندازه گیری شده در حدود ۷٤ میل فی‌ساعت وزیاد تر ازآن است وهم سرعت طوفان ها که شدت آن زیاد بوده‌در حدود ۲۰۰ میل نیز تاکنون اندازه گیری‌شده است توام بااین سرعت ممکن است گرد و غبار ودمه به قطر چندین میـل فضـا را بپوشاند .

بعضی از طوفان هاکه در قسمت هـا ی اوقیانوس اطلس وساحات انگلیند جدیـد مشاهده شده به سرعت سی میل فی ساعت سرعت داشته خسارات ناشی از وقوع چنین حوادث ناگوار که در بعضی قسمت هـای از جهان گذارش یافته شکل افسانوی را بخود اختیار نموده است چنانچه طوفان که درسال ۱۹۰۰ در ایالات متحده امریکا بوقوع‌پیوست منجربه نابودی شش‌هزارنفر گردیده است .

طوفان سالهای ۱۹۵۵ تنها در شهرنیویارك ایالات متحده منجربه قتل دوهزار نفرگردیده واضافه ازهفصد ملیون دالر خساره مالی در پیکراقتصاد ملی آن کشور وارد نمود امـا طوفانیکه در سال ۱۹۷۲ درآن کشور بوقوع پیوست در مدت دوازده ساعت ۱۱۷ نفر را به قتل رسانیده ودر حدود سه بلیون دالـر خساره مالی وارد نمود .

حوادث سال ۱۳۵۷ در کشورماافغانستان که بارندگی های شدید را در قبال داشت در اکثر ولایات ضربات کوبنده ومدهش را به دنبال داشت که کمتر نظیر آن را می توان در چندین دهه های گذشته جستجو نمـود

درین سیلاب در حدود ۱۲۰ نفر بکام مرگ کشیده شد ودر حدود ۷۱۲۵ فامیل به مشکل بی سر پناهی وآواره‌گی مبتلا شدند .

نظربه احصائیه وارقام که در دست است گفته میشود که این طوفان مدهش در حدود ۹۳۰۲۲ جریب زمین را کاملا ازبین برد و خسارات مالی وجانی نیز با آن همراه بوده که در حدود (۱۷۳۳٤۷٦۲۲۵) افغانی مجموعا خسارات آن را میتوان ارزیابی نمود .

امروز دانش بشری به چنان مقام رسیده است که بخوبی وبه آسانی میتوانند وقـوع چنین حودات ناگوار وتباه‌کن را پیش بینی نموده وآلات ووسایل دقیق تخنیکی که قدرت پیش بینی دقیق حالات اقلیمی را درند ترین شرایط دارد بواسطه زحمات وتلاش هـای خستگی نا پذیر دانشمندان بوجود آمده و میتواند زندگی مصون تری را برای انسانها تدارك نماید .

طوفان ها امروز آن چنان عامل کشنده و خطر ناك که در گذشته شمرده می شد بـه

بقیه‌درصفحه ٤۹

ماموربن نجات در کمك آسیب دیدگان‌رسیده اند

(c) kayhan.com: The Digital Library

الکسی تو لستوی

طفو لیت نیکیتا

یک صبح آفتابی

مترجم : دکتور خدایداد بشرمل

اهدا به پسرم نیکیتا الکسی ایویچ تو لستوی با عشق عمیق
مو لف

زما نیکه نیکیتا بیدار شد آهی کشید وچشما نشی را باز کرد، از سطح یخ زده کلکین، ازلا بلای ستاره ها پیکه طور عجیب رنگ شده واز بین شاخ وبر گها پیکه به نمو نه غر یبی نقشه شده بود ند شعاع آفتاب می تا بید. در دا خل اطاق: اشعه خور شید ما نند برف سفید می در خشید. انعکاس شعاع آفتاب از دست شو یی بر دیوار در حال لر زه بنظرمی خورد.

با کشو دن چشما نش بیاد وی آمد که شام گذشته(پکون نجار) برا یش گفته بود:

«حا لامن رنگشس خوا هم کردو بالایش آب خوا هم ریخت ووقتیکه صبح از خواب بر خا ستی می‌توا نی روی آن بالا شوی وبر وی».

شام گذشته پکون با سا س خوا هش جدی نیکیتا یك تخته برفی برا یش سا خته‌بود ، تخته چنین سا خته شده بود: در حالیکه پکون در وسط جای ترا شس کردن پهلوی میز کار نجار در کا راج ایستاده بود دو تخته وچار پا یه ترا شید، کنار های عمده تخته پائینی طوری اوریب ترا شیده‌شد بود که در برف فرو نرود، پا یه‌ها نها یت نازك سا خته شده بود، در تخته با لایی دو فرو رفتگی برای پایه ها وجود دا شت تارا ننده‌خود را محکم کرده بتوا ند. تخته پایینی باکود گاو رنگ شد ه‌وآب بر آن ریخته می شد ودر بیرون در هوای سرد گذاشته میشد تا آنرا یخ بز ند، این عمل سه بار تکرار شد بر تخته بالایی یك ریسمان نصب شده بودتا تخته برفی توسط آ ن کشس شود ودر حال را ندن سمت حرکت ان در اختیار راننده قرا ر گیرد .

«تخته برفی با ید حالا آماده‌و نزدیك در استاده‌باشد » پکو ن چنین یك آدمی بود ، او می گفت اگر من چیزی را وعده کنم، کلامم با ندازه‌قا نون راسخ‌خوا هدبود وانرا انجام خواهم داد».

نیکیتادر کنار بسترش نشست وگو شس داد ، خا نه خا مو شس بود هیچکسس هنوز از خواب بیدار نشده بود. اگر او لباس ها یش را در ظرف یکد قیقه می توا نست بپوشد بدون اینکه رو یش را بشو ید ودندا نها یش را بر س کند،قادر خوا هد بود از دروا زه عقبی به حو یلی دا خل شود واز حو یلی تا در یا،جائیکه توده های برف در کنارنشیب انبا شته شده بود یك سنگ انداز فاصله بود. نیکیتا از بستر شس بر خا ست وبا نوك پنجه هایش در چار گو شه خا نه که آفتاب آنراگرم کرده بود حر کت کرد. در همین هنگام در باز شدویك کله با عینك، ابرو های سرخ وبر جسته وریش سرخ تیز نما یان گشت .کله چشمك زد وگفت :

«تو دزد کوچك ، از خواب بر خاستی)

ار کا دی ـ ایوا نوا و یچ

آدمیکه ریش سرخ دا شت معلم خصو صی نیکیتا بود ـ ار کا دی ایوا نوو یچ از شام گذشته در تجسس بودو صبحگاهان عمداوقت تراز خواب بر خاست ، ار کار دی ایوانو ویچ یك آدم‌هوشیاروزیرك بود او با طاق نیکیتا در حالیکه خنده معنی دا ری در چهره‌اش نما یان شد وبه طرف کلکین رفت، به آئینه تنفس کرد وو قتیکه یخ آن آب وآئینه صاف شد عینك ها یش را مر تب نموده از کلکین بطرف حو یلی نگاه کرد .

«در آنجا نزد یك در،» او گفت: «یك‌تخته بر فی مقبو لی‌یستا ده» نیکیتیا چیزی نگفت وتنهاکمی تر شرویی کرد . او مجبور شد لبا ـ س ببو شد، دندان ها یش راپاك کند ورو یش را با گو شها یش‌و گر فته میان دندا نهای سفید شس قرار داد واز پشت عینك ها یش‌به طرف نیکیتا چشمك زد .

طور سا ده اگر گفته شودارکادی ایوا نو ویچ غیر قا بل تحمل بود:او همیشه سر خو شس بود ، پیو سته چشمك میزد ، هیچگاه چیزی را روشس نمیگفت بلکه هموا ره جملات مر مو زی استعمال میکرد وشخص‌را به‌تشو یش میگذا شت طور مثال وقتیکه مادر بسیار سا ده پر سید که خوا بشس چطور بود ؟ او جواب داد:(اگر منظور خواب با شد، بد نبود ، خوب خوابیدم) از همین‌جمله باید فهمید ه‌شود اما نیکیتا می خوا ست از نا شتا بگر یزد وبه در یا گو شس دهد. دیروز نیکیتا حتی گرد نشس بشو ید. بعد از ین ار کا دی ایوا نو ویچ از شا نه ها یشس‌گر فته او را بطرف اطاق نان به ما ر شس‌برد ،ما در شس که لبا سس خاکی پشمی بر تن داشت کنار سما وار نشسته بود درحالیکه روی نیکیتا را در دست ها یشس گر فته بود با چشمان رو شن‌ودر خشان بطرف او دید او را بوسید. «نیکیتا، آیا خوب خوابیدی؟»بعدااو به از کا دی ایوا نو ویچ دست دراز کرد .

«خواب خودت چطور بود ؟ ارکادی ایوا نو ویچ ؟» اوبا دلجو یی پر سید :

بروت های سر خشس خندیده پهلوی میز نشست به چا یشس شیر ریخت ، پار چه قندی را در دست گرفته میان دندا نهای سفید شس قرار داد واز پشت عینك ها یشس‌به طرف نیکیتا چشمك زد .

طور سا ده اگر گفته شودارکادی ایوا نو ویچ غیر قا بل تحمل بود:او همیشه سر خو شس بود ، پیو سته چشمك میزد ، هیچگاه چیزی را روشس نمیگفت بلکه هموا ره جملات مر مو زی استعمال میکرد وشخص‌را به‌تشو یش میگذا شت طور مثال وقتیکه مادر بسیار سا ده پر سید که خوا بشس چطور بود ؟ او جواب داد:(اگر منظور خواب با شد، بد نبود ، خوب خوابیدم) از همین‌جمله باید فهمید ه‌شود اما نیکیتا می خوا ست از نا شتا بگر یزد وبه در یا گو شس دهد. دیروز نیکیتا در عو ض اینکه تر جمه آلما نی اشس را تکمیل کند برای دو سا عت پهلوی میز پکون نشست وقتشس‌را تلف کرد .

ار کار دی ایوا نو ویچ هیچگاه شکا یت‌نمی کرد، این حقیقت است اما نیکیتا همیشه موا ظبت می بود.

ما در شس در وقت نا شتا گفت‌که شب هنگام سر مای بسیار شد ید بود ومجرای بیلر آب را یخ زده بود وقتیکه نیکیتا میخوا هد بیرون برود با ید رو پو شس عسکری‌اشس را بر تن کنداما نیکیتا گفت :

ـ«صا دقا نه‌می گو یم که‌بسیار گر می است.»

ـ«لطفا رو پو شس را بر تن کن.»

ـاین سخن‌را ما در شس بر زبان آورد .

ـ«این رو پوش رخسا رم را فشار مید هد ومرا خفك میکند. مادر ! این رو پو شس مرا بر یز شس گرفتار میسازد .»

مادر به ار کا دی ایوا نوویچ‌و نیکیتا دید ووقتیکه گپ می زد آوا زشس لر زان بود .

ـ «تو باین حدنا فرمان هستی که نمی دانم بکه می مانی.»

ار کا دی ایوا نو ویچ گفت ، ـ «بیاکه بدرس های خود شروع کنیم.» دست هایش را طوری می مالید که گو یی خو شی بزر گتری از حل مسا یل ریاضی ـدکته کردن ضرب المثل ها ویا سخنا نی که‌آدم را بخواب ببرد(خسته‌کن ـمترجم) وجود ندارد .

نیکیتا در اطاق سفید بزر گ بیکار که نقشه دو نصف کره در دیوار ش آویخته بود پهلوی یك میز که باداغ‌های رنگ وتصویرهای عریان پوش شده بود نشست و ارکادی ایوا نو ویچ کتاب ریا ضی را کشود .

ـ «تا کجا خوانده ایم؟» با تندی گفت. بایك پنسل نوك تیز پرا بلم درسی را نشان داد .

«تاجری چند متر تکه آبی را فی متر سه رو بل و٦٤ کو پك ویك اندازه تکه سیا را.» بخوان نیکیتا. همزمان بان ، طور معمول ، اوراجع تاجر کتاب ریا ضی اش تصور می کرد. او دریك بالا پوش گرد آلود دراز در نظر ش می‌آ مد که رنگ پریده وتر شرو بود ـ یك مرد سنگین، صدور وخا موش ، دو کان

(c) ketabton.com: The Digital Library

مانند یک مغازه تاریک بود، بالای یك اطاق هموارغبارآلود دو پا رچه تکه گذاشته شده بود- تاجر دستش رادر راز کرده، تکه هاراازاطـــاق بردا شت وبا نگاه آرام بطـــر ف نیکیتا دید .

-خوب نیکیتا، چرا اینقدر فکـر میکنی ؟ ارکادی ایوا نوویچ پرسید: بصورت مجموع تاجر ۱۸ متر تکـه فرو خت. چند متر تکه آبی و چنـد متر تکه سیاه فرو خته خوا هدبود؟»

نیکیتا عصبا نی شد، تا جـــر ساکت ودو پار چه تکه در دیـوا ر ناپدید ودر گرد وغبار بالای هـــم انبا شته شد ...ارکادی ایوانوویچ گفت - ای - ای - ای. وبه توضیح پردا خت، اعدادی را با پنسل بـه سرعت نو شت ضرب وتقسیم کرد وبا خود تکرار میکرد، «ده بریـك»، «ده بردو» - به نیکتیا چنین معلوم می شد که‌درجریان ضربه ایـــن «ده‌بریك»، یا (ده بردو) از کاغـذ به کله اوومغز شـ را تکـــا ن داد طوریکه دیگر فرا مو ششـــن نخوا هد کرد ویک احسا س بسیار ناخوش آیندی بوجود آورده. آفتا- بیکه بردو کلکین در سخا نه کـــه توسط یخ با هم وصل شده بودندمی تابید - همیشه اورا صدا مـــی‌زد: «بیا بدریا.» بالا خره درس ریاضی به پایان رسید واملا شروع شـد- ارکاد ایوانوویچ بامتداد **دیـــوار** بالا وپا ئین قدم می زد بایك آواز مخصوص خواب آلود، آوازی کـه هیچکس برای سخن زدن بکار نمی برند املا گفتن پردا خت -

-تدام حیوانات روی زمین دایـم در مشقت هستند وکار می کنند - شاگرد مطیع وسا عی بـــود ...» نیکتیا در حالیکه نوك زبا نش را بیرون آورده بود به نو شتن آغاز کرد، قلم بر روی کاغذ کش شـد وتر شح کرد .

ناگهان آواز بستن دروازه بلنـد شد واو صدای تما س بوت ها رابا یخ می توا نست از را هرو بشنود- ارکاد ایوانو ویچ‌کتبایش راپاائیـن اورد کرد وگوش‌داد .آوازخوشـ ، می ازنزدیکی هاشنیده می شد ... - پوسته را آوردی ؟»

نیکتیا سر ش را بطرف کتـاب تمر ینش فروبر د،و خند اشـــ را خفه می سا خـــت. او به آواز یکنوا خت تکرار می کرد. «سا عی ومطیع» «مساعی را نوشته ام.»

ارکادی ایوویچ عینکها یش را مرتب نمود .

«ام - ام» تمام حیوا نات رو ی زمین مطیع وساعی اند .....چـرا خنده می کنی؟ نوشتی...؟ ضمنـا حالا تفریح کو تا هی خوا هیـــم داشت .» ارکادی ایوا نوو یچ در حالیکه لبهایش را روی هم فشار می داد، انگشت وسطی دستش را که ما نند پنسل معلوم می شـــد حر کت داد ه واز اطاق در ســـی خارج شد، در را هرو با ما مـــی صحبت کرد :

-«الکسا ند را لیوّ نتیفنا، آیـــا نامهٔ دارم؟»

نیکتیا حدس زد که او - از کـه انتظار نامه را داشت - اما فر صت زیاد نبود - نیکیتا یک جا کـت کوتا پو ست گو سفند ی را بر تن کرد، بوت های نمدی وکلا هش را پوشید ،وروپو ش را پشـــت الماری اندا خت تا از نظر پنهـان شود وبطرف دالان دوید ..

تودهٔ برف ..

حویلی پهناور از برف نـــر م وسفید و براق‌پوشیده بود و جای پای های عمیق آبی رنگ انسا ن ها ورد پل های متعدد سگ ها در آ ن هشا هده می شد - هوا تند وبسیار سرد بود .بینی اش راغلغلك‌می‌داد ور خسارش را ما نند سوزن نیش می زد- گاراج، چتری ها وطو یله وکلاه های سفید سنگینی پو شیده بودند وبه زمین نزدیک معلو م می شدند که گوا ئی از میان بـــر ف رو ئیده اند - رد پا ها ئیکـــه از راندن قایق های بر فی ما نـده بود مانند دو تر یشهٔ شیشه بامتداد تمام حیاط بنظر می رسیـــد - نیکتیا از دالان از راه زینه ها ئیکه آواز می کردند پا ئین شد- درپائین یك تختهٔ بر فی کاملا نو از چو ب کاج ایستاده بودویك حلقه ریسمانی که از الیاف نبا تی سا ختـــه شده هم بالا یش قرار دا شـــت. نیکتیا بطرف آن دید، محکم ساخته شده بود، آن را امتحان کرد تا با- سا نی نلغزد - تختهٔ بر فی‌را بالای شا نه اندا خت ، بیل را هم کـه فکر می کرد بدر دش می خورد بـا خود گرفت وبتمام طول باغ تـــا نزدیك بند دوید .در آنجا درختـان بزرگ بید ایستاده بو دند همـــه شبنم یخ زده پو شیده شده بو دند وسا خته های شان طوری معلـو م شد که از برف سا خته شده باشد.

ناتمام

بقیه صفحه ۱۰

نگاهی به‌اوضاع..

در نزدهمین مجمع عمومی موسسه ملـل متحد که در بیست ودوم نومبر سال (۱۹۷٤) صورت گرفت . احترم به حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین بدست خود شان و از آزادی ملی خلق عرب فلسطین دفـاع بعمل آمد . فیصله نامه ای مجمع پیرامون داعیه فلسطین بزرگتری موفقیت بین المللی سازمان رهایی بخش فلسطین بشمار می رود .

بعد از ین تاریخ پرستیژ بین المللـی سازمان آزادی فلسطین (پ، ل، او) بطـور روزافزونی به سطح عالی روبه فزونی نهاد . همچنان یـك‌کمیته بررسی تامین حقوق‌مسلم خلق فلسطین در چوکات موسسه ملل متحد تاسیس گردید .

سهم گیری نمایندگان مو سسه آزادی فلسطین در فعالیت های موسسه ملل متحـد وارگان های آن اکنـــون به معیار قبول و پشتیبانی خلق های سراسر جهان ارتقا نموده است . نمایندگی های این سازمان در بیش از صد کشور جهان تاسیس گردیده است .

ستراتیژی صهیونیزم اسرائیل ادامه اشغال مناطق عربی ، لبنان، سوریه وحتی تـما م شبه جزیره عرب رادر بر دارد . چنانچـه اسرائیل هم اکنون برای تحقق این مقاصد شوم خود . اوضاع رادر جنوب لبنان‌فوق‌العاده وخیم ساخته است .واین کشور را بـه‌کمك ارتجاع سیاه لبنان وتجزیه طلبان این کشور به کانون جنگ ونبرد قوای متخاصم مبدل نموده است . قوای بحری هوایی وزمینـی اسرائیل که با انواع سلاح مدرن و عصری مجهز می باشد همواره به کمپ های‌مهاجرین فلسطین‌وقصبات‌جنوب لبنان گلوله‌باری‌مینمایند

صهیونیزم اسرائیل همچنا ن خیال واهی نابودی ، نهضت مقاومت فلسطین راکـه نیرومندترین قدرت ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در منطقه شرقمیانه پـنداشته می شود نیز در سر دارد . درین موردبیگن اظهار نموده ست «که در اسرائیل ، جنبـش مقاومت فلسطین را در همه جا، در زمین، درهوا، ویا اقیانوس ازبین می برد » این‌گفته بیگن می تواند برای امپریالیزم و ارتجـاع بین المللی امیدی بیافریند . و لی در واقع این گفته شکست ونابودی ارتجاع حا کمه اسرائیل را باز گو می کند . ایجاد حکومت اسرائیل به ارتباط اسناد تاریخی جز ازنقشه شوم امپریالیزم و استعمار چیزی دیگـری نیست .

رژیم جنایتکار اسرائیل اگرچه ظاهرا بادر دست داشتن انبار خانه های سلاح فراوانی‌که امپریالیزم و استعمار سخاوتمندانه آنرا در اختیار آنها قرار داده است قدرتمند به نظر می رسد . ولی در حقیقت پایه های عینی‌این رژیم بحد کافی بی ثبات ولرزان می باشد .

امواج نیرومند مبارزات‌سرسخـــتانه خلق های انقلابی فلسطین سر انجام پیروز خواهد شد . همانطوری‌که ویتنام قهرمان امپریالیزم بین المللی رابه زانو درآورد ....

ارتجاع عرب وداعیه فلسطین :

امپریالیزم و انحصارات ممالك پیشرفتـه کاپیتالیستی از دیر زمانی برای غارت منابع سرشار نفتی ممالك عربی، وبرای تسلط ونفوذ اقتصادی وسیاسی خود بالای این ممالـك ونگهداشتن آنها در مدار کاپیتالیستی ،دولـت تجاوزکار اسرائیل را موظف تطبیق اعمـال خود قرار داده است . ولی در سالهای اخیر در اثر تعمیق وتوسعه مبارزه سازمان آزادی‌بخش فلسطین امپریالیزم برای کشاندن‌ممالك عربی در پروسه ضد فلسطین وضد حل‌عادلانه معضله شرقمیانه مساعی زیادی بعمل آوردند. ارتجاع عرب د ر قلم نخستین رژیم سادات بعد از مرگ جمال عبدالناصر فقید، علاقمندی خاص برای جلب کمك ها ومساعدت هـای نظامی واقتصادی امپریالیزم ازخود نشان داد. ودر های اقتصادی خودرا بی مهـابا بروی چپاولگران استعماری گشود . ارتجاع عر ب بازدوبند های که با امپریالیزم داشتند بـه نحو از انحا از مساعی برای حل عادلانه داعیه فلسطین وپرابلم های منطقه شرقمیانه سرباز زدند . ودر صدر همه آنها رژیم سادات قرار گرفت . ارتجاع عرب با مبارزات آزادی‌خواهـی وروحیه انقلابی سازمان آزادی فلسطین‌کینه می ورزند . واغلبا از کمك های مالی با آنها ابامی ورزند .

ارتجاع مصر در مقابل اشاعه این شعـار اسرائیل که «اسرائیل بزرگ از یوفرات- الی نیل» هم عکس العمل ازخودنشان ندادند. این شعار را سادات شخصا هنگام مذاکرات ماه نومبر سال (۱۹۷۷) خود نیز تماشا نموده بود . بعد ازین تاریخ رژیم سادات همواره تقاضای کمك‌های نظامی واقتصادی اسارت بار را از ممالك غربی وامپریالیستی می نماید . چنانچه قرا رنوشته مجله «افریقا وآسیـای امروز» رژیم سادات از ممالك غربی بیست ملیارد دالر قرضه را تقاضا نموده است .

چاکر منشی رژیـــم سادات دراســـتان امپریالیزم وصهیونیزم اسرائیل بحدی ارتقا نموده است کـه رژیم وی وظیفه پاسبانی منافع امپریالیزم رادر منطقه شرقمیانه وحتی قاره افریقا بعهده گرفته است هم اکنون‌قوای مصری در بیش از ده کشورافریقایی‌مداخله نظامی می نمایند . رژیم سادات همچنان‌برای تشویق ممالك دیگر عربی در سازش هـای جداگانه با اسرائیل نیز مبادرت می ورزد .

در اثر تعقیب پالیسی درهای باز مصـــر میزان انفلاسیون درین کشور پانزده فیصد افزایش نموده است .

وضع سیاسی درین کشور آشفته بوده و بحران اقتصادی شدید ی دامنگیر جا معه مصرمی باشد .

بقیه درصفحه ۲۵

(c) Kayhan.com: The Digital Library

کریمداد ۰

نجات از چنگال دژخیمان طاغوت عشرب

از زمانیکه بساط تـــرور واختناق را عمال امپریالیزم در کشور ماگسترده بودند در چنان لحظات فضای شادی وسرور درهمه اطراف واکناف در شهر هاودهات افغانستان مکدرشده در کلبه‌های زحمتکشان وبیچاره‌گان آوای (غم) واندوه ـ نجوا وبیقراری طنین‌داشت ـ درفابریکه ها وکشتزارها کارگران و دهقانان وتمامـــی زحمتکشان ووطنپرستان در هر کجایی که‌بودند تحقیر ـ تعقیب ـ توهین روانه زندان واعدام می‌شدند ـ استادان‌مکاتب‌وپوهنتو نها‌ـدانشمندان دکتوران وپرفیسوران بابی حرمتی به باستیل پلچرخی کشانده می‌شد ند خلاصه هر آنکه‌سر وطنپرستی وتعالی میهن وآزادی انسان داشت درردیفکسانی قرار میگرفت که بتوبه یکی‌پی دیگر باساطور جلادان نابود می‌شدند۰

درچنان روزگاران غم آلودکه گماشتگان امپریالیزم (باند فاشیستی امین) مذبوحـانه تلاش داشتند که انقلاب شکوهمند ثور راازسیر اصولی واصلی آن به بیراهه بکشند ، یکبار دیگر آن همه غم واندوه، آنهمه رنج‌ومحنت، آنهمه نجواو فریاد های کودکان ، زنان، مادران پدران ،دانشمندان ،مبارزین وتمامی زحمتکشان بهم گره خورده و چون گرزکوبنده‌ای فرق بی مغز سردار ستم راچنان پاشان ساخت که امروزخنجره امپریالیزم درمرگش نوحه‌سرایی دارد ۰

وبرای آخرین باردست ساطور بدستان در عوافطع شدوخوشبختانه عده‌ای اززحمتکشان ووطنپرستان از خشم آن دژخیمان نجات یافتند که این آزاد شدگان از چنگال مرگ کسانی بودند که اقربایشان فاتحه آنها را خوانده در مرگ شان اشك نومیدی ریخته بودند ، چـه در کشتار گاه پلچرخی هر که را میبردنددیگر هیچ امیدی به زنده بودن اونبودسازمان ترور این ستمگران درست همانند باند تروریستی امیر عبدالرحمن (پادشاه ظالم) بود که در آن روز گاران بنام (نام گیرگ) یادمی‌شد نام‌گیرگ

یاسازمان تروریستی امیر عبدالرحمن‌چنان رواج داشت‌که شب هنگام درب بیچاره‌ای رابه امر امیر میکوبیدند وآنرا به زندان برده به سیاه‌چاه هامی‌انداختند زنده بگور نموده، تیل‌داغ،واسکت بریدن ونشترزدن چشم هاوغیره ظلمهاواعمال ضد کرامت انسانی را روامی‌داشتند ۰امیرحفیظ‌ـ خان نیز باند تروریستی داشت که مرکز اداره آنرا شخصا بنام (کام) نامگذاری نموده بودو گماشته‌های‌امین‌هم‌ترین‌باندآن ددصفتانی‌بودند که شبانگاه در حالی نشه چون گرگان درنده درمنزل شخصی افراد به درو دیواربام حویلی واتاقهای آن حمله نموده بدون کوچکتریـــن احساس مسوولیت بالای آن فامیل قیامتی را برپامی کردند آن ددصفتان آدم صورت که باتفنگچه و ماشیندار ارباب خود مسلح میبودند منزل متذکره را تلاشی میکردند واجناس قیمتی

وبا ارزش آن منزل رابه سرقت برده وبالاخره هرکه از افراد آن منزل در چنگ ایشان می‌افتاد اکثر آنها (بجرم) وطنپرستی، بشکل‌وحشیانه بادست وچشم بسته بصوب نامعلومی کشانده می‌شد ندواین همانند سازمان (نام گیرگ)

امیر عبدالرحمن بود که هیچ کسی را این جرئت نبود که اقلا بپرسد که آن بیچاره رابه کجا میبرند ،وگناهش چیست؟

به‌این صورت باکمال جرئت میتوان ایـن باند فاشیستی رایك باند سیاه وحشی ننگ زمان نامید زیرا چه وحشت وستمگریهایی‌نبود که از آنها سر نزد به آبرو ، حیثیت وشرافت مردم بازی کردند از کشته هاپشته ها ساختند کشتند ، بستند ، برق‌دادند ، سوختاندند،ناخن کشیدند ،پنجه دست وپا را قطع کردند وحتی زنده بگور نمودند ۰

امیر حفیظ الله خان امین مبتکر وحامی باند فاشیستی و تروریستی مخصوص تیپ خودش (فاشیست انقلابی نما) در افغانستان که برای سالیان متمادی توانسته بود خودرا به لباس مردم جازده سخن پرانی وپررویی نماید برای اولین بار پس از قیام مسلحانه ششم جدی اعمال ضد مردمی وضد انسانی او بشکل آفتابی افشاء شد ۰ گر چه ازین امیر نابکار ومرد فریبکار واین فیودال خونخوار عناصر روشنفکر ومترقی جامعه ماشناخت قبلی هم داشته و هم دارند تنها و تنها چند نفر اعضای فامیل او ووابسته های باند اوشان لفاظی و پررویی این قاتـــل عزاران وطنپرست را تائید وبرایش کف می‌زدند وبس : چه روشنفکران انقلابـــی ماآگاهانه وبرویت اسناد ومدارك میدانستندکه امین از نگاه سیاسی هم تربیه یافته دامان ننگین‌قدرت‌بزرگ‌امپریالیزم‌است واین‌وفادارب امپریالیزم از همان دوره‌تحصیل خویش توانسته بود که موفقانه فعالیت سیاه سیاسی اش‌راپیش ببرد وحتی در مراکز امپریالیزم جهانی توانسته بود که‌به کرسی ریاست اتحادیه محصلین دربار نماید ۰ واین مسندریاست به کسانی داده می‌شد که او عضو سازمان سیاه (سی سای‌ای) میبود واین بهترین‌دلیل وابستگی‌این‌فاشیست بامحافل امپریالیستی میباشد .

درداخل کشورنیز این امیرنابکار دژخیم صفت که باعوامفریبی‌مختص‌بخودش زمام اموررا بدست گرفت عملا به اثبات رساند که اویك فاشیست وسر دسته تروریستان‌بوده زدوبندش رابا محافل امپریالیستی ما عرانه حفظ نموده بود ۰ این گفته هاروی سخن‌نیست بلکه حقایقی است که داغهای قلوب هر هموطن مادفتری ازیـــن رویدادها میباشد در دوره سیاه‌همین امیر امین بود که بهترین جوانان وطنپرست‌در زندانها و مخفیگاها انباشته‌شده بشکل وحشیانه مجازات وبه صورت دستجمعی کشتار شدند۰ شهرها ، قریه ها ، منازل ساختمانها بمباردمان ویران‌وباخاك‌وخون‌کودکان،جوانان وپیرمردان بی دفاع یکسان شد واجسادبهترین وطنپرستان بی گور وبی نشان در کودالها وخند قها پرتاب شد ۰ وامروز هیچ کسی نیست که در نابودی این باندجنایتکارخوش نشده باشد چراکه‌هیچ فامیلی سراغ نمیشود که به نحوی از آنحاء داغی از ظلم وستم این باند راندیده باشند۰

آنطور یکه امیر حفیظ الله امین بطور کل قهرمان ترور وادمکشی ، دزدی وویرانگری‌بود۰ بهمان ترتیب والا حضرت سردار اسد الله امین نیز قومانده باند تروریستان مشخص رابه‌عهده داشت که مردم ستمکش اعم از دهقانان،کارگران مزدوران، جوالی ها،کراچی‌رانها،کهنه‌فروشان دختران ،پسران ،اطفال وبزرگسالان ، ملاها، روحانیون محصلین ومتعلمین رامورد تعقیب تحقیق توهین ،اذیت ، شکنجه وانواع ستم‌قرار داده وبالا خره پس از مدتی در حالیکه مست میبودند در صحن زندان ویادر پو لیگون آنها رابا تفنگچه و ماشیندار خود بقتل میرساندند۰

رویهمرفته والا حضرت عبدالله امین که در طول عمرش بسوی علم ومعرفت ،اخلاق‌وشرافت یك نگاه هم نکرده وچون (امیر بزرگ!) عقده بی‌دانشی‌داشت باچنین‌بی‌حیثیتی‌به امر همان برادر مهربان وبزرگوارش !والی والیان سمت شمال مقررشد این بی فهم وجاهل فکر میکرد که حکمروایی یعنی آدمکشی ، چورو چپاول، کشتار های دستجمعی و شهر سوزی میباشد بهمین اساس ستم عبدالله امین بدل هریك‌از عموطنان مابخصوص درسمت شمال چون لاله های‌صحراداغی گذاشته فراموش نشدنی چه این مردنابکار بهترین جوانان ونو جوانان را کشته خانه‌های ایشانراحریق نموده کودکان معصوم وخانم ومادر وپدر شانرا در زندان می‌کشیدند، شهر ها وقریه هارا یکجا باانسانها، حیوانات اهلی اشجار وغله جات‌آن باپرتاب بم‌هاواعمال تروریستی خود حریق ونابود میکردند ۰

در آن فضای اختناق وتروركه عروطنپرست را روانه زندان می‌نمودند وگاهگاهی که درزندان جایی برای زندانی نمیبود بدستور شخص والا‌ـ حضرت عبدالله امین‌دسته‌های زندانی‌هارابسته نموده آنها رابه دریای امو و به دریای کوکچه پرتاب میکردند ۰ بهمین ترتیب‌هر عضوایـــن باند سیاه به نوبه خود بالای مردم ظلم وستم نموده بیرحمانه کشتار کردند این یك واقعیت انکار ناپذ یر است که هر فردی از افـــراد افغانستان در شمال وجنوب در شرق وغرب به نحوی ازانحاء موردضربه‌ای‌آن‌باندتروروارباب ستم قرار گرفته بودند ۰ خوشبختانه که آن‌باند جنایتکار به سر نوشتی که باید مبتلا می‌شدند وخواست مردم مابود دچار شدند ۰

افتخار به مردم وطنپرست و مبارزین انقلابی افغانستان که دشمنان بشریت ووطن خودرااز مسیر انقلابی‌شان چون پرکاهی نابود ساختند۰

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) Kayhan.com: The Digital Library

از منا بع خار جی

بر گردا نندہ نصیر ابو ی

جراحی روانی شیوه خطرناک

بابازتاب امیدوار کننده!

مغز انسان که ازده ملیارد سلول سا خته شده بز رگتر ین معمـای آفر ینش است .

• • •

با جرا حی مغز میتوان جنا یتکاران ومعتا دان را معا لجه کرد .

• • •

با این شیوه جلو گیری از خشو نت ها ی جنسی امکان پـذ یر است.

• • •

هم اکنون با جرا حی روا نی هوش، حافظه واستعداد های گونا گون افراد رادستکا ری میکنند .

• • •

سر عت و شتا ب زند گی مد رن، تحول سر یـع جا معه بشری کـه باعث میشود هر روز فشار بیشتری بر مغزما وارد آید بر خورد هـای نا مطلوب ونا راحت کننده ،دلهـره واضطراب های درو نی ودهها عامل دیگر مغـز ،انسان امرو زی را در معر ض خطر شد ید قرار داده است هر چه تمدن بشری انسا نها را بـا فور مول پیچیده در هم می تند نیاز- مندی انسان به فرد مقا بلشس نیـز افزا یش می یا بد . در عین حال انسان امروزی محکوم به سر خور- دگی وتصا دمات روز مره ما طفی اند، زیرا در طول دوره زند گی نیازمندی عاطفی افراد غیر ار ضا کننده است. پس چنین حالت یعنی کثرت نیاز- مندی های زیاد وران پر سشی هاو اضطرا بات وانواع واقسام آن اسا- سی برای اختـلا لات روا نی پلای- ریزی می کنند .

دا کتر کوردل معتقد است مغز یك انسان امرو زی مجبوراست آنقدر مطا لب واطلا عات را در خود جـاو از آن استفا ده بکند که برای همه افراد یك نسل قبل دشوا رمـی نمود .سنگینی در مغـز وحا فظه یکی از زیاد تا را حتی های عصر مـا است ودر سرا سر جهان ملیونها نفر از سنگینی بارفکری وخستگی های رو حی ودما غی رنـج میبر ندا

آنچنان که در بالا گفته آمد خطر- اتی که در کمین مغز انسان خوا بیده اند سخت نگران کننده اند. بنـا مغـز انسان برای اینکه خود را با شرا یط نو تطبیـق دهد تحت فشار قرار میگیرد واز طرف دیگر شیـوه های نو جرا حی روا نی نیز ممکنست بهتر ین یا بدترین شیوه با شد. بهر حال نگران کننده اند .

مغز انسان به ما نند یك خـازن بر قی است با ده ملیارد سلول که مهم تر ین عضو بدن است پروفیسور سرجان الیکلز دانشمند آسترلیایی وبر نده جا یزه نو بل می گو یـد: اگر قشر خار جی مغز گستر ده شود صفحه ی بد ست می آید با طـول پنجاه سا نتی متر ،سه ملی متـر ضخا مت سلول عصبی نشین گاه همه تجر بیات در سرا سر طـول زند گی هستند با احسا سات عوا- طف، ادرا کات خا طرات وعکس العمل های ما، اندا یشه های ما همه و همه از همین ده ملییارد سلول سرچشمه می گیر ند درجهان هیـچ پدیـده وجود ندارد که پیچیده تر از قشـر خار جی مغـز باشد در زبان علمـی این سلول ها را نیو رون گو یند هر نیو رون میتوا ند با سلول های همجوار خود پنجاه هزار را بطه برقی ایجاد کند مغز مادر هر لحظه هزاران اطـلا عات را به شکل امواج بر قی دریافت می کند . سر چشمـه عـلا مات وسگنال ها مواد کیمیایی هسته که در سلول ها مغزی پخش شده اند اطـلا عات در یا فت شده به حسب نوع آنها حا فظـه ما را تشکیل مید هند (به تاز گی کشـف شده است که حا فظه سا ختمان ما- لیکولی دارد) بر رسی و مطا لعـه مغـز بو سیله مکرو الکترود نشان داده است که در مغز، برای کنترول اعمال ما مراکز بخصوص وجوددارد مر کز گر سنگی ، عطفی وتشنگی،

(c) ketabton.com: The Digital Library

مر کزخشو نت ، مر کز غرا یـــز جنسی وبالا خره مر کز رو یا. درین اوا خر مر کزدرد ولـذت‌نیز تشخیص شده اند وحتی دا نشمندان توانایی آنرا دا شته اند تا با وسا یل‌بر قی در مر کز اخیر الـذکر را به تحریك بیاورند وبطور مصنو عی ایجـاد درد ولـذت نما یند . مهمترین‌پدیده مغز ما حا فظه است وچنین به نظـر میر سد که ضبط خا طرات دید نی‌ها وشنید نی هایك‌عمل بیو شیمی‌است که بکمك برخی از موادساخته شده از مغز انجام می پذیرد. تنها شاك میتوا نداین دستگاه پیچیده را ازهم بپاشید . شاك های روحی نیز مـی توا ند کار حا فظه را دچار اختلال ودگرگونی نماید . «زیگموندفروید» ثابت ساخت که حافظه برخی ا ز خا طرات تحمل نا پـذ یر خود را به صو رت خودی بد ست فرا مو شـی می سپا رد وهم ثابت سا خت کـه ضمیره نا آگاه شخص خاطرات را طرد میکند . امار واحصا ئیه هـای یو نسکو در مورد افراد یکه ازدر- گیری ها ی‌رو حی رنـج می بر ند جالب‌است طی خبر آخر ین ایـــن موسسه تعداد کسانی را که درحال حاضر به کار های علمی وفکـری مشغول اند نود فیصد وا نمودکرده است .

کار شنا سان اعـلام کرده اندکه کشف اسرار مغز انسان البته باعث در مان ومعا لجه بسیا ری ازبیما ری هادرسال های دو هزار وفوق آن خوا هدبود . اما آنچه مسلم اسـت شاید انسانها بحدافرا طی‌به جراحی روانی رو ببرند وبا دادن الکترو- شاك هاویا دهها وسیله دیگر مغـز انسا نها را تغییر دهند .دانشمندان نبا ید به استفا ده های احتما لی‌از کشفیات خود شان بیند یشند زیرا از هر پیشر فت یا کشف علمـی ممکنست روزی به قصد غیر اخلاقی استفاده بشود . اما این وحشت از آینده نبا ید ما نـع کار هردانشمند باشد . جرا حی روا نی‌از هنگا مـی پدید آمدکه یك دا کتر پر تگا لـی بنام آگاس لو نیز شیوه معالجـه مخصو ص را برای بیما وان روا نی پیشنهاد کرد این شیوه لوبو تو می نام‌دارد . مطا بـق این اصل بر خی از انساج را که از نا حیه پیشا نی (محل تفکر) به سوی مغز می رو ند قطـع می نما یند . ظا هرا عمـل سا ده هم است . نیشتری را درسر بیمار فرو می کنند . وچند نسـج را می‌بر ند . اما عمـلا معلـوم شد که این بهبود یا فتگان به انسا نهای تبد یل شد ند گیـج وبـی ارا ده تغییرات روا نی آنها چنان شد یـد بود که حتی نزد یکان شان بـــه شنا خت آنها مو فـق نشد ند. امـا امروز شکل تکا مل یا فته تری از جرا حی روا نی مغزدر آلمان ،امریکا از آزما یشگاه ها به شفا خا نه هاراه یافته است بااین شیوه جراحی‌بعضی ازصفات خشونت‌آمیزوانحرافات‌جنسی بیمار را از بین می بر ند . یـك کمیسیون جهانی شنا مل‌پروفیسوران بین المللی مامور بر رسی درباره‌این مسئله جرا حی شد . اعضای ایـن کمیسیون صر یحا اعـلام دا شتند

که میتر سند در مورد اینگو نـه جرا حی افراد بشودواز ین رو شی استفا ده های غیر انسا نی نما یند با این هم‌رئیس کمیسیون دا کتـر رایان اعلام داشت : جرا حی‌روا نی مغز تا حال به‌بیما را نی زیا دی‌کمك کرده بدون اینکه هو ش وفرا ست آنها ازبین برود ویا به زندگی‌عاطفی شان لطمه وارد شود . ازسـال ۱۹۷۰ به اینسو جر احی‌روا نـی پیشر فت زیاد ی‌کرده است امـا جراحان بخش مغز سعی می‌کننـد که برای عمل خود حدود قاطعی‌تعین وبرای آن‌جامه‌ی قانونی در بر کند تا کار به افراط نکشد .ها کسلـی متفکر بزرگ پیش‌بینی کرده‌بودکه اگر این شیوه از آز ما یشگاه هـای علمی به جا معه سرا یت کند.جامعه انسا نی دچار سقوط خوا هد شد. این بحث ومنا قشات علمی ، انتقـاد وطر فدا ری ، طی سا لیان دراز ادامه داشت تا اینکه در سال۱۹۷٤ کنگره جها نی عصب شنا سی ادامه

تحقیق کنترل عا دات روا نی را تـا سال ۱۹۸٤ اعـلام کرد ند . یعنی این کنگره در مر حله اول شیـوه را تا سال ۱۹۸٤ وفوق‌آن بو سیله جراحان مغـز تضمـــین نمود. ودست اندر کا ران‌وکارشنا- سان آزما یشگاه را صلا حیت قا-

نو نی داد ومطا بـق به اجرا آت‌این کنگره پیا ده سا ختن عمل روی بیماران روانی ز ندانیان و اطفـال قبول گرد ید .واین وسیله همانندی که پیشگو یی میشد میر فت تاداغ تر ین مو ضوع علمی روز را بـر سر زبانها بنشاند امابه یقین اساس این رو شـــ در ســا ل ۱۹۳۵ گذارده شد .در گردهم‌آیی‌دانشمندان بین المللی که در هما نسال منعقـد گرد ید. اسا سات آن برای‌نخستین بار تو سط داکتر کار لیل ودا کتـر جان فو لتن باز گو گردید و یکـی بعد دیگری چا قوی جرا حی را روی انساج دماغ خوا با نید ند. دراوایل ازین طر یقه به عنوان یك‌فا نتزی یا د دهانی میکردند ، نه یك اصل علمی اما بعدا آزمایشات عکس‌منا - قشه را ثابت سا خت.

در دهه پنجاه دو فکتور (عامل) عمده تدا وی کیمیا یی واستفا ده‌از الکتروشاك باعث پیش رفت وسیله فوق گردید زیرا تا ثیرات جا نبـی ومخا لفت های زیاد حلقه هـــای علمی بیشتر از پیش سد پیشرفت

بقیه‌درصفحه٤٦

بقیه صفحه ۲۱

نگاهی به‌اوضاع...

به‌اساس نوشته لوموند چاپ پاریس عرصه زندگانی کارگران، دهقانان و غیره طبقا ت پایین وزحمتکش پیوسته تنگتر می گردد .

سازش های مصر واسرائیل مورد نـفرت همه جهان مترقی قرار گرفت . و منجملـه پروسه ضد سازش های خـائنانه مصر در کنفرانس ماه مارچ بغداد که به اشتـراك (۱۸) کشور عربی انعقاد یافت بخوبی تجلی نمود . از مواد برجسته وفیصله نامه ایـن کنفرانس که به اتفاق تمام اعضای شرکت- کننده به استثنای سومالی وعمان بتصویب رسید مواد آتی را می توان ذکر نمود .

۱ـ وضع تعذیرات اقتصادی با حکو مت موجوده مصر .

۲ـ قطع روابط دیپلوماتیك با حکومت‌مصر.

۳ـ اخراج مصر از عضویت کانگرس‌جهانی اسلامی .

٤ـ اخراج مصر ازتمام سازمان‌ها واتحادیه های منطقوی عربی .

٥ـ قطع صدور نفت به مصر .

همچنان در اجلاسیه سوم کانگرس خلقهای عرب که‌درماه‌می ۱۹۷۹ درعدن‌به‌اشتراك‌هفتاد حزب وسازمان های‌سیاسی ویکصدو چهل‌ودو اتحادیه کارگری وسازمان های زنان وغیره سازمان های اجتماعی از هفده کشور عـربی انعقاد یافت به وضاحت اعلام نمود. که آنها برضد سازش های مصر واسرائیل مبـارزه خواهد نمود آنها ضرورت تحکیم همکـاری خودرا باتمام ممالك مترقی وبطور اعم باکلیه کشور های جامعه سوسیالیستی تاکیدنمودند.

کنفرانس لزبن وخواست عادلانه فلسطین: در آغاز ماه نومبر سال ۱۹۷۹ در لـزبن مرکز پرتگال کنفرانس تساند وهمبستگی باخلق فلسطین انعقاد یافت . درین‌کنفرانس اعلام گردیدکه‌اسرائیل‌حالت‌وحشتناکی‌رابرای کلیه خلقها ی شرقمیانـه وبخصوص خلق فلسطین ایجاد می نماید. سخن گویان این کنفرانس تاکید نمودند که معاهده نام نهاد کمپ دیوید وسازش های خرابکارانه مصرو اسرائیل حقوق انسانی وملی مردمان عـرب فلسطین را زیرپا می نماید . و پـالیسی صهیونیستی اسرائیل عمده ترین تهدیدکننده صلح وديتانت در منطقه شرق میانه وسراسر جهان پنداشته می شود. همچنان در یـن کنفرانس پیرامون ستراتیژی های امپریالیزم ارتجاع عرب وارتجاع حاکم اسرائیل که حال

در زدوبند واتحاد نامقدس باهم تشریـك مساعی می نمایند بحث صورت گـرفت . نمایندگان حلقه های سیاسی مترقی اروپای غربی نیز پلان های امپریالیزم رادر قبـال داعیه عرب وتمام پرابلم های ناشی ازتشنجات بین اعراب‌واسرائیل. را مورد تکوهش قرار دادند . اهمیـت این کنفـرانس با حضور یاسر عرفات رئیس کمیته اجرائیوی سازمان آزادی بخش فلسطین وبیانیه های پرتحرکوی بیشتر گردید .

یاسر عرفات رهبر خلق فلسطین پیرامون مبارزات قهرمانانه آزادی خواهی خلق عر ب فلسطین سخنرانی نمود . واوهمچنان ازکمك وپشتیبانی بیدریغ تمام کشور های جامعـه سوسیالیستی و بخصوص از مساعی اتحاد - شوروی برای حل عادلانه شرق میـا نـه اظهار خرسندی نمود .

تمام شرکت کنندگان ایـن کنفرانس قاطعانه اعلام نمودند .که با ید تمام قـوای اشغالگر اسرائیل بدون قیدو شرطی ازمناطق اشغالی که در سال (۱۹۷٦) متصرف نموده است خارج شوند وحقوق طبعی و مسلـم فلسطین را مبنی برتشکیل نمودن دولت آزاد فلسطین مورد احترام قرار دهد .

در ین کنفرانس به آنعده از کشور های که تاهنوز موسسه آزادی فلسطین را بـه رسمیت نشناخته اند خاطر نشان گردید تاهر چه زودتر این موسسه رابه رسمیت بشناسند.

در خلاصه تحلیل وبررسی اوضاع سیاسی در منطقه شرق میانه این نتیجه گیری حاصل خواهد شد که پرابلم های شـرق میانـه ومسئله فلسطین در صورتی میتواند عادلانه حل گرددکه همه جوانب ذیعلاقه بشمـو ل نماینده سازمان رهایی بخش فلسطین بـه اساس فیصله نامه های موسسه ملل متحد عمل نمایند . زدوبند ها و معاهدات که در خفای خلق عرب وبدون اشتراك‌موسسه‌آزادی فلسطین صورت گیرد جعلی وسطحی خواهد بود. ودر امر صلح هیچگونه تاثیری مثبت نخواهد نمود .

حل عادلانه مسله شرقمیانه قدم بزرگتری خواهد بود در راه تعمیم دیتانت وامنیـت بین المللی .

(c) Kayhan.com: The Digital Library

پلان اعمار شهری برای اسپ سواران

مشق و تمرین های ورزشی درستدیوم که برای المپیای ۱۹۸۰ سا خته شده است .

دراتحادجماهیرشوروی سوسیالیستی که در آن در سال ۱۹۸۰ مسابقه او لمپیای جهانی دایر میگرددشهری برای اسب سوران ومسابقه‌اسب دوانی‌در منطقه بیستا که در حدود بیست وشش کیلو متری مرکز قرار دارد در نظر گرفته شده است .

اما مهندسین در مورد تعیین موقعیت ستدیوم مذکور دچار تردید وسر درگمی های‌می باشند اما عده به این نظر اند که این منطقه محل مناسب برای اعمار یک ستدیوم بوده زیرا مردم به آسانی میتوانند از هر نقطه شهر به آن جا رسیده گی نموده وهم درپهلوی مناظر طبیعی خوشآب و هوای قرار دارد . این ستدیوم در حدود چهل و پنج هکتار زمین را در بر میگیرد .

یک گروپ مهندسین وانجنیران موفق شدند تا توانزمیان‌عمارت های بلند وزمین های هموار بوجود آورند . خشت پخته وچوب موادی است که روی سا ختمان ستدیوم‌را باآن اعمار نموده اند که رنگ‌نمای

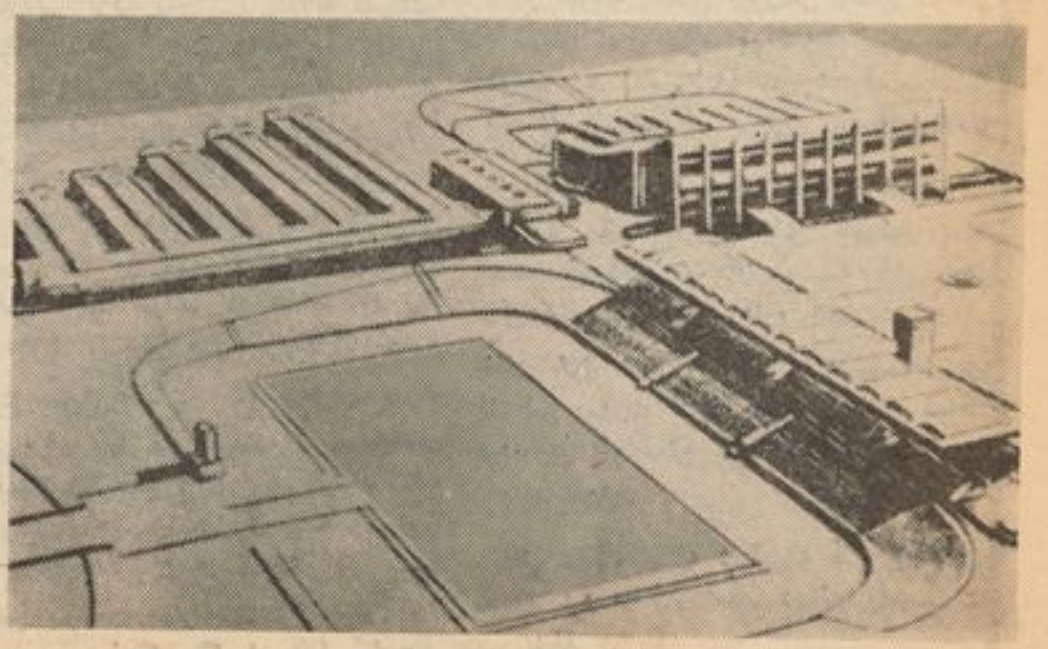

مودل ونمونه سا ختمان ستدیوم‌ورزشی برای اسب سوا ری‌درمنطقه بیستا .

خارجی ستدیوم مذکور با رنگ طبیعی طبیعت همگونی را وانمودمی سازد . عمده ترین قسمت این ستدیوم را محل جست‌وخیز وتمرین تشکیل میدهد درحدوددوازده هزار چوکی در روی زمین سا خته شده که در سه قطار قرار دارند هر قطار آن‌نود تا یکصدو پنجاه متر می باشند .

میدان مسابقه درحدودیکهزارو هشتصد متر بطور مدور بوده‌وبیست متر فراخنا دارد که در درون حلقه های دو شس محل برای تمرین وآماده‌گی برای مسابقه‌درنظر گرفته شده است .

تعداد زیاد مردم بدون داخل‌شدن در ستدیوم مذکور میتوانند از نقاط دور از مرا تبع وزمین های هموار نیز مسابقه راتماشانمایند.

در ستدیوم مذکور دومحل

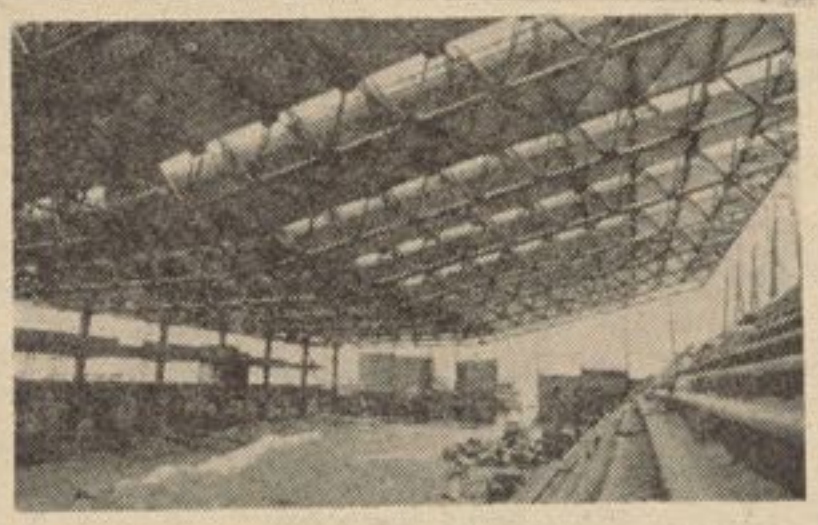

یک ستدیوم سقف داربرای‌مسابقه اسپ دوانی‌دراتحاد شوروی

برای پوشیدن وتبدیل کالا وجود دارد یکی از ین محل ها که سرکشاده‌بوده دارای یکهزارو پنجصد چوکی بوده ودگری آن دارای دو هزار چوکی است این محل که دارای دو هزار چوکی است سقف آن کاملا پوشیده است و طوری دیزاین وطرح ریزی گردیده که اشعه سقف آن در هجده متری‌طرف دگر تا بیده وقسمت بالایی را در تبدیل‌هوای آزاد کمک میکند .

درشرایط ناگوار اقلیمی سواران ومسابقه دهندگان می توانند دردرون به حدودسی‌وهشت‌متر ونود متر به مسابقه شان ادامه دهند در ین ستدیوم وسایل ضروری از قبیل مساژ برقی ـ ادویه های او لیه ضروری اتاق کنفرانس وصنف مخصوصی در سی می باشند .

قسمت های درونی ستدیوم از چوب ومواد نرم سا خته شده است اما محل ویا اتاق که برای تبدیل لباس در نظر گرفته شده خارج از محوطه مسابقه قرار دارد .

همچنان در ین جا محل برای نگهداری ومراقبت اسب ها نیز وجود دارد هر یک از ین طویله ها گنجایش نگهداری چهل اسب را می داشته باشد طویله ها دارای مرکز گرمی نور وروشنی کافی و حمام می باشد که در مجاورت آن کلنیک حیوانی وبیتاران نیز قرار دارد .

یی لی ناقهرمان جهانی او‌لمپیک درمورداین استدیوم چنین اظهار عقیده‌نموده است‌این‌استدیوم شگفتی انگیز که در اتحاد شوروی سوسیالیستی اعمار میگردد نه تنهایک طرح ودیزین زیبا برای‌اعمار یک ستدیوم بزرگ مسابقه

بقیه درصفحه ۵۰

(c) ketabton.com: The Digital Library

بااشتراك در روزنامه‌ها و مجلات کشور بر آگاهی تان بیفزایید.

اطلاعات وکلتور بافرور یختن‌مرز تفاوت وجه اشترا ك شـهـروده‌در خد مت بیشتر علاقمندان روز نامه‌ها جراید و مجلات است .

بخاطر اینکه درسال نـو کلیه روز نا مه‌ها ،جرایدو مجلات بتوانند دروازه های‌تمام مشتر کین‌را صرف نظر از شهری و رو ستا یی‌یکسان بکو بد ، مد یریت عمو می توزیع روز نا مه ها و مجلات و جه اشتراك علاقمندان را در کلیه نقاط کشور یکسان میپذیرد .

دوستداران روز نا مه ها ،جراید و مجلات :

شما که بر قلل شا مخ وپر برف زند گی میکنید و یا در دشت های گستر ده وو سیع حیات بسـر میبر ید ....

شما که در کابل هستید و یا در دره‌ی های‌پرخم وپیچ میتوا نید با پردا خت و جه اشتراك یکسان در جمله مشترکین روز نامه ها، جراید ومجلات ما با شید از داغ تر یـن رویدا دها ،خبر ها ، حوا دث‌آگاهی بیابید و سا عت ها سر گرم‌شوید.

روز نامه حقیقت‌انقلا ب‌ثو ر :

اگر خوا هان روز نا مه حقیقـت انقلاب ثور میبا شید در هر جای کشور که هستید در بدل دو صـد افغانی واگر شاگرد و یا محصـل باشید با ارائه تصدیق در بدل۱۵۰ افغانی یکسال بشما روز نا مـه میفر ستیم .

ا نیس :

اگر انیس‌میخوا هیـد در هر گوشه میهن که باشیدبا پرداخت دو صد و بیست افغا نی وا گـر شاگرد ومحصل هستید با پردا خت یکصدو پنجاه و پنج افغانی یکسال روزنامه رسان درب منزل شـما را میکوبد .

هیوا د :

اگـر روز نامـه هیـواد را بخواهید درهر کنار وطن که هستید در بدل یکصد افغانی و اگر شا گرد و محصل با شید در بدل هفتادوپنج افغانی یکسـال روز نامه‌درخـد مت شما است .

کا بل نیو تا یمز :

اگر روز نامه کا بل نیو تایمـز ر ا انتخـا ب کنیـد د ر هر نقطه کشور که با شید باپرداخت یکهزارو ششصد افغانی‌و اگرشاگرد ومحصل هستید با ارائه تصدیق و پر دا خت دوصدو پنجاه افغانـی یکسال شما مشترك ما هستید .

مجلات و جراید ما نیز حسب‌زیر یکسال در خد مت شما خواهد بود:

مجله ژ وند ون:

سالانه پنجصد افغانی برای متعلمین و محصلین با ارائه تصدیق چهار- صد افغانی .

کمکیانوا نیس :

سالانه یکصدو بیست وپنج افغانی.

مجلات پکتیا ،کند هار ، ننگرهار، بلخ ، کهول ، آواز ، فر هنگ خلق، هنر ، کتاب ، کو شانی و جرایـد یولدوز ، گوراش و سوب در داخـل کشور سالانه شصت افغانی بـرای متعلمین و محصلین با ارائه تصدیق چهل وپنج افغانی .

مجلهٔ آر یانا بزبا ن انگلیسی:

سالا نه یکصدو شصـت افغانی برای متعلمین و محصلین با ارائه تصد یق یکصدو سی افغانی. شما میتوانید در مرکز همه روزه از اول تا اخیر حوت بمدیریت عمومی توزیع روز نا مه ها و مجلات درجوار عمارت مطابع دولتی ، انصاری وات مراجعه واشتراك نمایید ویا وجـه اشتراك تا نرا از مرکز و ولایـات بـحسـا ب (۶۰۰۱) وا ردات دولت تحویل و اویز آنرا مستقیمـا عنوانی مدیریت عمو می توزیـع روز نا مه ها و مجلات انصاری وات کابل بفر ستید .

شرح اشترا ك رو زنامه ها و مجلات در خارج کشو ر:

وجه اشتراك روز نا مه حقیقت- انقلاب ثور ، انیس ،هیواد وکابل- نیو تایمز در خارج کشور، هوایی صد دالر و زمینی سی دالر.

برای محصلین، هوایی هفتادوپنج دالر ، زمینی بیست‌و سه دالر .

وجه اشتراك مجله ژونـدون در خارج کشور هوایی صد دالر ،زمینی سی دالر برای محصلین ، هوایـی هفتادوپنج دالر ،زمینی بیست وسه دالر وجه‌اشتراك‌مجله کمکیانوانیس در خارج کشور ، هوایی پنجاه‌دالر، زمینی بیست وپنج دالر .

وجه‌اشتراك مجلات‌پکتیا ،کندهار، ننگرهار ،بلخ، کهول ،آواز، فرهنگ خلق ، هنر ، کتاب ، کو شانی و وجراید یو لد وز ، گوراش و سوب در خارج کشور هوایی پانزده دالر، زمینی پنج دالر برای محصلیـن ، هوایی دوازده دالر و زمینی چهـار دالر .

وجه اشتراك مجله آریانا درخارج کشور ، هوایی دوازده دالر ،زمینی پنج دالر برای محصلین ، هوا یی نه دالر ، زمینی چهار دالر .

مد یریت عمو می توزیع روز نامه هاو مجلات از آغاز سال نو باوسایل بیشتر وجدی تردر خدمت علاقمندان روزنامه ها و مجلات است تا آخرین اطلاعات روز وداغ‌ترین حوادث روز را بشما برساند و مجلات و جراید محبوب خانواده هارادرمو قعشـس برای آگا هی و سر گرمی تان تقدیم کند .

وقت گرانبها ست ، از زود ترین فرصت استفاده نمایید تا کلکسیون تان از آغاز مرتب باشد . زیراباختم سال جاری میعاد اشتراك پایـان مییابد .

مرجع اشترا ك:

مدیر یت عمومی توزیع‌روز نامه‌هـا ومجلات.

(c) Ketabton.com: The Digital Library

انجیـــــلا وفا نثار

زن‌وشناخت مسوولیت‌هایش در فامیل

هما نطور یکه مردان در مقا بـل فا میل واجتما ع خود مسو ولیت های دارند وشنا خت مسوولیت‌های شان باعث‌خو شبختی وسعا دت‌آنها میگردد .زنان نیز درحا لیکه‌نسبت به مردان حقوق مسا وی دا رنـد،در مقا بل‌خا نوا ده واجتماع مکلفیـت های قا بل شنا خت دا رند کـــه به شناخت وایفای وظا یف خو یش میتوا نند از بسی مشکـلات ونـــا رسا یی های فا میل بکا هند .

بطور مثال : اگر خا نمی باو جود دا شتن مصرو فیت رسمی روزا نه در محیط کار شس کمتر در امور منزل سهم وعـلا قه گر فته ومنتظر آن باشد تا پسر ، دختر ویا شو هرش هفت سا عت در دفتر کار مینما ید، دیگر از همه کار های منزل معاف است ،وا ضح است که، وظا یـــف خود را آنطور یکه لازم است نشنا خته ،شو هر ویا دیگر اعضای فامیل بخا طر گـذشتی که دا رند ، شا ید بعضی کار های محو له او راتااندازه انجام دهند ویا شا ید نتوا نندقسمی که‌لازم است به تر تیب وانسجـام امور منزل سهیم گرد ند .

زیرا یك مرد نمی توا ند،طوریکه مادری به اطفا لش رسید گـی‌و همنوا یی‌مینما ید،بهمان کیف وکان در قسمت تر بیه طفل ویا تهیه‌غذا موفق باشد . با وجودیکه مـــرد در این قبیل کار ها مبا درت ورزد باز هم نتیجه مطلوب نخوا هد گرفت ودیری نمیگذرد که از زند گی‌خسته شده ونارضا یتی از خود نشـــان مید هد .

برای جلو گیری از خلق شدن چنین روحیه ، در صورتیکه مردوزن هر دو با دا شتن هدف وا حد و خلو ص نیت در کار های منزل سهم بگیر ند . ممکنست نتیجه ایـــن اتحاد بسیار عا لی وسود مند باشد. درباد ی امر با وجود یکه آنهـــا خو شبخت شده وبدون مشکـــلات زند گی مینما یند ، در آییه زند گی نیز اتحاد نظـر عمل وهمـــکا ری متقا بل آنها باعث جلو گیری ازنا رضایتی ها ومشا جرات گرد یـــده وهیچگا هی ضرو رت احسا س نمی شود که برای حل مشکـلات فامیلی شان شخص دیگر از اقا رب میانجی شده وفرو گذاشت هر یك‌را بـــر شمرد وبعدا به آنها بگو ید که درآن قسمت کی ملامت ومقصر است؟

از ین چه بهتر خوا هد بود، قبل از آنکه مو ضو عات خورد وریـــزه خانوادگی کسب و خا مت نمـو ده به درازا بکشد ، خا نم وشو هر شس بیك نگر شس همه جا نبه ، مـــو ضو عا تی را که نزد آنها لاینحل‌و مغشو شس است ، بر رسی نمـــوده وهر کدام در حصه خود راه های حل آنرا جستجو کنند .

چه از اثر همین مو ضو عات‌پیشس پا افتا ده ونا چیز خا نوا د گـــی، کشمکشس ها بحدی میر سد کـــه بصورت حتم با ید زن از شو هر جدا شده‌و اطفال شان کـــه بـــه تر بیه وغمخوا ری اشد ضرو رت دارند بی سر پر ست ما نده ودر نتیجه هردو با عا لمی از پشیما نی وما یو سیت حیات بسر ببر ند.

به مصداق این گفته با یك‌نگر شس سطحی اوراق دو سیه هـــای برسی موضو عات‌فامیلی نشان می‌دهد که در بعضی فا میلها مو ضو عات بسیار نا چیز که اصـلا با لای آنها حساب نمی شده‌آنقدر کسـب وخا مت کرده تا سبب از هم پا شی کا نون گرم فا میل وجدا شدن‌شوهر از خانم گرد یده است .

پسس بهتر است ،آنعده زنـــان ومردا نیکه به این امر کمتر رقعی میکـذا رند با شنا خت وظایف‌وموقف خود ها جلو تمام این گونـــه سو تفا همات وبی اعتنا یی هارد گر فته ونگذا رند که‌بااین فـــرو گذاشت ها، برعلا وه خود شـــان اطفال آنها نیز پر یشان شده واز محبت ولطف مادرا نه وپدرا نـــه محروم گرد ند .

ترجمه ونگارش عبدالله «محب حیرت»

زنان یوگوسلاویا

وسهمگیری‌شان‌در امور دفاع‌ملی!

نخست بایست یادآورد شد که‌جمهوریت فدرالی سوسیالستی یوگوسلاویا بعد ازجنگ عمومی دوم جهانی، بتا ریخ۲۹ماه‌نوامبر ۱۹۴۵ در ردیف کشور های مستقل گیتی عرض وجود کرد ودر ۲۴ـاکتوبر۱۹۴۵ عضوموسسه ملل متحدشده وبتاریخ سی‌ویکم جنـــوری ۱۹۴۶ تاسیس فدراسیون مـــردم یوگوسلاویا سروسامان گرفت وبحیث یك کشور آزاد غیر منسلك تحت زعامت مارشال جوزف بروز تیتو بسوی پیشرفتهای گوناگونی طور پیگیر گامزن شده وبموفقیتهای مطلوبی نایل آمده است که مظاهر آن درهرگوشه وکران آن سرزمین بخوبی پیداست .

قبل از توصل به آنهمه پیروزیها وحصول آزادی کامل، مبارزات دلیرانه ورهایی بخش باشندگان حریت طلب این کشور درمقابل تجاوزات آلمان هتلری ونیرو های تبهکار و بیرحم فاشیزم، صفحات تاریخ ازخودگذریهای ملل آزادیخواه وبا شهامت اروپای جنـوب شرقی را پر رنگ وزیب ساخته است .

البته در پهلوی سایر انکشافات آنجا ، مساله تامین تساوی حقوق زن ومرد هم مورد نظـر بوده است که یکی از آنجمله سهمگیری زنان در امور نظامی ودفاع ملی میبین شا ن

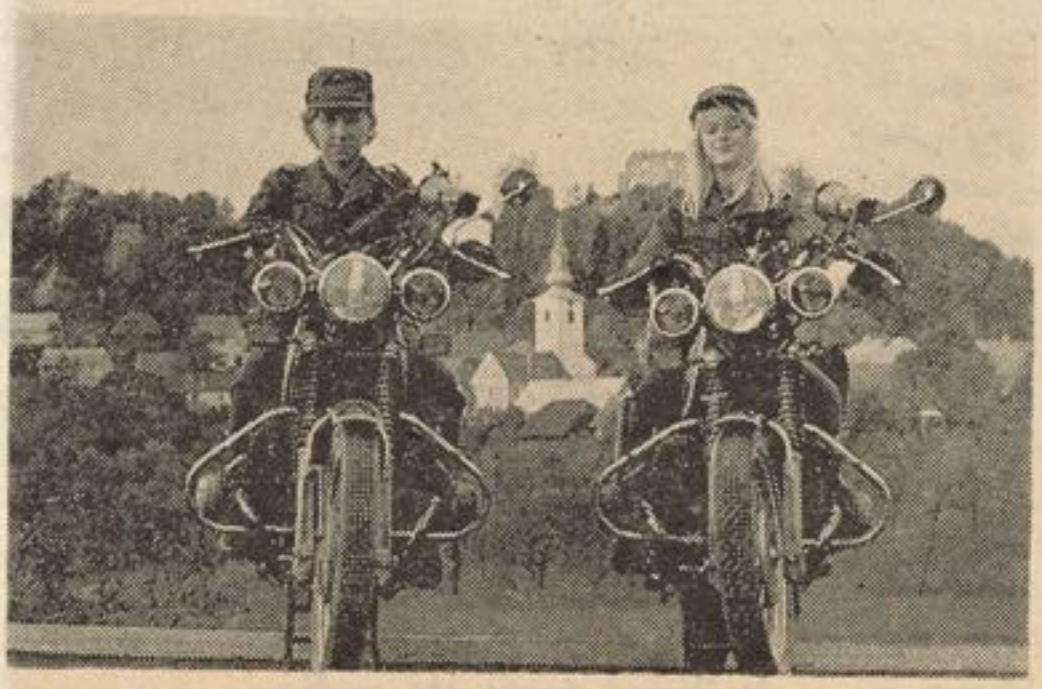

دوتن از دختران وطنپر ستیو گـوسلاویا·مربوط به گروه پار تیزا نان هنگام تمرینات به سواری موتـــرسا یکل .

(c) ketabton.com: The Digital Library

میباشد که محتوای این مبحث ، صحنه‌وشمهٔ ازآن دگرگونیهای مترقی را بصورت نمونهٔ بیانگر میتواند شد .

بتاریخ ۲۵می ۱۹٤٤ دستهای سر بازان آلمان در شهر کوچك «درواز» واقع ایالت بوسنیان (بوسنی) سرازیر شده و بقصد عملیات دستگیری واز بین بردن بزرگترین سران ورهبران نیروی‌آزادیخواه یوگوسلاویا دست به اقدامات شدیدی زدند، چنانچه مارشال تیتو را زندانی ساختند . درین وقت گروه های متعدد وبیشماری از پارتیزانان کشور با قوای مهاجم سخت در آویختند ، بنحویکه ساحهٔ جنگهای پارتیزانی بهرگوشه وکنار یوگوسلاویا قدم بقدم گسترش یافت. پارتیزانان با یك عدد تانك کوچك و وسایط محدود دستداشته میکوشیدند تا در قبال مبارزهٔ متداوم وپیگیری بردشمن متجاوز ضربات سنگین ومرگباری را وارد آورند، همگام با عملیات تدافعی پارتیزانان و تهاجم دشمن، سربازان آلمانی طی یك لحظهٔ کوتاه موفق شدند تا در نقطه دریچهٔ پیشروی تانك که محل دید وتشخیص تانکران است، پردهٔ رابیفگنند وسربازان داخل تانك را ازمشاهده وترصد ماحول شان محروم‌کنند . بدینترتیب یگانه وسیلهٔ تلقیهٔ پارتیزانان درعالم نابینایی ومحیط درمانده حرکت کنان بجلو میرفت تا اینکه بدیوار محکم سنگی بی تصادم‌کرد واز حرکت بازماند . درین اثنا یکتن از سربازان مهاجم آمادگی گرفت تا نارنجکی راکه یکنوع آلهٔ محترقه ومخرب است از روزنهٔ تانك بداخل آن پرتاب‌کندوبدانوسیله آنرا باسرنشینان پارتیزانی اش ازبین ببرد ولی همزمان باچنین رویدادی، یکتن جوان یوگوسلاوی که مترصد ومراقب آن صحنه بود، خودرا از میان یك گروپ اسیران وطنپرست که بدست سربازان مهاجم افتاده بودند، برق آسا کشیده وبسمت تانك یاد شده پیشرفت وبا شجاعت وتهورحیرت آوری پارچهٔ افتادهٔ پیشروی نقطهٔ دید تانك را پس زد وآنرا روی زمین پرتاب کرد ولی درازای این عملیهٔ وطنپرستانه، پیکر لطیفش در برخورد با فیر های مسلسل ماشیندار دشمن تکه تکه وسوراخ سوراخ شد و تانك پارتیزانان دو باره عملیات تدافعی ومحاربوی خودرا از سر گرفت .

باثر فداکاری بیغله «میکابوسنیك» آن دوشیزهٔ شجاع اسمش دررديف قهرمانان ملی کشور یوگوسلاویا اعلام شد وبیاد بود وی ودیگر همرزمانش یزرگداشتهایی بعمل آمد. همچنان موصوفه نقش هیروین رادر فلم مستندی بنام «اوپانزدهم بود» موفقانه بازی کرده که بر شهرت قهرمانیش افزوده است.

در اثنای جنگ آزادیبخش ملی که از سال ۱۹٤۱ تا ۱۹٤٥ در یوگوسلاویا تحقق پذیرفت ، در حدود یکصد هزار زن بحیث پارتیزان علیه مهاجمان سهم گرفتند و از خود عملیات فوق العاده را بر ضد دشمن تبارز دادند . آنان رزمندگان وجنگجویان ، کمیساران سیاسی، پرستاران و نرسان و آمران بررسی امور معالجهٔ زخمیان و تداوی مجروحان درمانده بودند که لمحهٔ از تداوم وظایف مقدس شان باز ننشستند . بدینترتیب از زمرهٔ یکهزار و هشتاد تن رزمندگان «چهارمین دستهٔ متشکل پرولتاریان» بتعداد دو صد نفر شان زن بودند . در «سلووینا» گروه بزرگی از دستجات زنان مبارز مربوط به بتالیون وقشون معروف «یوهورجی» طوری تربیت وتنظیم شده بودند که عملیات شان برپیروزیها و شهرت نیکوی نظامی آنقشون میافزود. طی جنگهای این دوره (٤۱_۱۹٤٥) بیست وهشت هزارزن پارتیزان مقتول وچهل هزار زن جنگجو مجروح شدند . آن عده زنان ودوشیزگانیکه جان بسلامت بردند ، دوهزار تن شان بمقام افسری وآمری‌رسیدند ونودنفر آنان بعالیترین مناصب و القاب نظامی ودارندگان نشان قهرمانان ملی نایل گردیدند .

مارشال تیتو قوماندان عالی جبههٔ آنزمان در اثنای وقوع یکی از وقایع رزمی وقتش گفت : «من بختیار ومفتخرم که قوماندهٔ و رهبری چنان قشون سر سپرده را در برابر دشمنان مهاجم بعهده دارم که شمار بزرگ آنرا زنان در بر گرفته است، لذا من گفته میتوانم که آنان با روحیهٔ شهامت و قهرمانی خویش درین مجادله بخاطر امحای دشمن نقش وسهم بیشتر وقابل ملاحظهٔ داشته اند ، بنحویکه آنان در مقامهای پیشرو و مقدم قرار دارند ، از آنرو این انگیزهٔ افتخار آمیز و آمیخته باغرور ملی مردم یوگوسلاویا برشمرده میشود که ایشان چنین دخترانی دارند .....» .

بعد ازپایان جنگ، شمار ثابت و معینی از زنان مبارز ورزمنده، بمقصد انجام خدمات نظامی در قوای مردم یوگوسلاویا ، بحیث کارمند ومحاسب، نرس ودکتور طب، بدون مقید شدن یاملبس گردیدن با یونیفورم مخصص نظامی، وظایف محولهٔ شانرا ادامه دادند. بدینترتیب دریوگوسلاویازنان خدمات نظامی را بصورت اجباری در جبهه عهده دار نمیشوند اما زنان مستعد یکه جسما و روحا در مواقع ضرورت برای اجرای وظایف مورد نظر در ساحهٔ دفاع ملی ودفاع ازوطن آمادهٔ فداکاری و سهمگیری میشوند ، یاداوطلب میگردند بشمول طبقهٔ ذکور (مردان) طور عموم از سنین شانزده تا شصت وپنجساله، اعضای چنین نیرویی را متشکل میسازند و وارد صحنهٔ عملیات رزمی میگردند .

فعلا در قشون یوگوسلاویا ، دکتورمیرمن «روزاپاپو» بحیث یك جنرال زن ورزیدهٔ از طبقهٔ نسوان مصروف خدمتگذاریست که‌هنگام جنگ دکتور پارتیزانان میهن خود بود ودر قبال ارزیابی وقدردانی از کارگزاریهای متداومش توانست تا درسال ۱۹۷۳ بمقام و رتبهٔ «میجر جنرال» نایل شود . وی در عین حال پروفیسور اکادمی طبی نظامی در بلگراد بوده وتاحال بیش از شصت اثرعلمی او بر اعتبار وشخصیت علمی اش افزوده است . همچنان چندین زن ودوشیزه دیگر بصفت کلونل در اکادمی طبی عسکری و سایر انستیتوتهای اختصاصی بلگراد و سایرایالات وشهر های یوگوسلاویا شامل خدمت اند .

به تعقیب روشها، سنن وطرز العملهای جنگ پارتیزانی وتداوم مماثل رفتار و شیوه های بازماندهٔ نسل‌کهن وپیشین، کلیه واحد های زنان وگروههای رزمی نسل معاصر نسوان بشکل پیشرفتهٔ آن در یوگوسلاویا تاسیس گردیده وفعال است . بطور مثال

بقیه در صفحه٤۹

عسکر دوشیزه‌یی از دسته های پارتیزانی بالباس وساز وبرگ ستر واخفا.

دسته از دوشیزگان سر سپرده پارتیزانی که بخاطر آموزش عملی ونظری تعلیمات عسکری در دشت ودمن به تمرین ومشق می پردازند .

...ton.com: The Digital Library

دو شیزه افغانی با کـــلاه‌و بالا پوش زیبای قره قل

پوست قره‌قل افغانی در بازار های بین‌المللی

در هشتاد وچهارمین لیلام قره قل افغانی که در لینگراد اتحاد شوروی به تاریخ ۲۴ جنوری آغاز ومدت پنج روز دوام نمود‌مجموعا (۸۶۷۸۶) جلد پوست قره قل به قیمـــت مجموعی یك ملیون وششصدو پنجاه و دو هزار دالر امریکایی بفروش رسیده .

مابیراموں موضوع فوق با رئیس انستیتوت قره قل ، عبدالنبی پایاکه چندی قبل جهت تنظیم ورسیدگی امور لیلام پوست قره قل افغانی به لینگراد رفته بود مصاحبه ای بعمل آورده ایم که جهت معلومات بیشتر برای خوانندگان مجله زوندون تقدیم می گردد .

وی در جواب سوالی گفت : مطلب مهم وباارزش در قسمت لیلام پوست قره قل اینست که امسال هر اندازه پوست تازه کـــه در مارکیت های بین المللی عرضه شد بفروش رسیده البته با قیمت های مناسبی که ا ز نگاهی تجارت تقریبا بی سابقه می باشد .

در لیلام لینگراد (۴۸۵۳۵) جلد پوست کبود (۳۵۹۲۱) جلد پوست سیاه و(۲۳۴۲) جلد پوست تفر کبود وسیاه شامل بود که صرف یك هزار ودوصد وبیست وشش جلد از فروش باقی مانده است . در سابق اتفاق می افتاد که یکتعداد پوست از یك لیـــلام تالیلام دیگر باقی می ماند وحتی دو باره به کابل آورده می شد . مگر در لیلامهای‌اخیر طوری مارکیت را آماده ساختیم که پوست تازه ارسال گردد وهمه بفروش برسد .

وی افزود: رژیم جدید افغانستان کـــه چشم دشمنان مارا کور نموده بالای موسسات تجارتیکه با افغانستان ارتباط داشتند تاثیر سوء نموده بودکه خوشبختانه در مقایسه ایکه درلیلام لندن با آنها صورت گرفت کاملا زیاد را مارکیت های بین المللی جلب میکند وتقریبا هشتاد وپنج فیصد تـولیدات ما را پوست کبود تشکیل میدهد در حا لیکـــه افریقای جنوبی بسیار کوشیده تا تولیدات کبود خودرا بالا ببرد ولی تا هنوز نتوانسته که از پانزده فیصد، مجموع تولیدات خود را بالا ببرد ومجموع تولیدات پـــو ست کبود اتحاد شوروی کمتر از پانزده فیصد می‌باشد لطفا بگویید که امسال یعنی ۱۳۵۸ و ضمع قره قل از نگاه تجارت وبازاریابی چطـو ر بود ؟

ـ امسال از نظر تجارت پوست قره قـل افغانی خیلی خوب بود در لیلام های امسال تنها هشتادو پنج فیصد پوست کبود بفروش رسید . پوست قره‌قل که در چند سال اخیر از مد افتاده بود. مخصوصا د ر ســـالهای ۱۹۶۷ و ۶۸ قیمت پوست قره‌قل بحدی پایین آمده بود که حتی یکتعداد تاجرراورشکست نموده بود ودر جمله پوست باب ارزانترین آن پوست قره قل بود در حالیکه چند سال قبل قیمت منك وپوست قره‌قل یك برابربود مگر فعلا قیمت پوست قره‌قل چهل فیصدقیمت پوست منك را تشکیل میدهد .

در طول امسال مادر پنج لیلام که سه آن در لندن ودوی آن در لینگراد شوروی صورت گرفت مجموعا یك ملیون وسه صد هزار جلد پوست عرضه نمودیم که محصول آن به بیست وهشت ملیون دالر رسید .

ـ عوامل بلندرفتن قیمت پوست قره قل در بازار های بین المللی چه می باشد ؟

از رئیس انستیتوت قره قل پرسیدم کـــه مهمترین صنایع تولید کننده قره قل کدام کشور ها اند ؟

در پاسخ گفت : افغانستان، اتحاد شوروی وافریقای جنوبی در تمام دنیا سه منبع تولید کننده پوست قره قل می باشند که دربازار های بین المللی پوست قره قل عرضه می کنند . بصورت عمومی تعداد پوست ایکه در مارکیت های بین المللی سالانه عرضه می ـ گردد چهار ملیون از افریقای جنوبی، سه ملیون از اتحاد شوروی ویك ملیون وسه‌صد هزار از افغانستان میباشد .

پوست قره قل افغانی برتری وامتیازیکـه دارد اینست که پوست کبود قسمت زیـاد تولیدات را تشکیل میدهد که باداشتن‌رنگ طبیعی وگلهای مقبول وبی نظیر خریداران

بقیه‌درصفحه۵۱

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) Iran-archive.com: The Digital Library

اهدا: به‌قربانیان فاشیزم

درسوگ آن‌شهید

صد بار آن پرنده غمناك
زین غصه گاه گوشهٔ قلبم
روسوی آن طلیعه بیدار
اندوه بال وپرزدن آموخت

• • •

باقلب گرم فاجعه رادیدم
تودر شط شقاوت خونین
ـغریق نام

اما
«ما انبوه کرکسان تماشا»
درسوك آن شهید عزیز ،آن غرورپاك
آن دشت آفتابی پرگل
ـتنها گریستیم

• • •

گفتند :
قلب هزار ماهی مرجانی
دربرکه های زنده‌گی افسرد
اکنون به‌سایهٔ درشب آن‌هول
هول عظیم فترت
دیگر چه اعتباری ؟

• • •

نام شما عزیز تران ، دانم
چون مرده ریگ هستی همراهان
«ثبت است برجریدهٔ عالم»
ـاما

داغ جبین آن که ترا کشت
یا استخوان هستی ما را
بشکست

در پولگون فاجعه تاریخ
تاریخ رنج، اشك، مصیبت
همواره تیره است و سیا هست

• • •

اکنون تو نیستی که ببینی
ملت به سوك یاد تو در خونست

در اشکهای آینه میبینم
تصویر توبه خانهٔ هر چشم
در قلب هر شرافت معصوم
ـ گلگونست
در جستجوی گور تو هممیهن

د رفاکجای این شب تاریك
ـ گل بگذارم ؟
زیرا .
حتا .
با سنگ ایستادهٔ خالی
دیوان بی شرافت ، بدنام
نام ترا چوقامت آن دار
ـ سوی اوج
برپانکرده‌اند

رویین

ز شب رفتگان یاد کن!

این پارچهٔ منظوم خواست قربانیانی را انعکاس میدهدکه‌زیر ساطورامین جلاد،جان سپردند . مطلع از سیمین بهبها نیست .بخاطر تصرفیکه در مطلع آورده ام از شاعرهٔ بلند پایهٔ آن پوزش میطلبم .

« ز شب رفتگان یادکن شبی آرمیدی اگر
سلامی هم ازمارسان بصبحی رسیدی اگ »
یکی شمع روشن بیاد رفیقان بیفروز
ازین گور تاریك شبهها رهیدی اگر
غم مرگ ما را نشاید فراموش کردن
بسو گ شهیدان گریبان دریدی اگر
بیفروز نوری درین تیره صحرای وحشت
بسر چشمهٔ نو ر فردا رسیدی اگر
به انسان آگاه فردا بگو راز ما را
ازین نره غولان و حشی جهیدی اگر
بیاد عزیزان بنو ش آذرین جام تلخی
گهی بادهٔ تلخ مردی کشیدی اگر
بتوفان تن وتوشه بسپار چون مرغ توفان
ازین لاشخواران مسلح بر یدی اگر
بیاد آر ما کشتگان جدلهای خونین
سخنهای پیکار خونین شنیدی اگر
بیاد آر شبهای مرگ آور آزمون را
ازین سیل خونین قاتل پریدی اگر
بیاد آر شیدایی خفته در خاك ما را
گل سرخ وحشی کجایی شمیدی اگر !

سلیمان لایق
۱۰ر۳ر۱۳۵۸

عالم و عابد

صاحبدلی به مدرسه آمد ز خانقاه
بشکست عهد صحبت اهل طریق را
گفتم میان عالم وعابد چه فرق بود
تا اختیار کردی از آن این فریق را
گفت آن گلیم‌خویش بدرمی برد‌ز‌موج
وین جهد می کندکه رهاندغریق را

سعدی

(c) ketabton.com: The Digital Library

شهیدانو وروڼو

ما چی دعا در ته کو له
یا می حـق خبره کړ له
سترګو اوښکه تویو له
زړه کی مینه پاریدله

ظا لما نو ډا ر ولم
په بر چو به یی وهلم

چی زندان ته به در تلمه
په سرو سترګو ژړیدمه
گو نکه خوله‌به در ید مه
له یخنی به رپید مـه

خوانخوار انو ټیل وهلم
په برچو به‌یی وهلـــم

په ژړا وی خو یندی‌میندی
ور سره دکا لو پنـډی
پری وهلی یی ملنـډی
ډکی مړو ځنی کنـدی

تاته یی کله پریښولم
په برچو به یی وهلم

په کو رو ننو تل بـه
ما شو مانیی ډارول به
هم بکسو نه یی‌ماتول‌به
دغلو پشان یی وړل به

په ټیلو به یی ویستلم
په بر چـو به یی وهلم

ما به ته ځنی غو ښتلی
دوی به ستر گی‌برگولی
او ویل به یی فرار دی
زړه‌دی‌ولی‌پری پرهاردی

پدی‌شان یی غو لو لـم
په بر چـو به یی وهلم

نه یی رحم و په‌زړو کی
نه‌یی پوهه وه مغزو کی
هسی‌خوشی شان‌وحشیان‌و
بس زموږ غوښو لیوان و

شپه‌اوورځ به ځور یدلم
په برچو به یی وهلم

دوی ته ښه‌چوکی‌موټرو
هم ولاړورته نو کر ۆ
خوله پوهی نا خبـر و
د ټولنی په ضـرر و

تل غمو نو کړو لم
په برچو به یی وهلم

دخمو دجمود دوره وه
عجیبه شان ننداره وه
توره شپه وه توره شپه
خو نړی‌شان سلسله‌وه

دشپی کله ویدیدلم
په برچو به یی وهلم

زما ورو نـو شهیدا نو
په‌ریښتنی مینا نـــو
«افغا نیار» درنه قربان شه
با غیر ته افغا نـا نـو

کار نامی به موتل‌لولم
ولولی به مو تل لولم

«درمحمد افغا نیار»

حانهٔ رعیت

غافلی را شنیدم که خانهٔ رعیت خراب‌کردی تاخزانهٔ سلطان آباد کند بی خبر از قـول حکیمان که گفته اند :

هرکه خلق خدای عزوجل را بیازارد تادلی بدست آرد، خداوند تعالی، همان خلـق را برو گمارد تادمار از روز گارش برآرد .

آتش سوزان نکند با سپند
آنچه کند دود دل مستمند

سر جمله حیوانات گو یند که شیرست واذل جانوران خرو باتفاق خربار‌بر‌به‌که شیر مردم در .

مسکین خر اگر چه بی تمیزست
چون بار همـی برد عـزیـزست
گـاوان و خران بـار بـــردار
به ز آدمیـان مـــر د م آزار

باز آمدیم بحکایت وزیرغافل . ملك را ذمایم اخلاق او بقراین معلوم شد . درشکنجه کشید وبانواع عقوبت بکشت .

حاصل نشود رضای سلطان
تا خاطر بند گان نجو یی
خواهی‌که خدای برتوببخشد
باخلق خـدای کـن نکویی

آورده اند که یکی از ستم دیدگان بر سر او بگذشت ودر حال تباه او تأمل کرد وگفت :

نه هـرکـه قوت بازوی منصبی دارد
بسلطنت بخورد مال مردمان بگزاف
توان به‌حلق فروبردن‌استخوان درشت
ولی شکم بدرد چون بگیرداندرناف

• • •

نماند ستمکار بد روزگـار
بما نـد برو لعنت پایـدار

سعدی

از گلستان برچیده ایم

ازاین بعد، هرچندگاهی وزمانی یاپیوسته ودایم ، سیر وگشتی به دیوانهای اشعـار بزرگان ادبو شعر می کنیم وخوشه هـای از خرمن پرفیض آن بر میگیریم وبه شما نوقمندان شعر وادب پیشکش مینماییم .

اینبار گلستان اوراقزرین سعدی‌رابه‌تورق گرفتیم وصفحهٔ گلهای سرخ رابا مقالات او که بی‌مقالات او،بقولش، «هفت کشورنمیکنند انجمنی»، آذین می بندیم که از سوی‌نشان ونامی وتجدید یادی باشد از ابر مـــردان میدان شعر وادب .. واز جانبی برانگیزندهٔ فکر خوانندگان این صفحه به مکـاشفـه ومراقبه در ادب وفرهنگ پربار ما ...

بنیاد ظلم

آورده اند کـه نوشیروان عـــادل رادر شکارگاهی صید کباب کردند ونمك نبـود . غلامی بروستارفت تا نمك آرد . نو شیروان گفت : نمك به قیمت بستان تا رسمی نشود وده خراب نگردد . گفتند : ازین قدرچه‌خلل آید ؟ گفت : بنیاد ظلم در جهان اول‌اندکی بوده است هرکه آمد برو مزیدی کـرده تابدین غایت رسیده .

اگر ز باغ رعیت ملك خورد سیبی
بر آورند غلامان او درخت از بیخ
بپنج بیضه که سلطان ستم روا دارد
زنند لشکریانش هزار مرغ بسیخ

سعدی

یادونه :

درنولوستونکویه اته خلویښتمه گڼه‌کی‌دشفق زړه تر عنوان لاندی شعر دخوان شاعـــر «سنگر وال» شعر دی

(c) Tabarestan.com: The Digital Library

نویسنده : یوری ریوریکوف مترجم : «لیلابشرمل»

مواظبت جسمی وروانی طفل

در عصرما تربیهٔ طفل بمراتب نظربه زمان های گذشته، که عمدتا کودك از نظرجسمی مواظبت می شد مشکل تراست . در مراحل اولیه حیات بشری بخش روانی طفـــل جنبهٔ تکامل خود بخودی را داشت .

ضرورت اینکه نموی فکری ودماغی طفل باید رهنمایی ومواظبت شود در زمان مابیشتر احساس می گردد . این حادثه تربیهٔ طفل راهنوز هم مشکل ترمی سازد . مخصوصا با انقلاب علمی وتخنیکی پیشرفته وآرزو هاییکه این‌انقلاب بوالدین درتربیهٔ طفل ایجاد میکند. اکثروالدین برای چنین فعالیتی آماده‌نیستند، فقدان دانش درین ساحه یك مشکل حـــاد اجتماعی است ـ دکتور ها مشاهده نموده اند که در حدود پنجا ه فیصد والـــدینی که فارغ التحصیل پوهنتون هستند نمی دانـــد چطور باید زندگانی طفل مرتب شود .. د ر ساحات تربیهٔ اخلاقی، ذکایی وروانی حالت

هنـوز بدتر ازینهاست • چنین غفلت غیرقابل تحمل است، چه مابه کار همیشگی و فعالیت وسیعی نیاز داریم تا کلتور اصیل تربیوی که باساس دست آورد های جدید علـــوم بنیاد گذارده شده باشد جای کلتور کهنه را بگیرد .

در نتیجهٔ انقلاب علمی وتخنیکی در تیوری وعمل تربیهٔ طفل تغییرات جذری بوجودآمده••• در شرایط مدنیت امروز که به تربیهٔ روانی وتصبی بیشتر از مواظبت جسمی نیاز احساس میشود ـ باید در نمو ی اطفال یك برخورد کاملا جدیدی صورت گیرد، بالخاصه‌باساس ضرورتیکه انقلاب علمی وتخنیکی بمیـــا ن آورده باید کودکان رشد همه جانبه نمایند. ازهمین دلیل است که تنویر علمی وسیلهٔ بسیار مهمی است در بهتر ساختن تمـــا م شرایط فامیلی واجتماعی ساختن بیشتر هـر نسل جدید ـ باید تدابیر وسیع ومتین به پیمانهٔ سرتاسر ملی برای چنین تنویر اتخاذ شود وهمین اصل باید در پروگرام درســی مکاتب ثانوی گنجانیده شده وبرای والد یـن جوان هم کورس های آموزش وتدابیرمشابه اتخاذ گردد .

مواظبت دقیق ودرست والدیـــن از طفـل نه تنهابه توجه جسمی بلکه به مقدار قابل ملاحظه توجه دماغی وروانی نیاز دارد ـ قابل تاسف است که بیشتر والدین تنها در بخش جسمی نموی اطفال مانند غذا خوردن، شستن لباس وسایر خدمات همانندتوجه خودرا مبذول میدارند . وجنبهٔ تعلیمی آن رابه مسجد ، مکتب ، کودکستان منحصر میدانند واز نقش پراهمیت وبا ارزش خود درین بخش اطلاعی ندارند . آنها پدر بودن ومادر بودن را یك کار شاقه ویك بار خسته‌کن دانسته وخودرا نوکر اطفال خود تصور می نمایند . آنهـــا

همچنان یك اسلحهٔ نیرومندی رشد خودی را نیز از دست داده مخصوصا رشد اخـــلاقی وانسانی واین نیروی خلاقه راضایع مینمایند.

اما نشو ونمای مثبت وصحیح کـــودکان باین کار نیاز داردکه والدین برای تربیـــهٔ خود بذل مساعی نموده وکیفیت پدر بـودن یامادر بودن رادر خود از نظر اخلاقی، ذکایی وروانی پرورش دهند وباین صورت می توانند به پیروزی وموفقیت نایل شوند .

باید متذکر شدکه فامیل ازلنگاه کار و مسایل اجتماعی یکی از اساسی ترین هسته هاست واین یك تهدابی است که در رشد و ارتقای اجتماعی نقش مؤثر حیـــاتی دارد . غفلت درین ساحه جز عدم تناسب و ایجـاد تضاد ها در رشد جامعه چیزی به بار نمی آرد. آری این فامیل است که تهداب اصلی شخصیت هارا گذاشته وبرخورد اورا دربرابر دنیای ماحولش تعیین وتثبیت مـــی دارد .

مواظبت طـــفل عمدتا با یدازطرف‌والدین صورت گیرد .

میر نعمت الله فاروق استاد اداره انستیتوت‌صنعت

وظایف و مسوولیت های والدین ومعلمین در رشد ذهنی واخلاقی اطفال

طوریکه همه میـــدانند اطفـال در صنف سر مشق قرار دادن معلم خود البته نـــه به علت تر س وانضباط خشك و خا لی‌افراد دقیق وقابل اعتماد میشوند معلمینیکه حتـــی در مورد تا خیر صنفش سا کت و آرام‌است معلمی است که‌برای اداره صنف از همکاری و تعا و ن شا گـر د ا ن خـو د استفاده میکنند و با آنها ر فتار دو ستانه دا رند. معلم بر ا ی ایجاد چنین رو حیه در شاگر- دان خود با آنها همکا ری میکند و خـود را با آنها وابسته نشان مـــیدهدبـعدها شا گر دا ن نیز ر فتار معلم خود رامورد تقلید قـرار میدهند . مـا نمیتوانیم چنین رو حیه را در تمام شا گر دان بیك نسبت به و جود بیا وریم بعضی از آنها تما یـــل بیشتربـــــه همکاری دارند وعده‌به‌علت تجا رب بعدی که از اقتدار و تسلط بزرگان داشته اند مایـل به همکاری نبوده و دا یما تو لید مزا حمت‌مینماید.

در مدارس مو قعیت ها ی منا سبی برای نشا ن دادن ر عا یت حا ل د یگر ا ن به کو د کا ن و جود دارد مو جو د یت‌دسپلین مدار س خود نمو نه با رزی است در بعضی

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مدارس متو سطه مد یر ان وامر یـــن حتی پا را از این دایره فرا غ تر نها ده اند آنها چند دقیقه قبل از اینکه مدا ر س تعطیل میشود چند نفر از شاگر دان‌خودرا به کو دکستا ن و یا به دهن دروازه مکتب می فر ستند تا آنها به اطفال کو د کستا ن درپوشید ن لـباس ها یش کـمك کندویا اینکه در د هن دروازه مکتب اطفال خود را به والد ین شا ن سپرده و یا از مسیـــر ترا فکیی آنها را عبور دهند . جر یا ن‌این عمل شا گر دان بزرگ سا ل را مو قـع مید هند تا دوا طلبا نه و به نو بت درانجام آن سهیم‌شوند وعلاوتا پاك نگهـــداشتن صنـو ف واحاطه با ز ی مـر تـب سا ختن کتابخانه ـ کارکـــردن در صالون ، غـــذا خوری ـاینها همگی به ایجاد حسن قا بـل اعتماد بو دن و کا ر دانی کو د کا ن کمك فراوان میکند .

این نکا ت منذ کره بیان گر ا ن روشی است که در مقا بل کودکا ن که احسا س مسئو لیت مینما ید مبیا شد . پس سو ال مطر ح بحث قرار میگیر د که با کود کی که در خود احساس‌مسئولیت نمیکندچـطور باید رفتار شود • وقتی کـه کودکی‌علی‌الر‌غم سعی وکوشش دیگـــران حـــاضـــر نیست وظیفه خودرا انجام دهد ما با یستی فورا تـشخیص دهیـــم آیا عدم انجام‌وظیـفه این کو د ك نا شی از تو قع زیاد مـــا است یا نه چو ن گا هی شده ا ست که یك کودك غیر مسوول رابا کـودك فـو ق‌العاده کار دان و قا بل اعتماد مقا یسـه میکنیم .

غیر مسوول بودن دایمی کـودك دربعضی موا قع ممکنست نا شی از او ضا ع و علل خا ص با شد ویا اینکه ممکنست کو د ك غیر مسوول فکرکند که پـدر ومادرش بـه بر ا درا ن و خوا هرا ن او تو جه بیشتری دارند پـــس او ممکنست کـه درجلب‌توجه پدر و مادر بخود که به آن ا حتیا ج‌دارد خسته ـ نا امید شده است و یا اینکـــه بعلت اشتبا ها ت وا قعی یا غیر آن خودرا منصر بداند .

ممکنست کو د کی در شرا یط مخصوص کا ملا غیر مسئول با شد و لی در و ضع دیگر ، دارای احسا س مسو و لیت نما ید همینقدر کا فیاست‌که کود کی از لحا ظ جسمی ضعیف با شدد یگر کو شش برای مسئول بار آوردن او چند ا ن مثمر نخواهد بود .

آیا مسئول بودن طفل میتوا ند به تنهائی ناشی از عقب افتادگی او با شد ؟ آیـــا بجز این راه ر اه‌های دیگری برای شناسائی عقب ما ند گی کودکان‌د ر دست است؟

اگر کو د کی علاوه از غیر قابل ا عتماد بود ن ـ خو نسرد و بی عا طفه و بی حال نیـز باشد ویا دایـــما با دیـگران دعـــوا کند یا نتوا ند با د یگرا ن کنار بیا یدو یا از چیز ها ی مو هوم تر س داشته باشد اشکا ل چنین کود کی علت روانی عمیـــق دارد . مرا جعه بمشا ور ین اطفال در مورد اینگو نه کو د کا ن لازم و ضرو ری ا ست حال ا گر عدم مسئولیت کو د کی علائمی غیر از آنچه گفته شد داشته با شد به‌نظر میر سد که کودك به رشد خود بـــه طو ر رضایت بخش ادامه میدهد•

ودر اینصورت کمك ها ی او لیـــــه معلمین یا والدین کا فی به نظر میر سـد اگر نتیجه مثبتی از رو ش ها ئی که قبلا متذ کر شدیم حاصل نشد ما میتوا نیم بـا مطا لعه و ضع عمومی کودك قدم ها ی موثری در این راه بر داریم .

صحبت در تنها ئی با پدر و مادر ، انجام دادن بعضی کارها از روی تفنن میتوانـــد به ایجاد احسا س مسئولیت در کو د کا ن کمك کنند‌این امر هم درمورد کا دکان خو رد سال وهم کو د کان بزر گسال صـــدق میکند • در این دوره که ما آنـــرا (دو ره اصلاح) می‌نامیم ا گـر متـو جه شد یـم که کود ك علاقه زیادی به فعالیت دا رد با‌ـ ئیستی به او فر صت بیشتری داد که در این مورد «اصلاح» و قت بیشتر ی صرف آ ن فعالیت کند، بگـذارید با اینکـار کـودك احسا س کند که شما با تو جه به علایق زیادی دارید . بگذارید کو د ك حس کنـد که شما حتی مو قعیکه در خا نه نیستید بـه فکر او میبا شد بعداً به تد ریج شمـــا میتوا نید با ا حسا س علیم مسئو لیت‌فرز‌ـ ندان خود مبارزه کرده و او راه تـد ریجاً وا دار به قبو ل مسئولیت بیشتر ی بنما ید شما تد ریج میتوا نید به فر ز نـــدیا شا گرد تا ن یاد دهید که چطور فـــرد مستقلی با شد یا مر تب و منظم بار بیایدو یا سا یر کا ر ها یکه شما فکر میکنیـد فر ز ند تا ن با آ ن ا حتیاج دارد فرا‌ـ گیر د از تطمیع کود ك در چنین موا ردی با یستی به شد ت خود داری شود و لـــی بعضی وقت ها بر پا سا ختن جشن به خاطر کو د ك میتوا ند به پیشرفت او کمك نماید ممکن است منظور از این جشن ایـــــن با شد که به کود ك اجا زه دهیم یك رو ز قدرت انتخاب غذای مورد علاقه راپیدا نماید و یا ا ینکه یك شب به پرو گر ام‌تلویزیونی که مورد علاقه او است تو جه خا ص بـــه آن مبذول دارید .

آیـا ممکنست کـودکـی دارای ا حساس مسئو لیت فو ق‌العاده با شد ؟ : ـ

هر صفتی هر قد ر هم پسند ید ه ومطلوب با شد شکی نیست که اگر در آ ن را ی افراط پیموده شود از صورت نیك وپسندیده خود خا ر ج میشود . احسا س مسئو لیت در د ختر و پسر فو ق العاده و ظیفه شناسی که به علت تر س از کثیف کرد ن لبا س ها و یا شکستن ا سبا ب با زی ا ش‌نمی تو ا ند آنطو ریکه دلش میخوا هد با ز ی کند خیلی‌زیاد رشد کرده ا ست ر شـــد فوق العاده احسا س مسئولیت در چنیـــن کودك بعلت تاکید آن توسط اطرا فیـــان ا واست قسمی که از ار تکا ب ا شتبا ه کوچکی خیلی نا را حت میشو د ـ کسا نیکه به خاطـر مطالب فوق العاده جزئی و بـی اهمیت متحمل زحمات فراوان میشو ند درهمین قماش اند • بعضی از کو دکا ن نیـــز هستند که وا قعا و ظیفه د شو ا ری‌دا رند اینها کو د کا نی هستندبه علل پدر ویـا مادر خود را از دست داده اند و در نتیجه غفلت ویا نادانی بزرگتر اینچنین تصـــور میکنند که با ئیستی در زند گی مسئو لیت پدر ویا مادر فو ت شده را بدوش بکشد بر ای اینکه بتوا نیم تشخیص د هیـــم که آیا واقعا احساس مسئولیت فـوق‌العا ده مانـع بازی وساز گـاری کـودك ا ست یا ئیستی این احسا س مسئولیت را درسائر موار د و کا ر ها ی که کود ك ا نجـــام مید هد مشا هد ه میتما یم بعضی ازکودـ کان دارا ی ا حسا س مسئو لیت فوق‌العاده هستند ولی در عین حا ل خیلی هم خودمانی وبر حرا رت وا هل بگو و بخند هستندیك عده دیگری از کود کا ن که حا ضـــر نیستند بار هیچگونه مسئولیت را بد و ش بکشند یا از انجا م انتظارا ت دیگر ا ن ناراضی اند و یا از آنچه از خـــود توقع دارند چندا ن را ضی نیستند .

کودکان دراطراف مربی شان خودرا خرسندانگرمیکنند

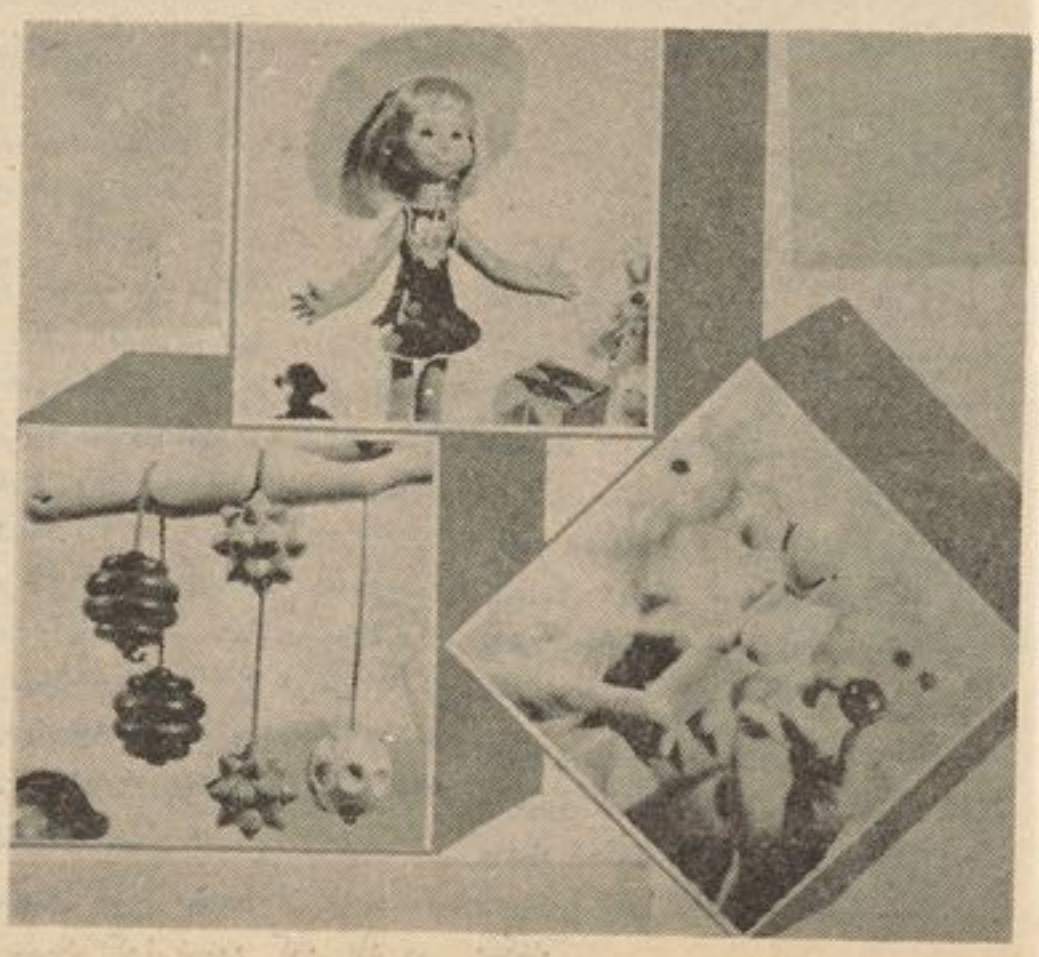

چندنمونه از بازیچه های تجرّبوی کـه‌توسط انستیتوت بازیچه هادر اتحاد شوروی‌پیشنهاد شده‌اند

(c) ketabton.com: The Digital Library

علی زاد

جلو گیری از سؤ تغذی وعوارض ناشی از آن

سوء تغذی عبارت از تغذی غیر نور مال و غیر طبیعی (فرط یا تفریط تغذی) بوده که باعث یك سلسله تشو شات فزیکی و روحی میگردد. البته باید دانست که فرط و تفریط تغذیه بصو رت جدا گانه باعث امراض گونا گون میگردند .

اول ـ فرط تغذی :ـ

فرط تغذی و امراض گونا گون حاصله از آن عمو ما نزد کسانی دیده میشود که نظر به وضع اقتصا دی‌شان قادر اند تا مواد غذایی گونا گون را اضافه از ضرورت روز مره شان صرف نمایند . و امراض ناشی ازین پرو بلم بیشتر در ممالك انکشاف یافته دیده میشود . ولی وقایع آن در ممالك رو به انکشاف خیلی محدود است .

امرا ضیکه ناشی از فرط تغذی بو جود میایند قرار ذیل اند :

۱ـ چاقی ۲ـ اتیرو سکلیروز (حالتی که با استحاله سختی و تصلب جدار های روعیوی و گاهی اجواف‌قلبی مشخص میشود.) ۳ـ امراض قلبی و عایی ٤ـ دیابت (مرض شکر) ۵ـ فرط فشار خون ٦ـ تسممات مواد غذایی مختلفه از اثر فرط استعمال شان .

دوم ـ تفریط تغذی :ـ

تفریط تغذی یکعده از پروبلمهای عمده حیاتی را در کشور های روبه انکشاف تشکیل مید هد سوء تغذی ناشی از تفریط تغذی ابتدایی‌ترین و اولین سبب مرگ و میر درممالك رو به انکشاف قبول شده . و از همه امراض بیشتر حیات اطفال را درین کشور ها بمخا طره انداخته ازهمین‌سبب‌است که‌دراکثر کشور های رو به انکشاف فیصدی مرگ و میر در اطفال خورد تر از پنج ساله بمرا تب بیشتر از مما لك انکشاف یافته است .

آنعده اطفا لیکه با وجود مصاب بودن با سوء تغذی زنده میما نند نشو و نمای فز یکی ، عقلی و روحی شان نا قص بوده و از همین باعث است که در هنگام کهو لت قدرت اخذ سهم بارز و فعال رادر امور اجتماعی نمیدا شته باشند و به این ترتیب بار دوش فامیل و اجتماع شان میگردند .

سوء تغذی مادران نیز یك‌مسئله مهم و ارز شمند بوده زیرا مادرا ـ نیکه در زمان حمل مصاب سوء تغذی میگردند از یك طرف صحت و حیات خود شان بمخا طره افتاده و از جانب دیگر اطفال پریما چور (قبل المیعاد) و کم وزن بدنیا میا ورند .

سوء تغذی با انتا نات رابطه مستقیم داشته و مو جودیت یکی شان باعث ایجاد دیگر شان می گردد .

چون سوءتغذی مقا ومت‌عضویت را تنقیص مید هد لهذا برای مبتلا شدن عضو یت به امراض انتانی زمینه را مساعد میسازد . یا بعباره دیگر سوء تغذی حسا سیت‌عضویت را در مقابل امراض گونا گون‌انتانی بالا میبرد .

چون تغذی خوب زمینه صحت بهتر را در تمامی مراحل حیاتی تضمین میکند لهذا باید در مورد تغذی تما می مرد مان با لخاصه اشخاص حساس یعنی ما دران حا مله و شیر ده ، اطفال نوزادتا سن پنج سا لگی و اطفال قبل از مکتب توجه خاصی مبذول گردد ، تا از سو تغذی و عوارض جانبی نا گوار حاصله از آن جلو گیری بعمل امده باشد .

اینك بطور مثال از یکعده امرا ضیکه ناشی از تفریط تغذی بو جود میایند نام میبریم :

الف :

امراض ناشی از کمبود مواد پرو تینی :

۱ـ مرض مر سمو س : یك مرض اطفال بوده با لخاصه اطفال خورد تر از یکسا له و اطفال غریب شهری و دهاتی مصاب آن میشوند و دایمی میبا شند .

اسباب عمده این آفات عبار ت از فقدان پرو تین و کالوری ،انتا نات معدی معایی و اسها لات متکرر توبر کلوز (سل) ، سیاه سرفه تغذیه مصنو عی ، تغذی توسط شیر مادر بصورت دوا مدار وبدون غذا های متممه ، گر سنگی پی در پی ، شیر ابگین و غذا های متممه نا مکمل و قبل از وقت‌معین میباشد .

اعراض این مرض نظر به درجه وخامت آن از هم متفاوت بوده واز نظر درجه وخامت این مرض به‌سه شکل (درجه خفیف ، درجه متوسط و درجه شدید پیشرفته) دیده میشود .

همچنان نوع مختلط آن بنام سر سمیك کوا شیور کور یاد می گردد نیز مو جود است . واعراض در جات مو صوف بصو رت موقتی اعراض مو قتی آن عبارت از تغیر مو ها برنگ خر مایی جلادار لشم و در خشنده بوده که اعراض او لیه مرض را نشان میدهد بر علاوه اعراض فوق الذکر اعراض کمبود ویتا مین های مختلفه بالخاصه ویتامین ،(آ) نیز بمشاهده میرسد . اعراض دایمی مرض‌عبارت از تاخیر نشو و نمای فزیکی ازبین رفتن عضلات و نسج حجروی تحت الجلدی شحمی ، عضلات ضمو ری باختن وزن و تغیرات بسیارخفیف روحی و حر کی ، کم خونی، دیها یدریشس ، تغییرات در احشاء و غیره که در ینصو رت طفل‌مریض مانند شخص پیر معلوم میشود . و چهره اش شکل شادی را اختیار میکند .

۲ـ افت یا مَرض کواسیور کور: این مرض درحقیقت یك سندروم

طفلی که در اثر سؤ تغذی بـه‌این حالت در آمده است .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(مجموع ا لاعراض) است و عموما در دهات دیده شده و اطفال را مصاب میسازد که بالاتر از یك سال عمر دارند . و عوامل ذیل باعث بو جود امدن آن میگردند .

ـدادن شیر مادر بصورت دوا مدار ولی غیر کافی و ضمیمه سا ختن بعضی از غذا های غیر پرو تینی عادی و معمو لی خانواده گی به اندازه ناکافی و غیر متوازن

ـرسم و روا جهای نا منا سب بعضی از فا میلها که از غذا های مفید حیوانی و نباتی مث لا: گوشت شیر ، تخم ، میوه جات ، حبوبات و غیره تنها کا هلان فامیل حق استفا ده دارند . و به اطفال شان یا اینکه هیچ نمید هند و یا اینکه بمقدار جزئی و غیر مکفی میدهند.

ـاستعمال مقادیر زیاد غله جات که حاوی مقادیر زیاد مواد قندی‌اند.

ـگد شتا ندن امرا ض تب دار مانند : ملاریا ، توبر کلوز، سر خکان ، سیاه سر فه و غیره که احتیاج روز مره عضویت را بغذا های متنوع زیاد میسا زند .

ـ وضع نا مناسب اقتصا دی و اجتماعی : بیسوا دی ، غربت‌والدین اقتصاد خراب و عدم توا نایی خرید غذا های متنوع و مفید .

ـ حفظ الصحه خراب غذا و استعمال غلط طرق پخت و پز و غیره .

و اعراض این مرض عبارت از تاخر و از بین رفتن نشو و نما، ازیما(پندیده‌گی) ، ضیا ع عضلات و تجمع شحوم در تحت الجلد تغیرات رو حی و عقلی ، کسا لت وسستی، تغیرات مو های نازك ، باریك ، صاف بیر نگ سست و جلا دار میگر دند . و از بین رفتن رنگ جلد ، تفلس جلدی جروحات مختلفه جلدی ، و جه مهتابی مانند (که سبب آن معلوم نیست) کبد ضخا موی و شحمی، طحال ضخا موی ، کم خونی و اعراض و علایم کمبود ویتا مین های مختلفه میبا شند :

ب: ویتا مین ها :

۱ـ کمبود ویتا مین (آ) : از فقدان ویتا مین (آ) بر علاوه توقف نشو و نما بطور مقدم شب کوری ظهور نموده و به تعقیب آن کره عین خشك شده و به کوری تام منجر میگردد . همچنان در اثر فقدان این ویتا مین حجرات اپتیل در اکثر نقاط عضو یت تفلص نموده و سخت میشو ند . بالاخره به‌اثر پائین امدن مقاومت عضو یت و حملات مکرر انتان مرگ فرا می رسد .

۲ـ کمبود ویتا مین (دی) : در اطفال استخوان ها نرم شده و مقا ومت خود را از دست مید هند بالاخره تغیر شکل اختیار می نمایند . در نزد کا هلین سبب تلین عظام و نرم شدن استخوا نها که مترا فق با او سیتو پوروز (تخلل غیر طبیعی استخوان بعلت عدم توانا یی استیو بلا ستها در ته نشستن در متر یکس استخوان) ظهور میکند . همچنین نشو ونمای

سوء تغذی اطفال رابابن‌روزمی‌نشا ند:

دندان ها به تاخیر افتاده مقاومت هضمی ، درد های عصبی اعراض خود را از دست داده و بزو دی پیشقدم آن بوده که مترافق با فر سوده میشو ند . تشو شات روحی میبا شند در

۳ـ کمبود ویتا مین سی :ـ از واقعات پیشر فته و شدید اعصاب قدیم دانسته شده بود که کسانیکه حسی و حرکی دو چار تشو شات از میوه و سبز یجات تازه محروم عمیق گردیده وعضلات ضمور میشو ند به مرض سکار بوت‌مصاب مینما یند . فلج اطراف ظاهرشده میشو ند . درین مرض به تعقیب و قلب مریض بزرگ میشود و یك متضرر گر دیدن اندو تیل سعر یه پرش قلبی شدید شنیده میشود . نزف به اشکال مختلف در اکثر اینرا هم باید دانست که مریضان نقاط عضو یت دیده شده بیره ها مصاب (بری بری) بعضا از یمائی به التهاب دچار شده و متورم بوده و یا اینکه بشکل خشك میشو ند . تظاهر مینما یند .

دندا نها مقا و مت شان را از ۵ـ کمبود نیا سین :ـ از اثر دست داده و بزو دی تخریب فقدان این ویتا مین یك دسته میشو ند . در نزد اطفال و نو عوارض که معمولا در جلد جهاز جوانان تشو شات عمیقه تشکل‌عظام رونما میگردد که زیاده تر درنهایات ونقاط نشو ونمای عظام تصا د ف مینما ید .

همچنان تشکلات جد یده عظام و نشو و نمای دندان متوقف می شود .بر علاوه در فقدان این ویتا مین مقاومت عضو یت پائین امده و افات انتانی بخو بی شفا نمیشو ند .

۴ـ کمبود ویتا مین (ب یك) : از فقدان این ویتا مین عوارضی بو جود میایندکه تحت عنوان بری بری یاد میشوند ، ضعف ، بی اشتها یی ، باختن وزن ، تشوشات هضمی و سیستم عصبی تظا هر مینماید وتحت نام پلاگرا مطالعه میگر دند بو جود میایند که‌عبارتند از بو جود امدن یك نوع احمرار و اذیما در نواحی مکشو فه جلدکه معروض به اشعه افتاب میبا شند، خشك و تفلصی شدن جلد و تظاهر یك نوع تفر حات در نواحی فوق‌الذکر ، عدم اشتها ، تنقیص اسید یسی معدوی ، قبضیت و اسها لات ، بی خوابی ، خستگی سر چرخی ، سر دردی ، تشوشات عقلی که با لاخره منجر به دیوانگی میگردند .

۶ـ کمبود ویتا مین (ب ۱۲) :ـ

از اثر فقدان این ویتا مین یک کم‌خونی خبیث بوجود میاید که درین کم‌خونی‌لوحه خون‌تغیر نموده‌ومقدار همو گلو بین نور مال خون تنقیص مینماید. برعلاوه اعراض وتشو شات هضمی وعصبی نیز در نزد این مریضان دیده میشود .

ج: کمبود مواد معدنی :ـ

۱ـ کمبود اهن : کم خونی ناشی از کمبود اهن بوجود میاید .

۲ـ کمبود مواد ایودین دار: جاغور اند یمیك (در مورد بیماری گفته میشود که کم وبیش پیوسته در یك محل وجود دا شته باشد)

۳ـ امراض ناشی از افراط و تفریط فلورین .

ـدر صورت تفریط :کرم خورده گی دندانها را سبب واز همین باعث است در منا طق که آبهای شان از مقدار کافی فلورین فقیر اند دندا نهای اطفال بیشتر کرم خورده گی میدا شته باشد .

ـ در صورت افراط : فلورو‌زیس بوجود میا ید .

۴ـ کمبود کلسیم وفاسفور س :

در اثر کمبود وقلت این دومنرال استیو مالا سی (نرمی استخوان بالغ بعلت‌اهکی‌شدن ناقص‌وجذب‌اضافی کلسیم وفاسفور س‌از آن) واستیو‌پورس(تخلخل‌غیرطبیعی استخوان) بوجود میا ید .

حال که معلو مات کم و بیش راجع به سو تغذی کسب نموده ایم بهتر است‌تا نخست نکات چندراجع به اسباب وعوامل سو تغذی ارا نه نموده وبعداز آن‌تدابیر لازمه‌وقایوی را تحت براسی قرار دهیم .

بقیه در ص ۴۸

(c) Kalabiou.com/ The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

در آینده بعضی ناراحتی های خلق گردد که باعث بدبختی دو جوان گردد .

خوب اگر این سخن را بپذیریم وباید هم قبولش کنیم تکلیف این همه جوان که‌آماده برای ساختن یك زندگی مشترك خانوادگی اند چه میشود ؟

آیا بگذارند همینطور روز ها وسالها به مطالعه در این زمینه بگذرد ؟

در این جای شکی نیست که تحقیق و مطالعه درهر زمینه ، معقول وخالی از فا یده نیست اما در بعضی مسایل نباید مانندازدواج زیاد وسواس ودلواپسی نشان داد.

زیرا آینده راهیچکسی قادرنیست پیشبینی نماید واگر قرار باشد که روی بعضی مسایل خرد وریزه زیاد پیچیده‌شودپس‌هرگز موفق به تشکیل خانواده نخواهیم شد .

امروز که زمینه های بهتری زندگی برای جوانان ما از هروقت دیگر مهیا گردیده است ومیتواند باخیال راحت زندگی مستقل وبدون تشویش را بسازند باید جوانان ماآنقدر خرده گیر در این مسا له حیاتی نباشند . د ر این شکی نیست که هر جوان چه دختر باشد یا پسر آرزو دارد که جوان مورد علاقه اش واجد چنان شرایطی باشدکه اومی خواهد .

اما این مشکل ا ست که انسان تمامی صفات دلخواه خودرا در وجود یك شخص بیابد . هیچگاه انسانی یافت نخواهد شدکه تمام صفات خوب در وجود او نهفته باشد . پس با این ترتیب جوانان در این قسمت باید یك کمی گذشت داشته باشند وزیاد سخت گیر نباشند ومخصوصا دختران .

خوشبختی وبدبختی آینده را هیچکس نمیتواند پیش بینی نماید وبه همین ترتیب هیچکس قادر نیست که آینده را تضمین کند پس جوانان ماکه واجد شرایط ازدواج اند ومی خواهند وآرزو دارند زندگی مشترك خانوادگی را بسازند ازیك سلسله مسایل کوچك صرف نظر کنند وبه‌بخت وخوشبختی خویش پشت پانزنند.

هر پدر ومادری حق دارد فرزندش راتربیه نماید ، اما چه نوع تربیتی ؟

این سوال‌برای آینده کودك که مرد و زن فردا خواهد بود خیلی ها با اهمیت‌است .

تربیت‌کودك از طرف والدینش یك مساله حیاتی برای کودك شمرده میشود ، و اولین خشت های زندگی او را میسازد .

در موردتربیت درست ومعقول کودك امروز جروبحث های مختلفی بین دانشمندان و متخصصین امور تربیت کودك صورت گرفته اما یك چیز که همیشه مدنظر بوده وهمه دانشمندان بدان متفق القول اند اینکه کودك باید مطابق به محیط وزندگانی مردمش‌تربیت گردد . این امر می رساند که باید هر پدر ومادر وهر معلم جوان وفهمیده کودك راطوری تربیه نماید که برای وطنش وبرای مردمش مفید باشد . یعنی تربیت او طوری باشد که کودك در آینده چون به جوان برومند مبدل خواهد شد از محیطش بیگانه نباشد وبرداشت او از وطن ومردمش معقول ومثبت باشد .

مادر فهمیده ومعلم آگاه وپدر دور اندیش همیشه به این اندیشه اند که چگونه طفل را تربیت کنند تا فرد صالح بار آیند .

در عکس شما مادر جوانی را مشاهده میکنید که چطور مشکل وپرابلم کودك رابر رسی میکند و اورا در کارش یاری میدهد.

این طرز پیش آمد به کودك موقع میدهد تا آزادانه مشکلات خود را به پدر ومادر و معلمش درمیان نهد وازسوال خویش که برایش ارزشی خاصی دارد نهراسد .

متاسفانه بعضی از پدران ومادران خلاف پرنسیب های قبول شده امروزی با اطفال و کودکانشان رفتار می‌نمایند .

مثلا بعضی ازاین پدر ومادران خستگی های روزمره ناشی از کار را بهانه قرار داده‌همینکه طفل ویاکودك شان ازآنها سوالی در موارد مختلفی می‌نمایند والدین به قهر شده او را از سوال کردن باز میدارند در حالیکه این طرز پیش آمد مخالف طرز تربیت امروزی است .

اگر کودك نتواند از پدر ومادر ومعلم خود پاسخ مثبت ومعقول که بتواند او را قانع سازد بشنود ، این سوال ها در آینده برای او عقده های تولید خواهد کرد که شاید تا آخر عمر او را در رنج وعذاب قرار دهد .

بنا پاسخ به سوال کودك آنهم بشکلی که کودك را قانع ومطمین بسازد از جمله وظایف اساسی ومهم برای والدین جوان ومعلمین جوان است .

آزاد گذاشتن کودك در بعضی از مسایل زندگی البته تحت نظر والدین و معلمین به کودك موقع خواهد داد تا در زمینه ها ی مختلفی زندگی بخود متکی گردد ودر آینده این اتکاء بخود، اورا جوان با کفایت و برومند بار خواهد آورد .

پس ای جوانان، شماکه مسوولیت بزرگ پدری ومادری را بدوش دارید با کودك‌خویش طوری رفتار نمایید که شایسته اوست .

اگر به آینده او می اندیشید، و اگر می‌خواهید که فرزند تان جوان آزاد ،با دانش ومعقول بار آید از حالا به تربیه او کوشش بعمل آورید واین کار را یك بازیچه نه پندارید ونباید آیندهٔ اورا به تقدیر و سرنوشت بگذارید .

مسولیت پدرومادردربرابر کودك

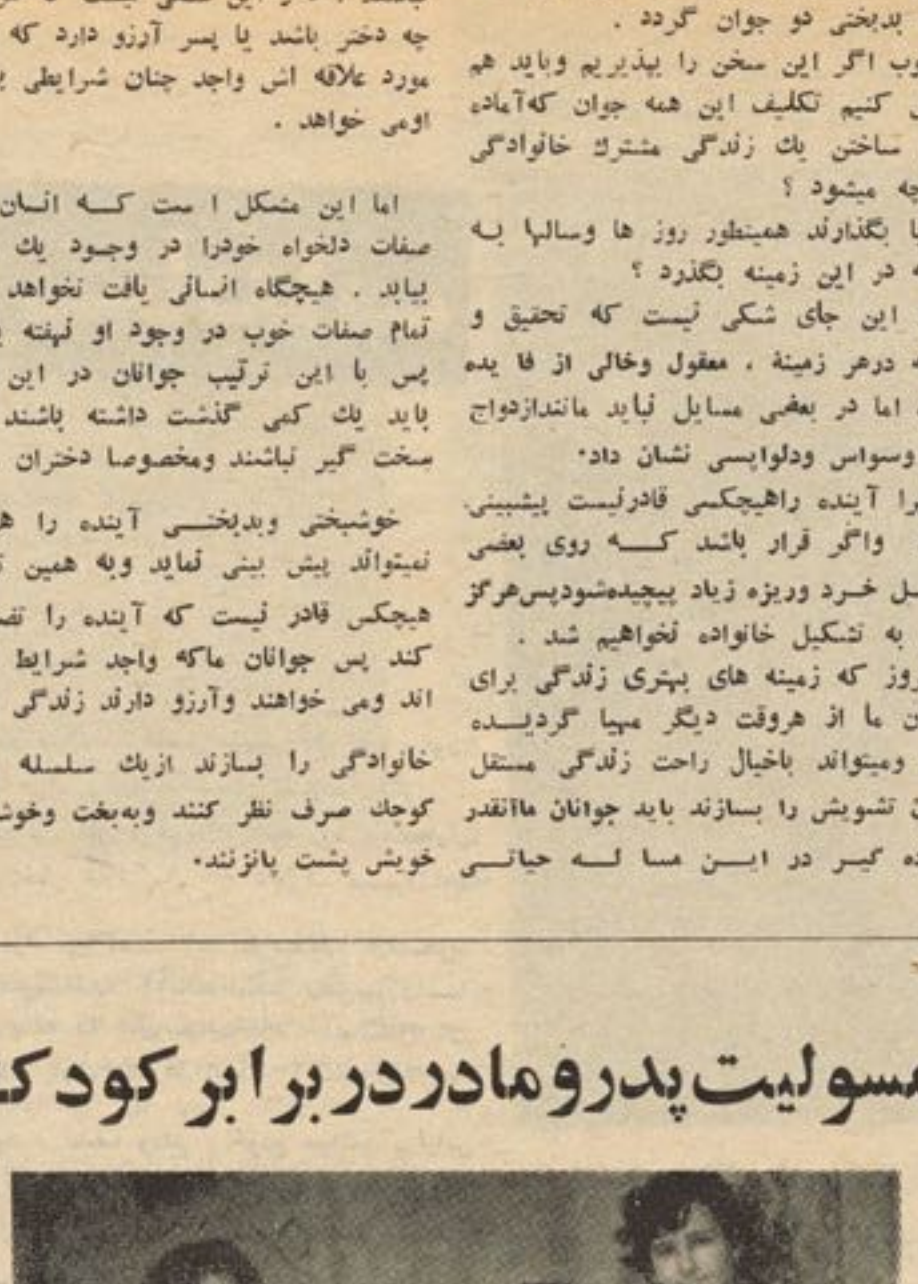

نوشته شیرمحمد «هاج»

جوانان وراه‌ورسم زندگی جدید

دراین عصر جدید که نیرو های مترقی‌راه تکامل را می‌پیماید ودر جریان آن عناصر ارتجاعی راه زوال رامی‌پیماید وظایف‌ومسوولیت افراد جامعه خاصتاً جوانان انقلابی بس‌سترگ است .

در افغانستان انقلابی بادر نظر داشت‌شرایط اجتماعی‌واقتصادی وبنابه خواست تاریخ‌تحول عمیق کیفی وبنیادی در حیات خلق ما وارد شد وبه همان اندازه وظایف ومسوولیت‌جوانان ماراسنگین تر ساخته است . جوانان با نیروی سر شار وانرژی پر توان در تحکیم حفظ ونگهداشت انقلاب ثور رول بسزا ایفا می‌نمایند . پس باید با جرات اظهار نمایم که : جوانان انقلابی ماکه مجهز بادانش پیکار انقلابی اند ، وبادرك خصوصیت های طبقاتی ، به‌صفت انسان نیرومند وانقلابی کار وپیکارمینمایند .

زیرا بعد از پیروزی انقلاب ظفر آفرین ثور جامعه عقب نگهداشته شده ما تحولات عمیق درهمه شؤن حیات‌خلق مارونما گردید، حقوق انسانی ایشان عاده شد جوانان ما نیز از قید محرومیت ها رهایی یافتند . درگذشته ها خصوصاً در زمان فرمانفرمائی خانواده فاسد نادری ، خلق مادرزیر شلاق جابرانه آنان جان می‌سپردند وحتی آنان جزیی ترین ارزشی هم در برابر شخصیت آنان و حیات خلق های رنجدیدهٔ ما قایل نبودند .

ولی خوشبختانه با پیروزی انقلاب ظفرمند ثور خلق ماز آن بدبختی ها نجات یافتند و باآنهمه بی عدالتی ها وتعصبات گذشته‌خاتمه دادند وبه قدرت جابرانه آنان خط بطلان کشیده شد . امروز خلق ماتوده های هنر آفرین مادر تحت درفش انقلابی دولت‌جمهوری دموکراتیك افغانستان تحت عنا و ین مختلف تحقیر نمیشوند . پیروزی انقلاب‌زنجیر شکن، گذشته ازاینکه به‌آنهمه بی عدالتی ها وتعصبات قومی ولسانی خاتمه داد دربارور شدن استعداد های خلاق خلق وجوانان ما نیز توجه بس عظیم دارد .

امروز دولت انقلابی ماتحت پروگرام های انکشافی واقتصادی که بزودی ممکنه درمعرض اجرا گذارده میشود، باروحیه انقلابی ازانرژی سر شار آنان استفاده می‌نماید وبه‌زودی جامعه را اعمار خواهد کرد که در آن هیچ نوع مشکلی سراغ نگردد .

جوانان کشور انقلابی ماکه با اتکاء بر ایمان ووجدانی که‌دارند وبا ابتکارات‌وپیکار انقلابی‌درتحقق‌بخشیدن ارمانهای توده‌های‌ملیونی رنجبران ، زحمتکشان هنگام با دولت انقلابی ومردمی خویش برای‌بلند بردن سطح‌تولیدات وامحای کامل بیسوادی کار می‌نمایند ، در تهیه وترتیب ضروریات همه جانبه خلق خویش نیز مصروف کار وپیکار انقلابی‌اند .

پس با درك این واقعیت :میتوان گفت: جوانان امروز ازهرلنگاه آماده خدمت به‌مردم بوده وبادر نظرداشت راه ورسم زندگی جدید برای نوسازی جامعه خویش گام بر میدارند وبه صفت انسان ایده‌ال، مبارز طوریکه ا ز آنان آرزو میرود در پیکار با نابرابری ها ، بی‌عدالتی ها در سنگر نبرد قرار دارند.

(c) ketabfarsi.com: The Digital Library

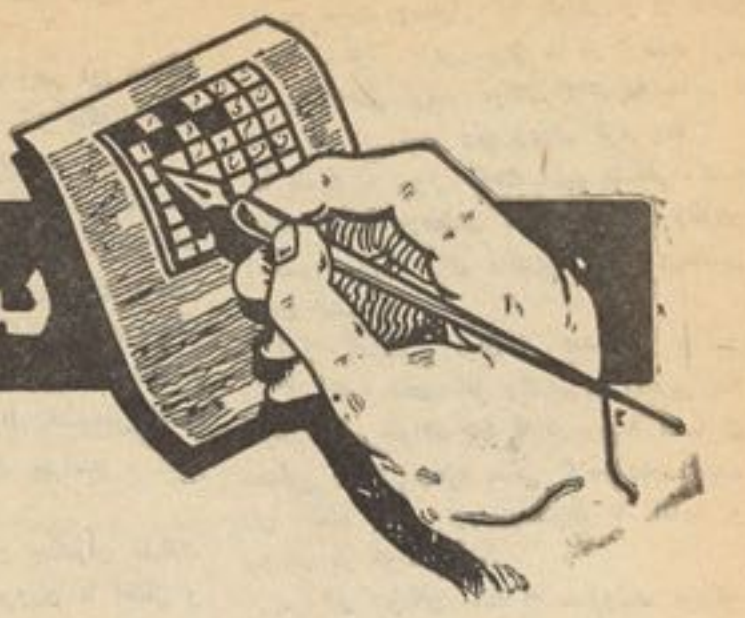

سرگرمی ها و مسابقات

تهیه و تنظیم از صالح محمد کهسار

جدول کلمات متقاطع

افقی :ـ

۱ـ در سینه جا دارد، گهواره انقلاب،درشش جدی مرحلهٔ نوین آن شروع گردید، از ولایات کشور ما، ۲ـدو یك، مسترد کردن ، عطرمیدهد دوست داشتن ، درد ناتمام ، زیادنیست، ۳ـ انفجار آن خطر دارد ، یوم پاریده، حاصل آکسیجن وهایدروجن ، نصف طاوس، سمبول باریکی ، ادب بی آغاز ، ٤ـسر دشمنان کشور خود را به آن می‌خواهیم ، نصف جنون ، ثمر، فرهادپی یا ، ٥ـ اسم فلمی است که در آن منوچ کمار رول داشت ، نودنشده ، ازلوی ولسوالی های کشورما،وداع‌پی آغاز، ٦ـروشنی به‌پشتو، راه کوتاه ، دورنشده ، جای گل‌و بلبل ،۷ـ هنوز نیامده، گهواره ، دروازه‌دهن، سازنده نشده، ازماه‌های سال‌به‌پشتو ـ۸ـشیر عربی ، جای سبزه ها ، در جم شهرت‌دارد، ۹ـحرف‌ربط،با ادویه مریض‌می‌یابد ، پیدانیست ،اسم فلم‌هندی ، محل ، ۱۰ـ منسوب‌به‌میهن است ، نصف نجوم ، رطوبت ، ردیف قهر ، از آن طرف ناز است ، ۱۱ـ صحرا به زبان پشتو ، از ولایات باستانی کشور ما،فریب‌به زبان پشتو،سیب به‌پشتو، ازفلزات، ۱۲ـبرگ ناتمکمل،میسوزد،ضمیمه‌پشتو، درمقابل‌این‌مرض مجادله بزرگ آغاز شده است ، از آلات‌دهقانی، ۱۳ـ باخ) خون است ، گنگ نشده، ایستگاه پشتو ، چست نشده، کندوی‌آرد ، چهره ، ١٤ـ مادر عرب ، دروازه بزبان عوام ، دوده حاصل آن، لام‌کوتاه ضمیراشاره ، بیدنارسیده،۱۵ـ معشوقه یوسف ، بسیار مشکل است، مساوی به دو صد لیتر است، آتش پراگنده ـ

عمودی :ـ

۱ـجدیدنیست،تحریری نیست،از پرندگان، ۲ـ باده لوده است ، آرت ، وبای‌ناتمام‌نصف پارچه مکمل ، ۳ـ خوب نیست ، کمك ، چهره ٤ـ از حبوبات ، در حال دیدن ـ٥ـ نه میشنود، برادر به پشتو ، عاشق شیرین ، داغ نشده، ٦ـردیف اخلاق، میدان‌بوکس، در چایجوش بسیار میباشد ، حاصل نیشکر، ۷ـ نون بی‌نون، یك حرف ودوخانه، ضمیر اشاره، ریگزار ، ۸ـدربین بلبل ، خودم ، کلمه ربط ، انفجارآن بسیارخطر دارد ـ۹ـ از آنطرف ضمیراشاره ضدمرد، پراگنده ـ۱۰ـ عطرمیدهد، درد،محل، دروضو میباشد، ۱۱ـنمدنامکمل،رفیق‌سوزن‌است ، ازجمله بته های موادمخدره ، ایستگاه‌بزبان پشتو، یازهم‌حرف‌ربط است، ۱۲ـچیزی که‌پیدا نشود ، نصف وداع ، خودم میباشم ، لباس ندارد ، ۱۳ـ بال شکسته، طرف، حشره‌مضره به زبان پشتو ، مریض بسیار خطر ناك ، ١٤ـ مات‌شدامابی آغاز، صنم ، دو پنج د ر پشتو ، ماده حیاتی ،۱۵ـمرگ نارسیده ،دربین غبار ، مادر عرب ، در پستان گاو است، ۱٦ـ دویك راجمع نمائید ، باآواز یکجا میباشد، گندم به زبان پشتو ، از خزندگان ،۱۷ـپوش پرندگان‌است، ازتشکیلات عسکری، نیزردیف آن است، ناقل آب ، ۱۸ـ با ادویه آنرا درمان کنید،گردنبند، ۱۹ـ فصل‌آن‌رسیده‌است،نوعی ازموسیقی، طرف، ۲۰ـ دونیم، سماع رانصف سازید، زیادنیست، جام‌پی‌سر، بام ناتکمیل، ۲۱ـ آرامی ، عکس روز، وظیفه میم‌یك‌انسان میباشد .

طرح از :ـ ملکه سلمیا نخیل از لیسه سیدنور محمد شاه مینه .

یادآوری : به علاقمندان وهمکاران این‌صفحه مژده میدهیم که هرگاه تا اخیرسال جاری، جدولی به مناسبت سال نوبا محتوای‌ارزنده طرح‌وبه‌ما بفرستند به بهترین آن جایزه میدهیم وبقیهٔ آنرابه نوبت بااسم‌وفوتوی طراح بچاپ میسپاریم.

این ستاره را میشناسید؟

به این چهره جذاب خوب متوجه گردیدآیا میدانید که اوکیست ؟ واز کدام کشورجهان است ؟ اگر موفق به شناختنش شدیدبرایتان چند جلد کتاب جایزه میدهیم .

این چشم هاازکیست ؟

این چشم های زیبا را که بدون صاحبش چاپ نمودیم مربوط یکـی از زیبا ترین ستارگان سینمایی میباشد خوب اگر به‌شناختن آن موفق گردید اسم آنرا برای ما بنویسید.

این دوچهره کی‌هااند؟

این دوچهره‌راکه میبینیداز پدرودختری‌میباشد ،که برای‌آزمایش ذهن‌شماچاپ نمودیم‌این‌دختر از دختران بسز و گك پدر خوداست در راه پیش رفت و معروفیت‌میباشد. ویکی ازفلمهایش بنام (میخواهم دستهایت رابگیرم) است حالا از شما میخواهم که اولا اسم پدرش را و بعدا اسم دختر ش را برای ما بنویسید .

این عکس چیست؟

چه فکر میکنید آیا کدام تپه‌است ویاکدام حصه از پوست کجـا لو اما بدانید کـه هیچیك ازین هـا نبوده بلکه مربوط چیزی دیگری است اگر به شناختن آن موفق شدید باید تنها اسم اورابا اسم لکه های سیاه‌ایکه بروی آن معلوم میشود برای ما بنویسید .

ژوندون

(c) ketabton.com: The Digital Library

پیدا نمائید ؟

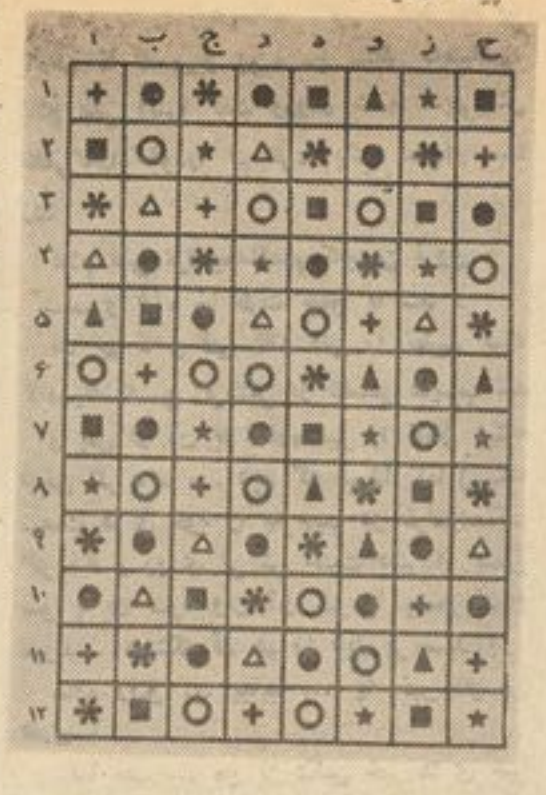

دربین این جدول که دارای ۹۶ خانه میباشد دایره های سیاه وسفید ومربع ، گل ، ستاره ،علامه مثبت مثلث گنجانیده شده امادربین همین جدول دریکی‌ازخانه هابترتیب یك دایره‌سیاه است که بالای‌آن یك‌مثلث‌سفید ودربایین‌آن یك دایرهٔ سفید موجود میباشد آنرا پیدا وبرای مابنویسید .

چه کاره است ؟

هرکس که دریکی از دوایر کار میکند. اسباب واشیای‌میزوکارش‌ازوظیفه اونمایندگی میکنند ماهم این‌تابلورا که‌دراین چاچاپ نمودیم اطاق کاریك نفررا نشان میدهد آیا میتوانید بگوئید که این شخص چه‌وظیفه‌رابدوش دارد.

کدام مخترعین ؟

۱:ـ اودر سال ۱۷۰۱ در اوپسالا (سوئید) بدنیا آمد ودر سال ۱۷٤٤ در استکهلم از دنیا رفت او که حرارت سنج را ساخت و پیش از آن که این آله اختراع گردد،مردم تاقرن شانزدهم حد سر مارا دریك زیر زمین وحدگر مارا در آفتاب تابستان یابدن یك انسان تب دار معین میکردند وبعدهافارنهایت و رسومور درجه بندی آله درجه‌حرارت رادرحال یخ شدن آب ودر حال بخار آب‌جوش‌درجه بندی نمود او در سال ۱۷٤۲ درجه حرارت‌صدقسمتی (سانتی‌گراد)رادرست نموده است .

حالابنگارید که این مخترع کی بود ؟

۲:ـ این شخص که درسال ۱۷٦۵ متولدشد ودر سال ۱۸۳۹ ازدنیا رفت . اولین فابریکه نساجی را ساخت پیش از آن تکه‌های قیمتی زیاد بود ومردم متوجه‌گردیدند که نمیتوانند ازین پارچه‌های قیمت دار استفاده‌نمایندوبنبه که زیاد میباشد چرا پارچه های ارزان قیمت نسازند همان بود که‌با کمك یك کارگر که دو زندان بود دستگاه نساجی را اختراع وبکار انداخت حالابگوئیداین دونفرکی هابودند ؟

بی پروایی

ماباین تابلو راکه ازیك صحنه بالت است چاپ نمودیم درین جاطفلی رامیبینید که‌گریه را سر داده ولی آن دو بایك دنیا نشاط وبی خبری در عالم رقص خود فرو رفته اند مابه این صحنه عنوانی بی پروایی را گذاشته ایم ولی نمیدانیم که شمابه این صحنه کدام نوع عنوان را انتخاب میکند مابرای کسانیکه بهترین عنوان را به این صحنه انتخاب کند جایزه میدهیم وفوتوی شانرا را نیز در همین صحنه چاپ میکنم .

این اثراز کدام‌نویسنده است؟

ماحصه از کتاب یك نویسنده مشهور جهان رابرای شما شرح میدهیم ازشمامانتا داریم تا اسم کتاب‌واسم‌نویسنده‌آنرا برای‌مابنویسید.

در صحرای بودم صحرایی‌بزرگ وحزن‌انگیز که‌گیاهی در آن نبود نمی‌توانستم بفهم که شب است یا روزگردش میکردیم با برادرم برادر سالهای کودکیم برادری که باید باو بگویم که هرگز در فکرش نیستم‌و تقریبا هیچگاه به یادش نمیاورم . صحبت میکردیم وبارا هگذران مصادف میشدیم ازیك زن حرف میزدیم که‌در روزگار گذشته همسایه مان بودوتادرآن کوچه منزل‌داشت‌جلوپنجره اتاقش که‌همیشه بازبودکار میکرد. در صحرا درختی نبود. مردی رادیدم که از نزدیك ما میگذرد این مردی بود سراپا

برهنه عمرنگ خاکستروسوار براسبی بود به رنگ خاك این‌مردموبرسر نداشت‌جمجمه‌اش نمایان بود وبر جمجمه اش رگ ها ی دیده میشد چوبی به دست داشت که مانند ساقه مونرم و مثل آ هن سنگین بود این سوار از جلوما گذشت وچیزی بما نگفت :

برادرم به من گفت از راه پایین برویم آنجایك جادهٔ گود افتاده بود که بتهٔ خاری وبرگ علفی در آن‌نبود همه چاو آسمان نیز به‌رنگ خاك بودپس ازچندقدم دیگر وقتیکه حرف میزدم کسی به من جواب نگفت متوجه شدم که د یگر برادرم همراهم نیست به دهکده یی که در آن نزدیکی دیدم واردشدم فکر میکردم که آنجا باید رومنویل باشد.

(رومنویل چرا ؟)

اولین کوچه که من داخل آن شدم خلوت بود به کوچه دیگر رفتم پشت زاویه یی که از دیوار های‌این دوکوچه ساخته‌میشد مردی کنار دیوار ایستاده بود پیش رفتم وازوی پرسیدم :

اینجا کجاست من کجا هستم اوهم‌جوابی به من نداد .

اینجا کجاست من کجاهستم جوابی به‌من نداد دیدم که در خانه یی باز است درون‌شدم اتاق اول خالی بودبه اتاق دوم رفتم پشت دراین اتاق مردی کنار دیوار ایستاده بوداز این مرد پرسیدم این خانه از کیست من‌کجا هستم او هم جوابی به من نداد .

خانه یك‌باغ داشت‌از خانه‌بیرون‌رفتم ووارد باغ شدم باغ خلوت بود پشت اولین درخت مردی ایستاده دیدم به این مرد گفتم این باغ از کیست من کجا هستم مرد جوابی نداد در دهکده سر گردان ماندم وناگهان مشاهده کردم که این یك شهر است‌همه کوچه هاخلوت وهمه در ها باز بود هیچ موجود جاندار از کوچه ها نمیگذشت هیچکس در اتاقهاراه نمیرفت‌و کسی در باغها گردش نمیکرد اما پشت هرزاویه دیوار پشت هردرپشت‌هر درخت مردی ایستاده بودکه مطلقا ساکت بود هیچ جادو نفر دیده نمیشدند که نزدیك بهم باشند . این مردان بانگاه دنبالم میکردند از شهر بیرون رفتم ودر صحرا راه افتادم پس از مدت کمی سر گرداندم ودیدم که‌گروهی‌دنبالم‌میایندهمه‌مردانی را که در شهر دیده بودم بین این جمعیت شناختم سرهای عجیبی داشتند شتابی در رفتار شان به نظرم نمیرسید امااز من تندتر راه میرفتند کمترین صدا از راه رفتنشان شنیده نمیشد در یك لحظه این جمعیت به من رسید واحاطه ام کرد چهره این مردان به رنگ‌خاك بود .

آنگاه‌اولین مردی که در شهر دیده وازوی پرسشهای کرده بودم به من گفت کجامیروید مگر نمیدانید که مدتی است که مرده پید دهان گشودم تا جوابی گویم و مشاهده کردم که هیچکس پیرامون من نیست مادلن بیدار شد احساس کرد که از سر مایخ کرده است بادی که چون باد صبحگاهان سرد بود دولنگهٔ‌پنجره را که باز مانده بود تکان میداد آتش بخاری خاموش شده بود وشمع نزدیك به خاموش‌شدن بود هنوز شب تاریك بوداز چابر خاست سوی پنجره رفت بازهم ستاره یی بر آسمان دیده نمیشد از پنجره اتاقش حیاط‌خانه وکوچه نمایان بود هماندم صدایی خشك وسخت ناگهان ازروی زمین برخاست و چشم اورا فرود آورد زیر پنجره دوستارهٔ سرخ که روشنایشیان به‌وضع غریبی در ظلمت دراز و کوتاه میشد به نظرش رسید چون نیمی از فکر ش هنوز در تاریکی رویا غوطه وربود باخود اندیشید عجیب دیگر چیزی از آنها در آسمان نیست حالا دیگرروی زمینند آنگاه آشفتگی افکار ش بر طرف شد صدای تازه‌یی شبیهه‌به صدای‌نخستین بیداریش راکامل کرد بادقت نگریست ودانست که‌این دوستاره دوچراغ یك‌درشکه‌است درروشنایی

ایـــــن چراغها توانست شکل در شکه را تشخیص دهد این یك تك‌اسبهٔ دوچرخه بود که‌به اسبی سفید بسته شده بود صدایی که قبلابه گوشش رسیده بود صدای ضربات پای اسب روی سنگفرش کوچه بود . مادلن باخود گفت این در شکه چیست این کیست که صبح به این زودی آمده است. همانندم کسی دراتاق رابه آهستگی کوبید .

...bton.com: The Digital Library

عریضه برای آب

قسمت دوم

اینرا گفته و بسرعت خود را بداخل حویلی و محوطه دفتر رسانید ، دفتر باز بود. در برنده عارضین زیاد جمع شده بودند . مامور و میرزا و عسکر و نفر زیاد هم آمده بودند بعضی ها لباس‌نو و حتی تکمه و نشان طلائی هم به سینه داشتند ، بعضی ها شمشیر های مرصع در غلاف های زر اندود بر کمر بسته بودند زمینداران بازو باشه شکاری خود را نیز با خود آورده بودند .

پولیس ها با کمر بند و سرنیزه برا ق وجلادار خود ملك ها و خانهای‌قریه با مهر و زنجیر های رسمی خود ، همه در آنجا بنظر میامدند. قدیم هم خودرا در آن قطار رسانید و شناسای خود را پیداو خویشتن را خم و آهسته اظهار کرد :

ـصاحب محترم ، عرض دارم . شکایت است . بجا کم صاحب عرض دارم .

ـشکایت از چه ؟!

ـصاحب ... از سبب آب . و بعد ازآن..

ـدگر چه ؟

ـخیر . دگر هیچ . مالك جا یخانه وعده داد که آنرا پیدا کند . درست شد .

ـچه را پیدا کند ؟

ـدستمال نانرا . شب گم شد .

ـهی ... از کجا هستی ؟

ـاز چو تو .

ـکالا یت‌به جل اسپ میماند .

همه کسانیکه در برنده دور قدیم‌جمع شده بودند بلند بلند خندیدند . مامور دفتر بیرون بر آمد و جیغ زد :

ـغالمغال چیست ؟ سردار صاحبحاکم صاحب قهر میشود.

ـاین نفر غالمغال میکند . کالا یش‌به جل اسپ میماند .

ـچه گفتی ... کدام جل اسپ ؟

چند نفر از جای خود دور شده و راه را باز کردند . یکی از آن میان بقدیم اشاره کنان گفت :

ـاینست .. صاحب ... ببینید ... فقط جل اسپ را پوشیده باشد .

قدیم خیلی آزرده و غمگین بود. میرزای دفتر جانب او دیده پر سید :

ـچه میخواهی ؟

ـصاحب ... آب ...

میرزا به جویکه از میان محوطه اداره میگذشت اشاره و علاوه نمود :

ـالبته نمیدانی که چطور همرای گیلاس آب نوشیده میشود . به لب جوی برو دست های خود را بزمین بمان . سرت را پایان کن و مثل گاو آب بنوش .

ـبیچاره گاو نیست .زیر جل اسپاست.

چشمان قدیم از غضب و خشم مثل آتش شد و خودش صدا زد :

ـصاحب ... صاحب ها

ـفقط جل را پوشیده باشد . وچندین نفر باهم خندیدند.

مامور گفت :

ـآقایان ... خاموش‌باشید حاکم صاحب به‌قهر میشود. اگر غالمغال تانرا شنید خشمگین واز اطاق بر آمده و بر همه ما و شما غضب میگر دند .

ـخوب ... تو از کجا ستی ؟

ـآقایان در اینجا یك دفتر است یا یك بازار ؟ قدیم جیغ زد و این سوال‌را پرسید.

ـاو هو .. ببینید .زیر جل اسپ .

ـمن یك تبعه آزاد هستم و برای یك شکایت اینجا آمده ام .

در مقابلی این گفته قدیم ، کسانیکه در برنده ایستاده بودند گفتند مارا عفو کنید . ما شما را نمی شناسیم . آقای جل اسپ پوش و همه شاخان بمقابل‌قدیم صف زدند یکی از آن میان گفت :

ـ راه بدهید باقای عالیقدر تبعه آزاد !!

ـ تبعه آزاد برای یك شکایت زحمت آمدن تا اینجا را متقبل شده اند !!!

قدیم یك قدم بجانب دروازه پیش آمد اما خود را باز بین مردم محصور یافت .

یکی از آن جمله چنین گفت : ما هیچ فکر نمیکردیم که‌یك با دار جدید بخیر اینجا تشریف آورده اند «آقایان» قدیم بحدی بلند جیغ زد که حاکم صدای‌اورا در داخل اطاق خود شنیده و مامور دفتر رانزد خود دعلب کرد ولی خودش فورا وبدون معطل شدن برای آمدن مامورداخل‌اطاق بیرون بر آمده به همه حضار نظرخشم آلود انداخته پرسید :

ـاینقدر غالمغال برای چیست؟

ـتا لیقدر ایك نفر دیوانه پیدا شده !

ـکو؟ در کجا ؟

ـاینه ، اینجا حاضر وتیاراست.

قدیم به پریشانی و بد بختی خود فکر کنان ایستاده بود و وقتی شنید او رادیوانه معرفی میکنند فریاد کرد:

دیوانه کیست ؟ مرا دیوانه میگویند؟

سردار حاکم جانب او قدم بر داشتو به شدت پرسید : چه میخواهی ،دیوانه؟

ـآب میخواهم ، سردار !

وقتی قدیم این جمله راگفت از چارطرف او صدای زهرخند واستهزا بلند گردید چند نفر گفتند .

ـدیوانه ... بیچاره جوی باین طول و عرض را اینجا دیده نمیتواند .

ـمرا ستی‌دیوانه است .

سردار امر کرد:ـ اورا بگیرید و ببرید اگر تجاوز و نا آرامی میکرد بسته اش کنید ، را سا به دیوانه خانه شهر . بلی او دیوانه است و باید همانجا باشد .

باشنیدن این امر سردار حاکم رنگش از رخسار قدیم پریدو پریده رنگ گفت : چه ...مه ... چه بعدا احساس‌کرد که یك پره کوه بسرش افتاد . با صدای لرزان و شکسته نالید : سردار صاحب رحم کنید . من آب میخواهم . دیوانه نیستم . باردار من دیوانه نیستم . من قدیم اعظم او غلی هستم .

حاکم باز با و نزدیك شد. خوب‌بسرو صورت او دید و گفت راستی دیوانه شده .

او را به دار المجانین ببرید .

حاکم بعد ازین امر بدفتر خودداخل گردیده مامور به محافظ گفت که قدیم را ببرد . قدیم مقاومت ورزید . لیکن اشراف و زمین داران همه یك یك تیله‌داده و قدیم بیچاره را از زینه پایان را فدلد قدیم یك سکه نقره یی بکف دست محافظی که‌اورا بیرون میکشید ماند و احساس کرد که محافظ از او دست بر داشت .قدیم فورا به جستجوی اداره میرزا کمال بیگ بر آمد .

تمام بدنش درد داشت . راه رفتن‌برایش مشکل بود . امااز را هر وان پرسیده پرسیده جای مقصد خود را یافت که یکنفر از قریه خود شنزدیك دروازه آن ایستاده بود . با خوشحالی صدا کرد :

ـهی غلام علی !! سلام علیکم و سپس دویده و او را به بغل گرفت غلام علی که خود ش پیشه دهقانی داشت و داغهای‌چیچك روی او را فرا گرفته بود ، در حالیکه عریضه خود را قاتکرده وبه جیبخود میگذاشت از دروازهٔ یك دفتر بیرون میبرآمد قدیم روی خودرا بر وی ریش دراز غلام علی چسپانیده و با صدای لرزان اضافه نمود : اوه غلام علی . اگر بدانی که من چقدر بد بخت استم . تصور میکنم یك سال شده که از خانه بر آمده ام .معطل من باشی ، کار خود را زود خلاص میکنم و بلده هر دو یکجا میرویم خانه .

ـقدیم بخدا قسم که قاطر خودرا به کار و انسرای مانده ام . میروم که‌ببینم بجای خود است یا نه ؟

کارت را زود خلاص کن . همانجا بیا با هم خانه میرویم . من منتظرت‌میباشم.

غلام علی اینرا گفت وروان شده. قدیم مثل طفلی‌که‌راه خودرا گم کرده باشد عقب‌او صدا زد:

غلام علی ترا بخداقسم که‌بی‌من نروی .

ـنمیروم ، خاطرت جمع باشد .

قدیم تا وقتی غلام علی را تعقیب نمود که‌دریك کوچ گردشی از نظر غایب شد و پس از آن به اداره میرزا کمال بیگ داخل گردیده . دید که میرزا کمال‌بیگ شصت های خود را به جیب دو طرفواسکت گرفته و روی فرش خشت دفتر از یسو باین سود واز آن سو با ینسو قدم میزند . همینکه قدیم را دید پرسید :

ـاوه رفیق ... بیابیا ... چه خبر خوش داری ؟

ـصاحب ... من برعکس خبر های خراب دارم.

ـچرا ؟چه واقع شد ؟

ـهما نطور که گفته بودید ،آنها سخن مرا نفهمیدند ... نه تنها سخن‌مرانفهمیدند بلکه مرا دیوانه هم گفتند .

در کنج دفتر یك میز مانده شده بود . میرزاکمال بیگ بعد ازین صحبت مختصر طرف میز رفته‌وبه عقب آن دور خورده یك دست خود را روی میز ماند و دست دیگر خودرا به سربی موی وطاس خود گذارانیده وعلاوه نمود :

ـبلی ... عارضی باید عریضه تقدیم کند . حرف ما و شما مردم دهات راکسی درك نمی کند . فقط عریضه میخواهند. و

شما باید عریضه بدهید وقتی که عریضه دادید ، آن وقت آنرا خوانده نمی توانند واگر باصد زحمت بخوانند معنای آنرا فهمیده نمی توانند و زبانی می پرسند .

ولی بهر حال هیچ عارضی نباید بدون عریضه تحریری بدوایر برود وو قتیکه رفت باید عریضه تحریری با خودداشته باشد .

ـراست میگوئی برادر ! اگر غمهای عارضین کم میبودمن مانند جوبخشك و لاغرو زرد وزار نمیشدم .

اوسینه خود اخاریده و قدیم سر خود شور داد وبعد گفت :

ـصاحب همینطور است ، همینطور است اگر آدم های مثل شمانمی بود، من نمیدانم که احوال ما غریب هاوبیچاره‌ها چطور میشد ؟

مرغها چشم مارا وحیوانها جسم مارا می خورند.

ـ راست میگوئی بر ادرم . اگر آدم تنها بفکر خود باشد ، زندگیش آسان میشود . مثلا برایت قصه کنم . یك نفر، درین نزدیکی یك غرفه دارد . همین غرفه سوم از ینجا . از من میخواهد که همرایش شریك‌باشم . برای من میگوید تو آدم فهمیده استی ! همین حساب و کتاب‌مرازیر نظربگیروکار آنرابکن ، من مثل برگهای خزان برایت پول میدهم . اما من برایش

(c) ketabton.com: The Digital Library

گفتم که اگر من همرا ی تو شر یك شوم برادران غریب وغمگین عارضین من‌چه خو اهند کرد ؟ کی عر یضه شما نرا خواهد نوشت. وقتیکه عریضه نزدحاکم میرود، اول باید به کتاب ثبت قید گردد.

قدیم پرسید : به کتاب ثبت ؟

ـرفیق من ، تو چه فکر میکنی ؟معلومدار به کتاب ثبت رسمی !باز آنرا مدیرشعبه به دو سیه میما ند .که نو شته و نشا ن ملا نی در آن چا پ شده . عر یضه ر اکه درمیان دوسیه می مانند با ز خو د ش آنرانزدحاکم می‌برد .دوسیه را بد ستعارض داده وهر دو پیش حا کم خود را خم میکنند میبینی که احوال عا ر ضا ن از چه قرار است ؟

قدیم از شدت آنچه بر او واقع‌شده بود هرلحظه درد زیاد ترحس میکرد. دیگرتاب ایستا دن نیا ورد . پهلوی دروازه رو ی زمین اطا ق نشست و سر خود را برا ی تصد یق گفته های میرزا کما ل بیگ‌شور میداد . یکبا ر گفت : خدا به آد م ها ی فهمیده مثل تو صحت و سلامت نصیب کند . قصه منم ازین قرار بود . حا لاعریضه من روی میز سر دار حاکم صاحب افتاده و عکس نرا ر هم که در دیوا ر نصب ا ست از هما ن با لا بر عر یضه من مینگر د.اما اگر از دست خود همین آدم کلان عرض کنم چه میشو د؟

کما ل بیگ دست خود ر ابه عقب گوش خود قرا ر داده پر سید :

مطلب چیست، من حرفت را نمی‌فهمیم؟

ـیعنی گفتم که اگر از دست همین‌سردار حا کم صا حب عر ض کنم و شکا یت کنم چه نتیجه خواهد داد.

ـچه شکا یت داری از حا کم ؟

ـتمام جانم وتنم از دست شان درد میکند . تما ما افگار شد ه ملاو تا مرا دیوا نه هم گفتند .

با شنید ن این مطلب میر زاکمال بیگ پشت میز وسر چوکی خود نشست ، آرنج خودرا بالای میز ونخ خودرا با لا ی مشت خود ما ند ه پر سید : همین بعد عر یضه ات ؟

که میخوا ستی بنو یسی و بعقا ما ت‌با لا بد هی ؟

ـبلی صا حب من با ید دیروز آنرا برای تا ن میگفتم .

میر زاکمال بیگ از چو کی خود بر خا سته گفت : حالا هر چه را بمن بگو.

قد یم هم خو است که ایستاده شده حر ف بزند اما میرزاکما ل بیگ علاوه کرد: هما نطور نشسته حر ف بزن ... آزاد استی اینجا دفتر سر کا ری نیست .

قد یم جا ر زا نو ر و ی فر ش اطا ق نشست . رو یش از شدت درد تغییر رنگ میداد وبار دیگر تمام‌قصه خودرا ازسرتاآخربه میرزاکمال بیگ شرح‌داد وقت‌گذشت‌خودراتمام میرزاکمال‌بیگ‌شرح‌دادوقت سرگذشت‌خودراتمام کر دجنان از خشم می لرزید که صدا یش تغییر و با لرزش عجیبی علاوه کرد :

ـبلی میر زا صا حب ... بخود با دشاه بزرگ بنو یس ـ آقا ، صا حب ، عر یضه مرابنویس ودر آن علاوه کن که‌آیامن قد یم اعظم او غلی تبعه آزاد او هستم یا نیستم ؟

همه چیز ها ی راکه برا یت گفتم‌نوشته کن .. به پادشاه بنو یس که قا نو ن های اورا در مورد ماکسی تطبیق نمیکنند. ولی اگر من تما م این داستا ن رابنویسم ، پوره یك ناول خواهد شد.

برادر ناول چیزی رامیگویندکه نو یسنده از خود ببافد ، قصه من چه ناول دارد ،همه چیزهای که برایت گفتم راستی و حقیقت است . بخدا قسم میخورم که هر حر فش را ستی است .یك کلمه درو غ‌نگفته ام . همه را بنو یس . هما نطور که ا ست بنو یس .

میرزا کمال بیگ یك ورق کاغذ خط دار را از رو ك میز خود کشیده و یك قلم راهم بدست گرفت .قدیم باز گردن‌باریك وا ستخوا نی خود را در حا لیکه ر گها ی آبی رنگ آن ورم کرده و بر خا سته بود پیش آورده و گفت :

ـبنویس آقا جا ن. بحضور پادشاه ، من دیوا نه نیستم . وبنو یس که من قد یم عظیم او غلی ، رعیت صا دق تا ن می باشم و بنو یس که من برا ی پنبه خود آ ب میخوا هم . زمین من خشکیده و بدون آب ما ند ه و از بی آبی ترك ترك شده. هرچه را که میدا نی بنو یس ، نو شته کن که... بلی آقا هر چه را خبر داری بنو یس، همان طور که من میگو یم بنو یس ، ازرویه حاکم اینجا هم بنو یس ، نتر س . هیچ و هم وخوف را بدلت جای نده، من جواب ده هستم . هر چه وا قع شد من جوا ب مید هم .»

میر زا کمال بیگ ناگهان جیغزد :

ـاما او برادر خط مرا همه میشنا سند . مرا به کشتن ند ه .

ـنترس ، من جواب ده هستم من جواب میگو یم . هر چه را من گفتم هما ن طور بنو یس .

چر ت خود را خراب نکنی . من جوا ب این نو شته را مید هم . تو هما ن طور یکه من میخوا هم بنو یس .

میر زاکمال بیگ برای قد یم عر یضه نو شت . به عنوان همان عا لیتر ین مقا م نوشت. اما تنهادر باره ضرورت اوبه آب جهت کشت پنبه اش نو شت .دیگرچیز ها را ننو شت . با کاغذ جاذب ، نو شته ها ی خود را خشك کرد. عریضه را به یك گو شه میز مانده و دیوا ت را به طرف قد یم پیش آورده و گفت :

ـشصت خودرا اینجا بچسپان.

ـمن سر خود را می چسپا نم . تونتها انگشت‌مرا میگو نی . اینرا گفته انگشت خودرا برنگ زدو وبعد به قوت زیاد بر کا غذ چسپا نید .

ـمیر زاکمال بیگ ، یقین داری که هر چه را برا یت گفته ام نو شته ای ؟

ـبلی .همه چیز را نو شته ام .

ـو عنوان آن را بنام خود پادشاه نوشته ای ؟

ـبلی .

در باره رویه حاکم این جا هم‌نوشتی؟

میر زا کما ل بیگ حسب عادت پشت‌گوش خود را خاریده عر یضه را قا ت کرد واضافه نمود .

ـهر چه ضرور و لازم بود نو شتم .حالا بر خیز واین عر یضه را بگیر و را سا برو به دفتر پست و بنا م خود پا دشا ه به پسته بینداز .

میرزاکما ل بیگ پا کت را سرش نمود و نشا نی‌دفتر پسته را به قدیم فهما نید که از کدام جا و کدام راه با نجا برود . قدیم کاغذ را گرفت ویك نوت‌راهم از جیب خود کشیده و بر میز گذاشت.و جانب میر زا کما ل بیگ دیده علاوه‌نمود:

به را ستی شما حا می عر یضه دار ها هستید . همه عا رضا ن دعا ی سر تا نرا میکنند .

قدیم رفت جانب پسته خانه، بز و دی آنرا یا فت . کا غذ خود را به هر کلکین و غر فه پیش کنا ن از آنها پر سیدکه چطور آنر ابه شاه برساند. پالیده با لیده غر فه مربوطرا یا فت و گفت :

ـعر یضه بدر با ر شاه ...گفته و دست خود را پیش کرد تا کا غذ را بد هد .

ـبه‌خود شاه ؟ پس بگو که در عر یضه خود چه نو شته ای ؟

ـاگر میخو استم تو مطلب مرا بفهمی عر یضه را در پاکت نمی انداختم و سرش نمیکرد م .

و قتی بدست خود بادشاه بر سد مطلب را خود ش میفهمد .

چنین جوا بی آنهم از جا نب یك دهقان ساده میرزای پوسته خانه را متعجب ساخت. و گفت :

ـچرا مثل سر که تر ش هستی ؟

ـمن و قت گفتگو یرا ندار م.پو ل را بگیر .

ولی یادش آمد که با ید بد خلقی نکند و بهتر ا ست قهر خود را بپو شا ند و باز گفت .

ـاو برادر جا ن ... میر زا صا حب .. قربان ... لطفا تو جه کن که همین عریضه من بیجا ره در راه گم نشود و محفو ظابه هما ن جا ئی که نو شته ام بر سد .

کا تب پو سته خا نه طرف قد یم دیده وپرسید: دفعتا اینطور تغییر کرد ی سر که به یکبا رگی آب شد !

ـاز سبب آب است که من مثل‌سر که شده ام .

ـآب باتوچه کرده؟

ـاینك برادر جا ن ... بگیر مکتوب و عریضه مرا ... لطفا بگیر ورسید بده . و آنرا بزودی به‌نزد پادشاه بفرست ... هر قدر زود که میتوا نی . من کدا م و قت دیگر نزد تو میا یم و تما م گپ و سخن را برا یت نقل میکنم .

ـاوه ... آدم سخن خود را از رفیق خود بنها ن میکند ؟

ـآد م رفیق را در وقت تنگد ستی می شنا سد . عر یضه مرا بگیر . تو جه کن‌که‌بیادشاه برسد. هرقدر زود که میتوانی آن وقت‌با ز من میفهم که تو رفیق من هستی کا تب عر یضه را بد فتر ثبت کرد .پو ل پسته را از قد یم گر فت و رسید راجستری را داد .

قد یم با و گفت: اگر عریضه من گم شد باز من میما نم و تو !

یك عارض دیگر که در عقب او ایستا ده بود بی صبرانه اورا بادست خود متوجه ما خت که زود از غر فه دور شود تا تو بت با و برسد که نزدیك غرفه بیا ید قدیم زود جای خودرا باو داد.اگرچه قهر شد اما چیزی نگفت . قد یم از پسته خانه جانب چایخانه‌روانه شد. تمام کار وا لسرا ی را پا لید تا غلام علی‌را بیا بدو همرا ی او به قر یه برود . اما غلام علی بنتظر نیا مد .

چند قرص نان خرید . آنهارابه جیب ماوزیر بغل های‌کرتی خود جابجا نمود و جا نب خا نه خود روا نه شد .

زمین دار بزرگ ده قهر شده بود که قد یم چرا به شهر رفته و چرا شکا یت کرده . هر صبح و شا م میراب را نزد خود خوا سته و سر او غضب میشد و میگفت :

ـبغضب خدا شوی ... نمك‌من ترا بشر ما ند ... چرا کا ر اورا نساختی ـچرا نکشتیش که از غمش خلاص می شد یم .

ـبا دار جا ن بخدا قسم که ما فکر کردیم آنقدر زده بود یمش که نفسش‌باید بر آمد ه می بود .

ـوباز نعش او ر اروی زمین‌ماند ی و رفتی ؟

ـاین از بی احتیا طی ما بود . ما با ید او ر ادر پهلوی چوی گور میکر دیم .

ـاما تو این کا ر را نکردی . ما ند ی که زنده شود و برود شهر و عر ض کند ما مور پو لیس فقط بها نه میخوا هد . یك تو لی پهره سرمن روانه خوا هد کرد تا یك هفته پوره آب و نا ن بر ایشا ن‌بد هیم بعد از او باز نوبت حاکم میر سد که‌بیاید و من با ید جا ره اورا کنم .یك هفته این کاردوام میکند. باز نوبت نایب الحکومه صا حب میر سد . ومن با ز باید پیش او جار غوك نما یم . آخر برای چه؟صرف برا ی اینکه یك دهقا ن از دست سر هنگ آغاشکایت دارد. هر آدم بی‌سروپای حا لا برا ی ما چا ه میکند !! وزیر با ی ما آب میر اند ! حال یك دهقا نی مثل‌قدیم هم شروع کرد ه .

وفیل هم نمی‌تواند بمقابل او ایستاد گی کند . و گنا ه این همه بگرد ن کیست؟

گناه تو ، میر اب احمق لوده ... پروتهای خود را مثل دم خر کلان کردی و گردنت از چا قی بند ید ه . کر تی گلا با تو ن دوز یت ، کفن جا نت شود !!

ـبا دار جا ن قسم میخو رم که قصور ش را میگر م . تو با ش که یك دفعه پس اینجا بیاید . زنده بگور ش میکنیم .

ـ بعد از ینکه ر فت به شهر شکایت کرد وعریضه داد. تومیخواهی‌به‌آن ما مور پولیس که پدرش را کشته بود مباز قر صت بر سد که از من انتقام بگیرد .

ناتمام

(c) ...com: The Digital Library

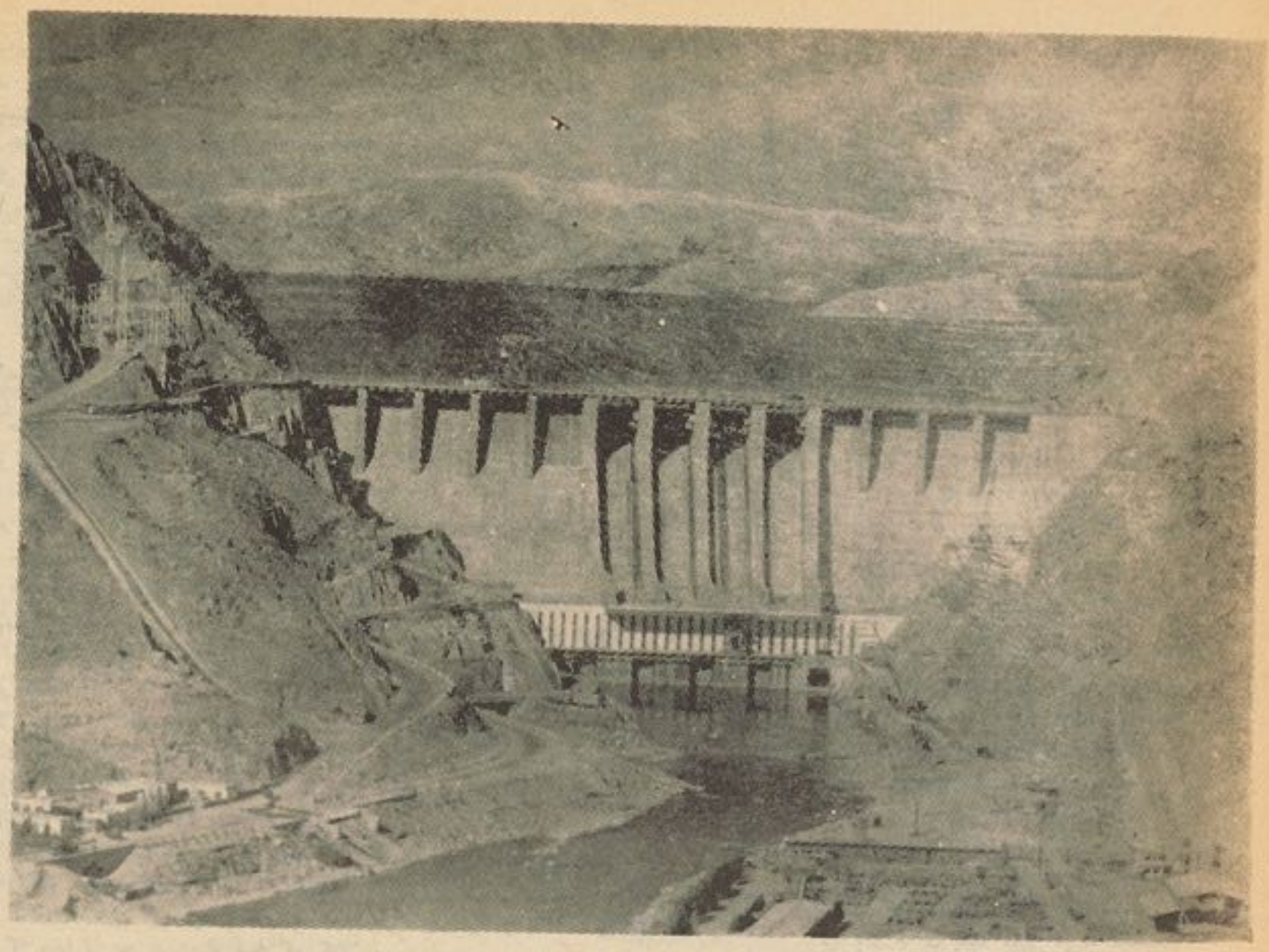

نمایی از سربند برق نفلو (یکی‌از منابع مهم انرژی)

مشکل بحران انرژی درجهان ...

آفتاب به حیث بزرگترین منبع انرژی

قسمت‌دوم

باجاگرفتن اندیشه مترقی دونهاد انسانهای تحت ستم و پیروزی انقلابات دموکراتیک درجهان و جهان شمول شدن حکومت های پرولتاریا وسر نگونی دولت های امپر یا لیستی جنگ طلب ،بدون شك استفاده از انرژی اتومی بدست خود کارگران پیروز مند عمومیت پیدا میکند وانسان بالنده و دورا نساز اتوم را بصورت واقعی در خدمت انسان قرار میدهد وسرگلوله های ذروی را که جهت کشتار انسانهای فدبر افراشته برای کسب حقوق انسانی شان رهبری شده اند ، برای همیشه نابود میسازند و افق های تاریك انسانهای تحت ستم را با نور تابشی از انرژی اتومی، نورانی میگردانند .

در جهان سرمایه داری استفاده از مظاهر جدید زندگی عالی شکل طبقاتی داشته که با ادامه نظام سرمایه داری ادامه میدا شته باشد وازین سبب استفاده از انرژی آفتاب نیز در جهان کپیتالیستی‌جنبه طبقاتی‌خواهد داشت و تعداد محدودی از نوع بشر در حالی از آن استفاده خواهند کرد که تعداد کثیری از انسانهای دیگراصلا از چگونگی انرژی آفتاب، انرژی اتوم‌و شکل‌استفاده از آنها اطلاعی نداشته باشند .

بهر صورت کمبود انرژی طوریکه امروز فوق العاده محسوس است و منابع آن روبا تمام است نگرانی زیادی ازین ناحیه متوجه جوامع بشری گردیده است .

بالا رفتن قیمت نفت در هرسال و پایان یافتن مواد سوخت چون ذغال سنگ و چوب سوخت نه تنها باعث درد سر برای کشور های صنعتی جهان‌گردیده است بلکه باعث اندیشه و نگرانی‌قاطبه

سر نشینان این کره خاکی، میباشد که باید جهان ما در روشنی صلح علاج واقعه را قبل از وقوع بنماید و بجای مصارف نظامی ویولهای مصرف شده در مسابقات تسلیحاتی در راه سرسبزی جهان ، کشف منابع انرژی جدید زیر زمینی و عمومیت دادن استفاده از انرژی اتومی وانرژی آفتاب بنمایند تا جوامع بشری از خطر نابودی کامل که بشریت امروز با آن مواجه است نجات یابد و در پرتو صلح وصفا با تامین مزایای عالی دموکراسی در سرتاسر جهان یوغ بردگی را از شانه های همنوعان بر دارند وبرادر وار بدور هم گرد آیند وازمنابع کشف شده و ناکشف بصورت عادلانه استفاده نمایند .

همانطور یکه ریشه تمامی بحرانها از صلح ناپایدار آب می خورد وباکشیدگی و تشنج درگوشه‌ای‌ازجهان صلح جهانی را بخطر مواجه میگرداند ، بحران انرژی‌و کمبودمواد سوخت نیز اثرات ناگواری بر جوامع مترقی و رو بانکشاف میگذارد و هیچ طرفی از متحمل شدن خسارت ناشی از بحران انرژی گزیر نداشته و نخواهند داشت .

قرار احصائیه های تخمینی ظرف پنجاه سال گذشته نه دهم جنگلات پاره ای از جزایر حاره ی ناپدید شده اند ، جنگل های استوایی نیز بنوبه خود مورد حمله قرار گرفته اند که استفاده بشکل ابتدایی از جنگلات مقدار انرژی زیادی راکه در انکشاف آینده کشور های روبا نکشاف از آن استفاده مطلوب صورت خواهدگرفت بهدر رفته است‌زیرا گروههای زیر فشار نیاز های فوری ، منابع انرژی را طوری بغارت می برند که اگر توام‌با بکار برد علم و اندیشه مترقی از آن استفاده نگردد بحرانات ناگواری بدنبال می آورد که جبران آنش میسر نخواهد بود.

مسالهٔ بحران انرژی که بشریت امروز به آن مواجه شده ودر آینده شاید این مشکل حادتر و بغرنجتر گردد، نمی توانست بشکل قانع کننده حل گردد مگر آنکه جنگلهای خانمانسوز بوقوع نمی پیوست ویا در آینده از بروز آن جلوگیری شود و صلح پایدار سراسر دنیا را فرا گیرد وان زمانی میسر شده میتواند که جهان ما تابع یك نظم جدید اقتصادی و سیاسی ای‌باشد که دموکراسی واقعی بنفع کار گران. زحمتکشان و سایر طبقات تحت ستم بر توانگران گردیده و بشر دست بدست هم داده در جامعه ای شگوفان و فارغ از استثمار زندگی با همی اش را ادامه دهد .

زیرا با تعمیم دموکراسی واقعی که‌از طرف کار گران وزحمت کشان بمیان‌بیاید منابع انرژی طور عادلانه در خدمت‌انسان قرار میگیرند و با برکت علم وتکنالوژی عصری و بکار برد اندیشه خلاق‌ودورانساز

طبقه کارگر خلق های دور انساز که در کنج و کنار این کره خاکی بصورت پراگنده زندگی میکنند ، منابع جدیدانرژی کشف ومورد استفاده‌همگانی قرار میگیرند که بدون تردید اندیشه ونگرانی سرسام آور ناشی از کمبود انرژی وبحران آن‌در آینده بر طرف میگردد .

جنگلات، مواد نفتی ، ذغال سنگ انرژی برقی اتوم وآفتاب یا این بزرگترین منبع انرژی درجهان ، در روشنی‌صلح و همزیستی مسالمت آمیز طوری درخدمت انسان قرار خواهند گرفت که از هرحیث رشد سریع چوا معقب مانده صورت‌می پذیرد که با پخش وگسترش اندیشه‌مترقی و آیدیولوژی دورانساز طبقه کارگر خلق ها بپا می خیزند وطراح‌برنامه‌های انکشافی خود می شوند و با بکار ربرد نیروی خلاق و زوال ناپذیر خویش، بدون تشویش ونگرانی ایکه امروز ازناحیه مواد سوخت وجهات‌دیگر ناشی‌از اقدامات سوء امپریالیزم متوجه آنها میباشد،بزندگی با همی شان ادامه میدهند و با درخدمت انسان قرار دادن انرژی اتوم و آفتاب، بر بحران انرژی و مشکلات ناشی از آن در آینده خاتمه میدهند .

باید گفت که استفاده صلح آمیز از انرژی اتومی جوا معبشری را از بحران انرژی در آینده نجات میدهد ، مشروط برینکه دست امپریالیزم جهانی از سر خلق های تحت ستم‌کوتاه گردد و کاخهای ظلم و ستم استثمار گران اندر پیش پای زحمتکشان واژگون گردند و جوربی حدود حصر امروز امپریالیزم جهان که بر خلق های تحت ستم جرثانی دارد بر طرف شده و بخواسته های قانونی زحمتکشان سراسر جهان پاسخ مثبت‌داده شود ، صلح‌دایمی درجهان بر قرارمیگردد که در روشنی صلح و زندگی با همسایگان بشریت توانند از منابع انرژی‌به صورت عادلانه استفاده نمایند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

تر جمه : سی ،احمد

تدابیر عمده در قسمت خواب و صحت

خوا ب‌چند ساعت با ید طـــول بکشد ؟ آیا اشخا صی هستند کـه بکلی نمی خوا بند ؟ برای خواب نورم منا سب ومعین مو جو نیسـت وهمچنان اشخصا صی هستند که‌در صحت وسـلا مـتی زند گی نمـــی کنند .

از تجا رب چند ین سا له‌درقسمت مر یضان مبتـلا به بیخوا بی نتیجه ذیل بد ست می آید ، آنها پیکـــه از بیخوا بی شکا یت دارنددرحقیقت خواب هستند .بهتر است در ایـن مورد از گفتار روان شنا سی معروف فرا نسوی پیر ون یاد آوری شود (شخصی هیچگاه نه می خوا بد که همیشه خواب است این نوع اشخاـ صـ برای مدت کم خواب میکنندامابعد از هر چند سا عت).

اشخا صی هستند که بطور مثال کم می خوا بند . پتر اول ، نا پلیون، شیلر فقـط پنج سا عت در شبا نه روز اما ادیسن دوالی سه سا عت‌در شبا نه روز می‌خوابید .تعداد زیاد مردم در یك شبا نه روز در حدود شش سا عت می خوا بند امـــا مشخصات جسما نی آنها به حا لت بهتر آن با قی می ما ند . درعیـــن زمان اشخا صـ یـــا فـــت مـی شوند که مدت خواب مکمل آنها تـا ۹الی ده سا عت طول کشیده وبعـد از آن خود را آرام حس می کنند.

طبـق ار قام معلوم وبد ست‌آمده در بسیا ری مما لك انکشاف یاـ فته‌دو سوم قسمت مردم از خواب خراب خود شکا یت دا رند .دراتحاد شورو ی‌درشهر مسکو تحت یـــك پرو گرام معین از شش هزار نفـر درین قسمت پر سش بعمل آمد. قسمیکه معلوم شده در حدود چهلـ وپنـج فیصد آنها از خواب خراب خود شکا یت داشتند . در این‌جمله بیست‌و یك فیصد آن‌خواب خراب‌و چهارده فیصد اشخا صی هستند که از خواب عمیـق خود رضا یت داـ رند اما مدا ومت آن کو تاه است. (این نو ع‌اشخا ص را کم خواب می نا مند) وده فیصد آنرا اشخا صـی تشکیل داده که زیاد خواب میکننـد امانه چند ان عمیـق . گروپ‌اشخاـ صی کم خواب را معمولا متعلمین و محصلین تشکیل می دهند .

گرو پی که از خواب خراب خود شکا یت میکنند معمو لا دا رای سن اضا فه‌تر از چهل سال مـــی باشند . این اشخا ص به زحمت می خوا بند در شب چند مرتبه بیدار میشو ند وخواب های خطر نا ك مـی بینند ومعمولا از نا سـلا متی ارگان های دا خلی ویااز تر سیدن ، عادات تلقین شده ، خرا بی مزاج وخستگی شدید رنج میبر ند . حسب معمول ازدوا های خواب آورومسکن‌استفاده می کنند .

طبـق نتا یج تحقیقات اضا فه تر از همه کار کنان وسا یل حمل‌و نقل (ترا نسپو رت)از خواب خود رضاـ یت داشته امازنهای که در حا نـــه مصروف امور منزل اند وکـــدام مصرو فیت دیگری ندا رندومتقاعدین یعنی ما مور ینکه مدت‌کار آن بـــه انجام میر سد وتقا عد می نما یند) از خواب نارا ضی می باشند .

کار گرا نی که با آلات اهتزا زی، غا لمغال ومواد شیما یی سرو کار دا رند مو قعیت وسطی را در بیـن دو کتگوری فوق دا رند .اشخا ص در رشته های که جنبه فکری‌وروحی داشته با شند بسیار بیخوا بی مـی کشند .

قسمیکه در یکی از مو سســات پر سش صو رت گر فت فقط نزده فیصد کار کنان‌فکری از خواب خود رضا یت دا شتند . علت این حادثـه کار های شد ید فکری ، نبـــودن خستگی جسمی واز دیاد معلو مات‌و اطـلا عات است . در جمله کسانیکه از خواب خراب خود شکا یت دا رند زنها قسمت اعظـم آنها را تشکیل مید هد . یك خصو صیت با ید تذکر داده شود از سا بـق این نکته‌معلوم است که انسان در قسمت خوا بش خود بطور عینی قضا وت کرده نـه می توا ند . پر سو نل طبی واشخاـ صـ نزد یك با کسا نیکه صبـح‌از خواب بیدار میشوند و از خـــواب خراب خود شکا یت می نما یـــد از خواب عمیـق آنها که گا هی‌بـــا خرو پف نیز همراه می با شد شنهاـ دت‌می دهند .

در تحقیقات متعد دی با لای مرـ یضا نی که از خواب خراب خـــود شکا یت دا شتند حقیقت فوق بـــه اثبات رسیده است بطور مثـال‌اغابا این نوع مر یضان را قبل از خواب یك صفحه کا غـذ وقلم می دهند تا درهر نو بت بیدا ری خود با لای صفحه کا غـذ یك‌خط بکشند معمولا دیده شده است که صفحه کا غـــذ بـــــدون کدام خط به حا لت اولی خود با قی ما نده است .

در یك قسمت تحقیقات حتی توـ سط آلات ولوا زم مخصو ص حرکات مر یض در زمان خواب تثبیت گردـ یده ودیده شده است که در یك‌وقت معین به حا لت آرام با قی ما نـــده این‌حا لت در وقت بیدا ری هیچگاه به نظـر نه می خورد .

علت چیست ؟ممکن است مرثم بطور شعو ری خود را در این مـورد تلقین می کنند وفکر می کنند که خواب خراب دا رند ؟

قسمیکه معلوم است این طـــور صورت نمی گیرد زیـــرا نخسـت اینکه شخصی ،شب در مدت بیدا ری تصور می کندکه وقت دیر تـــــر میگـذرد .دوم اینکه بعضی ازاشکال فعا لیت رو حی را که در خواب می بینند ما نند بیدا ری فکر میکنند. سوم اینکه حا لتی مو جود است که در صو رت‌آن مو جود یت خواب‌نفی میگردد . تعداد زیا دی از سوا لها زما نی حل گرد ید که علما به ثبت عینی فعا لیت مغز انسان در زمـان خواب رجوع کرد ند . از تحقیقات مـذکور نتا یـج ذیل بد ست آمد :

اشخا صی وجود ندا رند که بدون خواب زند گی کنند . بد ین لحاظدر حال حا ضر استعمال اصطـلاح بی‌ـ خوابی ،درست نیست . این لفـظ از نقطـه نظـر ما هیت خود نیـــز صحیـح نبوده زیرا از سوی دیگـر شرا یط نا گوار رو حی را بار مـی آورد حتی اشخا صی که از خواب کردن بکلی انکار می کنند مـــدت خواب آنها به بیست‌و چهار دقیقـه می رسد در حا لیکه نورم ایـــن اشخا ص ۱ـ۵دقیقه می با شد.

در این مورد اشخا صی را کـه خواب‌خراب دا شته با شنـدچطور میتوان کمك کرد ؟

در این قسمت بهتر است از استعمال دوا های متعدد پر هیزشود ودر عو ض رژیم استرا حت ، کـار وتـغذی بطور منا سب تعین شود. در این قسمت انتخاب کار از اهمیت بسزا یی برخوردار می شود. بـدـ نیست‌که در اینجا نکته چند ازآماـ دگی برای خواب سخن گفته شود تمام وقت بیدا ری در حقیقت‌مقدمه چینی برای خواب است . در ایـــن مورد باید به عا دات مقر ره ازاحتیاط کارگر فته شود . یك شخص بعـد از تفر یـح خو بتر خواب مـــی کند .

بعضی‌هازمانی‌که گرسنه باشندخواب کرده نمی توا نند اما بر عکس‌بعضی ها را این کار ما نع‌نمی‌شود. بصورت عموم بهتر است که قبل از خواب کمی تفر یح شود واز خوردن غذایی قبل از خواب خود داری شود حمام گرم بگیرد. اما عا دات در این‌قسمت از هر نوع تو صیه ها مهم تر است. بطور مثـال تعداد زیا دی عا دت دارند قبل از خواب مطا لعه‌می‌کنند. داکتران چشم اظهار نظـر می کنند که این کار اثرات منفی بار آورده‌و مضر است . اما اگر در صو رت خلاف رفتا ری از ین کار خواب‌برهم زده شود بهتر است تا آنرا ادا مـه داد. علت بر هم خوردن خواب بطور ثابت اختـلال سلسله اعصاب مـــی باشد . اگر چه مبا رزه با این‌اختلال کار یست بس مشکل امامیتوان‌آنرا مغلوب نمود .

بقیه در صفحه ۴۹

بقیه صفحه ۲۵

جراحی روانی...

وا قـع میشد در دهه شصت وبعـد ازآن جرا حی روا نی به طرزنوشکل گرفت همگام با تکنا لوژی معا صر رو شس های لو بو تو می ابتدا یی متروك وبجای آن عملیه های‌منجمد سازی ، انساج ، مدا وا با مدارکی صوت و نصب الکترود ها بمیـا ن آمد.

نتا یـج بعدی نشان داد که هر سال چهار صد الی پنجصد فرد بیمار احتیاج به عمل ،روی میز جرا حی قرار میگیر ند.طریقه های گفته‌شده شا مل فرو ریزی وانهدام یك عده انساج بخصو ص مغز بوده تاعادت غیر نور مال و غیر قابل مهـار در اداره آیند .

با آنکه قدم های مثبت‌برای‌شکل گیری بهتر این طرز العمل صو رت می گر فت گرو هی از جرا حان‌مغز رد دست‌شا نرا آهسته ساختند و عمل رامحدود واعلام داشتند کـه در بسی وا قعات نادر منحیث آخر ین در مان میتوان دست به چنین کاری زد به عنوان مثـال در واقعات پیلپسی میتوان این جراحی را بـه خدمت گرفت اما اولین اعتـراض برمسئله توسط داکتـر پتر بر ژ ن روانکاو امریکایی صو رت گر فت. وی را قاتل ضمیر وروان خواندا ز دیدگاه دا کتر بر ژن هدف وا قعی جرا حی جز ضعیف سا ختن ،تغییر در شخصیت و منش ، آرام ساختن بی لزوم شخص عمل سر کوب‌سا ختن احسا سات وعواطف‌چیزدیگری نیست ضمنا او خطرات ا حتما لـی رابیشتر انگشت‌گذاشت وعلاوه‌کرد چون نتا یج این اصل ناباز گرداست کاری است بسی خطر ناك ، ازسوی دیگر :

۱ـجرا حی‌روا نی در انسا نهـا به پیروی از شیوه جرا حی حیوا نی صو رت میگیرد . که نتا یـج خوبی به دنبال ندارد .

۲ـ جراحی روا نی مداخله‌مستقیم به‌شخصیت ، عادت ومنش)ـــرد دارد .

حال که کم وبیش از مخا لفان عمل گفتیم ، ببینیم مدا فعان در موردچه گفتنی دارند وچگونه دلیل‌میاورند:

دا نشمند جان دو نلی روا نشنا سی امر یکا یی‌در داغتر ین روز های انتشار خبر اعـلام دا شت که عمل روز بروز به شکل‌بهتر حا ضر مـی شود .وجهان طبا بت نمیتوا ند از موجودیت وهمکا نی آن انکار نماید. دا کتر ویلیارد گا یلین به پیشر فت این طریقه حتم داردبه نظر او بـا اندکی تعدیل ودست کاری میتوان موفق شد به نظر او رد عکس‌العمل های منفی روا نی که با این وسیله تحت‌کنترول در می روند تا ثیرات گرو هی دا شته ونصب الکترو دها رانیاز مند است با آنهم فا یـده های آن نسبت به زیان هـای آن پیشی میگیرد . نظـر به گفته های بالا بیمارمیدا ند که شیوه جرا حی تغییری در شخصیت او واردنخواهد کرد که این عمده ترین تیو ری‌روانی خود وحمل) است مر یضان رو حی که‌به اصول های دیگر درما نی تـن در نمید هند این تدا وی را به عنوان آخر ین راه در مورد می دا نند .

نظربه آینده :ـ سالیان آ ینـد ه دو هزار وفوق آن هر چه بیشترباز تاب فشار ها یشس رابر مغز ما وارد خواهد کرد وبیماری های ر و ا نی وروان جسمی را در دنیای طـب پخش‌خواهدکردکه امروزازآن نا می نیست . بهر حال اگر در گیری‌های رو حی وخستگی روز بروز زیـاد میشود ومغزما را تسخیر می کند، گستر شس وتحقیقات علمی نیز روز بروز برای مهار نهایی آن میکوشد بهرحال‌سال‌های‌دوهزارمارا بیادقصه های علمی خوا هد اندا خت که‌انسان چگو نه برای نجا تشس از ءوا مل بیماری زا در تقلا خواهد بود !

۱ـ این اصول در آینده در صو رت هدا یت گرو هی جرا حان باید صورت گیرد بدینگونه عمل بوسیله کمیته ها بر رسی گردد . موا فقت مر یض با عمل در زمینه در صدر مسله است .

۲ـ این وسیله بیشتر بـا لا ی بیماران روانی وزندانیان و اطفـال تطبیق خواهد شد .

پژوهش ها ی نو در ز مینـه و پیاده نمایی آن در مسئله از نگـاه کادر های حقو قی واصول هـای جامعه‌قابل قبول‌است وکمیته‌اچ،ای‌ـ ویلیوهمه‌امورمربوط راکنترول‌می‌کند.

جرا حی روا نی بدون شك بـه حیث یك بعد قا بل بحث ودر عیـن حال جنجا لی در روا نشا سی مد رن باقی خوا هد ما ند .

فردا نو یدی است با دست آورد های نو شس در جهان دا نستنی ...

بقیه صفحه ۱۸

ریکاردبودو ...

از آن غرض تحقیقات سطـح زمین استفا ده های زیاد بعمل آورد ند. دراو قا تیکه کار آنها رو به‌اختتـام بود معلوم شد که‌آنتن رادیوتلسکوب از استیشن سا لوت ششس جدا نمی شود. اگر آنتن به حالت‌خودگذاشته میشد استیشن مـذ کور نظـر به پلان معین خود کار را پیش بـرده نمیتوا نست .برای اینکه آنتین از استیشن علیحده میشد ضر ورت افتاد تا کیهان نوردان به فضـای آزاد بیرون آیند . سا بـق کیهان‌ـ نوردان به فضای آزاد در روز های اول پر واز خود می بر آمد ند یعنی

وقتیکه دارای نیروی کا فی بود نـد امااین دو کیهان نورد مجبور شدند تادرروز ۱۲۷ کار خود به فضای‌آزاد بیرون‌آیند اگرچه از نقطه نظـر داکتر ها این‌عمل امکان پـذ یر بود. باالاخره به تا ریخ پا نزده اگسـت در مرا حل اختتام کار خود این‌عملیه رانیز به پایان رسا نید نـد و عـلاوتا به ابتکار خـود تحقیقا ت اضا فی را نیز انجام داد ندمنجملـه طرا حان استیشن میخوا ستند بدا ـ نند که در دریچه های استیشن‌چرا کمی تا ریکی ایجاد شده بود.ریومین تو سطدستمال کا غذی مخصو ص در یچه را پاك کرد ودستمال را با محتویات آن به زمین باخود آورد . ریو مین ولیا خوف یك سا عت‌و‌ـ بیست‌و سه دقیقه در فضای آزا د سپری کرد ند وسه روز بعد سیوز سی وچهار درمنطقه معینه به‌بسیار نرمی پا ئین آمد . به این‌تر تیـب ریو مین ولیا خوف یکصدو هفتادو‌ـ پنج شبا نه روز را در فضا سپـری کرد ند تا هنوز این رقم ریکـارد جها نی در قسمت بودو با ش ن در فضای کیهانی میباشد اما هدف در این قسمت از قا یم نمودن‌ریکـارد نیست بلکه هدف این است‌تادانسته شود که بودو با شس زیاد وطویـل کدام خطرات را بار می آورد .علما این مسا یل را بطور مو فقا نه حل مینما یند ووسا یل حفظ ما تقـدم را برای مبا رزه با تمام نا گوا ری هاطرح میکنند . این نکته هم اتفا قی نیست که مدت اقا مت در فضا روز بروز طو یلتر میشود بطور مثـال یوری روما ننکو وگیور گی گریچکو نودو ششس شبا نه روز وولاد یمیر کوالو نوك و الکساندر ایوانچنکوف یکصدو چهل شبانه روز را در فضا سپری کرد ند وحال ریو مین ولیا‌ـ خوف یکصدو هفتادو پنـج شبا نـه روز را .بلند بردن با لتر تب مدت اقا مت درفضای‌کیها نی‌آینده بشریت را تشکیل مید هند به این تر تیب این سفر دور ودراز فضا یی نیـز خا تمه یا فت . حال علما ازتحقیقات وتجا رب اجرا شده آنها نتیجه‌گیری می نما یند اما سا لوت ششس هنوز هم به کار خودادا مه مید هد. ایـن استیشن‌برای او لین مر تبه دوسال قبل‌به فضا پر تاب شد تا حال‌هفده سفینه با او ملحـق شده علا و تـا ششس سفینه بار بر مواد محرو قاتی نیز به استیشن سا لوت ششس‌سفر کرده‌اند. اضافه‌تراز‌یکسال کیهان‌ـ نو ردان در آن کار کرده وتا هنـوز چهارده نفربه آنجا سفرکرده‌اند .

اسا سس گـذار سفینه هـای فضا یی اتحاد شو روی تسیا لکـو‌ـ فسکی آرزوداشت تا در فضا شهرها ایجاد شو ند، دستگاهای سا خنـه شوند که مواد قیمت بهارا که در زمین نا ممکـن است بـدست آیند استیشن های برق فضایی ایجـاد شوند تا از انرژی آفتاب به ایـن تر تیب در زمین استفا ده شود.پر‌ـ واز آخری وقتیکه نشان داد انسان میتوا ند برای مدت زیاد در فضـا باقی بماندودرحالت بی‌وزنی زندگی میکند در آینده نزد یك آرزو های تسیا لکو فسکی را بر آورده خواهد سا خت .

(c) ketabton.com: The Digital Library

صحنه یی ازخدمات عاجل صحی‌که‌در امبو لانس هیلیکو پتر در جهان امروزی جهت حفظ حیات بشـــری‌انجام می یا بـد .

متر جم: حفیظ الله عما دی

ساینس درراه مبارزه بامصائب ناگواردر جامعه بشری

در ین اواخر در شهر های مزدحم که در آنها تعداد زیاد مردم زند گی میکنند ورسیدن از یك نقطه بـــه نقطه دیگر وقت زیا دی را در بـــر میگیرد واین امر حین بروز مصائب وحا دثات نا گوار چون حا دثات ترافیکی ، حریق وغیره مشکلات را بارمی آورد و رسیدن‌تابمرکزصحی بعضامنجربه‌تلف شدن اشخاص می گردد روی این لحاظ در چنین کشور هاخد مات صحی عا جل تو جـــه بیشتری را بخود معطوف نموده و تـلا شس ها یی‌صو رت گر فتـــه تا خد مات صحی را از طر یـــق هلیکو پتر ها نیز در مر حله اجـــرا قرار دهند چنا نچه در بسا نقـاط اضـــلاع متحده خدمات صحی عا جل از طر یـق هلکیو پتر صو رت مـی گیرد این کار توا نسته است کـــه در حدود پنجاه فیصد خطر مر گ‌ـت را از بین ببرد .

یکی از متخصصین مر بوطه گفته است از زما نیکه سیستم عا جـــل صحی رو ید ست گر فته شـــده در بسا وا قعات عا جل رسید گی آن صو رت گر فته ودر حدود اضا فتر از هشتصد حمـلات قلبی مر یضان به صورت فوری تد اوی وعـــلاج گر دیده واین بز رگتر ین موفقیت است که آدمیزاد تاکنون در مورد بد ست آورده است .

متخصصین مر بوط اظهار نظـــر نموده اند که امبولانس های سیار وهلیکو پتر های مر بوط کا مـــلا با آلات وا دوات صحی‌مجهزبوده‌تقریبا شبا هت نزد یکی به یك شفا خانه میدا شته با شد که در آن امرا ض گونه گون تداوی میگردد. در امر ـ یکـا در چنین مو سسات صحـــی عا جـل اکنون اضا فه ازیکهزارو ـ ششصد متخصص طبی ویکصدمکتب صحی مو جود است که‌پر سو نل مورد نیا زرا تر بیه وتعلیم مـــی دهند .

در هر یکی از امبو لانســـ‌ها وهلکیو پتر ها دا کتر معا ون‌داکتر ونر سها وجود دا رندکه نر س‌و پرستاران مربوط در قسمت کمـك با مر یض ، ثبت تا ریخ مر یضـــ و و قا یع مر بو ط بـه او با داکتر مـر بـو طـه همکـا ر ی نمو د ه وحتی در قسمت معا ینه آنها نیـــز تلاشس وفعا لیت به خرج مید هند.

در بعضی حا لات مهم که پر ستار ومعا ون پز شك نتوا ند کا ری را انجام دهد با دکتور مر بوط ارتباط بر قرار می سا زد ودر مورد مشکل مو جود از دا کتر ومتخصصین مشوره طبی وهدا یت های لازم‌را می خواهد در نقاطی که از مرا کز صحی کا ملا بعید بوده تما س‌مستقیم نتوا نـد صو رت‌گیرد در چنین حا لتی‌ازطر ـ یق امواج را دیو یی ومفاهمه‌تیلفونی حل مطلب می نما یند وحتی ازطریق مفا همه تلو یز یو نی ورا دیو یی بعضی عملیات مهم طبی را در همین امبو لانسس ها انجام داده اند .

یکی از دا نشمندان گفته است‌که آنچه که باید یك پز شك انجام دهد منوطبه عملیات وجرا حـــــی مر یض نبوده بلکه آنچه که عمده‌تر او میتوا ند انجام دهد مشوره طبـی وهدا یت‌های لازم است که چگو نـه مردم میتوا نند کمك های عا جل‌و اولیه را حین بروز حا دثات ناگوار خود بخود انجام دهند وتوا نسته باشند تا رسیدن به مرا کز صحـی حیات شا نرا تضمین نما یند .

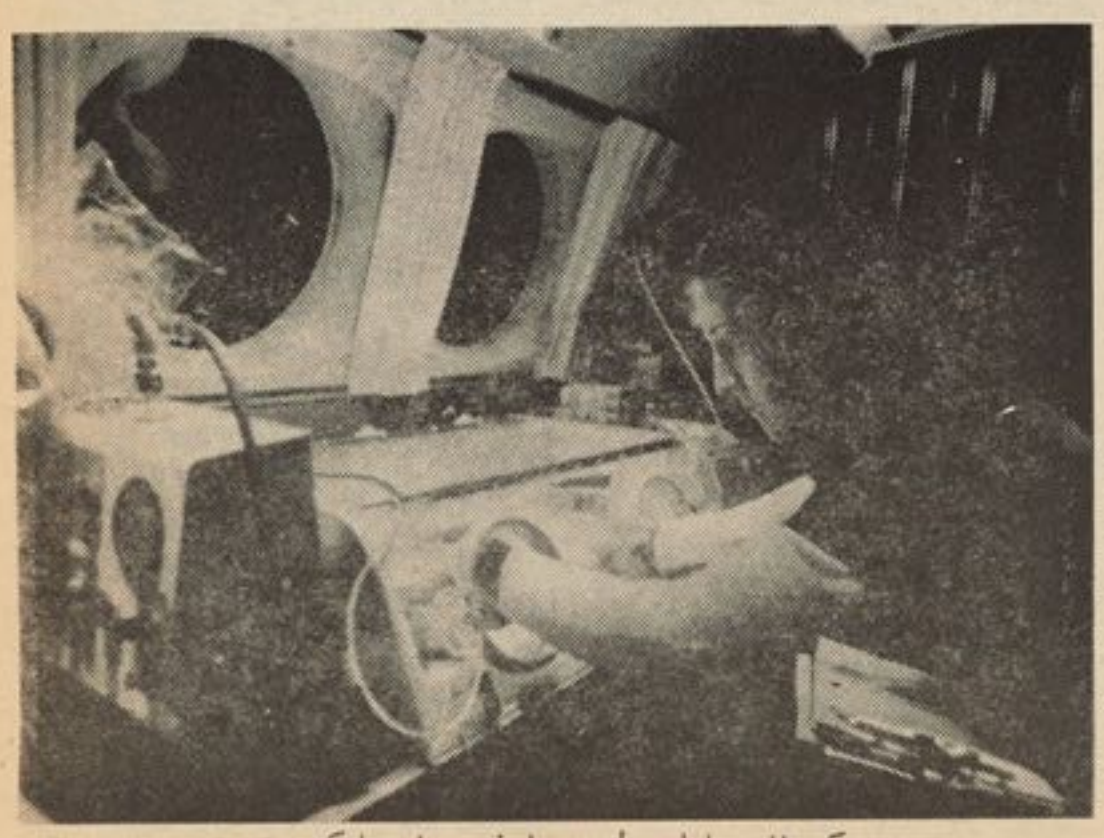

یکی از عملیات طبی بدا خـــل‌هیلیکو پتر

Tabton.com: The Digital Library

بقیه صفحه ۹

جلوگیری از سوء تغذی

۱ازدیاد وتکثیر نفو س در ممالک روبه انکشاف :

تولدات پی در پی ونبودن فاصله معین ولازم بین دوطفل این تکثیر نفو س را سبب میشود .

۲قلت و کمبودموادغذایی از اثر زراعت وفلا حت غیر کافی .

۳ تقسیم وتو زیع نا منا سب مواد غذائی بتما می افراد جامعه

٤ عوامل اقتصادی واجتماعی :

عده از باعث فقر وبیچاره گی قادر بخرید مواد غذائی او لیه نیستند . وبعضی ها نظر به کلتور وعنعنات در مقابل بعضی غذا ها تعصب دارند. یا اینکه بنا بر ندا شتن معلو مات کافی تغذی نمیتوا نند مواد غذائی مفید را انتخاب نمایند . یعنی غربت غفلت و بیسوا دی اسبا ب عمده سوء تغذی اند .

عوامل مریضی :

بی اشتهایی ، قیات ، اسهالات، عمل هضم وجذب غیر طبیعی، افات سیروز کبد (که از مواد غذایی جذب شده استفاده شده نمیتواند.) امراض‌خبیثه، تب ، سرماخورده‌گی، سوختگی ، کسور عظام ، د یابت (از باعث اطراح گلو کوز ازطریق ادرار) . سند روم نفرو تیك زیرا باعث اطراح پرو تین از طریق بو لی میشود) عبارت از امراضی اند که باعث سوء تغذی میشوند.

٥ـ ضرورت زیاد بمواد غذایی :

مثلا در زمان حا ملگی و شیر دهی ، کار زیاد و شاته خصو صا در هنگام سر ما که در یصو رت ممکن غذا های عادی تکافو نکنند.

عوامل که باعث تنقیص حاصلات زراعتی میشو ند :

تنقیص قوه بشری در پرو سه تو لید مواد غذایی ، خرابی وضع زمین از نظر زراعت خشك‌سالی ها و کمبود آب خصو صا در موسم کشت ، زراعت یك نواخت و زرع یکتعداد مواد غذایی غیر ضرو ری تبدیل نمودن زمینهای زراعتی به چرا گاه ها قلبه نمودن خراب وغیر فنی زمین زراعتی ، اتشس سوزی زمینهای زراعتی ، امراض نباتی، مو جودیت حشرات زیانه کار و جونده گان که بحا صلات زراعتی ضرر میر سانند و استفا ده ادویه جات ضد حشرات نباتی بصو رت غیر فنی عبارت از عواملی اند که باعث تنقیص حا صلات زراعتی شده و بصو رت غیر مستقیم در بو جود اوردن سوء تغذی رول بسزا دارند .

جنگ و جدال و بحرا نات گونا گون :

زیرا از یك طرف کار در مزارع صورت نمیگیرد و از جانب دیگر از باعث ایجاد مشکلات انتقالی و ترا نسپور تی مواد غذایی بصورت صحیح بد سترس مردم قرار نمیگیرد .

صعود نر خها و احتکار مواد غذایی .

نبودن کار و عدم استخدام :

مردم بیکار در اثر بر هم و در هم بودن توازن اقتصا دی شان نمیتوا نند غذا های مفید و لازم را خر یداری نمایند به اینتر تیب اعضای فامیل شان با لخاصه مادران واطفال که گرو پ حسا س فامیل شان را تشکیل مید هند از همه او لتر مصاب سوء تغذی می شوند .

یکعده از فامیل ها که پو لدار و قادر بخرید ، هرگونه موادغذایی ضرو ری و مفید اند . بدون درنظر داشت صحت و سلامت شان جهت کسب پر ستیژ شخصی و فامیلی غذا های غیر ضرو ری و غیر پرو تینی شیر ینی دار مانند بیسکوت ، کیك ، کلچه ، شیرینی باب و غیره را که عاری از اکثر مواد تغذی و ضروزی اند بیشتر تحت استفا ده قرار داده یا اینکه همیشس بر نج را بصورت یك نواخت صرف مینما یند و خود را از غذا های ضروری و اصلی‌محروم گر دانیده به اینتر تیب بدست‌خود صحت و حیات خود و فامیل خود را بمخا طره میا ندازند . همچنان بعضی از مادران جهت کسب پر ستیژ بدون در نظر داشت صحت اطفال شان عوض شیر خود به اطفال خود شیر بودری تو سط بوتل یا چو شك مید هند (اگر نظر به عللی ما دران مجبور میشو ند که اطفال شان را شیر پودری بد هند با ید اولا شیر رادر گیلاس ویا کدام ظرف دیگر تهیه نموده و بعد توسط قاشق به طفل شان بدهند .

در نتیجه تجارب و تحقیقات‌علمی ثابت شده که شیر مادر بهترین غذا برای طفل بوده و اگر شیر چو شك جای شیر مادر را بگیردبر صحت طفل اثرات نا گوار دارد . زیرا از یك طرف طفل بمقا دیر زیاد شیر ضرو رت داشته در حالیکه شیر پودری گران بها بوده واکثروالیترین‌مقادیرضر و ری شیر را خر یداری نموده نمیتوا نند .و از طرف دیگر عدم مرا عات حفظ ـ الصحوی سا مانیکه شیر در آن‌تهیه میگردد و نشو و نمای میکروبهای گونا گون در شیر مو صوف اولا باعث ایجاد امراض انتانی و بعدا باعث سو تغذی طفل میگردد . که به اینتر تیب در صورت استفا ده از شیر پودری بر علاوه گر سنگی انتا نات نیز در تشدید سو تغذی رول عمده بازی میکنند .

اشتها رات و اعلا نات زیاد در مورد یك عده مواد غذایی غیرمفید و بی ارزش تجارتی توجه مردم را جلب وایشان رابراه غلط رهنمو نی نموده و باعث بمیان آمدن سوء تغذی میگر دد .

پخت و پز نا مناسب و نا تمام مواد غذایی .

یا اینکه باعث عدم هضم وجذب میگردد و یا اینکه در اثر پختن اضافه از حد مواد غذایی قسمت عمده و با ارزش آن تخریب وغیر قابل استفا ده گردیده و به این تر تیب راه را بطرف سو تغذی باز مینماید .

برای اینکه بتوان از سوء تغذی جلو گیری نمود لازم است تا اولتر از عمه در بی دریافت عوامل آن طوریکه فوقا تذکار بعمل امد شتافت که برای این منظور باید قبل از همه پتالوژی اجتماعی را مطا لعه نموده و اندازه فیصدی سوء تغذی را باتمامی عوامل موثره آن دریافت و تشخیص نموده وبعد از آن مطابق به علل و اسباب در یافت شده تدا بیر و قایوی را طرح ریزی و اشخاص مصاب را تداوی نمود .

تدابیر عمده و اساسی وقایوی سوء تغذی :

۱ـ بهبو دی وضع اجتماعی و اقتصا دی بصو رت عمومی وازبین بردن غفلت ، غربت و بیسوادی که عوامل اساسی و عمده سوء تغذی را تشکیل مید هند .

۲ـ بهتر سا ختن وضع حاصلات زراعتی ، ما لداری و غیره .

۳ـتا سیس و انکشا ف خدمات صحی یا اساسی از نظر کمیت و کیفیت بصو رت کلی و همه‌جانبه،

٤ـ تر بیه پر سونل طبی داخل سرو یسهای صحی و اشخاص‌فنی که در ساحه کار میکنند .

٥ـ تعلیمات تغذی به وا لدین اطفال ، پخش تعلیمات و تبلیغات تغذی بگرو پهای مختلف مردم: شامل نمودن این چنین تعلیمات در پرو گرامهای تر بیوی معارف و گنجا نیدن آنها در نشرات مختلفه کشور از قبیل رادیو ، تلو یز یون روز نامه ها ، مجلات و توزیع پوستر و یا مفلیتها در بین مردم پیشبرد پرو گرا مهای تغذی تطبیقی و عام فهم نمودن تعلیمات تغذی .

٦ـ ترویج استفا ده از مواد غذایی مفید متنوع و ارزان قیمت.

۷ـ گسترش و انکشا ف فعالیت های تغذی بمنظور تطبیق تدابیر موثر تر در جلو گیری امراض مختلفه و توزیع غذا های پاك و صحی .

۸ـ فا صله بین دو حمل باید مطابق به اساسات (پلان خانوادگی) صورت گیرد تا ولاد تهای پی در پی مساله سوء تغذی را در فامیل ها بار نیاورد .

بقیه صفحه ۱۷

بموجب

های مذکور یکنوع دیگر مسارق میتواند مریضان مبتلا به سرطان را از شراین مرض مهلك وجانگاه وارهاند وپس از تداوی متداوم در بهبودی زخم ها وکاهش ومحو تومور های سرطانی کمك فراوان بدارد . مسارق های شفا بخش از گسترش وانتشار سرطان در سایر حصص وجود مریض مبتلا به سرطان نیز جلو گیری میدارد . عبدفاز کار متدان یك فابریکه مشروب سازی‌مدعی است که ازیکنوع مسارق الکهول وتوشابه های الکهولی استحصال داشته است . پس مسارق اینك میتواند بجای الکهول نیز کار بدهد . ازینرو در جهت شناخت نوعیت و خواص بیولوژیکی وطبی مسارق ها مطالعات همه جانبه‌یی ادامه دارد . بسیاری از انواع مسارق های زهر آگین اکنون مورد استعمال زیادی در بخش های مختلفی از علوم طبی دارد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

بقیه صفحه ۴۵

تدابیر عمده...

یکی از طرق مبا رزه ضداختـلال معا لجه طبی است است زیرا درحال حاضر طبا بت از وسا یلی بهره‌مند است که ابلای محیط دما غی تا ثیر مثبت دا ردمیکند .

به این تر تیب معا لجه بیخوا بی بطر یقه طبی وروا نی صو رت گرفته میتواند .اغلبا به معا لجه روانی‌رون پیشرو داده میشود در ضمن قسمت اعظـم معا لجه مر بوط به خودمریض نیز می با شد .

اگر علت بیخوا بی عوا مل خارجی بطور مکال غا لمغال جا ده ، تراـ نسپو رت شمرده شود اثرا ت منفی بار می آورد . معمولا اشخا صی که در محیط پر شور می کنندبعدازمدت کو تاه عادت گر فته وبعد از مدت کو تاه عا دت گر فته وبعد به بسیار را حت می خوا بند واگر محیط بکلی آرام با شد این اشخا ص خود را آرام حس می کنند . اگر بطـور مثـال علت بیخوا بی‌عا مل خار جی شمرده شود گر چه در اول چندان مهم به نظـر نه می رسد چندی بعد شکل عا مل اصلی به خوذ می گیرد وچو نکه تمام افکار متو جه‌عا مـل خار جی میشود همیشه اعث اخـلال خواب میشود .

طبـق احصا ئیه دقیـق در حال

بقیه صفحه ۱۹

چگونه مبارزه با حوادث

نمی آیند آنچه که طوفان ها در گذشته های دور تاریخی وحتی در چندین دهه‌قبل خسارات را بوجود میاورد امروز فاقد آن قدرت وتوان اند زیرا دانشمندان در گوشه وکنار جهـان در صدد آن هستند تاوسایل وادارات مجهز را تاسیس نمایند که قادر باشند پلان‌های وقایوی ومبارزه با حوادث ناگوار را داشتـه باشند یکی‌ازموسسات فعالی‌که‌تاکنون وجود دارد در ایالات متحده امریکا است که با وسایل مجهز از قبیل اقمار مصنوعی بـه فاصله هزار ها میل در فضا ناظر پیش‌بینی حوادث ومخابره آن در کره ارض وبه‌اداره مربوط می‌باشد

موسسه مذکور دارای هلیکوپتر وطیارات اند که میتوانند طوفان ها وهریکن هارابصورت متواتر تعقیب نموده ووقوع آن را بزود ترین فرصت در منطقه معینه اطلاع دهد هم چنان تعداد زیاد کشتی های بحری نیز روی ایـن منظور در عمق وسطوح ابحار در گشت وگذار بوده طوفان امواج بحری را تحلیل وارزیابی می‌نماید سیستم اطلاعیه یکی از عمده ترین کاری است که میتواند بزود ترین فرصت منطقه تحت خطر جدی را ازتهلکه دهشـت طوفان ها نجات دهد در صورت کـه چنین سیستم دقیق وجود نداشته باشد هر گونـه احصائیه‌و ارقام ویا پیش بینی در مورد بـه شکست مواجه میگردد .

گرچه ساکنین یك منطقه که بارهامورد حمله طوفانهای بحری وبری قرار گرفته اند تجارب در زمینه اندوخته اند که چگونـه در وقت وزمانش میتوانند در رهایی و نجات شان تلاش واقدام نمایند اما از آنجائیکـه باشند گان جدید در منطقه ممکن استوارد گردند به این لحاظ کار به دشواری مواجه میگردد بنابرهمین ملحوظاست که‌دانشمندان تاسیس اداره مبارزه بر ضد حوادث را که دارای پرسونل فنی متجربوسیستم اطلاعیـه وپیش بینی دقیق اوضاع جوی باشد تاکید می‌نمایند .

حا ضر اضا فه تر از پا نزده فیصد نفو س‌جهان در زمان خواب ازدوا های خواب آور استفا ده می کنند. اما اگر دوا های مـذ کور مدت‌زیاد استعمال شود بالاخره شکل عا دت را بخود گر فته وبی‌الاخره شخص مجبور میشود تا هر روزازآن‌استفاده نماید زیرا بدون آن هیچخواب کرده نه می توا ند .

اگر از استعمال آن در این وقـت نبپ‌ن‌اوخ قـستضبِ عنقند آهش صرت صرف ظـر شود فشار روحی زیاد را بار می آورد . دوا های‌خواب آور معمولا رژیم خواب را بکلـی تغییر می دهد . قسمیکه تثبیت شده است بعد از نود دقیقه خواب مرحله خواب سر یـع ایجاد شده وتقر یبا ده دقیقه ادا مه می یا بد در طول شب مشخص چهار الی شش ایـن نوع مر حله را میگذ را ند ودر اوقات صبـح مر حله خواب سر یع سی‌تا چهل دقیقه طول میکشد . تجا رب طبی نشان داده است که‌استعمال مشرو بات الکو لی این مر حله‌خواب سر یع را که برای انسان ضرور است بر هم زده وبه تد ریج قلت آن حس شده وبالا خره سیستم‌کار رشته های عصبی را بر هم میز ند .

بد ین تر تیب اگر از تو صیه‌های

بد ین تر تیب اگر از تو صیه‌های

فوق استفا ده شود ممکن است بـه صحت وسـلا مت انسان کمـك لازم نما ید .غزوزنخل اشـك ریـ ر لازم بنماید .

گروپی از واحدهای دفاع‌ملی یوگوسلاویا که هنگام‌مقابله علیه‌تجاوز دشمن، داوطلبانه سهم می گیرند .

بقیه صفحه ۲۹

زنان یوگوسلاویا

در «سلوونیا» که هنگام جنگ دستهٔ زنـان پارتیزان سراسری کشور نقش فعالی را در جبهه علیه دشمن بازی می کردند ، امروز از بقایای نظام مذکور یکدستهٔ بزرگی ا ز دوشیزگان جوان وصاحب انرژی و مستعددر جهت دستیابی بر وسایط جنگی ضد تانـك تعلیم وتربیهٔ اساسی را فرا گـرفته انـد بطوریکه آنان حین بروز کدام حادثهٔ جنگی، میتوانند با استعمال بمبا وتارنجکهای دستی تانکهای دشمن را از بین ببرند . این گروه دختران در اصطلاح عوام بنام «پروانه ها » شهرت داشته واز یکتعداد شاگردان فـارغ مکاتب عالی وثانوی وکارگران جوان مرکب ومتشکل میباشند که واحد های کوچکتـر آنان در هرمنطقهٔ حساس یوگوسلاویا موجود بوده وهنگام تجاوز مخاصمانه دشـمن خاك ، چون موروملـخ یـا بسان مگسا ن زهرناك برسروروی شان میریزند وباسمپاشی وکاربرد تارنجکها در امحای آنان دلیرانه دست بکار میشوند .

برای نیل در جهت بسط و انکشاف مزید امور آموزش وفراهم آوری تسهیلات بیشتر هیات وکار مندان تعلیم وتربیه نظامی زنان بشکل منظمتر وپیشرفته تر آن ، مـوضوع مفردات کلی مربوط به مجموع مسایل دفاع ملی کشور ، فاکولته (پوهنځی) مجهزی بنام «کل دفاع ملی» مورد توجه قرار گـرفت و نخستین بخش اساسی آن بسال ۱۹۷۵ در بلگراد بنیاد گذاری شد . همچنان مطابـق پروگرام منظم ومرتب ، نوع چنین پوهنځی یی در دیگر مراکز پوهنتونهای یوگوسلاویا نیز رویکار آمد وفعالانه در طریق آموزش عسکری دوشیزگان وزنان جوان دست بکار شد . بنحویکه این تجویز به استقبال بـر حرارت زنان ودختران مواجهه گردید وشمار ثبت نام درین رشته بیك معیـار مطلوب و اطمینان بخشی ارتقا کرد .

باید متذکر شد که قسمت زیاد اموردفاع ملی بشکل آموزش عملی آن ، خارج ازحیطهٔ پوهنځی وآموزشگاه نیز دنبال میشود واین انگیزه بیشتر در رشد شخصیت نظامی زنان وتقویت حس شهامت آنان تاثیر مثبت‌ومؤثر دارد . بطورمثال : پیغله«سوزاناجکوفلژویك» که چهارده سال عمر داشته ویکی از اعضای فعال دستهٔ کشافان وپیگردان (مربوط بـه سازمان کوچك موسسه سکوت یـا پیش آهنگی شهر «پوزا ریواك» واقع ایـالت «صربیا» بوده واخیراً به لقب وعنوان پـر افتخار «پارتیزان‌کشاف» یا «کشاف پارتیزان» منتخر وموفق گردیده است ، ضمن مصاحبهٔ به خبر نگار مجلهٔ ما هانه «ریویو» چا پ بلگراد گفته است :

«آنچه که بیش از همه با مشکلات بیشتر آنرا جستجو و دستیاب کردم، عبارت ازجنبهٔ عملی مهارت کار، هنگام آزمـایش وظیفهٔ محوله بنحیث قاصد پارتیزانی بود که د ر قبال صبر ومتانت خودرا بدان معتاد ساختم . چنانچه یکروز تمام اوقات خودرا بدون صرف غذا در جنگل هولناکی مخفیانه ودورازانظار ونگـاهبوی پاسداران و پاسبانان طـوری گذشتاندم که آنان گاهی بشکل دستجمعی وزمانی بطور پراگندهٔ در جستجوی من‌بودند تامرا دریابند ولی موفق نشدند . در آنحال پس از یکسلسله عملیـا ت تجربتی خفیه توانستم پنهانی از دیدگاه ونقطهٔ چشم انداز شان خودرا چنان بهدف مطلوب برسانم که از دست شان کاری ساخته نشد . تا اینکه خاموشانه ولی بسرعت ومهارت براه طولانی روان شدم که پاسداران حتی ردهٔ قدمهاوراه پای مراهم پیدا کرده نتوانستند . هنگامیکه بافراست، مواظبت وهشیاری عمیقی راهپیمایی میکردم،کلیه آنهمه پیامهایی محوله وسپرده شده را بخاطر می آوردم که از رهگذر یك عملیهٔ آزمایشی بمن تفهیم و محول‌گردیده بود ....» .

در اخیر قابل تذکر است که علاوه بـر پوهنځی های اختصاصی نظامی دریوگوسلاویا در مفردات درسی همه پوهنتونهای غیرنظامی آنکشور ، مضمون تعلیم عسکری نیزدر جهت معلومات عمومی محصلان شامل است کـه شاگردان محتوای آنرا باولع واشتیاق تمام می آموزند .

(c) Ketabton.com: The Digital Library

بقیه صفحه ۲۳

عیار نمودن...

بین السیا رات طرز استفا ده از زمان تعطیل چندان مسئلـــه مهم و عمده نبوده ، چیز یکه عضو یت را میا زارد . از یك طرف کاهش یکنواخت وزن بوده و از جانـــب دیگر زما نیکه کیهان نوردان بـــه سطح سیارهٔمریخ ویامدارسیارهٔزهره بر سند دیگر هیچ وقت بـــرای استرا حت شان نخواهد داشتند .

مگر از دیاد وزن بسان کا هش وزن معکوس گردیدن عادت خـواب و بیداری را سبب گردیده و هـم باعث ایجاد ناهم آهنگی نیل‌خواهد گردید . ایا میتوان معضله اخیـر را حل نمود ؟

دو کتورس . س. ستپا نو فـا (ماستر طب) در مونو گـــرافشس معضلات مهـم بیو ریتمو لـــوژی کیها نی) مقالهٔ جالبی را تحت‌عنوان (معلو مات و ارزش انرژی بیست‌و جهار ساعته) بر شته تحریـــر در اورده است . بگمان دا نشمنـدان سا ینس هر شخص بطور انفرادی و مداوم روز مره یك مقدار معیـن و مشخص انرژی را مصرف نموده و هم یك اندازه معین و مشـخص معلو مات را کسب مینماید . ظاهرا این یکی از قوانین اساسی است‌که سا ختمان وظیفوی و ریتمو لوژیك عضو یت را رهبری میکند . و از همین باعث انحرا فات از حالـت نور مال در هر دو جهت ریتم‌خواب و بیداری را معکوس میسازد .

اگر نظیر اینگو نه وقایع‌درحین یك پرواز طو لانی اشکار گردیـد باید سیکل شبانه روزی باافزایش دوره بیداری (دوره جریان اطلاعات خواب بحال نور مال نگهداشتـــه وهزینه انرژی) در حالیکه زمـان خواب بحال نور مال نگهدا شتـــه شود طولانی تر گردد . البتـــه بطور طبیعی بار عضو یت افزایش خواهد یافت .

ما دامیکه وقت کار شاقه امـــد باید سیکل شبانه روزی با تبدیل و کاهش دادن دوره بیـداری در حالیکه زمان خواب و استـــراحت بحال نور مالش نگهدا شته شود کوتاه گردد . که بلا شك این عمل مانع تحمیل بار اضافی بـــالای عضویت خواهد شد .

از نظر تخنیکی اجرای این‌چنین عملیات هیچ مشکلاتی ندارد :

پر یود شبانه روزی زمینـی و زمان سنجهابیك سیستم مصنو عی که میتواند به بسیار ساده گی به یك سیکل شبانه روزی تعدیل یابد تعو یض خواهد شد .

مگر شاید خواننده گرامی‌بپرسد که او با تکنا لوژی باید چه کند ؟ در آغاز مقاله تذکر داده شده بودکه انسان نمیتواند خود را باپر یـود های طویل‌یا کوتاه تطابق‌دهد .واین شامل انحرا فات اساسی از نمونه های عادی شبانه روزی (که چهار شش و دزاده ساعت دولم میکند) میباشد .

عضویت انسان میتوا ند خود را فقط به انحرا فات کوتاه (که یك یا دو ساعت دوام کند) تـــوا فق دهد . ضمنا اگر اشخاص انفرادی کاملا از تحت تا ثیرات خارجـــی تجر ید شوند هر کدام شان (بـر نامه) خاص مربوط بخود شان که نمایش میدهند ، پر یود شبا نـــه روزی یکی شان بیست و ســـه ساعته از دیگر شان بیست و پنج یا بیست و ششس ساعتـــه و ... دریافت خواهد شد .

بعباره دیگر هر شخص بصورت انفرادی برای خود یك ریتم ارثی (ریتم طبیعی او از تحت تاثیـــر محیط زمین خاکی ازاد است) خاص دارد .

در فضای خارجی در داخـــل کشتی فضا یی دور از سطح زمین ریتم ارثی کیهان نور دان با محیط ما حول شان (در فضای خارجـی) به بسیار خوبی توافق نماید مگر اینکه سیکل شبانه روزی مصنوعی کمك شان کند .

بقیه صفحه ۲۶

پلان اعمار شهری

جها نی است بلکه محل تجمـع‌وگرد هم آیی هزا ران هزار چهره هـــای ور زشی جهان ما شمرده میشود که در را بطه ونزد یك شدن انسا نها وشنا سا یی یکد یگر نقشس بز رگ را ایفامی نما ید او علا وه میکنـــد که چنین گرد هم آیی ها هـــر قدر یکه‌زیاد تر صو رت گیرد بـــه همان پیما نه میتوان دررفـع کدورت ماودرك های نا در ست مردم از یك دگر قدم بردا شته واین امـــر در استحکام‌پا یه های دو لتی ـ صلـح وتر قی وشکو فا نی جا معه بشری سهم ار زنده بجا خوا هد گذا شت او اظهار نظـر نموده که بعد ازختم هر یك از مسا بقه گفته میشو دکـه در ین جا در حدود بیش از هفتصد الی هشتصد اسپ برای کسانیکه مشتاق اسپ سوا ری باشد وجود خوا هد دا شت او هم چنان میگو ید که‌در ینجا محل منا سب برای آب‌ـ بازی ـجمنا ستیك نیز بوده وکسانی که عـلا قه تام به آمو ختن انـــواع گونه‌گون‌ورزش داشته‌باشند‌میتوانند تحت رهنما یی مشا ور ین بـــه آمو زشس آن ببر دا زند .

بقیه صفحه ۱۱

باج

نوی وخت داسی خو بنی وزیږو لی چی دمحمد عمر کو چی په شان ډیر نور غم لړلی کو چیان د داســـی بد بختیو څخه خلاص شول چـــی تصور یی نشو کو لای .

داسی انقلاب راغی چی دخوارانو مینه پکی وه د زړه سواندو څپـــو نغمی بلبلا نو و غږو لی په چمن کی سرو گلا نو داسی میلی جوړی‌کړی چی نندارو نه یی هر چا گټه‌اخسته. دشرق خلانده ډیوی ډیری تیار ی خونی رو بنانه کړی .

محمد عمر کو چی هم دخمکی خاوند شو . دکور خاوند شو دعزت خاوند شو . بالاخره داسی ژوند یی پیدا کړ چی دتیرو زړو خاطرو لپاره پکی ځای نه و .

هو دا دئور انقلاب ؤ. دا هغه ویاړ لی انقلاب دی چی د ډیرو بـی وز لانو لپاره‌پکی د ژوندخوابړه زیری پراته دی .

هو ، اوس کوچیان ، خوښی کوی. اتنو نه کوی ، میلی جوړوی، هو ، کوچیان ،هو هغه سر گر دانه کوچیان چی کور یی نه در لود، پـه سړو او تو دو کی لوی شوی‌کوچیان چی تیرو زړو مناسبا تو ربړو لی وو .

(پای)

ده مخ پاتی

دمسلمانانو...

داســلامی هیوادو نو سپو رت‌مینانو زیاتی آسا نتیا وی برا بری‌کړی؟

هو ولی نه!ددی له پاره چی سړ کال داوړی په مو سوم کی دالمپیك نړیوا لو لوبو په وخت کـــی د اســلا می هیوادونو ور زشکا را نو او سپو ر تی تیمو نو ته زیا تـــی آسا نتیا وی برا بری شوی وی‌د شوروی اتحاد داسلا می بورد لـــه خوا همدا اوس یو لړ پلانو نـــه طرح اوتر اجرا لاندی نیول‌شویدی.

ددغو پلانو نو له مخی دتو لـــو مغو اســلا می هیوادو سپو رت‌ـ مینانو ته چی د۱۹۸۰ کال دالمپیك په نړ یوا لو لو بوکی دبر خـــی اخستلو له پاره شو روی اتحاد ته سفر کوی بلنه ور کو له‌کیږی چـی دمسکو په جوما تو نو او اسلا می مرکزو نوسر بیره‌دتاشکند ،دوشنبه بخا را او د غه راز د هغه هیـــواد دنوروښارونوپه جوماتونو کی‌اسلامی لمونځ ادا کاندی .

له دی‌کبله چی دمسکو د۱۹۸۰ کال دالمپیك نړ یوا لی لو بی دروژی دمبار کی میاشتی نیکمر غه ور څو سره سمون خو ری دشو روی‌اتحاد دمسلما نانو دبورد له خوا ددغـــه مبار کی میا شتی دمذهبی مرا سمو دتر سره کو لو دپاره ضرو ری‌پرو‌ـ گرا مو نه او تد بیرو نه تر اجـــرا لاندی نیول کیږی. ددغه‌پرو گرامونو په‌تطبیق اوعملی‌کو لوسره‌هرمسلمان ور زشکار او سپور تمین کو لای شی چی دالمپیك دنړ یوا لو لو بو په ورځو کی روژه ونیسی او خپل مـذ هبی مرا سم په ځای کا ندی .

اعظـم‌لا کبر ددغه اختصا صـــی مر کی په پای کی هیله ځر گنده‌کړه چی دنړی ټول مسلما نان دسو لی او نړیوال امنیت دټینګښت په برخه کی دهیڅ ډول مر ستو اوهمکاریو ځخه ډډه ونه کړی .

ژوندون

(c) ketabton.com: The Digital Library

رئیس انستیتوت قره قل، هنگامیکه درمورد لیلامهای لندن ولیننگراد معلومات میدهد .

بقیه صفحه ۳۰

پوست قره‌قل افغانی...

ـ کمپنی های بزرگ که با پوست قره‌قل سروکار دارند از عدسیت ها، شاپها ی کلان ودیگر منابع خواستند تا با ابتکارات وطرح های جدید پوست قره قل رادوباره مدکنند، به اصطلاح بازی باقره قل را آغاز نمودند از پوست مذکورانواع مختلف کلاه، پالاپوش، کرتی، واسکت بافرم ودیزاین های مختلف استفاده کردند ومخلوط آن با چرم وجمپر بیشتر موردپسند قرار گرفت .

در نمایشگاه فرانکفورت که اکثرا ترند مارکیت در آنجا نشان داده می شود پو ست قره قل خوب نمایش داده شد ودر اتحاد شوروی هم پوست مذکور را خوب نمایش دادند که بعد از نمایشات فوق پوست دوباره مورد توجه مردم قرارگرفته ومخصوصاخانمها به طرف آن رجوع کردند ناگفته نماند که اغلب پوست های گل کلان مورد پسند واقع شدکه بطور طبیعی بنفع قره‌قل افغانی تمام می شود ، که مظهر آن د ر لیلام ماه می معلوم شد ودر لیلامهای بعدی قیمت قره قل شروع به بلند رفتن نمود که البته بـرای تجارت کشور مفید واقع گردید زیرا تمام پوست هاییکه جمع آوری وبمعرض لیـلام گذاشته شده بود بفروش رسید .

فعلا از وضع مارکیت پیداست که سال آینده هم از نگاه تجارت پوست سال خوبی خواهد بود وامید ما بتوانیم صادرات پوست را اکتشاف دهیم ، یکزمانی افغانستان سـه ملیون پوست قره‌قل عرضه می‌کرد .

عوامل پایین آمدن قیمت پوست قره قل چه می باشد ؟

ـ چیزیکه همیشه قیمت پوست را تهدید می نماید تغییرات مد وفیشن، بحرا نـات ارضی وضع جوی وغیره عوامل می باشند، خوشبختانه امسال در اثر برفباری های اخیر گوسفندان از ناحیه کم آبی و خشکسالی آسیبی نخواهد دید .

از رئیس انستیتوت خواستم تا بگویند که مناطق تولید کننده پوست قره قل کـدام قسمت افغانستان می باشد وهم تربیه‌گوسفند قره‌قل در اتحاد شوروی وافریقای جنو بی وکشور عزیز ما چگونه صورت می گیـرد ؟

وی چنین اظهار معلومات نموده گفت :

ولایت بلخ، فاریاب، قندز، سه نگـان وولایت بادغیس مناطق تولید کننده پوست قره قل می باشند که در صفحات شمال کشور موقعیت دارند .

در قسمت تربیه گوسفند قره‌قل در اتحاد شوروی وافریقای جنوبی با ید گفت کـه تولیدات پوست قره‌قل در آن ممالک میکانیزه بوده واز ساینس وتکنالوجی در زمینه‌استفاده بعمل می آید مگر در کشورماتربیه‌گوسفند قره قل به شکل عنعنوی آن وجـود دارد ، مالدار بصورت عنعنوی وتجربه از اجـداد آموخته اند که چگونه گـوسفند تربیه و جنسیت عالی وخوب بگیرند وناگفته نماندکه جنسیت قره قل ماعالی وکم نظیر هم میباشد.

در آخر از عبدالنبی پایا خواستم تامختصر معلوماتی در باره فعالیت های این انستیتوت برای ما بدهد .

ـ انستیتوت قره قل یك موسسه غیـر انتفاعی می باشد که جهت انکشاف تجارت قره قل فعالیت می نماید .

وی افزود : تمام فعالیت های مربوط بـه پوست قره قل به استثنای خرید پوست تحت رهنمایی وکنترول‌این موسسه‌صورت میگیرد.

مثلا رهنمایی آش دادن، سورت، عدل‌بندی انتقال بمارکیت های بین المللی ، عر ضه وفروش در لیلامها، بازار یابی، تبلیغـات در خارج بخاطر بلند بردن شهرت پو ست افغانی .

این انستیتوت پوست تاجر انفرادی رامثل یك اتحادیه جمع ودر حقیقت یك خد مت به تمام کسانیکه با پوست سرو کار دارند از چوپان گرفته تافرد آخر .

همچنان برای نشان دادن پوست افغانستان ماازطریق مجلات وپامفلت ها تبلیغات ونشرات هم می نماییم .

کار عمده امسال انستیتوت قره قل این‌بود که پنجاه وهفت هزارجلد پوست تجارانفرادی رادریك پارتی بزرگ مخلوط وبنام انترسورت بمارکیت لندن عرضه نمودیم .

نظربه اثر سورت از چندین سال‌پیشنهاد شده بود مگر در زمینه گام عملی نهاده‌نشده بود . وماتوانستیم در ۱۳۵۸ تجار را قانـع بسازیم والبته پول پوست هرنفربه تنا سب کیفیت پوست آن داده شد که تجار ازنتایج آن راضی بوده وامیدواریم درین راه سال آینده قدم فراتر بگذاریم وپوست بیشتـر انترسورت نماییم .

صحنه یی از لیلام قره قل در اروپا .

از شگفتی های رنگارنگ جهان

چهار نفر دانشمند وچهار نفر دوست

درین او اخر یاد بود از چار نفردانشمند شهیر جهان که خدمات بزرگ وچشمگیری در عالم بشریت نموده اند صورت گرفت . هرچهار این دانشمندان در طفولیت وحتی در دوران جوانی واکادمیك باهم رفیق ودوستان صمیمی بوده اند .

«لیزمیتز» در ماه نوامبر ۱۸۷۸، «اتوهان» درماه مارچ ۱۸۷۹، «البرت انشتین» در مارچ ۱۸۷۹ و «مکس لیو» در اکتوبر ۱۸۷۹ چشم بجهان گشودند تاکنون نوآوری ها و اختراعاتیکه در کشور های جهان صورت گرفته اکثرا مدیون تلاش وفعالیت های علمی همین چهار دانشمند بوده است .

البرت انشتین نسبت به خدمات علمی واکادمیك خود فقط بکشور خودش یعنی زادگاهش تعلق نگرفت بلکه بیشتر یك شخصیت علمی بین المللی محسوب میگردد همه کشور ها مخصوصا دانشمندان و دانش پژوهان هرکدام صرف نظر ازینکه از کجا هستند وبه کدام کشور تعلق دارند البرت را از خود میدانستند . همین نظر ها باعث شد که سوسیالست های ناسیونالست به البرت سخت حمله نموده حتی تقاضای این رانمودند که کارت هویت همشهری وتبعه بودن اورا از او سلب نمایند .

باوجود اینکه مدتها است که آنهاخصوصا انشتین دیگر درین جهان نیست اما اندیشه ها- تحقیقات وتیوری های علمی او زنده‌است وبرمبنای همان تیوری ها خصوصا تیوری نسبیت او است که تکامل علوم بی سابقه‌تر شده وانقلاب عظیم وچشمگیری در جهان بوجود آمده همان طوریکه البرت انشتین تیوری نسبیت راپی‌ریزی نمود.

همینگونه «ماکس لیو» ثابت نمود که اشعهٔ اکس را می توان از کرستل ها عبور داد همچنان «اتوهان» ثابت کرد که اتوم‌های مادهٔ یورانیم را می توان از همدیگر جدا نمود .

از سال ۱۹۱۹ الی ۱۹۳۳ این چهار نفر دانشمند ویا چهار نفر دوست عضویت‌اکادمی علمی برلین را داشتند . اسناد - شواهد و مدارك تاریخی زیادی در مورد اینکه این چهار نفر رفیق علمی میخواستند وقت فراغت شانرا باهم یکجا سپری نمایند نیز موجود است . این چهار نفر بودند که آینده آلمان رابه صراحت پیش بینی میکردند که آلمان از حالت امپراطوری خارج شده بیك رژیم جمهوری مبدل شده وبالاخره بسوی جا معه سوسیالستی هدایت خواهد شد .

البرت انشتین در سال ۱۹۳۳ از آلمان خارج شد. رفیق او «میتز» بعد درسال ۱۹۳۸ «اتوهان» و «لیو» باوجود مشکلات و سختی هادر آلمان باقی ماندند . پوست کارت ها وعکس هایی‌که ازین چهار نفر دانشمندرفیق بجامانده نشان میدهد که این چهار نفررفیق علاوه بر مشغولیت هایی علمی به گردش و کوه نوردی نیز علاقه فراوان داشته اند .

البرت انشتین در اختراع بمب اتوم کار های مهم انجام داد. او بخاطری بم اتوم را اختراع کردکه بتواند آزادی را صیانت‌کند نه این که ازآن جهت کشتار دسته جمعی استفاده نمایند . «هان» و «میت نر» باکشف انقسام هسته ها دچار اختلال دماغی گردیدند.

«لیو» در سال ۱۹۱٤- انشتین در سال ۱۹۲۲ و «هان لیو» درسال ۱۹۱٤ بدریافت جایزه نوبل موفق گردیدند .

چهارنفر دانشمند علوم وچهار نفررفقا ودوستان صمیمی جهان

موزه‌های موتوردار

اگر این موزه هاپوشیده شودانسان بطور مثال میتواند ساعت هابه دوش بپردازدوحتی ازموترها عقب نماند . علت اینست که موزه های مذکور باموتور ها مجهز میباشند . موتور هادر قسمت ساق ها وصل اند و در قسمت پاشنه کمپریسور نصب است به‌کمك کمپریسور مذکور سلندر های موتور هوا گرفته وتوسط مخلوط داغ چارج میشود . درین اله منحیث محروقات بنزین کارگرفته میشود واما موزه خود بالای بالشت کوچك تکان دهنده محکم است .

بااین موزه ها در یك ساعت (۲۲-۲۵) کیلو متر دوش صورت گرفته میتواند .جالب اینست که درین مدت فقط هفتاد گرام مواد سوخت را بمصرف میرساند .

طبق اظهار متخصصین این دوش پرش سه گام ویادوش قبل از پریدن را که به بسیار آهستگی از آن فلمبرداری شده‌باشد بخاطر ما می‌آورد . طول «قدم» به سه متر وارتفاع پرش آن نظر به سطح از (۲۵) سانتی متر تجاوز نمیکند . این نکته نیز ضرور است تا بیو میخانیك ها واطباء نظریه خود را درین مورد ارائه کنند . هنوز قبل از وقت است گفته شود که انسان درین‌موزه های غیر معمولی چه احساس خواهد داشت وایا میتواند بزودی باموزه های مذکورعادت

کند. بعباره دیگر لازم است تادرین قسمت تجارب صورت بگیرد . به احتمال قوی برای اولین مرتبه سپورت مین ها موزه ها را مورد ازمایش قرار خواهند داد . این موزه ها در کجا مورد استعمال قرار خواهد گرفت؟

اول اینکه شبان میتواند به بسیار سهولت گله‌رمهٔ خودرا اداره کند. جیودیز یست ها نیز ممکن است به‌این موزه ها نیاز پیدا کنند. اما پسته رسان دهاتی ؟ سیاحین ؟ مشکل است تمام جوانب استعمال موزه های «میکا- نیزه شده» را پیش بینی کرد زیرا ممکن است با در نظر داشت مختلف انواع مختلف آنرا تهیه کرد ومورد استعمال قرار داد ..

(c) ketabton.com: The Digital Library

ریل هوائی

در ریل های هوایی جدید پیچ وتاب های تازه ای داده شده ومسیر های پیچ در پیچ و مغلـق اشخاصی راکه درریل هوایی سوار شده‌اند می چرخاند وواژگون حرکت میدهد. ریل هوایی جدید برای تفریح طلبان وسیله جالبی شده است وجای وسایل قدیمی راکه در آنها امکان سقوط وشکستن استخوانهابود گرفته است .

این وسیله مرکب است از یك ریل‌سرباز باکمربند های که روی شانه نصب میشود. بعداز آن چندین ریل هوایی ساخته شـده است ولی نخستین ریل هوایی در شهـر کلنورنیا ساخته شده‌که سی وپنج مترارتفاع دارد وطول مسیر آن یك کیلو متر است و درپایان راه ازیك دایر ه ۲۶۰ در جـه ای عمودی عبور میکند .

ترجمهٔ رازق‌علیمی

عصری ترین وسیله ارتباط

متخصصین اتحاد شوروی سیستم ارتبـاط رادیو تیلفونی را درین اواخر طرح ریـزی کرده اند .

این آله که بنام «النای سزم» یاد میشود در زمان بازی های المپیك در مسکو بکـار انداخته خواهد شد . این دستگاه بطور کلی ازآلات نیـم هـادی ساخته شده ووزن آن ناچیز میباشد . دستگاه ارتباطی مذکور در قوه حرارت، برودت مورد آزمایش قرارگرفت وامتحان خوبی داد همچنین در مقابل اهتزازات نیز دارای مقاومت بلند میباشد . وسیلـه ارتباطی مذکور پروژه های سپورتی شهـر مسکو ودیگر شهر ها راباهم مرتبط میسازد. باآله مذکورمیتوان ازموترنمره تیلفون مـورد ضرورت را دایل نمود وحل مشکل کـرد حتی از داخل موتر باشهر دیگر می توان در تماس شد . تا آغاز بازی های المپیـك مسکو در حدود (۱۵۰۰) عد د ایـن نوع دستگاه هابکار انداخته خواهد شد .

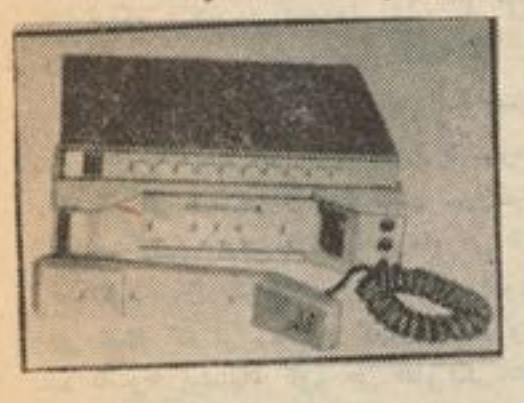

جلوگیری از پیشرفت سرطان

یك تیم علمی تحـت رهنمایی پروفیسور گلو وینسکی در انستیتوت بیولوجی مولیکول دراکادمی علوم بلغاریا مادهٔ جدیدی راترکیب کرده است که میتواند از نمو ورشد سرطان جلوگیری نماید .

آزمایش لابراتواری نشان میدهدکه بعضی ازین مواد ازرشد تومورها جلوگیری کـرده چنانچه هشتاد تا صد فیصد نتیجهٔ مثبـت این آزمایش دانشمندان رابه این امرامیدوار نموده است که‌این مادهٔ جدید باموثر تـرین ادویه هایی که تاکنون ساخته شده رقابت خواهد کرد .

تاکنون در حدود پنجاه نوع آمادگی طبی طورمعمول در تداوی سرطان در تمرینـات طبی در جهان بکار برده شده وتا هنوز هر مادهٔ‌که جدیدا کشف گردیده با امیدواری زایدالوصفی مورد استقبال قرار گرفته است زیرا تومورها طور عموم بیك سرعت سرسام‌آور رشد نموده ومقاومتی که در مقابل‌ادویه های جداگانه دارد «تکنیك» های خاص معالجه را جهت تغییر مداوم وثابت آن ایجاب‌میکند.

گرگ‌ورقص تانگو

گرگی بود که یکی از ساوخوز هـای بلو روسی اتحاد شوروی را بستوه آورده‌بود.

بعضی اوقات بالای گله حمله میکرد کـه در چرا گاه میچریدند . هر چند که کوشش میکردند گرگ را دستگیر کنند درنده از آنها جان به سلامت می‌برد وموفق به فرار می‌شد ، حتی هربارصیدرا نیز باخودمی‌برد .

مردم طریق دیگر را در پیش گرفتند و در کمست عف عف سگها را ثبت کردند امـا گرگ بزودی این راز را درك کرد هر چنـد فرار می‌کرد در عقب خود سگ رانمی‌دید .

در یکی از شبها نگهبانان گله حیوانات برای اینکه وقت را خوش سپری کرده‌باشند کمست بانبت تانگو را می‌شنیدند . یکی از نگهبانان طوری حس کرد که کسی موسیقی را همراهی میکند . همینکـد مـوسیقی را خاموش گردند دیدند که گـرگ در یـك فاصله نشسته وزوزه میکشد . گرگ تا حدی در زوزه کشیدن غرق بود که نگهبانان بـه بسیار آسانی وبیدون سلاح آنرا دستگیر کردند وبعد به باغ وحش لیننگراد آنـرا انتقال دادند . در مکتوبی که بدین مناسبت به آمریت باغ وحش لیننگراد فرستادنـد چنین تذکر رفته بود : «تانگو را بسیاردوست میدارد .»

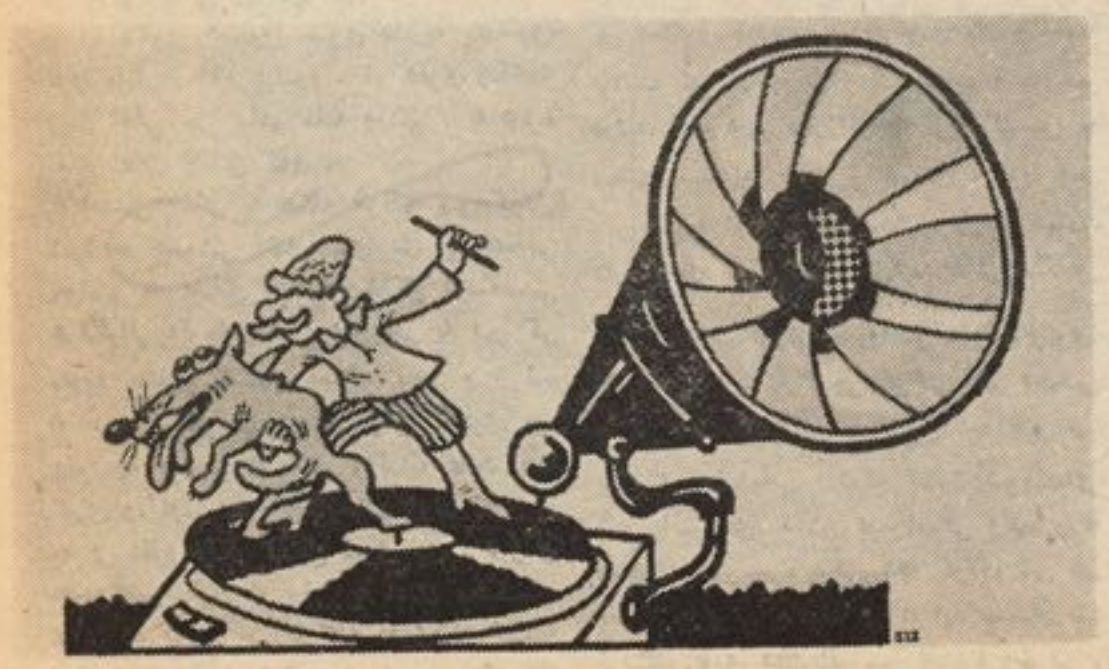

صحنه‌یی از دستگیری گرگ توسط موسیقی‌خاص ثبت شده درکست

قدم جدید در ساحه جراحی

تاریخچه طب ازماقبل التاریخ آغاز شـده واز آن زمان تا امروز این علم سیر تکامل خودرا طی میکند وفعلا این علم در اثرکار وزحمات خستگی ناپذیردانشمندان به پیشرفت های غیر قابل تصور نایل گردیده است .

دراینجا یك نظر مختصر به‌سیر تکا مـل علم طب در قسمت جراحی می اندازیم :

در جریان قرن نزده پاستور اظهار نمود که اجسام غیر مرئی زنده باعث انتقال‌امراض میشوند وبعد از آن جوزیف لیستربه داکتر هاف‌بماند که‌اگر میخواهید مریض تان بعد از عملیات زنده بماند باید از همه اولتردستهای خویش وسامان جراحی را خوب شسته‌وتعقیم نمائید . باگذشت زمان ودر اثر کار وکوشش زیاد علما دستگاه های جراحی را بوجـود آوردند که قادر به دو باره فعال سـاختن بعضی ازاعضای بدن وتبدیل نمودن اعضای بدن یك شخص به شخص دیگر می باشد .

ازجمله مهم ترین این دستگاه هایکی هـم دستگاه الکترونی است که قادر به سا ختن گرده مصنوعی وتبدیل نمودن گرده یـك شخص به شخص دیگر میباشد . همچنا ن این دستگاه الکترونی قادر است که درانثنای عملیات قلب وشش وظیفه قلب و شش رابرای انسان انجام دهد .

امروز متخصصین جراحی موفق گردیده‌اند که بعضی از اعضای سالم یك انسان مرده رابیك شخص زنده انتقال دهند وفعلا انتقال قرنیه چشم یك مرده به شخص کـور بـه موفقیت انجام شده واکنون دکتوران جراحی تلاش دارند که قلب را هم بمثل چشم وگرده ازیك شخص به شخص دیگر انتقال دهند .

هغوی چی ژوندی دی

« ژان لافایت »

زه په پریشانی سره خپلو نویو ملګرو ته ګورم . لنډ او سرطاس سړی ماته ښه نږدی شوی دی . داسی ښکاری چی کمیسار او خوی یی هم پدغو خبرو اترو کی او دهغی نتیجی په برخه کی مینه او ونډه لـری . کارخانه لرونکی خپلو خبروته داسی ادامه ورکوی :

ـ ډیر ساده کاردی ښاغلیه، زه چی دلته راغلی یم دموضوع پرټولو خواو باندی می ښه سوچ کړی دی او هغه می ښه څیړلی دی اوپه وروستی پړاو کی دی نتیجی ته رسیدلی یم چی باید خپله فابریکه دهیلیو دقورمی او دالوتونکو دکانسرو دجوړولو لپاره په کـار واچوم . ستا سو نظریه پدی هکله څه شی دی؟ دجو ر ګړو هډوکی لرونکی کـا نسرو. دجوړولو دستور العملـونه خورا ډیـردی. هغه ښاغلی چی ګوری (دسرطاس سړی خواته اشاره کوی) دیوی مغازی مدیردی چی هلته خوراکی شیان پلورل کیږی او ټاکل شویدی چی پدغه کارکی زماسره ګډون وکـړی . زه تاسوته پیشنهاد کوم چی دفابریکی دفنی رئیس په توګه ماسره کار وکړی .

اوس نوښایی اقراروکړم چی دیوچورلیونی سره مخامخ یم، په زړه سواندو سترګوسره ورته ګورم . نور دوستان یی هم حیران او هك پك دی.

ـ هوکی، موږکولی شو چی دالوتونکـو کانسرو جوړ کړو . البته دغوړیو سره له ډیرو غوړیو سره . زه ګمان کوم چی موږ پـدی توګه کولای شوچی دامریکا ئیانو په څیر داسی خواړه جوړ کړو چی بیا پخولو تـه اړنه وی اودغه کار زموږ په هیواد کی ساری نلری . زما هیله داده چی دفرانسی د پخلـی ټول شاهکارونه په یوه قوطی کی ځای کړو او بازار ته یی وړاندی کړو .

زه دکوټی دمسوول سړی دډارپه پلمه خپل نوی ملګری څخه بیلیږم ، خو هغوی زماڅخه زمنه اخلی چی بیاهم هلته ورشم ، په ډیره مینه خدای پامانی کوو .

دداسی خلکو په هکله څرنګه سوچ کولای شو؟ په بیهوشی اخته شوی دی یا دعمومی حواسو په اختلال ؟ ددغو خلکو دوضعـی څرنګوالی دتوجه وړده ، دوی چی په بهر کی دلوړو مقاماتو څښتان وودلته په بی و ز لـو او بینوا خلکو تبدیل شو ی دی . دوی چی پخوا په پرتمین او آرام ژوندانه عادت پیدا کړی و، اوس په ویجاړ حالت ژوند کوی او په بی دفاع خلکو تبدیل شوی دی . د و ی داردوګاه دقانون له مخی په اعدام محکـوم شوی دی . زه چی هرکله ددوی له څنګـه څخه تیریږم راته غږکوی او زه هم ورته سلام ورکوم اوځوبی اهمیت خبرونه هم ورته ورکوم خوتل یوه بهانه جوړوم چی دکښیناستوڅخه ځان وژغورم .

دغو څلورو تنوته بهرته د خط لیکولواجازه ورکړ شوی دی او دوی اوس دفرانسی څخه دخپلو لیکونو خواب ته منتظردی. یوه شپـه خبررسیږی چی دپولیسو کمیسار ته یوغټ پاکت رسیدلی دی، دغه سړی په اردوګاه کی لومړی سړی دی چی دبهر څخه ورته یـو پاکت رسیدلی دی .زه هغه شپه ملاقـات ته یی ورنغلم څکه ډاریدم چی سوچ ونکړی چی زه ورڅخه کوم شی غواړم ، سبا سهار کله چی دڅنګ څخه یی تیریدم هغه خپله راته غږ وکړ دتود روغبړ څخه وروسته پـه غمجن غږ راته وویل :

ـ وحشتناکه ده، ښاغلیه، ډیره وحشتناکه، همدانن شپه زماپاکت یی غلا کـړی دی . ملګری یی چی هماغه کارخانه لرونکی سړی دی ورته دلداری ورکوی :

ـ غصه مه کوه زما لپاره به زیاته اندازه کانسرو ولیږی ... زښته زیاته خودغه کانسرو هیڅکله ونه رسید، خواته ورځی وروسته دغه بندیان دواړه مړه شول.

ناروغ بندیان دورځی له خوا اجازه لری چی متراح ته دتللـو لپاره دروغـتون څخـه ووځی مستراح هغه لوی اوبی دروازی انبارته ورته ده چی په یووخت کی دوه سوه کسان کولای شی څنګ په څنګ کښینی او خپل ضرورت رفع کړی . مستراح ته دتګ پـه وخت کی هیڅوك کالی نشی اغوستی . باید دیو نیکر او بنیان سره سړی هلته لاړشی. دغه ورځنی وتل داړیکی ټینګولو لپاره یواځنی وسیلـه د ه مـو ږ پـد ی تـو ګـه کولای شو چی دنورو بلاکونو لـه ملګرو سره وګورو . زه هره ورځ په یوه ټاکلی ځـای کی دملګری ((دیه)) سره ګورم. او پـه فرانسه کی د ((دیدیه)) سره ښه آشنایـی درلود، هغه دپټو مبارزاتو په ترڅ کـی په سختی سره ټپی شوی ؤ او سره له دی چی ډیر ناروغ اوضعیف دی دخپل روحی قـدرت سره پدی بریالی شوی چی دبندیخانی شکنجی اودجلادانو دکړاوونو په وړاندی مقاومت وکړی. دغه داوسپنی کارګرچی یوځلی هم دخپلـی وضعی څخه شکایت ندی کړی، په څیر مـه بلاك کی دسلمانی په توګه ګمارل شویـدی، ښه چانس دی، دآش یوه اضافی ونډه ورته رسیږی . برسیره پردی هغه کولای شی چی پطلون اوکرتی واغوند ی اوباید دسهار لـه تربیګاه پوری دبندیانو سر اوږیره وخربی . تصمیم نیسم چی د((دیدیه)) په ملګر تیـا دفرانسویانو په منځ کی دورورګلوی (د غلیم سره دښمنی) سازمان منځ راوړم ، ددغـه سازمان مسوول به هغه وی. داځکه چی هغه دخپلی دندی په اساس تل دبندیانو په منځ کی وی. د بندیخانی دنورو برخو سره دهغه داړیکـی دټینګولو مسوول به هماغه اسپانوی وی کوم چی هر سهار د ((تونی)) له خوا ماته لیږدول کیږی . وروسته بیا دروغتون په هر بلوك کی یو ملګری ټاکل کیږی چی دهغه سره په تماس کی وی اودغه ملګری هم یو بل ملګری دمرستیال په توګه وټاکی ترڅوچی دروغتون څخه دوتلو په صورت کی دهغه دندی سرته ورسوی .

دتونی دلیکونو څخه پو هیږم چی په اردوګاه کی هم زموږ دتشکیلاتو ستنی ټینګیږی . څوتنه فرنسویانو چی دبهر څخه خواړه لاس ته راوړی ، دغه ژمنه یی کړی دی چی ددغو شیانو یوه برخه دناروغوبندیانو لپاره بیـل کړی . نور څوتنه چی کار نه کوی اویاپه سپکو کـارونو ګمارل شوی دی هم څنی وختونه دډوډی ټوټی به ناروغانو ته ولیږی . پدی توګه کیدای شی چی په اونی کی دوه ځلی دخوړو وړه غوټه ناروغانو ته ولیږو . له بده مرغه ضعیف ناروغان دومره زیات دی چی نشو کولای دغه لږشانته خواړه د ټولو ترمنځ وویشونو څکـه تر ټولونه ډیر اړ ناروغان لټوو او هغوی ته یی ورکوو .

دهغو ګذارشاتو له مخی چی هـره ورځ دبلاك مسوولین ((دیدیه)) ته ورکوی تصمیم نیسوچی دفرانسویانو دوضعی دڅرنګوالی په هکله یو رپوت جوړکړو، وروسته بیادهمدغه رپوت له مخی دخواړه هغه غوټی چی لاس ته راځی دهمدغه کمیسیون له خوا وویشل شی. دڅوورځو په اوږدو کی دغو ټولو کارونو تـه ترتیب ورکړ شو. ((تونی)) هڅـو ونکـی لیکونه ماته رالیږی . هره ورځ ګڼشمیر نـور فرانسویان زموږ دورورګلوی دغه سازمـان سره یوځای کیږی . دورورګلوی دسازمان لپاره مبارزه موږته یوه پرتمینه مبارزه ده ، داځکه چی دبشری افرادو ژغورنه ده د مرګ څخه . یوه شپه ((دیدیه)) دلومړی ځل لپاره هغه غوټه چی زما دبلاك لپاره تخصیص ورکـړ شوی ؤ ماته راکړ . دهغو څلورو کسانو څخه چی باید ددغه خواړه څخه ګټه واخلی یـو فرانسوی سړی هم دی چی ((ژروم)) نومیږی، موږدهغه په لټولو پیل کوو ورو ورو دکټونو دڅنګ څخه تیریږم او دنوموړی ناروغ نوم تکراروم او بالاخره هغه په یوتیاره ګوت کی پیدا کوم . یوه پښه یی ماته ده له همدی کبله نشی کولای چی دکټ څخه ښکته شی. زه خپل دهغه دیو وطنوال په توګه ورپیژنم اوغوټه دخپل کمیسه څخه باسم او هغه ته وړاندی کوم :

ـ واخله داستا ده . هغه ملګری چی په اردوګاه کی دی دغه هواړه یی دتـا لپـاره لیږلی دی اودعمومی ورورګلوی دسازمان په واسطه یی ماته را کړی دی چی تاته ورسوم .

ـ ته ډاډه یی چی دغه غوټه یی ماته لیږلی دی ؟

ـ مګر ستانوم ((ژروم)) ندی ؟ مګر مخ کی په اردوګاه کی ((واو)) نه نومیدی ؟

ـ هوکی .

ـ ښه وروره ستامال دی . ما اشتباه نده کړی .

سړی غوټه خپل سینه باندی ږدی خو د خلاصولو جرأت یی نلری . او وروسته بیا جرأت کوی او غوټه پرانیزی . پنځه نوټـه ډوډی او دری ټوټی قندپه هغی کی وه .

ـ اوه ! مننه هلکانو . دانو ډیره فداکاری ده ... ډیره ...

ـ داخبری پریږده . ترڅوچی زه دلته یم دبړستن لاندی هغه وخوره .

څکه چی امکان در څخه یی غلا کـړ ی .

ـ ته هم لږ تر لږه یوه مړی خو واخله.

(ژروم)خپل مخ ګرځوی او دستر ګـو څخه یوه قطره اوښکی پر مځکه لویږی .

ـ که وپو هیږی چی څومره خو شحا له سوم ... که وپو هیږی ... که وپو هیږی...

او دغه سړی چی بیر ته دژوندون خواتـه ځی دژړا او خندا په حال کی خپله ډوډی خوری . زه پداسی حال کی چی ورته ګورم، زیاته خو شحا لی احسا سوم .

اوس بیخی دا امکان شته چی دمرګ څخه دملګرو ژ غورنه پیل کړو .

(ژوندون ته بیرته ستنید ل)

ـ نوم دی څه دی ؟

ـ رنه

دکوم ځای اوسیدونکی یی ؟

ـ دومورانتن

ـ څو کلن یی؟

ـ دیر ش کلن .

ـ ولی ونیول شوی ؟

ـ ددی پو ښتنی ځواب دی ډیره اوږده ده .

ـ څه فرق کوی مګر موږ ډیروخت نلرو! ښه ده ، ...

هغه کس چی په پورتنی ډول ور سره په غږ یدا پیل کوم او اوس زما دوروستـی پو ښتنی د ځواب لپاره ځان چمتو کو ی څوشیبی مخکی زما دچپر کـټ په څـنګ کی بستر شوی دی . هغه دیو بل یوګو- سلاوی قیدی سره چی تول ځان یی پلستردی په یوه چپر کټ کی پروت دی . هر څلـور ویشت سا عته وروسته دغه یوه ټوټه پلستر سوری ، سوری کیږی او بد بوی ورڅخه جګیږی .له نیکه مرغه پدغه وخت کی هغه یی دکتنی لپاره وړی دی او موږ کـو لا ی شو چی په هو سا خاطر یو بل سره وغږیږو زماهم چپرکټ (هغه سړی چی زما سره پـه یوه چپرکټ کی دی) ماته خپل شااړولـی او ویده ده .

ـ ښه رنه ، ته وویلی چی ؟

ـ هو کی ، ترټولونه ډومبی ښا یی وپوهیږی چی زه یو فضل جوړونکی یم . پلار مـی- آهنګرو او همدا اوس هم سره له دی چی ډیر زوړدی تکړه ده . هغه دجګړی دڅلورو

(c) ketabton.com: The Digital Library

ګلو نو په اوزدوکی دجګړی په ډګر کړو، او مره درته وایم چی هغه د (یو شا نو) سره کو مه اړیکه نلری ، ټیکه می مرشوی دی خو زه لاتر اوسه دهغه سپین ویښتا ن په یاد لرم د ۱۸۷۵ کال په جګړو کی یی ګډون کړی و . زهم په کال ۱۹۴۰ جګړی ته داخل شوم ،په حقیقت کی زه یوا خی هلته لاړم خو ننو کولای چی وربا ند ی دجګړی وم کښیږدو . زه ددی لپاره چی دغلیم لـه خوا بندی نشم ، پس له دی نه چی فرانسوی ډونونه ماتی وکړی خپل کورته لاړم او پخپـل پلرنی کار باندی بوخت شوم . دا هم باید درته ووایم چی زه دخپل پلار او مور سره یو خای او سیږم .

ـکو چنیان نلری ؟

ـولی ،یو خلور کلن خوی لرم . زماکار خای زما دپلار کار خای و ، ښا یی اقـرار وکړم ددی لپاره چی زاړه نارینه یی حوصله دی ، با ید سړی خان دهغوی خخه لیری وساتی ، یوه ورځ زما یو هیکا ر چـی دبریښنا متخصص وراته راغلی اوزما خخه یی وغو ښتل چی ورسره یو خای مبارزه وکړم . زما کار هم داو هغه وسلی چـی دانګلستان خخه را ټلل واخلم او وسا تم.

ـدا کومه ټیته وه ؟

ـګمان کو م چی ۱۹۴۳ کال دفبرور ی میا شت و .

ـښه ، نا خپل همکار ته خه وویل ؟

ـما ورته وویل چی اصو لا دهغه غوښتنه منم ، خو ښا یی چی دخپل پلار او مـور سره وغږ یږم. او وروسته بیا پداسی حال کی چی می در وازی ښه وټړل دخپل پلار سره پدی هکله و غږ یږم . ښځه می په زړاپیل وکړه مورمی هم همدا سی.پلار می چی تل په ډیرو سختو شرا یطو کی مقا ومت اوسړه سینه شیئی راته وویل!

ـ(باید لاړ شی خوږه ، اوکه زه هم زوړنه وای درسره تلم .)

اوویده کیدلو په وخت کی یی زه ښکلـی کړم . دغه کار په کال کی یوا خی دوه دری خلی سر ته رسیده . خوزه فکر کو م چی دغی خبری تا ته په زړه پوری نه وی ؟

ـبر عکس وروره ، وغږیږه .

ـډیر ښه ازمور کار ډیره اوږده شـوه دری ورخی وروسته زماملګری چـی (روژه) نو میده را غی او راته وویل چی په یـوه آزما یشی کار کی ګډون و کړم .

ـخنګه ؟ آزمایشی جریان ؟

ـدادی درته وایم ، کله چی شپه شو ه مور په یوه ګړ ندی موټرکی دښا ر خخه بهر لاړو . ما هغه سړی نه پیژاندل کو م چی دمو ټر پر چلو باندی نا ست و ، خـو وروسته پوه شوم چی هغه د (روژه)رئیس و ددیر شو کیلو متر وپه شاو خواکی وا ټن مو وواهه ، ټاکل شوی و چی دبر بښنا یو برج وچا و دوو .دموټر چلو نکی ، موټرکی منتظر پاتی کیده یعنی زمور دعملیا ت دټر سره کیدلو پوری د روژه رئیس انتظارایستل. زمور کار ډیره اوږده نشوه . چا وتولکی مواد مو دتو موړی برج لاندی کښیښو داو او ر مو ورته واچو ل او و ټښتیدو .کلـه چی برج چا ودیده مور دپښی له خا یـه ډیر لیری وو .

ـښه کار و ،آیا سنا سو دکار وسایل لږ نه و ؟

ـاوه، هیڅکله ، ټر خو چی موږه ځوښته چا و دوتکی مو په واک لرل .

زه دهغه برج په هلکه سو چ کو م چـی ښا یی دپا ریس په سیمه کی دور انګا ری لومړی پیښه وه . هغه دامی یو برج و چی (تامپ) په سیمه کی ډیر متر برج و.زمور دوه ډله ملګری په دری کسیزه تو ګه پدی هکله سلا مشوری یی کولی . هیڅ چاودوتکی مواد یی نه درلودل ، یواځی د او سپنی د تراسولو سامان یی درلودل دناچـاری لـه مخی یی دبر ج دستنو په غو خو لو بیـل وکړل . پداسی حا ل کی چی د دغو دووډلو خخه یوه ډله په کار بو خت و بله ډله بهره (څارنه)کوله .

ددی لپاره چی دا خای دسړک په غـاړه کی و او همدا راز ډیر کو رونه او مغا زی ورته نږدی وی، زمور ملګـری ټوله شپـه پدغه کار بوخت واو هیله مند و چی د ستنو دغو ځیدو سره سم به برج وڼړ یږی خو ددوی هیله ټر سره نشوه خکه سره له دی چی ټولی ستنی یی یو خی کړی لا هم برج پخپل خای ولاړو او سره له دی چـی هغه شپه سخت با دلګیده خو کومه بله پیښه منځ ته را نغله ، سبا سهارچی آلمانیان دګزمی لپاره راغلل ددغه کار خخه خبر شول او دبر ج ستنی یی بیرته جوړ کړل .زمور شپږ تنه ملګری دغه کار با ند ی سرو نه ایښی و خو دسا ما ن د ټشتوالی له کبله بر یا لی نه شو ل . دهمد غی یی اغیز ی فعا لیت له امله ، (رومن) نه وویل چی د چا و دوتکو موادو دلاس ته راو ړ لو په هکله سو چ وکړی . هغه ا ته ورځی وروسته ماته احوال راکړ چی سل کیلـو ګـرا مـه (دینامیـت) چاودونـکی مواديـی تهیـه کـړی دی او پـه مخصوص پـټ خای کی یی ایښی دی . ددغه دینا میت لپاره خپلـه (رومن) اقدام کړی وړ هنی مجبور شوی وچی د (سن ـنه ـ ماردن)انبار ته چی ښـه پکښی بلد و لاړ شی دانبار سا تونکی وټړی او دانبار په موجودی لاس پوری کړی. دلتـه باید اعتراف وشی چی خپله ساتو نکی هـم مقا ومت نه و کړی . وروسته بیا فتیلـی او دارو ته اړ وو. ددغه کار لپاره یو بـل ملګر ی د(لوار)انبار تر نظر لاندی و ټیه او په وروستی پراوکی دملګرو له خوا لو مړی پله وچا ودول شوه پد غه کار کی لس تنه ملګر ی ګډون کړی وو. دغه فعا لیـت د ۱۹۴۱ کال دمی دلو مړی ورځی دجشن سره سمون خو ړ .

په هر صورت اوس راځو د (رنه) کیسی نه چی دامی ادامه ورکړه ړ

ـکله چی بیر ته کورته ستون شوم دنیمی شپی نه دری ساعته ټیره شوی وه. ښځـه می خپلا ستلی ټه وه او دپلاراو مور دکو ټـی خراغ هم بل و . پلارمی په بیره را خخـه پو ښتنه وکړه چی دکار نتیجه خنګه وه ؟ او ورو سته بیا زیر خا ټی ته لاړ او بـو ـبوتل شراب یی راوړ . دکـورنی ټول غړی خو ښ او خو شحا ل ښکا ریدل .

ـخه ښه خلك !

ـخه دی وویل ؟

ـهیڅ ادامه ورکړه .

ـوروسته بیادکار ښه بدلون ومو ندلـه زه نور دبرجونو دنړولـو لپاره نه تـلـم. په ټیره بیا دهما غه یو خلی نه پر ته‌ما هیڅکله‌دکو هښی په چا وتو او لاس پوری نه کړه . مور یواځی دښار نه بهر ټلو ټرخو هغه و سلی چی دالو تکی خخه مور ته اجول کیدل تر لاسه کړو .

تاسو نه دپرا شوت سره هم و سلـی اجو لی ؟

ـهوکی هره شپه چی آسمان شین و ما ویـل چی اوس به (روژه) راشی. او هغـه هم را ته ، او مور پخپلو با یسکلو نـو سپریدو او دلسونه تـر شلو کیلو متـر و پوری دښار نه بهرو ټلو .

ـتاسی یواځی دوه کسه واست ؟

ـنه نور خلك هم وو. مور په ټل بـه تا کلی خای کی پنځه یا خلور کسه وو. ما ټول پیژانده خکه چی هلکان به ز مو ږد کو خی خلك وو. دهغوی په منځ کی یـوه تنه یوه لاری مو ټر هم در لوده ا وهما غه سړی و چی و سلی‌یی خای‌ته رسو ل...

(رنه) ماته دوسلی دتحو یلولوخرنګوالی شرح را کوی .

ـتا سو ددغو وسلو سره خه چا ری‌سرته رسول ؟

ـډه پد ی هکله خه نه پو هید م خکه‌چی مور دغه و سلی دیو کیلو ال کور ته‌وړل‌او هرو مرو به نور کسان دغه وسلی کو م بل پت خای ته وړل . خو هغه شی با ند ی چی

زه ښه پو هیږ م داده چی مور د ۱۹۴۳کال دزوند په میاشت کی وتیول شو . دوسلـی اکثره پت خایونه دآلما نیانو له خوا کشف شوی وو .

ـنو پد ی رنګه‌داټولی‌وسلی‌هیڅ په دردونه خوړ ؟

ـهیڅ!

ـستاسو رئیس خولاو؟

ـډمو ټ دسیمی رئیس(روژه) وه . خـو دهغه پور ته هما غه سړی و چی مور بـی دموټر سره پله ور ساوه . دغه سړی نـه پر ته یوه ښځه هم وه چی کا ر کو له،خو ما یوه خلی هغه ولید او هغه هم یوه شپه وه چی یو ملګری دپرا شوت سره ښکتـه کید له ، هغه ښځه دغه ملګر ی په موټر کی کینا وه او را هی شوه . زه یوا خـی دومره پو هیږم چی هغه یوه انګلیسی ښځه وه خو ښا یی چی کومه میمه دنده یی‌در‌لودله د اخکه چی په ډیره آمرا نه تو ګـه غږ ید له او ستر ګی‌یی هیڅ ډارنه درلودلی.

ـستا سو په سیمه کی کمو نیستا ن هم وو؟

ـهوکی و، خو مور حق نه در لودل چی‌له هغو ی سره اړ یکی ټینګی کړو .

ـاو ته سو چ نه‌کوی چی دهغو وسلو یوه برخه هغوی ته‌ور کړا ی وا ی ؟

ـزه کا ملا موافق وم ،خکه زه پوهید م چی هغو ی په دغی و سلی په کا رواچوی.

خو پد غه هکله تصمیم نیو ل زمو ږ‌حق نه و .

ـګوره (رنه)، یواځی هغه وخت غلیـم باندی بریالیتوب امکـان لـری چی تـه او دتا په څیر نور جنګیا لی خلك سره‌لاس یو کړی .

(رنه) پس له دغه خبرو اترو خخه مـا سره ملګری شو . هره ورځ دخپل دټو نـد دسیمی ، دکور ، ښځی او کوچنیا نو پـه هکله غږ ید ل .زه او س پو هیږم چـی ددوی دډوډی پـه‌خونه کـی یوه او دسپنی خخه جوړ شوی ګل شته چی خپله رنـه هغه جو ړ کړی دی .

زه اوس ښه پو هیږم چی دبالښت ترخنګ یی یو وړ خراغ شته دسړ وکونو د خرا غونو په څیر . زه‌اوس پو هیږم چی ښځه یـی شر میلی او ډیره خوږه ده. زه او س‌دهغه په کور کی ښه بلد یم . پلار او مو ر یی هم پیژنـم، مینه وال، ګـاونـډیـان اوان د دهغه دټولنا نه ډیری وډی ټکی با ند ی ښه پو هیږم .(رنه) یو نجیب ، ساده‌او ژوندانه ته امید وار کار ګردی ، هغه پـه عین حا ل کی چمتو دی چی دخپل هیواد په لار کی خپل خوږ ځان جار کړی .(رنه) ما باندی ډیر ګران دی .

ټن سهار پخپل ورځنی لیك کی (تو نـی) ماته ډیر مهم خبرونه در لودل . (رو بـر) چی پنځه میا شتی مخکی زمور ته بیـل شوی و بیرته اردو ګاه ته راغی. هـغه‌یی پاریس ته یوو لی وه تر څو چی د ګټتا پو په وړاندی یو خل بیا ورځخه استنطاقوکړی هغه یو سلو یولس ورځی د (فر ن) په‌جیل کی‌کوته قلفی وه. اوس هغه دقرنطینه پـه بر خه کی په اولسم نمبر بلوك کی سا ټل کیږی . ډیر ډ ګر شوی دی خو (تو نـی) کو لی شی چی هغه ته په ور ځ‌کی یـوه ډوډی ور سوی .

بل خبر داده چی کو لی شو دهغه پـه واسطه‌بندیان دمر ګ خخه وژغورو.لیننګراد بیخی خپلواك شوی دی. دایوه هدیه د ه ستا لین ته د سور پو ځ دپرځه ویشتمـی کـالیـزی په ویاړ. زمابه خنګ کی یـو فر انسوی پروت دی چی دغه خبر پهوړاندی بی تفاوت ښکاری ، خو (رنه) خو شحالیږی اووایی :

(نوربیا)

صفحه ۵۵

بقیه صفحه ۹

فعالیت‌های ...

گرام مجو زه وپیشنها دات کشور های عضو پیمان وار سا همیشه‌روی تحد ید وکا هش سلا حهای‌نظامی وبخصو ص تحد یدوجلو گیری از تو لید سلا ح‌مر گبار اتو می بوده وطبعا این مو ضع گیری واتخاذ چنین مو قفی از طرف پیمان وا رسا در حقیقت به منظور خلع سلاح عام‌و تام میباشد . اما امپر یالیسم جها نی به هیچو جهه حا ضر نیست تا در برا بر این پیشنهاد کشورهای اعضای پیمان وارسا هوا فقت نشان دهد وبا استفا ده از حیل ووسا یل گو ناگون در صدد آنست تا کشور های آسیا یی را بخصو ص به انبار خا نه اسلحه تبد یل نموده واز این انبار ها برای اعمال مقا صد واهداف شوم خو یش‌استفاده‌نموده وبا استفا ده‌از چنین وسا یل، سا یه شوم ونکبت بار خویش را گسترده و این کشورهارامورد غارتگری‌قرار داده وتمام هستی ما دی ومعنوی‌ـ آنرا چور وچپا ول نموده است‌این دیگر به‌همگان‌معلوم‌است‌وضرو رت امپر یا لیسم جها نی ودر را س آن امپر یا لیسم امر یکا تجا وزکار است وبا خد عه وفر یب‌و نیرنگهای گونا گون ورنگارنگ‌نمی تو انـد توجه اذهان عا مه را از بحران دا خلی امپر یا لیسم بسوی دیگری معطوف دارد .

امپ ریا لیسم از آنجا ئیکه در عرصه های مختلفه مبا رزه اجتماعی موا جه‌به شکست های مر گبا ری گردیده وبه عقب نشینی هـای در قبال جنبش نجات بخش خلقهای زحمتکش خود امر یکا مجبور میگردد، اکنون‌که امپریالیسم در حا لت نـزع است ، با وجودآنهم تلاشهای مذبو حا نه ای راسر می دهد،اینجاوآنجاودر گوشه‌وکنار مختلف جهان دست به کود تا های ار تجا عی وضد انقلا بی زده ودر صدد آن بر آمده تا حکو مات دست نشا نده وگوش بفرمان خو یشرا بقد رت رسا ند ، با فر ستا دن‌نماـ یندگان‌ودست پرور دگان وغلا مان حلقه بگو ش خو یش در آرزوی پوچ وخام ایجاد موا نع در قبال مسیر پیرو زمند پرو سه انقلا بی بر آمده وباجا دان نمایندگان‌سر سپرده وسو گند خورده خو یش در صدد آنست تا حکو مات ملی‌و دمو کرا تیك ،حکو مات خلقی ومرـ دمی را که جد یدا در این کشور ها عرض اندام نموده از درون منفجر سازد اما دیگر این آرزوی خویش‌را امپر یا لیسم امر یکا از جمله‌درافغاـ نستان انقلا بی با خود بگـوربرد.

از تجاع‌جها نی به سر دمدا ری امپر یا لیسم ایالات متحده ایـن وا قعیت سر سخت را نمی خوا هد بپـذیرد که او ومخر بینش‌درجهان محکوم به شکست اند ودر هیچ عرصه زندگی اجتما عی برد با آنها نیست ، دوران وعصر ما، عصر فرو ریختن شیرا زه امپر یا لیسم، عصر پیرو زی های پی اندر پی خلقها ومو فقیت های بیشمارجنبش طبقه کارگر در کشور های سرماـ یدا ری ، عصر رشد روز افزون‌نیرو های صلح‌وعدا لت اجتما عی و... در این دوران وعصر که عصر ترقی وتکا مل شکو فان وسر یع السیر جوا مع بشری وعصر انقلا بات کار گری وآزا دی بخش نام گر فته است ، جر یان حوادث وتعقیب‌پرو سه انقلا بی جها نی خود می رسا ند که شکست ا ستعمار یا ار تجاع وامپر یا لیسم امر یست حتمی وقطعی وهیچقدرت ونیرو یی در عر صه منا سبات سیا سی جهان قادر نیست تا از این شکست وفنای حتمی جلو گیری نما ید .

در اثر پیرو زی های پی‌اندر پی پرو سه انقلا بی جها نی وعقبـ نشینی ها وشکست های فا حشی‌که نصیب امپر یا لیسم وار تجاع جها نی گرد یده ومیگردد بیشس از پیشس توا زن قوا بنفع نیرو های هوا خواه صلح ، دمو کرا سی وعدا لت اجتما عی تغییر نموده وهم چنان روز تاروزوبیش‌ازپیش‌این‌توازن قوا بنفع متر قیت وجهان انسانیت تغییر خوا هد نمود. این سلسله تغییرات عینی بوده تشکیل کا ملا مستقل از ذهن وشعور آد می تکو ین می پذ یرد ،جهان در مجموع وبشکل یك کل در تغییر وتجد ید دا ئمی است ، این پرو سه پیدایش ودا نشبی پد یده های نو و مرگ‌ـ و فنـا ی پد یده و فاکت قا نون ذا تی وعینی تکا مل است.

از جمله فعا لیت های خرا بکار امپر یا لیسم امریکا یکی‌هم عدم شر کت وتحریم با زیهای‌المپـای ۱۹۸۰ در مسکو است ، این عمل امر یکا بخو دی خو دشا هدشکست وبه اصطلاح احتجاج امر یکا برضد اینهمه شکست وعدم مو فقیت وبه اصطلاح واعترا ض (!) بر ضد پیرـ وزی های‌پی اندر پی متر قیت وبر ضد پیروزی های‌شگرف‌جهان‌دموکراب وبر ضد تغییر قوا بنفع نیرو های صلحدو ست ومتر قی وبه نقض نیرو های اهر یمنی جنگ طلب می باشد .

اگر نیرو های تجا وز گر وجنگ طلب ، نیرو های اهر یمنی وشیطان صفت وسا یر متحد ین پنها نی‌و آشکار شس بخوا هند یا نخوا هند مرگ حتمی وقطعی امر حتمی آینده آنها را میسازد واز این مر گـت وفنای حتمی‌نمیتوا نند گر یز نما ـ یند . کنون خلقهای میلیو نی و توده های زحمتکشس جهان با نیرو ی ده چندان وبا عظمت وا بهت‌بیسا بقه و همراه با متحد ین وفادار خو یش‌بر ضد نیرو های امپر یالیستی همچنان می رزمند ودر این رزمگاه پیرو زی قطعی وحتمی همراه با این خلقهای ستمد یده زحمتکشس بوده ودشمنا ـ نشس وهر آنکسیکه بر ضد ارا ده رزمنده توده های ستمد یده زحمت‌ـ کشس قرار گیرد مر گ وفنای آن حتمی است .

بیا ئید با نیروی اتحاد وهمبستگی بر ضد امپر یا لیسم جها نی ودر را س آن بر ضد امپر یا لیسم‌امریکا مجاهدت پیگیر نماییم وافتخارات بزر گی رابرای ما در وطن کما یی نموده وزند گی شرا فتمندا نـه وآبرو مندا نه ای را برای خلقهای زحمتکشس وطن خو یشس افغا نستان عزیـز ساز مان بخشیم پیـروزی از آن ما ست ، از آن خلقهـای ستمد یده و زحمتکش افغا نستان عز یز است

بقیه صفحه ۱۳

پیش گوئی ...

منظم تعقیب نموده بلکه بعضا دوام بریود آن از ۵۰تا ۱۰۰ سال وقت را نیز در بـر گر فته است .

با وجود تمام این تحو لات علت سر دی قسمت های وسیع کرهٔ زمین که ۲۳۰۰۰تـا ۱۰۰۰۰۰ سال دوام نموده آفتا ب نبوده بلکه تغیرات جزئی در مدار زمین بوده که با عث دور شد ن سیا را ت از آفتاب و با لنتیجه سبب کا هش رسیدن حرارت خورشید بـه زمین گردیده است .

نه‌تنها کاربن دای اکسا ید ، بلکـه کاربن کلورو فلور وناینروس اکسایـد نا نیز مثا به در گرم سا ختن زمین دارد حتی ذرات گرد وخاك حاصله صنعتی که چند سا ل قبل بحیث منبع سر دی‌تمـو سفیر بشمار میر فت فعلا منحیث‌منبع مهم تسخین کرهٔ زمین بحساب می آید اما علت عمده گرم شدن سطح زمین کاربن دا ی اکسا ید بوده و محتو یا ت آن به سرعت رو به افزا یش میبا شد . متخصصین دریافته اند که به اثر انقلاب صنعتی سا ل ۱۸۶۰ غلظت کاربن دای اکساید از ۲۸۵ حصـه در فی میلیو ن به ۳۱۲تا ۳۳۰ حصه در فی میلیون رسیده و به ۴۰۰ حصه در فی میلیون در سا ل ۲۰۰۰و دو چند آن در سا ل۲۰۶۰ خوا هد رسید .

تقلیل جنگلات :

تقر یبا نصف اندازهٔ کار بن دای اکساید موجوده تو سط ابحار و جنگلات جـذب گر دیده و نصف دیگر آن در سطح زمین با قی میما ند . قطع اشجارو جنگلا تعلت دیگر از دیاد این گاز در سطح میباشد.

تاثیر از دیاد کاربن دای اکسا ید بالای اقلیم چیست ؟گر چه اسناد تا ریخی مبنی بر اینکه کا ربن دای اکسا ید با عـث گر می اتمو سفیر زمین میگر دد مو جـود نیست اما سا ینس دانا ن معتقد ند کـه که گر می اتمو سفیر زمین در سا ل ۲۰۵۰ به اندازهٔ گرمی آن در ۴۰۰۰ تا ۸۰۰۰ سا ل قبل خواهد بود که درآن زمان قسمت ها ی وسیع دشت های امروزی منطقه حاره شاهد با را ن های زیاد بود . متخصصین اتحاد شوروی از محاسبات خود چنین نتیجه‌گیری نموده اند که در سال ۲۰۵۰ درجه حرار ت زمین به اندازهٔ ۴درجه سا نتیگراد بلند تر گردیده که‌در این صورت یخ بند های بحر منجمد شما لی ذوب گردیده و برا ی‌نخستین باربعد از ملیون ها سال در آن‌آب بـوجود خوا هد آمد البته سطح آب بلند نخوا هـد گردید ولی ذوب این یـخبندان هاباعث تغیر عمده اقلیم نیم کره شمالی میـگرددکه درنتیجه آن خشکسالی در مناطـق گرمتر ر خ خواهد داد .

آیا میتوان از گرم شدن اتمو سفیـر جلو گیری نمود ؟ تعداد کثیر اقلیم‌شناسان تو جه جدی متخصصین مربوطرابرای‌دریافت منابع جدید انرژی جلب مینمایند . البته به مشکل میتوا ن حکو ما ت را بدون‌داشتن شواهد واسنادمعتبر مبنی‌بـر خطر گـرم شدن اتمو سفیر زمین و مشکلات حا صله‌از آن قا نع سا خت اما انتظار کشید ن چنین زما نی ووقو ع‌این خطر خبر از دست‌داد ن فر صت و تحمل مشقا ت حا صله از آ ن چیزی دیگری نمیتوا ن از آن تو قـع نمود . تحقیقات وسیع جهت پیش بینی‌دقیق اوضاع جوی وانکشاف تکنالوژی‌جدیـد تولد انرژی جـهت تعویض انرژی مواد نفتی ادامه دارد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

ورزشکاران افغانی برای مسابقات المپیای ۱۹۸۰مسکو آمادگی می گیرند

ریاست عالی ورزش وکمیته ملی المپیك جمهوری دموکراتیك افغانستان ازچندی بدین طرف جهت اشتراك نمودن ورزشکاران افغانی درمسابقات المپیای ۱۹۸۰ که درتابستان سال آینده در کشور دوست وهمسایه‌بزرگ ماااتحاد شوروی برگزار می گردد به یك سلسله اقدامات موثر دست زده که در قدم اول انتخاب تیم های ورزشی را روی دست گرفته است چنانکه روز شنبه شش دلو مسابقات آزاد انتخاباتی بوکسنگ‌را در چمنازیوم پولی تخنیك کابل باشرکت یکعده ورزشکاران تازه وارد وکهنه کاران آن دایر نمود .

مسابقات مطابق به قوانین ومقررات پیش برده شد شرکت کنندگان ازوزن ٤٨ کیلو گرام به بالا رویاروی هم قرار گرفتند وبرای اینکه مسابقات طوریکه جوانان آرزومند آن بودند پیش برده شود ریاست ورزش کمیته یی رامرکب از ورزشکاران سابقه دارداشخاص چیر فهم موظف نمود تااستعداد و اهلیت کاندیدان تیم منتخب رابررسی و نظارت کنند .

مسابقات مطابق پروگرام مرتبه یا در نظر داشت پرنسیب طرح شده طوری بود که هریك آنها سه بار در برابر هم قرار گرفتند رابن دید وبازدید های مدعیان تیم‌منتخب باحضور یابی هزاران تماشاچی با ابراز احساسات نیك وگرم شان پیش برده شد .

درین مسابقات طوریکه گفته آمدیم چهره های برازنده وشناخته شده یی این ورزش دربین‌ورزش دوستان بوکس چهره های تازه‌کاری درخشیدند که برای بار اول در همچو یك رویداد توجه بیشماری ورزش بکس رابه خود معطوف داشت . چنانکه محمد عمر از کلب باغ بالاطی دو دیداری درین مسابقات چنان درخشیده مثل که سالهای درازی رادرچنین مسابقات با حریفان مصاف نموده باشد وهکذا فرید احمد از تیم تعلیم وتربیه که شناخت چندان زیاد دربین هواخواهان این ورزش نداشت توانست با حضور یابی اش در ین مسابقات بادرخشش عالی وچشمگیر خویش ثابت بکند که از استعداد خوب وقابل الکشاف درین ورزش برخوردارمی باشد نامبرده دوباردو حریف‌خوب وشناخته شده‌اش رابا حملات سریع مشت‌های کوبنده ازپادرآورددردیداری‌نخست محمدکبیر ازکلب عزیزوکیلی رادر دیدار دوم سید ظهورالدین از کلب باغ بالا راطی سه روند توانست مغلوب‌خودکند.

فیض محمد از کلب کارمند چهره دیگری از کاندیدان راه یابی تیم منتخب طی این مسابقات توانست با درخشش خوب و چشمگیر نسبت به مسابقات انتخاباتی اسپارتکیادمسکو که چند ماه قبل بود ودر آن مسابقات‌مغلوب یکی از حریفان گردید این بار توانست راهش رابه تیم منتخب‌باز کند .همچنان عزیزالله عزیزی چهره شناخته شده نیزطی این مسابقات توانست با ملاحظه به سکستنش در مسابقات انتخاباتی اسپارتکیاد مسکو با پیروزی اش در دو مسابقه راه خویش رابه تیم منتخب باز کند . عزیزی طی دو مسابقه که انجام داد. عبدالسمیع از کلب باغ بالارا با چندحمله سری حسابی ومشت های کوبنده درروند اول ناك اوت نمود . وحریفش که تعادل خودرا از دست داده بود نتوانست در روندهای‌دوم وسوم در برابر حریف خود ظاهر شود .

وهمچنان عزیزی در دیدار بعدی خود محمدانور ازکلب یاران صدیق راطی سه‌روند باکسب امتیازات قابل ملاحظه توانست برحریف پیروز گردد.

درین مسابقات علاوه بر شرکت کنندگان که باهم دیدار ها نمودند چهره های دیگری چون عزیزالله اختری- محمدحلیم-محمدعارف ورستم کارمند چهره های بودند که بدون ظاهر شدن حریف شان در رینگ در سکوی افتخارات بالارفته‌کپ های قهرمانی راافتخارانه در یافت نمودندکه این پیروزی برحسون وجبرای آنها ازطرف تماشاگران باگرمی خاصی استقبال گردید .

وقراریکه جدول نتایج انتخاباتی بکس‌نشان داد:

دروزن ٤٨ کیلو گرام :

ـ شمس‌الدین از کلب آریاناحایز مقام اول .

ـ سیدولی ازکلب باغ‌بالاحایز مقام دوم .

در وزن ٥١ کیلو گرام :

ـ نثار احمد ازکلب عزیزی حایز مقام اول .

ـ سید محسن از کلب کارمندحایز مقام‌دوم.

در وزن ٥٤ کیلو گرام :

ـ حمیدالله از کلب باغ بالا حایز مقام اول .

۲ـ حمیدالله از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .

ـ محمد نعیم از کلب‌عزیزوکیلی‌حایز مقام سوم .

در وزن ٥٧ کیلوگرام :

ـ غلام ربانی ازکلب آریانا حایز مقام اول .

ـ محمد هارون ازکلب‌باغ بالاحایز مقام دوم .

د روزن ٦٠ کیلوگرام :

ـ فیض محمد کار منداز کلب‌کارمندحایز مقام اول .

ـ شهاب‌الدین از کلب آریاناحایز مقام دوم .

ـ عبدالجلیل از کلب‌باغ‌بالا حایز مقام سوم .

در وزن ٦٣½ کیلوگرام :

ـ صلاح الدین از کلب خراسان حایز مقام اول .

ـ محمد حسن ازکلب باغ‌بالاحایز مقام‌دوم.

در وزن ٦٧ کیلو گرام :

ـ عزیز احمد اختری ازکلب‌اختری‌حایز مقام‌اول.

در وزن ۷۰ کیلو گرام :

ـ عزیز الله عزیزی ازکلب عزیزی‌حایز مقام اول .

ـ محمد انور ازکلب یاران صدیق حایز مقام دوم .

ـ عبدالسمیع از کلب باغ‌بالاحایز مقام سوم .

در وزن ۷۵ کیلوگرام :

ـ عبدالحلیم ازکلب‌نساجی‌افغان حایز مقام اول .

در وزن ۸۰ کیلوگرام :

ـ فرید احمد از تعلیم وتربیه حایز مقام اول .

ـ سید ظهور الدین از کلب‌باغ بالا حایز مقام دوم .

ـ محمد کبیر از کلب عزیزوکیلی‌حایز مقام سوم .

در وزن ۸۰ کیلو گرام به بالا :

محمد عارف ازکلب آریانا حایز مقام اول.

مرحله نوین ...

بقیه صفحه۷

دولت وزعامت جدید افغانستان در تلاش این اند که چگونه وچطور میتوانند برای آرامی مردم افغانستان که سخت رنج دیده اند مصدر خدمتی گردند واز حق نگذریم که در طول مدت دو ماه کار های بس بزرگی انجام شده است .

به عقیده من آزاد شدن زندانیان سیاسی واسترداد جایداد های مردم که به نا حق از یکعده وطن پرستان مابه زور وجبر گرفته شده بود از کار های مهم وباارزش دولت ماست.

آزادگذاشتن مردم به مناسك مذهبی شان‌ازکارهای‌دیگر دولت‌ملی‌ودموکراتیك‌ماست که در خور توجه است .

سوال بالا را از یکعده همکاران دیگر فوضیه امیری نمودم‌که آنهاحرف های همکار شان را تایید میدارند . ودر ضمن با یکصدا گفتند که آزادی که بزرگترین نعمت خداوندی است وهر کس حق‌دارد آزادزیست نمایند در ظرف همین مدت کمتر از دو ماه از طرف دولت ما ، بهترین شکل برای مردم ماداده شد وحقوق فردی واجتماعی مردم مخصوصا زنان به بهترین وجهی‌حمایت میگردد .

• از جوانی به اسم محمد امان در بارهٔ مرحله نوین تکامل انقلاب ثور پرسیدم ، گفت : شاید من از هرکس دیگر معنی این تحول را بیشتر درك‌کنم زیرابیشتر ازیکسال رادر زندان مخوف پلچرخی سپری کردم ، ودوماه قبل‌که آزاد گشتم ، میدانم که‌زندگی چیست وآزادی چه معنی دارد .

ـ بلی آزادی واقعا زیباست ، واین زیبایی وفرحت را جمهوری دموکراتیك افغانستان پس از مرحله نوین تکامل انقلاب ثوربه ماداده است من اززندان پلچرخی قصه های زیادی دارم ، قصه غمی تلخ ودردناك از ظلم امین وباند جنایتکارش. یکی از این جنایات زندانی کردن صد ها کودك بی‌نوا بودبلی آنها زندانیان سیاسی بودند در حالیکه سن این کودکان بین‌یك تا هفت سال بود. آه چقدر شرم آور بود آن همه ظلم ووحشیگری .

جوانان که جز سعادت وخوشبختی مردمش چیزی نمی خواستند به جرم اینکه آزادی را دوست دارند به زندان افگنده شدند وای‌بسا که بسیاری ازاین جونان ماهر گز از زندان بیرون نشدند ، زیرا بسیاری از آنان در زیر شکنجه های طاقت فرسای باند خون آشام امین نابود گشتند وجان خودرا در راه آزادی از دست دادند .

باید بگویم که صدای حق و عدالت برای امین وباند وی خوش آیند نبود، زیرا آنها از عدالت می ترسیدند .

بخاطریک...

بقیه صفحه ۸

دراتحاد شوروی کمك های‌اولیه‌طبی برای مادران واطفال به کدام معیارات مدنظر است ؟

پرورش مورال عالی وزمینه ای ارتقا دادن به‌شخصیت طفل‌مساله‌جداناپذیر از صحت‌مندی طفل می‌باشد . در اتحاد شوروی سیستم علمی طبی‌ازصحت مندی‌تمام اطفال وارسی‌جدی‌بعمل می‌آورد .یعنی مادران واطفال را بادر نظرداشت میتودهای‌کاملا جدید طبی تحت نظارت قرار میدهند ووقتا فوقتا آنها رادرکلنیك های‌مربوط تحت بازپرسی طبی قرار میدهند.

درسال (۱۹۷۸) در حدود (۱۲۰۰۰۰) اطفال به‌پولی کلنیك هاودر حدود یك صد هزارخانم به‌زایشگاه ها ومراکز صحی مراجعه نموده اند. به هزاران دوکتوران ورزیده ومتخصصین‌مسول بازی پرسی طبی اطفال ومادران میباشند دراتحاد جماهیر شوروی برای آن دوکتورانیکه دررشتهٔ امراض طفل تخصص حاصل میدارند ، انستیتوت های کاملامدرن ومجهز باوسایل طبی آماده وعمه سالـه‌عده‌بیشتراز دوکتوران جوان شامل این انستیتوت‌هاگردیده بعداسند فراغت‌را بدست‌می‌آورند ودرمرکز طبی مشغول خدمات اجتماعی میگردند .

مردم کشور ما سال بین المللی طفل رابه معنی واقعی آن برگزار نمودند ، وتمام فعالیت های مردم ما برای تربیه نسل سالم آینده در خور توجه است . وبه همین اساس‌است‌که نیروهای طرفدار صلح در سراسر جهان برای امر صلح‌وامنیت جمعی به صورت خستگی ناپذیر مبارزه مینمایند .

زیرا این صلح است که در تربیه وپرورش اطفال ممد وموثر است واطفال نیز ضرورت شدید به امر صلح دارند .

Tabton.com: The Digital Library

جواب به نامه های شما

سلام به همکاران وخوانندگان عزیز!

بعداز دعای سلامتی بحق شما، از اینکه به‌جوابگویی نامه های‌شماموفق نشدیم،پوزش میخواهیم .اشاره شود که‌چندی قبل جوابیه‌یی ازمجترم بوهاند محمد فا ضل یه عبدالمجید ایشچی درباب مباحث روان‌شناسی وجامعه شناسی نگاشته شدکه درهمین صفحهٔ جواب به‌نامه هابه‌نشر رسید. حال محترم دادعلی نیرو به دنبال‌برخورد فکری‌آن‌دودوست ناآشنا مقاله نگاشته است‌که ذیلامیخوانید؛

اخیراً درشماره (٤٦) مجله وزین ژوندون ،درصفحه‌اختصاصی«جواب نامه های شما» جوابیهٔ‌به‌نشررسیده بود که نویسنده محترم آن ، ضمن‌رد ایراد یکه قبلا بروی وارد آمده بوده است ،به این اصل نیز تاکید ورزیده است‌که‌گو یا انقلاب علمی وفنی زاییدهٔ ذهن مخترعین وکاشفین میباشد وآنهم نویسندهٔ محترم باورمند میبا شد که‌این انقلاب‌درقدم اول محصول ذهن ودماغ مختر عین ،ودرقدم دوم برای رفع مشکلات‌بشر یت وجهت تامین سعادت آنا نست.چون نویسنده،درنقش فکر غلو ورزیده وعوامل اصلی وعینی انقلاب ساینس وتکنا لوژی را نیز از نظر بعید افگنده است ،لذا لازمی به‌نظر میر سد تا درین خصوص اندکی مکث کنیم .

در روند پویشگر زمان ،هر تحول رویدادیکه بظهور میر سد برپایه عملگرد قوانین عینی تکا ملی پدیده ها صورت میگیرد ،بویژه انقلابات اجتماعی وپیشر فت های جهشمند علمی وتکنا لوژیک که درعصر ما آهنگ‌پر طنین وشتابندهٔ آنها درسراسر کره‌ارض‌متموج میباشد ،تصادفی نبوده ومحصول ذهن این ویا آن رجل سیاسی وساینتیست نیست . همچنان این سخن مفهوم آنرا ندارد که نگارندهٔ این سطور از نقش افکاررجل سیاسی ومحققین علوم طبیعی انکار کرده وچشم‌پوشی نما یم، بلکه قصد آنست که‌باید درهمه زمینه ها،بالاخص درزمینه‌تنا سب منطقی بین نقش افکارو اختراعات ازیك طرف وبین قوانین تکا ملی جامعه ودترمینیزم زمان ازطرف‌دیگر مدنظر باشد ..

پژو هش های تاریخی روشنگر آنست که‌سطح رشد نیرو های مولده ،در هر فرما سیون اقتصادی واجتماعی،شا خص معیار سیطره انسان بر طبیعت بوده برو فق اقتضا ات مادی ومعنوی همان فرماسیون تکا مل میکند .از جانب دیگر عامل‌تکا مل نیرو های مولده فکر نیست ،گر چه‌انسان جزو فعال وخلاق نیرو های مولده راتشکیل میدهد .اما فکرخود در پروسه تولید ونعمات‌مادی جامعه تغییرو تحول یافته وتکامل میکند .زیرا منشا بروز وعا مل تکا مل دهنده فکر ،کار وبویژه کارتولیدی میباشد .بدین مفهوم‌که انسان بمثا به موجود زیستمند ضرورت به‌بقای خود دارد، این امر اولتر ازهمه مقتضی‌حوا یج اولیه وضروری نظیر خوراك ، پوشاك وسرپناه‌میبا شد، درحالیکه حوایج ماد ی‌تنها در پرتو کار وفعالیت های تولیدی‌و خلاق انسان میتواند میسر آید بهمین منوال‌میدانیم که‌کار بدون ابزارکار صورت گرفته نمیتوانـد، اینجاست که انسان جهت تهیه حوایج اولیه خود به‌کار وتولید ووسایل تولید نیاز مندمیباشد معهذا درشیوه‌ای جاد وتهیه وسایل تولید وامر بکار بست‌آن درپرا نیك تولیدی انسان می‌خواهد به‌سطح حوایج را ارتقا دهد .این امروقتی تحقق می یابد که ابزار کار تکامل داده شود ولی درجریان چنین عملیه ها، انسان نیزخودرا از لحاظساخت ذهنی وجسمی تغییر میدهد .

درینجا باید تذ کار داد که که اگرفکر را منشا ویا عامل رشد وسایل تولید بدانیم وبا ور مند آن‌باشیم که فکر عامل ومظهر همه انقلابات درجا معه میباشد ،دچار اشتباه جد ی‌شده ایم زیرا این تغییر وتحول شیوه‌تولید ودر کلیت آن تغییر وتحول جا معه است که‌افکار انسان را تغییر میدهد. غنا می‌بخشدوهمواره درآستانه تکامل قرار میدهد .اینکه بعد ازپا یان‌دورهٔ قرون‌وسطی درغرب‌درزمینه علم وتکنا لوژی جهشی هـای شگرفی بوقوع پیوست یك رویداد تصا دفی‌نبود وزاییدهٔ ذهن ودماغ این ویاآن مخترع وکاشف‌ومحقق نیست ،زیرا درغرب زمانیکه ارکان نظا مات کهن فیو دالیزم قرون وسطا یی دربرابر رشد وجو لان نیرو های نوین اقتصادی‌کپیتا لیزم از هم فرو پاشید ومحمل های عینی وشرایط مادی وذهنی رابرای رشدوگسترش‌محیرالعقول علم وتکنالوژی فراهم‌گردانید ،همانا انقلابات بورژوازی بود که زمینه راجهت تحقیقات‌علمی واختراعات مساعد ساخت یعنی درهر انقلاب اجتماعی زمینه برای رشد وجولان نیرو های مولده توسعه می یابد . اما زمانیکه باانقلا بات بورژوازی نظا مات مند رسس‌قرون وسطایی درغرب درهم شکستند ،باید تولید نیز سریع می‌شد ،وسایل تولید کارگاه ها، موسسات علمی وتخنیکی بمیان‌می‌آمد ند وپیو سته گسترش می‌یافت بدین مفهوم کـه‌بورژوازی مقتضی ایجادوتوسعه صنایع‌میباشد در حالیکه ایجاد وتوسعه صنا یع بدون ماشین‌وتحقیقات علمی امکان ندارد .

چون همزمان با نضج وتکوین سیستم های اقتصادی‌کپیتا لیزم درغرب درمراکز شهری ،کار گران تجمع یافتند کارگاه ها ایجاد گردید وضرورت افزایش تولید جداً محسوس گردیده و بد ین ترتیب احتیاجات‌مادی درپروسه‌تولید ودرامر افزایش محصولات تولید موجب‌گردید که‌ز مینه تحقیقات علمی ،اختراعات‌واکتشافات بسط وانکشاف یابد «درین عصر (قرن ١٩) براثر کثرت جمعیت وتمر کز آنها درشهر ها واحتیاج به تولید زیادتر وکا مل تررونق وپیشر فت تحقیقات علمی شروع میشود ،زیرا سر وصورت‌دادن پیشه وهنر کارگاه‌ها وتو لیدات کشا ورز ی‌وصنعتی‌احتیاج به مطا لعات دقیق‌درباره مزرعه ،محصو لات خام ،نباتات وازدیادراندمان کار وغیره ...دارد»

اختراعات واکتشافات که‌درتوسعه علم وتکنا لوژی در سده نزد هم تحول شگرف وجر خش کیفی رونما ساخت وبا وجودیکه در عر صه تحقیقات علمی علما ونوابغ بظهور پیو ست‌درقدم اول مر هون رشد شیوه تولید وتقاضای زمان وزندگی اجتماعی بود. هرگاه انقلاب درسا ینس وتکنالوژی راکه‌درعصر مابدان عنوان انقلاب علمی‌ـفنی داده اندمحصول ذهن ودماغ علما ونوابغ بدانیم مفهوم آن را دارد که رجال سیاسی ورجال علمی قادراند مظهر انقلابات اجتما عی وعلمی‌وفنی گردند مگرحقیقت آنست که شروع تحقیقات علمی ظهور اختراعات واکتشافات ودرنیجه انقلاب صنعتی» درجامعه بورژوازی صورت گرفت که‌ناشی از ضرورت‌عینی وتاریخی این جا معه بود طوریکه یکی ازاندیشمندان برولتا ریا میگفت.

«اگر بعد از اینکه شب تاریك قرون وسطی خاتمه یافت ،علوم دفعتاً با نیرویی که خواب آن هم دیده نمی شد بمیان آمد ،با سرعت معجزه آسا تکامل میکرد .یکباردیگر این‌معجزه را مرهون تولیدمیدانیم»

روی فرض‌اگرانقلاب علمی وفنی رادر قدم اول محصول‌ذهن ودماغ علما نوابغ‌ومحققین بدانیم‌با یدبه **این پرسش پاسخ بدهیم که** چرا این‌انقلاب درخصوص علم وتکنا لوژی در دهلیز های صا مت وتاریك قرون وسطی بظهور نه پیوست ویا چرا ماشین‌در فرماسیون اقتصادی اجتماعی‌جامعه‌بردگی‌نمایان نگردید ؟ اگر جواب این پرسش ها بگو یم که‌چون در آنوقت فکر تکامل نکرده بود ویا ذهن علما قدرت اختراع وکشف راحا یز نبود،

(c) ketabton.com: The Digital Library

متعا قبآسوال دیگری مطرح میشود که‌پس عوامل رشد وتکا مـــل فکر چیست ؟نظیر ایـن سوالات‌زیاد است لذا باید اذعان کرد کـــه این ضرورت زمان واقتضای شیـوه تولید سرما یه داری بود کـــه دگرگونی هـای شگـر فی درساحه علم وتخنیك رونما گردانید چنانچه «همزمان باتولید کپیتا لیستـی عامل سا ینتیفیك باراول‌اگاهانـه به پیمانه یی تکامل کرد ، تطبیـق گردید وبوجود آمد که ادوار پیشین هیچ درکی از آن نداشت »

ازآنجا که‌فکر درجریان‌تغییروتحول شیوه تولید نعمات مادی ودرکلیت امر در پروسه زمان وزندگـی اجتماعی شکل میگیرد ،تحـول می یابد وتکا مل میکند لذا همـه انقلابات ،خا صتـاً انقلاب‌علمی‌وفنی درقدم اول زاییده ذهن ودماغ‌علمـا ونوابغ نه،بلکه درقدم اول محصول پراتیك تولیدی وبازتا بی ازضرورت های‌عینی زمان میباشد این پراتیـك است که‌تفکر واند یشـه ودرمجموع معرفت آدمیان رابوجود آورده‌وتکا‌

مل می بخشد «معرفت خودبر اساس پراتیك وبطور عمده‌براثر تولیدمادی پیدا شده است ،انسان ازهمـــان گا م های‌نخستین موجود یت خـود مجبور بود کارکند ووسایل زندگی خود رابدست‌آورد .او درجریان‌کار وزحمت بانیروهای طبیعـــت بر خورد کرد وبه تدریج به آنهـا معرفت یافت . تکامل تولید پیوسته معلومات بیشتر وپیشتری راطلـب میکرد.از همان‌قرون قدیم بـرای انسان ضرورت اندازه گیری سطح زمین ،شمارشس افزار کارو محصو‌لات تولیدشد ه‌پدید آمد .درنتیجـه این امرنطفه های معلومات‌ریاضـی بسته‌شد انسان‌خانه‌ساخت جاده‌وپل ساخت سیستم آبیاری پدید آورده وغیره برای اینها همه دانستن‌قوا‌نین مکانیك لازم بود بد یـــن ترتیب تحت تاثر احتیا جات پراتیك استعداد معر فتی انسان رشدیافت علوم‌پدیدآمدند اساس‌پیدایش‌علوم اجتماعی نیز پراتیك است »

درجریان رشد نظام کپیتالیـزم تحولات وانکشاف میخانیك وریا ـ ضی وعلوم دیگر با ارتباطضرورت های رشد پروسه‌تولید حمل ونقـل ،کشتی رانی،تجارت‌وصنایع‌ماشینی بمیان آمد وتکا مل کرد بهمین‌نحوه تولید جامعه بورژوازی رشد سریع صنایع ماشینی را طلب میکـــرد

در حا لیکه این کار بدون علـــوم نظیر کیمیا ،جیو لوژی ،فزیـــك بیولوژی وغیره امکان نداشت‌به‌تغییر دیگر احتیاج به‌تولید سریـــع ورشد محصولات تولیدی‌پایـه‌های ضروری تکامل علوم‌وتکنا لوژی‌رامی سازد «احتیاج به‌تولید زیاد تـر، منجر به توسعه وتکا مل علـــوم نظیر مکانیك فزیك ،کیمیا،هیـــت وغیره میشود واحتیاج شد ید بـه پیشرفت‌های‌صنعتی ،یعنی ضرورت بکار بردن ابزار ووسایل میخانیکی باعث میشود که دانشمندان‌درین ساحه از فزیك شاهد پیشرفـــت های‌زیاد تری باشد »

درعصر ما، این عقیده که انقلاب علمی‌وفنی محصول ذهن‌ودماغ‌علماو نوابغ میباشد بااین نظر که زبده‌گان رجال‌زورمند سیاسی‌شخصیت‌های بزرگ، سلاطین وامرا را سازنـده تاریخ‌می دانندهمسازبوده واز لحاظ مبانی‌فکری وطبقا تی همگو نانـد که‌بیشتر نمایند گان ارتجاع وامپریا لیزم بدان باور دارد مثلا همانطور‌یکه در نظر نخست از نقش توده ها وازپراتیك انکار بعمل میاید به‌همان نحودر نظر دوم‌نیز از نقشـــــ خلا ق و سا ز نـــده تـــو ده ها در امر خصلت تاریخ ساز آنـان ا غما ضـــ میگـــر د د . اگـــر بگوییم که‌چند نابغه‌عالم وساینتیست نیز پراتیك انجام میدهنـد ،تفکرو تعقل بخر ج مید هند ودرفر جامین شیوه تحقیقات اینها است که برخی اختراعات و کشفیات صورت میگیرد ازیك‌جهت درست به‌نظر میرسد ،اما سخن یکجـا نبـه میبـا شـد زیرا «پراتیك دارای‌خصلت اجتماعی «است پراتیك‌فعالیت‌این یاآن‌شخصیت اجتماعی نیست‌بلکه فعا لیت‌آن‌توده های‌مردم فعالیت‌تمام‌زحمتکشان‌است» درست است‌که اختراعات وکشفیات تحول شگرفی را در صنایع ماشینی رونما گردا نده است اما عا مـــل محر که وانگیزه اصلی ایکه‌علمـا ونوابغ‌دررشته‌های مختلف‌به‌تحقیقات وامیداردآن احتیاج به‌تولید بهترو‌احتیاج‌به افزاشس محصولات‌تولیـد وبالاخره احتیاج‌به‌بهتر ساختن‌ومیل زندگی میبا شد .

چون پراتیك‌مبدا معرفت وعا مـــل آنست اما باید گفت که پراتیـــك اشکال متنوع دارد که هر یـــك درامر رشد وتکامل فکرو درامـــر توسعه علم وتکنالو ژ ی‌اثر مـــی اندازاند مثلا تنها عمل تولیدی و‌احتیاج به نیاز مندی مادی موجـب تکامل‌ابن‌ارو تفکرآدمیان نیست‌بلکه مبارزه طبقاتی نیز درین خصوصـــ نقشس مهمی راحا یز میباشددرجریان مبارزه‌طبقاتی کار گران بود که بورژوازی به عقب نشینی موا جـــه گردیده‌ودرتکامل ابزار تولیدوتوسعه کارگاه‌هاو صنایع‌ماشینی پرداخته‌اند « نقر یباًتمام اختراعات نتیجـــه مبارزه میان کار گران وصا حبـان کارخانه است .... بعد ازهـــر اعتصاب نسبتاًمهم یك ماشین‌جدید ظهور کرده است »

درینجاباوصف‌مطالب پیشین‌چندمثال می آوریم مثلا فکر کینم کـــه‌طرح سا ختن‌سر پناه برا ی‌اولیـن بار چگونه شکل گرفت.آیاطرح ساختن خانه درقدم اول محصول فکر بـــود یا انعکاس از احتیاج انسان کـــه باید درزمره‌خوراك وپو شاك ایـــن ضرورت‌اولیه رانیز داشته باشـــد تامصؤن بماند بهمین ترتیـــب آیا بعد از پیدایش طرح داشتـــن یك‌سر پناه انسان‌قادر بودکه مانند امروز خانه زیبا و مطلو بی را اعمار نما یـــد ؟

مسلماً جواب منفی است زیرا در ـ قدم اول طرح سا ختن سرپنـــاه نه محصول ذهن وفکر ،بلکه زاییده احتیاج مادی انسان بود بهمین‌شکل خانه هم یکباره بوسیله قدرت محض فکری آدمیان ساخته نشد ، بلکـــه تدریجاً چنین احتیاج مرفوع گردید ازین مثال به این نتیجه میرسیـم که‌درقدم اول احتیاج مادی ودرقـدم دوم پراتیك است که درپیدایشس‌و تکامل فکر کمك بهم میرسا ند.اما باید تاکید کردکه این‌سخن‌مفهوم‌آن راندارد که ماازنقش فکر انسـان انکار کنیم زیرا فکربه‌نو به‌خودنیز درتسریع وبهبود پراتیك‌نقش ایفا میکند .درمثال دوم بایدگفت کـه اختراع وکشف تمام ماشیـــن ووسایل تخنیکی کنونی درقدم اول محصول احتیاج به این ماشیـــن ووسایل میباشد که مخترع وکاشف رابه تحقیق‌وپژوهش وامیدارد.مثلا اگر موجودیت ابحارمانع حمـــل ونقل نمیگر دید اصلا سا ختن کشتی مطرح نمی شدولی اینکه طـــرح سا ختن کشتی درافکار انسان‌راه یافت، سپس به ساختن آن اقـــدام به‌عمل آمد نمیتوان آن را درقـــدم اول محصول ذهن ودماغ بشربدا‌نیم،البته درینجاتاکید بر «قدم اول» است‌زیرا فکر در سا ختن کشتـی نقش موثری حایز میباشد مگـــر مفهوم آنرا ندارد که‌همه‌انقلابـــات تحولات ،وسایل علمی وفنـــــی تنها ومحض‌وآنهم در قدم‌اومحصول ذهن ودماغ علما ،نوابغ ومحقیقـن باشد .

وقتیکه جای ما نو فاکتوررا ، صنا‌یع بزرگ‌ماشینی امروز گرفت اگر آنرا مطلقا ویادر قدم اول‌زاییده‌ذهن ودماغ انسان بدانیم ازتکا مل‌قانو‌نمند نیرو ها ی‌مولده وازرشـــد و گسترش‌قانو نمند زمان وزندگـی اجتماعی انکار میکنیم زیرا مانو فا‌کتور ازآن جهت جای خودرا به صنا یع‌بزرگ ماشینی دادکه ضرورت‌تو‌لید سرما یداری ایجاب‌میکردچنا‌نچه این مطالب راپیشوایان پرولتا‌ریا در سده نزدهم چنین ارزیابـی میکنند « ...اما بازار هـا پیوسته گسترده‌تر وتقاضاها دمبدم فزونتر میشد اینك مانو فاکتور هـــم دیگر نمیتوانست تقاضا هاراپاسـخ گوید .آنگاه بخار وماشین درصنعت انقلاب ایجاد کردند جای مانوفاکتور راصنایع بزرگ‌امروزین ...گرفتند»

درنتیجه باید گفت که انقـلاب علم ی‌وفنی درقدم اول‌محصول‌ذهن ودماغ علما ونوابغ نیست ، بلکـــه محصول‌پروسه تولید بورژوازی‌و‌ناشی ازضرورت مادی ومعنوی این جا معه وبالا خره زاییده زمان معین میبا شد که درآن‌اندیشه‌وتفکـــر وتحقیقات علمی نقش ثانوی راحا‌یز میباشد نه درجه اول را.

انیس
ژوندون

مدیر مسؤول : شیر محمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکزای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
مهتمم : نوریه
آدرس : انصاری وات، مقابل ریاست مطابع دولتی
تیلفون دفتر : ۲۶۸۴۹

دولتی مطبعه

(c) Kodakon.com: The Digital Library

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library